

ژورنال

شماره ۱۰۰۱

۳۱ مارس ۲۰۲۵ - ۱۱ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

پذیرش هزیمت و شکست، اما غیرمستقیم!

سیامک بهاری

کابوس‌ها و رجزخوانی‌های خامنه‌ای

اصغر کریمی

اعتراضات کشاورزان شاتور علیه بی‌آبی!

سینا پدرام

کمپین حزب به هدف اعلام شده خود رسید

لیست شماره ۶ - پایانی

پذیرش هزیمت و شکست، اما غیر مستقیم!

سیامک بهاری

پزشکیان: ”رهبری اجازه داده که مذاکره غیر مستقیم
همچنان می تواند ادامه داشته باشد.“

سه هفته پس از نامه ترامپ خطاب به خامنه‌ای و
تأکید بر ”توافق یا حمله نظامی“، جمهوری اسلامی
ناچار شد در پاسخی سرهم‌بندی شده اعتراف کند
که راه مذاکره بسته نبوده، همواره غیر مستقیم وجود
داشته از آن پرهیز نمی کند و گله گذار است که
مشکل بدعهدی طرف مقابل است!

خامنه‌ای که هر نوع مذاکره با آمریکا را غیر

شرافتمندانه، غیرهوشمندانه می‌دانست و رجز می‌خواند که ”من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد، با قلدر مذاکره نمی‌کنم“ اکنون خودش به نامه دونالد ترامپ پاسخ داده است.

استیصال و عقب‌نشینی آشکار و البته قابل‌انتظار حکومت اسلامی با اسم رمز ”گفتگوی غیرمستقیم“ با آمریکا، آغاز فروپاشی گارد به ظاهر بسته‌ای است که سال‌های متمادی جهت تظاهر به سرسختی در مواجهه با شیطان بزرگ، به دیپلماسی فریب حکومت اسلامی بدل شده بود.

کاملاً روشن است که اولتیماتوم آمریکا به جمهوری اسلامی، بر سر چانه‌زنی نیست! در اساس اصلاً

مذاکراتی در کار نیست! موضوع بر سر پذیرش شرایط جدید، برچیدن بساط ماجراجویی هسته‌ای، کنار گذاشتن برنامه توسعه تسلیحات موشکی و دست کشیدن از تقویت تروریسم اسلامی و نیابتی‌ها در منطقه است. این صورت مسئله شکستی است که خامنه‌ای در رأس باند حکومت اسلامی، گیر افتاده در گوشه رینگ باید بپذیرد، سپر بپردازد و تسلیم شود!

نه مانورهای نظامی، نه نمایش شهرهای موشکی، نه فریب کاری‌های دیپلماتیک، نه اتلاف وقت و توسل به میانجیگری، نه اتکا به محور روسیه و چین، مذاکره پنهان با سه کشور عمده اروپایی در ژنو، هیچ کدام صحنه واقعی شکست حکومت اسلامی را نمی‌تواند تغییر دهد.

خامنه‌ای سه هفته، تقلا کرد، با رتوش صحنه‌ای که آشکارا ضعف و ناتوانی او را غیرقابل انکار می‌کند، با شعبده‌بازی نخ‌نما، ”مذاکرات غیرمستقیم“ را به امید چانه‌زنی بر سر توافق از کلاه جادو در بیاورد.

عقب‌نشینی، توافق و سازش و مذاکرات آشکار و پنهان، مستقیم و غیرمستقیم با آمریکا شاید مفری برای نجات حکومت باشد، اما رودررویی با جامعه‌ای خشمگین و زخم‌خورده که زیر فشار سرکوب و حشیانه، فقر و فلاکت تحمیلی به ستوه آمده و می‌خواهد بنیان حکومت اسلامی را از ریشه در بیاورد نه مذاکره بردار است نه توافق بردار!

کابوس‌ها و رجز خوانی‌های خامنه‌ای

اصغر کریمی

خامنه‌ای روز دوشنبه در نماز عید فطر گفت: “تهدید می‌کنند شرارت خواهند کرد. اما احتمال زیاد نمی‌دهیم از بیرون شرارتی انجام بگیرد. اما اگر از بیرون شرارتی انجام بگیرد ضربه محکم سختی خواهند خورد. اگر هم به فکر فتنه در داخل کشور باشند جوابشان را خود ملت ایران خواهد داد.”

چند نکته را باید به خامنه‌ای و مخاطبین حکومتی‌اش یادآوری کرد:

۱- در خارج شرارتشان را در چند ماه اخیر کردند

و نیروهای نیابتی‌تان را به خاک سیاه نشانند و
”ضربه محکم سختی“ هم نخوردند!

۲ - قاسم سلیمانی را زدند و ضربه محکم سختی
نخوردند. پایگاه الاسد را موشک‌باران کردید؛
اما خودتان از قبل به آنها اطلاع دادید تا آمادگی
داشته باشند و ضربه‌ای نخورند! البته بجای آن
ضربه سختی به ۱۷۶ سرنشین هواپیمای اوکراینی
زدید.

۳ - الان هم که گفتید مذاکره شرافتمندانه نیست؛
ولی ترامپ تهدید کرد و رفتید پای مذاکره و
تسلیم‌شدن دلیلی نمی‌بینید که بخواهند از خارج
شرارت کنند. ولی نکته اصلی‌تر در صحبت امروز
شما همان ”شرارت“ در داخل کشور است.

۴- اما در داخل هم دشمنان شما “شرارت‌های” زیادی انجام دادند و شما غلطی نتوانستید بکنید. اسماعیل هنیه را زدند، مراکز نظامی را هم زدند، قبل‌تر دانشمندان اتمی‌تان را هم زدند؛ اما ضربه سختی نخوردند. اسناد فوق‌محرمانه اتمی را هم بار کردند و بردند کاری نکردید!

۵- اما “شرارت‌های” بزرگ را در داخل دشمنان واقعی شما انجام داده‌اند. “شرارتی” بزرگ‌تر از بی‌حجابی سراغ دارید؟ دیش‌های ماهواره‌ای را هم حتماً یادتان هست که چگونه تلاش کردید جلواش را بگیرید الان به قول رئیس کمیسیون قضایی و امنیتی مجلس‌تان متروکه شده است. مذهب‌تان را سکه یک پول کرده‌اند. کنسرت‌های بی‌حجاب می‌گذارند، رقص‌های مختلط و جمعی

آن‌هم در ماه رمضان‌تان ترتیب می‌دهند و سنگ‌های دیگر‌تان را یکی پس از دیگری دارند می‌گیرند و به جز رجزخوانی غلطی نمی‌توانید بکنید.

می‌گویید سیاست‌های‌تان عوض نشده! پس از ۴۶ سال آن‌هم در روز قدس دستور دادید کسی شعار مرگ بر آمریکا ندهد. در پیام خودتان هم نه کوچک‌ترین اشاره‌ای به تسخیر قدس کردید و نه کوچک‌ترین تهدیدی علیه اسرائیل. اما از کابوس ”شرارت“ دشمنان در داخل نجات پیدا نمی‌کنید. یقین بدارید که همین دشمن داخلی قرار است تکلیفتان را یکسره کند. ۹۹ درصد تمهیدات و تهدیدات و رجزخوانی‌های نظامتان متوجه دشمن داخلی است که هر روز مصمم‌تر، آماده‌تر و متشکل‌تر می‌شود.

اعتراضات کشاورزان شاتور علیه بی‌آبی!

سینا پدرام

در ویدئوهای پخش شده در مدیای اجتماعی، روز یکشنبه ۱۰ فروردین ماه مأموران حکومت به معترضان خشک ماندن زاینده‌رود و بی‌آبی در روستای شاتور استان اصفهان حمله کردند. گروهی از کشاورزان در روزهای اخیر به دلیل باز نشدن آب در زاینده‌رود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک، همواره با مشکل کمبود منابع آب مواجه بوده است، اما با اجرای برنامه‌های کشاورزی غیرعلمی و به واسطه ارجحیت قائل بودن به سودهای

میلیاردی توسط رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی، به‌ویژه در چند دهه گذشته بحران آب به یک معضل اساسی مردم تبدیل شده است.

در غیاب یک برنامه‌ریزی علمی و با تغییرات اقلیمی دهه‌های اخیر یکی از بزرگ‌ترین معضلات ناشی از این وضعیت، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و خشک‌شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها است که در سال‌های اخیر به تهدیدی برای محیط‌زیست و زندگی مردم منطقه به شمار می‌رود.

در کنار این مشکلات، اعتراضات کشاورزان و مردم در مناطق خشک و کم‌آب، مانند خوزستان و اصفهان، به دلیل کمبود منابع آب و تخصیص ناعادلانه آب به صنایع و کشاورزی افزایش یافته

است. این اعتراضات گاه به درگیری‌های اجتماعی و حتی سیاسی منجر شده است.

در دهه‌های اخیر رژیم اسلامی هیچ تلاشی برای مدیریت منابع آبی و مقابله با خشکسالی انجام نداده است. ناگفته پیداست که اعتراضات کشاورزان و مردم در مقابل این سیاست‌های سیستماتیک سودجویانه که به خانه‌خرابی میلیون‌ها مردم و خصوصاً کشاورزان دامن زده است، برای موفقیت باید شکلی متحدانه و سراسری به خود بگیرد.

راهکارهای مدرن و کاملاً مطابق با شرایط محیط زیستی برای کشورهایمانند ایران با اقلیم کم‌باران و خشک وجود دارد که می‌تواند تغییرات و یهودهای جدی در معیشت و زندگی مردم به بار

بیاورد. برای این امر نیاز به سیستم سیاسی است
که منافع انسان و طبیعت را در دستور کار خود
قرار دهد و نه سود میلیاردهای مفت‌خوار را. برای
این امر نیاز به تغییر است؛ نیاز به سرنگونی رژیم
اسلامی!

کمپین حزب به هدف اعلام شده خود رسید

لیست شماره ۶ - پایانی

به اطلاع می‌رسانیم که کمپین مالی حزب که هدف خود را جمع آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار آمریکا اعلام کرده بود به لطف ۴۳۰ نفر از شما عزیزانی که به این کمپین کمک کردید موفق شد ۱۵۱۲۸۵ دلار جمع آوری کند. صمیمانه از همه شما قدردانی می‌کنیم. کمپین مالی حزب اینجا پایان می‌یابد اما تلاش ما برای جمع آوری کمک مالی فعالانه‌تر از همیشه ادامه خواهد یافت. بطور واقعی هزینه‌های سالانه حزب بسیار بیش از این مقدار است و با توجه به اوضاع متحول و انقلابی جامعه و نیاز به گسترش فعالیت در داخل و خارج کشور در زمینه‌های مختلف نیاز

حزب چندین برابر این رقم است.

کمک‌های مالی شما صرف فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان، صرف فعالیت در جنبش‌های حق‌طلبانه مردم ایران و تلاش برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و خارج کشور خواهد شد. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید و امیدواریم همچنان ما را کمک کنید و دوستان خود را نیز تشویق کنید گوشه‌ای از هزینه این فعالیت‌ها را به عهده بگیرند.

لیست شماره ۶

مدون، ستاره، بهرام و دوستان ۲۰۰۰ کرون

مهری مهرآبادی ۵۰۰ کرون

علی فرخ منش ۳۰۰ کرون

لیدا احسانی ۵۰۰ کرون

مصطفی صابر ۲۰۰۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)

بابک یزدی ۱۰۰۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)

جمال صابری ۱۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)

آزادی نجاد ۵۰ دلار کانادا

امید صالحی ۱۵۰۰ کرون (دفعه دوم)

صدف کورش نیا ۱۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)

البرز از ونکور ۵۰ دلار کانادا

شادی شوشتری چادرباف ۱۰۰۰ کرون

روزبه زندی فر نیز ۵۰۰ کرون

صالح فلاحي ۱۰۰۰ کرون

عظیم مطور ۱۰۰ یورو

شهین کابلی ۱۰۰ یورو

ناصر کشکولی ۱۰۰ یورو

تعدادی از فعالین حزب از تورنتو ۱۲۵۰ دلار
کانادا

فرزند زندانی سیاسی زمان شاه ۲۷۰۰ کرون

ناهید پرشون ۱۰۰۰ کرون

بورزو از سیدنی ۱۰۰ دلار استرالیا

تهمینه و ابراهیم صادقی ۱۰۰۰ دلار کانادا (دفعه
دوم)

مینا بهروزی و سلیمان سیگارچی ۵۰۰ دلار کانادا
(دفعه دوم)

بختیار میرزایی ۱۰۰ دلار کانادا

اسد رسولی ۱۰۰ دلار کانادا

چند نفر از دوستان حزب از ونکور ۳۰۰ دلار

کانادا

بهمن خانی ۷۰۰۰ یورو (دفعه دوم)
عباس سعیداوی ۱۰۰۰ دلار استرالیا
رزگار ویسی ۵۰ یورو
منیژه ۱۰۰ دلار آمریکا
سیاوش آذری ۱۲۰ یورو
مجید حمیدیان ۱۵۰۰ کرون

از ایران:

بهرنگ صمدی ۵ میلیون تومان

جمع لیست ششم ۲۷۲۱۵ دلار آمریکا
جمع کمک‌های جمع‌آوری شده در شش هفته
گذشته ۱۵۱۲۸۵ دلار آمریکا

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۲

۱ آپریل ۲۰۲۵ - ۱۲ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

بی‌حجابی دهن‌کجی به خدا و پیامبر است

پریسا پوینده

هک بانک سپه: مشت نمونه خروار است

میلاد رابعی

نباید منابع کشور را مستقیم به فقرا بدهیم

کیوان جاوید

درخواست اردوغان از خدا برای نابودی اسرائیل

سیاوش آذری

بی‌حجابی دهن‌کجی به خدا و پیامبر است

پریسا پوینده

روز دوشنبه ۱۱ فروردین احمد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی گفت: «بی‌حجابی تجاهر به گناه است، دهن‌کجی به خداست. آیا باید بگذاریم که در مقابل عبادات ماه رمضان، یک‌مشت زن و دختر با بی‌حجابی به پیامبر دهن‌کجی و جسارت کنند؟»

علم‌الهدای بند حکومت را بهتر از همه سران حکومت آب‌داده است. او به ریشه‌ای‌ترین شکل ممکن تقابل مردم با حکومت اسلامی را بیان کرده است. بی‌حجابی قبل از هر چیز، امروز پرچم جنبش

ضدمذهبی - ضداسلامی در ایران و سپس جنبش
سرنگونی است. وقتی نیکا این دختر شجاع روسری
سیاه را در جریان انقلاب زن زندگی آزادی به آتش
کشید؛ وقتی صدها زن حجاب‌ها را به آتش کشیدند
و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند؛ یا وقتی همه
شهرهای ایران دستخوش خیزش باشکوه بود، هدف
فرا تر رفتن از لغو حجاب اجباری بود. هدف حتی
صرفاً سرنگونی دیکتاتور نبود. هدف این نبود و
نیست که جمهوری اسلامی برود، حالا هر کس و هر
چیز که می‌خواهد بیاید. هدف دستیابی به حق زن
بعنوان یک انسان آزاد و برابر است. هدف رهایی
جامعه از دست اسلام و همه جلوه‌های حضور مذهب
در زندگی شخصی مردم و جارو کردن مذهب از
حیات سیاسی جامعه بود و هست.

از همین زاویه نیز وقتی جمهوری اسلامی بی‌حجابی زنان را می‌بیند به درست مرگ حکومت خود و همه آن ارتجاعی را می‌بیند که خون مردم را در شیشه کرده و نشاط و زندگی و شادی را از مردم گرفته است. درست از همین زاویه که نگاه شود جریان‌ات راست سلطنت‌طلب و شخص رضا پهلوی این عصیان عظیم ضداسلامی را می‌بیند و در تحلیل سیاسی خودشان آن را خطری به حال جریان سیاسی خود ارزیابی می‌کنند. یادمان نرفته که رضا پهلوی اعلام کرده است: اگر قرار باشد اسلام و دین مورد تعرض قرار بگیرد چه بهتر که همین جمهوری اسلامی برجا بماند.

رژه ارتش بی‌حجاب‌ها در خیابان‌ها و حضور زنان در کنسرت‌های چندین هزار نفره یک حرکت تمام‌عیار

سیاسی است و به همین دلیل باید گسترده‌تر شود و
بیش از این توسط همه، چه زن و چه مرد مورد حمایت
قرار بگیرد. یک جامعه درگیر صدها مصیبت
اجتماعی باید همچون گلوله یک توپ به‌سوی یک
هدف شلیک شود تا برج دشمن را فروپاشد. گام
دیگری به‌سوی همه با هم بودن برداریم.

هک بانک سپه: مشت نمونه خروار است

میلا د رابعی

روز دوشنبه ۱۱ فروردین مطابق اخبار رسانه‌ها: “بانک سپه در پی انتشار گزارش‌هایی در فضای مجازی مبنی بر نفوذ گروهی موسوم به “کدبریکرز” (Codebreakers) به سامانه‌های آن و افشای اطلاعات هزاران مشتری نظامی و غیرنظامی بانک، رسانه‌ها و شهروندان را با پیگیری قضایی در صورت بازنشر این اطلاعات تهدید کرد.” این در حالی است که این بانک در اطلاعیه رسمی خود خبر این هک را کاملاً تکذیب کرده است.

بانک سپه که عنوان قدیمی‌ترین بانک ایران را هم یدک می‌کشد، سنتاً بانک اصلی نیروهای مسلح،

ارتش و سپاه بوده است. اما این گفته مطلقاً به این معنایست که همه دارایی‌های اعضای سپاه و سران رژیم تنها در این بانک سپرده‌گذاری می‌شود.

از هک اخیر بانک سپه فعلاً اطلاعات کمی در دسترس است، اما همین اطلاعات محدود کافی است تا بار دیگر پرده از گوشه کوچکی از دزدی‌های سران رژیم و سرداران سپاهش بردارد و هر انسانی را به حیرت وادارد. دارایی‌های "شخصی" ۷۶۸ و ۶۳۴ میلیارد تومانی درحالی‌که اکثریت عظیمی از مردم برای امرارمعاش روزانه با مشکل جدی روبه‌رو هستند و زیر بار مشکلات اقتصادی کمرشان خم شده است، موضوعی نیست که به‌سادگی بتوان از کنار آن گذشت.

مسئله مهم دیگر نام و شغل صاحبان این حساب‌های میلیاردی است. این واقعیت که حسن پلارک رئیس پیشین "ستاد بازسازی عتبات عالیات"، از فرماندهان سپاه قدس و از دوستان نزدیک قاسم سلیمانی تنها در یک بانک ۶۳۴ میلیارد تومان دارایی شخصی دارد و این موضوع که ۱۳ شرکت وابسته به سپاه و ام‌های بالای ۱۰۰ میلیارد تومانی دریافت کرده‌اند و تعمیم آن به سایر بانک‌های کشور، به خوبی توضیح می‌دهد که چه بلایی بر سر حقوق‌های پرداخت نشده کارگران و بازنشستگان می‌آید.

جنبش‌های اعتراضی موجود که جنگی مداوم را با حکومت بر سر احقاق حقوقشان پیش می‌برند با استناد به همین نمونه و موارد مشابه آن زیر بار

هیچ عذر و بهانه‌ای مبنی بر “فشار تحریم‌ها” و “کمبود نقدینگی” نمی‌روند.

شکی نیست که حکومت با اقتصادی فروپاشیده روبه‌رو است اما مردم مسئول این مشکلات خودساخته رژیم نیستند. پولی که در حساب این دزدان و جنایت‌کاران خوابیده دقیقاً از سر سفره مردم سرقت شده است.

تشکل، اتحاد و همبستگی فراصنفی حول خواست‌های معیشتی توسط همه آحاد مردم کلید موفقیت جنبش بر سر معیشت و سرنوشتی نظام سارقین اسلامی است. جنبش میلیونی و سراسری علیه فقر را سازمان بدهیم.

نباید منابع کشور را مستقیم به فقرا بدهیم

کیوان جاوید

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با اشاره به سخنان خمینی گفت: “از نگاه امام همیشه این برداشت می‌شود که به فکر فقرا و مستضعفین باشید و از منابع کشور برای کمک به آنها استفاده کنیم. اما آیا این به آن معناست که باید منابع کشور را مستقیم به مستضعفین بدهیم، نه.”

نه اصلاً منظور “امام” و ادامه‌دهندگان راه او، یعنی همین خامنه‌ای و بقیه این قشر حاکم، این نبوده و نیست که منابع کشور مستقیم و غیرمستقیم به

فقرا داده شود. منابع باید سر از حساب‌های نجومی شما در بیاورد. بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار، خالص به حساب خامنه‌ای و تریلیون دلار سر از حساب هر کدام از سران حکومت و دیگر خدمتگزاران حکومت اسلامی در بیاورد و آنگاه کودکان در ظرف زباله دنبال غذا بگردند و ارتش کودکان کار دنبال یک لقمه نان در خیابان‌ها صبح را به شب برسانند.

این منابع حتماً نباید حتی غیرمستقیم صرف بازنشستگان شود که عمری تلاش کردند و جوانی و زندگی را گذاشتند تا شماها به بزرگ‌ترین ثروتمندان تبدیل شوید. این منابع حق معلم و پرستار نیست. میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های کارگری حقشان نیست که به این منابع دسترسی

داشته باشند.

هر چه هست مال شما است. همه چیز باید در خدمت تروریست‌های منطقه‌ای شما باشد تا با ترور و بمب‌گذاری و کشتار مردم به آنجایی برسند که خدای شما وعده‌اش را در بهشت به شما داده است. این بهشت البته دو نوع است. بهشت شماها که در زمین ساخته‌اید و بهشت فقرا که بعد از مرگ قرار است در آن دنیای خیالی نصیبشان بشود.

این ورق اما بدجوری علیه شما برگشته و بیش از این بر می‌گردد. آنها که سهمی از زندگی نبرده‌اند و تنها از شما گلوله و زندان و فقر و فلاکت دریافت کرده‌اند، فتیله آن دینامیتی که شما روی آن

نشسته‌اید را آتش زده‌اند. آتش این فتیله در حال
نزدیک‌تر شدن به دینامیت است. انفجار حاصله
از آن کل حکومت شما را به هوا می‌فرستد و آنگاه
منابع کشور از دست شما بیرون کشیده شده و به
دست مردم، برای مردم و همه شهروندان که با
کار و تلاش خود این جهان را سرپا و سرزنده نگه
می‌دارند، صرف همگان می‌شود. دیر نیست. واقعاً
دیر نیست.

درخواست اردوغان از خدا

برای نابودی اسرائیل

سیاوش آذری

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در سخنانی که روز دوشنبه سی و یک مارس در مسجدی به مناسبت عید فطر ایراد کرد از خدا خواست که "اسرائیل و صهیونیسم را در پرتو آنچه در فلسطین کرده‌اند نابود کند". خامنه‌ای نیز روز دوشنبه ۱۱ فروردین در خطبه‌های نماز عید فطر بار دیگر خواستار نابودی اسرائیل شد.

این سخنان نسبت مستقیم به وضعیت داخلی ترکیه و موقعیت به‌شدت متزلزل اردوغان دارد.

او در پی جذب نیروی ارتجاعی‌ترین نیروهای اسلامی در ترکیه و فراتر از ترکیه است و به این دلیل دست‌به‌دامن خدا شده است.

در پی دستگیری شهردار استانبول، اکرم امام‌اوغلو، و جمعی از همراهان سیاسی وی، اردوغان با موج بی‌سابقه‌ای از اعتراض‌های خیابانی و یک بحران حاد سیاسی روبرو شده است. شنبه بیست و نهم مارس بیش از دو میلیون نفر از معترضان در خیابان‌های استانبول علیه اردوغان و “کودتای” وی راهپیمایی کردند.

تا پیش از جنگ اسرائیل در غزه، دولت اردوغان رابطه دیپلماتیک معینی با اسرائیل داشت و بنابراین نمی‌شود به‌خاطر وجود یک دولت

دست راستی و فاشیستی در اسرائیل بیاد نابودی کشور اسرائیل افتاد. این همان موقعیتی است که خامنه‌ای در ایران دارد. محو و نابودی اسرائیل برای حکومت اسلامی هم منفعت سیاسی دارد تا به این وسیله بتواند جنبش اسلام سیاسی را بر محور خامنه‌ای و جمهوری اسلامی بسیج کند.

خوشبختانه اعتراضات وسیع در ترکیه که بنا به اخبار روز گذشته فقط در استانبول دو میلیون نفر علیه اردوغان به میدان آمده بودند می‌رود که رؤیای دولت اسلامی اردوغان را نه تنها در ترکیه که در سوریه نیز در هم بکوبد. از این زاویه هر تعرضی به حاکمیت اردوغان در ترکیه نویددهنده افول شدید اسلام سیاسی در ترکیه و منطقه است.

همین‌طور ضربات پیاپی از سوی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی در ایران می‌رود تا با پیروزی همه‌جانبه خود تماماً بساط ارتجاع اسلامی را در ایران و منطقه برچیند. از هر سو که به اوضاع فعلی ترکیه نگاه شود شکست اردوغان می‌تواند باعث رشد روزافزون سکولاریسم و آزادیخواهی و افسار زدن به بحران اقتصادی و فلاکت اقتصادی در ترکیه باشد.

جنبش اسلام سیاسی در ایران و ترکیه و منطقه دومینوار در حال فروپاشیدن است. این فرصت بی‌نظیری است در جهت تعرض به ارتجاع اسلامی و رشد آزادیخواهی و برابری‌طلبی در ایران، ترکیه و منطقه.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۳

۲۰۲۵ - ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

اعتراضات کشاورزان و بحران آب

شهلا دانشفر

سیزده بدر، پایان نبرد نوروزی

کیوان جاوید

۱۲ فروردین آغاز ادامه سلطه استثمار و سرکوب

نسان نودینیان

تشدید بحران در فرانسه با محکومیت لوپن

کاظم نیکخواه

اعتراضات کشاورزان و بحران آب

شهلا دانشفر

دور جدید اعتراضات کشاورزان اصفهان از ۳ فروردین آغاز شد و همچنان ادامه دارد. اعتراض آنان به مشکلات معیشتی و کاری و مافیای آب است. اعتراض آنان به بحران آب به خاطر سیاست‌های تخریبی زیست‌محیطی حکومت است. اینها همه موضوع اعتراضات همه مردم و همه کشاورزان است.

۱۲ فروردین جمعیت بزرگی از کشاورزان شرق اصفهان در شاهتور به خیابان آمدند و با فریاد "آب زاینده‌رود حق مسلم ماست" راهپیمایی کردند و خواستار پیوند همه مردم به صف اعتراضشان

شدند. حمله وحشیانه مزدوران یگان ویژه به تجمع یازدهم فروردین کشاورزان در هرنند که منجر به زخمی شدن بیش از ۵۰ نفر و بستری شدن تعدادی در بیمارستان شده، به اعتراضات کشاورزان شدت داده است. به دنبال اعتراضات کشاورزان، حکومت وعده بازکردن مسیر آب به زاینده رود در هشتم فروردین و آبیاری مزارع آنان را داد. ولی عملی نشد. کشاورزان شغل و معیشتشان در حال نابودی است و بر پیگیری مطالباتشان تأکید دارند.

۱۰ فروردین کشاورزان اصفهان در مناطق وسیع تری در شرق و غرب اصفهان، از ورزنه تا رودشت و اطرافش، همراه با تراکتورهایشان به خیابانها آمدند و فریاد اعتراض سر دادند. دولت به بهانه تأمین آب شرب اصفهان و یزد از رهاسازی آب

خودداری می کند. کشاورزان خواستار فوری حقایق و بازگرداندن آب زاینده رود هستند.

مشکلات اقتصادی و سونامی گرانی فشار معیشتی را بر کشاورزان و کل جامعه شدت داده است. زاینده رود برای مردم اصفهان شریان حیاتی محسوب می شود. کشاورزان اعلام کرده اند تا جواب نگیرند، از پای نخواهند نشست.

کشاورزان اصفهان خصوصاً کشاورزان در ورزنه، از چندین سال قبل سلسله اعتراضاتی به حقایق و مافیای آب، داشته اند. اعتراضات آنان در ۱۳۹۶ شکلی گسترده تر و به صورت تظاهرات صورت گرفت. ۱۷ آبان ۱۴۰۰ نقطه اوج اعتراضات کشاورزان اصفهان با همراهی مردم بود و شهر به حرکت در

آمد. تحصن تا ۳ آذر در بستر خشک زاینده‌رود ادامه یافت. این تحصن با سرکوب شدیدی روبرو شد. درگیری کشاورزان و مردم در چهارم و پنجم فروردین ادامه یافت. سرکوبگران حکومت وحشیانه با گاز اشک‌آور و با گلوله‌های ساچمه‌ای به معترضان حمله کردند و تعدادی مجروح شدند.

اعتراضات کشاورزان کانون داغی از اعتراض در اصفهان است و همراهی مردم را با خود دارد. امروز در فضای انقلابی جامعه سربلند کردن دوباره اعتراضات آنان موجب وحشت حکومت شده است. اعتراضات کشاورزان شایسته بیشترین حمایت‌ها است.

سیزده‌بدر، پایان نبرد نوروزی

کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۱۳ فروردین، مردم فوج‌فوج در جشن‌های شادی‌بخش سیزده‌بدر شرکت کردند. از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران هر جا که قطره‌ای آب و علف مشاهده می‌شود گروهی از مردم جمع شده و می‌زنند و می‌خوانند و می‌نوشند. این به‌راستی شغف‌انگیز و غرورآفرین است. اما چرا؟

چرا آخرین روز تعطیلات نوروزی که بیرون‌زدن در سیزدهمین روز از ماه فروردین یک سنت دیرینه در ایران است تا این حد مورد توجه عموم مردم و رسانه‌های خبری و حتی احزاب سیاسی

قرار گرفته است؟ این حساسیت عمومی ما را به حکومت حاکم می‌رساند.

جمهوری اسلامی خط و نشان‌های بسیاری کشیده بود که در امسال نباید مراسم سال نو همراه با شادی و خوشی و رقص و پایکوبی خیابانی باشد. دلیل را هم مشخص کرده بودند: ”سال نو مصادف با ماه رمضان، ماه عبادت الهی، ماه خدا و ماه اسلامی“ اعلام شده بود. فرمان‌های حکومتی و نیروهای انتظامی همگی بر یک نکته تأکید مؤکد داشتند: کسانی که جرئت کنند ماه رمضان را از محتوای تهی کنند و به ریش اسلام و حکومت اسلامی بخندند، دستگیر شده و شلاق می‌خورند و جریمه نقدی می‌شوند.

در تقابل با این عقب‌ماندگی و ارتجاع سیاسی و فرهنگی؛ در تقابل با این ماه ریا و خودفریبی و مردم‌فریبی اسلامی و در تقابل با هر آنچه نشان و بویی از اسلام و مذهب دارد، مردم در اوج فقر و نداری اقتصادی با هر آنچه که در دست داشتند و با کمترین امکانات رفاهی، ایام نوروزی را جشن گرفتند تا تیری باشند در قلب منجمد شده و تیره و تار حکومت اسلامی و حقیقتاً ایام نوروزی سیاسی‌ترین سال‌هایی بود که باید در تاریخ تا به امروز مبارزات مردم ایران ثبت شود.

در سیزده بدر امسال نیز مردم یک‌بار دیگر به حکومت اسلامی نشان دادند که نه اسلام و خرافه و عزا می‌خواهند، نه حکومت فاسد و دزد و غارتگر. مردم در این روز عهدي مجدد بستند که

تا سرنگونی جمهوری اسلامی یک دم از پا نشینند
و بر ویرانه‌های این حکومت عزا و غارتگر زندگی،
جامعه‌ای پُر از شادی و زیبائی، همراه با آزادی و
برابری برپا سازند. به امید پیروزی.

۱۲ فروردین آغاز ادامه سلطه استثمار و سرکوب

نسان نودینیان

سپاه پاسداران در بیانیهای به مناسبت ۱۲ فروردین روز "رفراندوم" آری یا نه به جمهوری اسلامی، پرداخته است. این بیانیه در شرایطی نوشته شده که جمهوری اسلامی در بدترین و ضعیف‌ترین موقعیت سیاسی در داخل و خارج از ایران است. پرداختن به جنبه‌های مختلف این بیانیه و افاضاتی که می‌تواند تعداد اندک حتی از دوایر خودی را "مجاب" کند، حتماً جالب است. سپاه پاسداران در قالب جمع کردن "فاکتورهای" در واقع دروغ‌هایی از قبیل، «پیدایش امید در دل مظلومان و...»، «بلوک جدید از قدرت جهانی، و جایگاه ممتاز بین‌المللی

و...»، پرداخته است. بیانیه همچنین درباره نقش خمینی جنایت‌کار در سال‌های ۵۷ و ۵۸ نوشته است: ” تأکید بر اهمیت صیانت از موارث تاریخ‌ساز و معجزه‌گون خمینی و...“

خمینی برای به‌قدرت‌رسیدن و تثبیت حکومت اسلامی، پس از انقلاب مردم و برای مشروعیت‌بخشیدن به حکومتش، رفراندوم ۱۱ و ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ را برگزار کرد. او سرسختانه کوشید تا مردمی را که برای آزادی، رفاه و برابری انقلاب کرده بودند عقب‌رانده و دستاوردهایشان را بازپس بگیرد و این بار با فتوا، ارباب، تحمیق و تهدید سرکوب‌ها را ادامه دهد. اعتصاب و اعتراضات را غیرشرعی و مستوجب عقوبت الهی اعلام کرد. فتوای خلع سلاح عمومی بلافاصله پس از

قیام داده شد. حمله به کردستان، حقنه کردن قانون اساسی ضد مردمی، تهاجم به دانشگاه‌ها و قلع و قمع دانشجویان مبارز و کمونیست، نفی آزادی بیان، اجتماعات، احزاب، اعتصابات، تشکیل دادگاه‌های قرون وسطایی برای محاکمه مردم آزادی خواه و انقلابیون مبارز و تحمیل مجلس اسلامی... قدم‌های عملی بودند که خمینی برای تثبیت استبداد مذهبی برداشت.

جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۴ ادامه نتیجه رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و ادامه حکومت اعدام، تبعیض جنسی و جنسیتی، سرکوب، فساد و تحمیل بیشترین نابرابری اقتصادی و استثمار مطلق است. اما در موقعیت بسیار ضعیف‌تر. اگر در سال ۵۸ مردم انقلابی با توجه به عدم شناختی

که از خمینی داشتند، با بیشترین مشارکت در
رفراندوم آری یا نه شرکت کردند، اما در بیش از
دو دهه گذشته نه تنها شاهد کمترین مشارکت آنها
در مناسک "انتخاباتی هستیم؛ بلکه اکنون خواست
سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از خواسته‌های
اصلی مبارزاتی مردم است.

تشدید بحران در فرانسه با محکومیت لوپن

کاظم نیکخواه

بحران سیاسی در فرانسه مجدداً سر بلند کرده است. روز ۱۱ فروردین مارین لوپن رهبر حزب فاشیستی "اجتماع ملی" به خاطر اختلاس بیش از سه میلیون دلار از بودجه اتحادیه اروپا و استفاده حزبی از این پول، در دادگاه محکوم به پنج سال محرومیت از تصدی مناصب دولتی، و چهار سال زندان محکوم شد که دو سال تعلیقی و دو سال دیگر با پابند الکتریکی خواهد بود. این محکومیت مانع شرکت او در رقابت‌های انتخاباتی خواهد شد و ضربه سختی به حزب دست راستی اجتماع ملی است.

این حکم به معنای پایان کار لوپن و سد شدن شانس راست افراطی برای موفقیت در انتخابات ۲۰۲۷ فرانسه است و به این دلیل واکنش‌های تندی را از جانب جریان‌های فاشیستی در فرانسه و در کشورهای دیگر برانگیخته است. لوپن آن را "استفاده از بمب اتمی" علیه حزبش خواند. جریان‌های چپ می‌گویند لوپن باید همچون سال گذشته در انتخابات شکست بخورد نه با رأی. سال گذشته در انتخابات فرانسه ائتلاف چپ‌ها و کمونیست‌ها بنام "جبهه نوین مردمی" بالاترین رأی را آورد و لوپن را شکست داد. اما مکرون حاضر به فراخواندن رهبری جبهه نوین مردمی یعنی چپ‌ها برای تشکیل کابینه نشد و بحران را تشدید کرد. اکنون مکرون در منگنه چپ و راست در حال خرد شدن است.

در سال‌های اخیر یک بحران عمیق سیاسی در کل کشورهای سرمایه‌داری غرب به جریان افتاده است. مردم وسیعاً از سیستم حاکم و سیاست‌مداران و احزاب سنتی روی‌گردان شده و به دنبال راهی برای نجات می‌گردند. بیکاری و تورم، وحشت از تروریسم اسلامی، بحران پناهندگی، و شکاف عمیق طبقاتی مهم‌ترین عوامل انزجار مردم از سیستم است. در این شرایط راست افراطی به دلیل شعارهای مردم‌فریبانه و در غیبت چپ متحد و کارگری، شانس پیشروی پیدا کرده و در کشورهای مختلف جلوآمده است. یک سیاست هویتی این جریانات ضدیت با پناهندگان و کلاً مردم غیرسفیدپوست و مردمی است که مسلمان تلقی می‌شوند. تنها چپ رادیکال و کارگری و

غیرسنتی می‌تواند پاسخ واقعی به نیازهای مردم
بدهد و فضا را تغییر دهد. اما سیستم حاکم
بیش از اینکه از فاشیسم وحشت داشته باشد،
از پیشروی چپ وحشت دارد و به این دلیل
همچون دولت مکرون باعث تشدید بحران
می‌شود. مردم نهایتاً با عقب راندن کل سیستم
سرمایه‌داری می‌توانند راه خود را به جلو باز
کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۴

۳ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۴ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

وریشه مرادی باید آزاد شود

سیما بهاری

وعده‌های توخالی به کارگران معدن

تهمینه صادقی

جاده‌ها هم قتلگاه مردم‌اند

رضا درویش

چگونه سرمایه‌داران، میلیاردی‌تر می‌شوند

سینا پدرام

وریشه مرادی باید آزاد شود

سیما بهاری

”وریشه مرادی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام، با وجود وضعیت نامساعد جسمی و نیاز فوری به عمل جراحی، از رسیدگی پزشکی در زندان اوین و همچنین اعزام به بیمارستان محروم مانده است.“

دلهره‌ها و دل‌شوره‌های قهرمانان زیر حکم اعدام به سختی درک‌شدنی است. نمی‌توان تصور کرد که ماه‌ها و بعضاً سال‌ها، این کابوس همراه عزیزانی باشد که از شهادت‌ها و دفاعشان از انسانیت باید کتاب‌ها نوشت و بزرگشان داشت. انسان شریفی چون وریشه مرادی در دفاع از انسان‌های بی‌دفاع،

علیه یکی از کابوس‌های قرن بیست و یکم، علیه داعش، با قامتی به استواری کوه ایستاد و در کنار دیگر رزمندگان در مقابله با داعش پیروز شدند. او اینک در دست داعشی به نام جمهوری اسلامی اسیر است که زندانیان را به انواع روش‌ها شکنجه می‌کند؛ اعتراف اجباری می‌گیرد؛ اعدام‌های نمایشی ترتیب می‌دهد و از دارو و درمان محروم‌شان می‌کند. نگه‌داشتن حکم اعدام بالای سر زندانی خود بزرگ‌ترین شکنجه است. حالا شکنجه‌های دیگر را هم چاشنی آن می‌کند.

این شرایط ضدانسانی فقط با صف فشرده انسانیت پاسخ می‌گیرد. ما تجربه‌های موفق از همبستگی مردم دادخواه در مقابله با حکومت آدمکش جمهوری اسلامی داریم. همبستگی قدرتمندی که

عقب‌نشینی‌های زیادی به آن تحمیل کرد. بچه‌های خانه اصفهان را به یاد دارید؟ با هم نجاتشان دادیم. کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی که تاریخ‌ساز شد چطور؟ او را هم نجات دادیم. او قرار بود سنگسار شود. توماج صالحی این فرزند شجاع انقلاب هم با مبارزات و اعتراضات ما آزاد شد. وریشه را هم می‌توانم از چنگال حکومت نجات دهیم.

می‌توانیم حکومت مستأصل اسلامی را عقب برانیم و زندگی‌های بیشتری را نجات دهیم. در داخل می‌توان کانون‌های دفاع از زندانیان درست کرد. به نهادهای دفاع از حقوق بشر نامه بنویسید و وضع زندانیان محروم از دارو و درمان را توضیح دهید. از آنها بخواهید جمهوری اسلامی را ملزم به پاسخگویی در قبال عزیزان زندانی بیمار بکنند. خانواده وریشه

می‌توانند و باید از همه نهادها و مدافعین حقوق انسانی بخواهند که اهرم فشاری باشند علیه جمهوری اسلامی. رژیم اسلامی باید بداند که شکنجه زندانیان برایش گران تمام می‌شود. محکوم کردن این حکومت به خاطر نقض حقوق بشر باید تبدیل به یک حرکت بزرگ جهانی برای بایکوت حکومت از همه عرصه‌های بین‌المللی گردد. نجات زندانیان بیمار در گرو همبستگی داخلی و بین‌المللی همین امروز است.

وعده‌های تو خالی به کارگران معدن

تهمینه صادقی

به گزارش ایلنا " با گذشت بیش از شش ماه از وعده احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت مسعود پزشکیان، برای افزایش حقوق کارگران معادن، این وعده همچنان محقق نشده است. کارگران معادن می‌گویند که این وعده نیز مانند سایر وعده‌هایی که در بزنگاه‌های حوادث تلخ برای "تلطیف افکار عمومی و فروکش کردن بحران" داده می‌شوند، "تو خالی و بدون ضمانت اجرایی" بوده است.

در یک ویدئوی منتشر شده در رسانه‌ها، پدر یکی از کارگران جان‌باخته در معدن طبرس به مسئولان جمهوری اسلامی که برای مراسم چهلم قربانیان

آمده بودند، می‌گوید: ”مدیران قبلی معدن که مسببان اصلی این حادثه بودند، همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.“

با گذشت ۲۰۰ روز از وعده وزیر کار و ۱۴۰ روز از برگزاری نشست شورای عالی کار با هدف بهبود وضعیت کارگران معادن، وعده‌های داده شده همچنان عملی نشده‌اند. به گفته خبرگزاری ایلنا، این موضوع همان آبان‌ماه ”بایگانی“ شد.

جمهوری اسلامی از ابتدا سیاست‌های ضد کارگری را در پیش گرفته است؛ از نپرداختن به موقع دستمزد کارگران گرفته تا اخراج کارگران در جمهوری اسلامی یک امر عادی است. هرگاه کارگران به شرایط معیشتی خود اعتراض کردند، حکومت به وعده‌های پوچ بسنده کرد یا کارگران را با اخراج

و زندان روبه‌رو ساخت.

این سیاست‌ها به کاهش سطح دستمزدها منجر شده است؛ به گونه‌ای که اکنون دستمزد کارگران بارها زیر خطر فقر است. افزون بر این، حقوق بازنشستگی، بیمه، حق مسکن و دیگر مزایای کارگران نیز حذف شده است. اما کارگران معادن با وجود این شرایط طاقت‌فرسا هم از حقوق و مزایای کافی محروم‌اند، هم جانشان در خطر است. حادثه معدن طبس نمونه‌ای از این واقعیت تلخ است؛ جان‌هایی که از دست رفتند، بدون اینکه خسارتی به بازماندگان پرداخت شود.

کارگران نباید اجازه دهند این چرخه ظلم ادامه یابد. صاحبان معادن و سرمایه‌داران تنها زمانی

حاضر خواهند شد خسارات ناشی از این فجایع را
بپردازند که کارگران به طور متحد و سازمان یافته
دست به اعتراض بزنند. آنها وظیفه دارند زندگی
بازماندگان حادثه معدن را تأمین کنند. با یک
حسابرسی ساده می توان فهمید که تفاوت میان سود
سرسام آوری که به جیب صاحبان معادن می رود و
دستمزدی که به کارگران پرداخت می شود، ابعاد
نجومی دارد.

راه رهایی، اتحاد کارگران در برابر حکومتی است
که مدافع سرمایه داران است. این بساط استثمار و
چپاول تنها با نیروی متحد کارگران پایان خواهد
یافت.

جاده‌ها هم قتلگاه مردم‌اند

رضا درویش

تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا اعلام کرد از ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۲ فروردین ۱۴۰۴ آمار تلفات ناشی از حوادث رانندگی به ۷۴۷ نفر افزایش یافت.

مطبوعات داخلی می‌گویند فرهنگ‌سازی در دستور کار قرار گرفته است. قرار است با شعار ”نه به تصادف“ مردم نکات ایمنی را جدی بگیرند و با رعایت قوانین رانندگی در کاهش سوانح سهیم باشند. آنچه صحبتی در باره‌اش نمی‌شود بی‌اعتنایی مقامات و سران رژیم در اختصاص بودجه کافی برای ایمن‌سازی جاده‌هاست. عباس آخوندی

وزیر وقت راه و مسکن و شهرسازی سال‌ها پیش
اعتراف کرده بود "برای کاهش تلفات باید جاده
ایجاد کنیم. برای این کار حدود ۵۰ هزار میلیارد
تومن بودجه نیاز داریم". او گفته بود بودجه
اختصاص یافته ۲۰۰۰ میلیارد تومن بوده است.
یعنی عملاً ۴ درصد بودجه مورد نیاز.

طبق نظر کارشناسان نسبت تلفات در تصادفات
رانندگی به کل کشته‌شدگان در حوادث غیرطبیعی
نزدیک به ۴۰ درصد است و در همین مقایسه
بیشترین سهم را دارد. آمارها حاکی از این است
که در سال ۱۴۰۲ بیش از سیصد و نود هزار نفر
دچار مصدومیت‌های شدید شدند. این در حالی
است که تعداد قابل توجهی از این مصدومیت‌ها
منجر به معلولیت دائمی شده است (trans-

.(portsafety.ir)

آنچه مسلم است حوادث مرگبار در جاده‌ها به تعطیلات نوروزی محدود نمی‌شوند. به گفته روزنامه اعتماد از سال ۱۳۷۶ تاکنون حدود ۱۱ اتوبوس حامل دانشجویان، دانش‌آموزان، خبرنگاران، ورزشکاران و سربازان دچار حادثه شده و ۹۸ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

مسئولیت این نتایج تأسف بار همانند سایر معضلات اجتماعی نظیر بی‌برقی، بی‌آبی و قیحانه به عهده مردم گذاشته می‌شود، و از مردم می‌خواهند رعایت کنند تا با مشکل مواجه نشوند. با این حال مقایسه آمار تلفات رانندگی در دیگر کشورها بیانگر دروغ‌های بی‌شرمانه رژیم است: تلفات حوادث

رانندگی در کانادا کمی بیش از دو هزار نفر (سال ۲۰۲۳)، آلمان ۲۵۶۲ نفر (سال ۲۰۲۱)، ژاپن ۲۶۶۳ نفر (سال ۲۰۲۴) ایران بالای ۲۰۰۰۰ (سال ۱۴۰۲) نفر بوده است.

برای رژیم اسلامی جان شهروندان ارزشی ندارد. حاصل عمر این رژیم برای مردم فلاکت، مشقت و ناامنی در همه شئونات زندگی بوده و البته این درس بزرگ را نیز به همراه داشته است که برای امنیت و آسایش باید به عمر این رژیم پایان داد.

چگونه سرمایه‌داران، میلیاردی‌تر می‌شوند

سینا پدرام

طبق گزارش جدید فوربز، ایلان ماسک با ثروت ۳۴۲ میلیارد دلار، پس از یک افزایش ۷۵ درصدی در دارایی‌هایش، به‌عنوان ثروتمندترین فرد جهان معرفی شد. در رتبه‌های بعدی، مارک زاکربریگ با ۲۱۶ میلیارد دلار در جایگاه دوم، جف بیزوس با ۲۱۵ میلیارد دلار در جایگاه سوم، و لری الیسون با ۱۹۲ میلیارد دلار در رتبه چهارم قرار دارند. همچنین، ثروت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز با افزایش دارایی خود به ۵.۱ میلیارد دلار رسید. در فهرست امسال رکورد تعداد میلیاردرها هم شکسته شده و به ۳۰۲۸ نفر رسیده است این یعنی ۲۴۷ نفر به

تعداد میلیاردرها اضافه شده است.

در نظام سرمایه‌داری، فقر مطلق به دلیل استثمار و نابرابری‌ها افزایش می‌یابد، زیرا سود یا آنچه که ما ارزش اضافی می‌نامیم توسط سرمایه‌داران، صاحبان ابزار تولید و سرمایه تصاحب می‌شود. از دلایل این انباشت و تجمع ثروت در دست اقلیت ثروتمند در کشورهای سرمایه‌داری می‌توان به سیاست‌های اقتصادی ریاضت‌کشانه، کاهش مالیات‌ها برای ثروتمندان، رشد بازارهای مالی، افزایش ارزش سهام شرکت‌ها و املاک و غیره اشاره کرد. این سیاست‌ها که توسط حکومت‌های سرمایه‌داری اعمال می‌شوند باعث افزایش سرسام‌آور و سریع ثروت میلیاردرها بوده‌اند و هستند.

در ایران شکل خاص سرمایه‌داری رانتی به همراه دزدسالاری مزمن و فساد مالی میلیاردی، این تصاحب ثروت ابعاد افسانه‌واری گرفته است. همچنین، بحران‌های سرمایه‌داری و تبعات آن مانند افزایش بیکاری و کاهش در آمد و غیره به فقر بیشتر طبقات فرودست و مشکلات اجتماعی منجر می‌شوند.

اگر این را بپذیریم که در نظام سرمایه‌داری، مبنا و اساس تولید، تأمین سود برای سرمایه‌داران است و اگر این را به حکم واقعیت هر روزه بپذیریم که این سودآوری در صورتی امکان‌پذیر شده است که ابزار تولید در مالکیت عده‌ای قلیل از سرمایه‌داران است، باید این را هم بپذیریم که با در اختیار گرفتن کنترل و اداره ابزار تولید توسط

کارگران و کل جامعه می‌توان نظامی ساخت
که بنای آن بر اساس رفاه عموم مردم گذارد
شده باشد. به این ترتیب به جای انباشت ثروت
توسط معدودی سرمایه‌دار، جامعه می‌تواند از
رفاه بیشتر و زندگی بهتری برخوردار شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۵

۵ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ سردیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

نیری قاتل مُرد. زنده باد انسانیت!

کیوان جاوید

اعتراضات قدرتمند کشاورزان اصفهان

منظر دریاکناری

کابوس مشترک حکومتی‌ها

اصغر کریمی

حوثی‌ها و عقب‌نشینی رژیم!

حسن صالحی

نیری قاتل مُرد. زنده باد انسانیت!

کیوان جاوید-بازنشر از نشریه انترناسیونال

روز پنجشنبه ۱۴ فروردین وجود منحوس حسین علی نیری، قاضی شرع اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ و عضو "هیئت مرگ" که حکم به اعدام هزاران تن از زندانیان سیاسی داده بود از صحنه زمین پاک شد.

این جلاد به‌عنوان حاکم شرع همراه با مرتضی اشراقی (دادستان وقت تهران)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین)، چهار مقام قضایی و چهره اصلی "هیئت مرگ" در

تابستان سال ۱۳۶۷ بودند. این هیئت با فرمان خمینی، هزاران زندانی سیاسی را که در حال گذراندن دوران حبس خود در زندان‌ها بودند، دوباره "محاكمه" و به اتهام‌های سیاسی اعدام کردند.

نیری جلاد نیز در مقام قاضی مرگ برای حفظ حاکمیت نکبت اسلامی، همه جنایت‌پیشگی شخصی و ذاتی اسلامی‌اش را به کار گرفت و در همدستی با دیگر قاتلان حکومت اسلامی جویبار خون جاری کرد و بی‌رحمانه ده‌ها هزار نفر، عموماً از میان جوانان را به خون کشید تا حکومت جانیان میلیارد بر جنازه عزیزانمان زوزه مرگ سر دهند؛ تا فاسدترین، بی‌رحم‌ترین

و قاتل‌ترین حکومت‌عصر حاضر سرپا بماند و
زندگی مردم را با شدت هرچه تمام‌تر به ورطه
نابودی و تباهی بکشانند.

نیری مُرد و حکومتی که برایش این‌همه جنایت
کرد نیز حال‌وروز خوبی ندارد. جمهوری اسلامی
همچون کشتی‌ای شکسته در تلاطم یک دریای
توفانی به این سو و آن سو در نوسان است. حکومتی
که ده‌ها هزار نفر را کُشت و زندگی ده‌ها میلیون
نفر را به جهنم مبدل کرد، حالا اسیر خشم مردمی
است که از دل این کثافت‌خانه‌ای که ساخته،
سر به‌سوی آزادی و انسانیت برگردانده و برای
جامعه‌ای مبارزه می‌کنند که قتل و جنایت و اعدام
در آن برای همیشه محو و نابود شود.

نیری‌ها هر چه کردند، اما نتوانستند امید به تغییر و زندگی بهتر را از رؤیا و عمل روزمره مردم پاک کنند. نیری جلاد مُرد، اما حکومت اسلامی جنایت‌کار هنوز سرنگون نشده است. ما مردم بر گور نیری خون‌خوار رقص شادی بر پا می‌کنیم و هم‌زمان عهد می‌بندیم که با متحقق کردن زیباترین آرمان‌های بشری دل همه خانواده‌های جان‌باخته و همه مردم ایران که زندگی در باتلاق حکومت اسلامی را به چشم دیده‌اند شاد کنیم.

مرگ نیری جلاد را به مرگ حکومت اسلامی پیوند می‌زنیم. می‌جنگیم و هرگز نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم. جهانی می‌سازیم که زیبایی و خوشبختی سرود زندگی باشد.

اعتراضات قدرتمند کشاورزان اصفهان

منظر دریاکناری

جمعه پانزدهم فروردین ماه کشاورزان در خوراسگان اصفهان دست به تجمع و راهپیمایی بزرگی زدند. ۱۴ فروردین نیز کشاورزان برسیان در شرق اصفهان دست به راهپیمایی زدند. کشاورزان در کلیشاد غرب اصفهان نیز در همین روز تجمع داشتند که با استقبال عمومی مواجه شد. یادآور شویم که عصر شنبه هفته گذشته نهم فروردین ماه نیز گروهی از معترضان در منطقه شرق اصفهان، ایستگاه‌های پمپاژ شماره سه و چهار خط لوله انتقالی آب را تخریب و به آتش کشیدند. آتش زدن دو ایستگاه پمپاژ انتقال آب زاینده رود

به استان یزد و تخریب خط لوله انتقال آب که به قطع آب شرب در مناطقی از شهر یزد و سایر بخش‌های این استان منجر شده است، دور تازهای از تنش‌ها بر سر آب در ایران است.

صاف‌وساده این خشکسالی حکومتی است که به جان مردم افتاده است. اینکه یک کشور با سیاست‌های مافیایی و بخور و بچاپ، نان و آب و ته‌مانده سفره مردم را غارت می‌کند اظهر من الشمس است، کشاورزان حق دارند خیابان‌ها را قُرُق کنند و حکومت را وحشت‌زده کنند تا دزدهای حکومت از ترس به فکر راه چاره‌ای باشند.

این قدرت اعتراض را باید با حمایت هر چه

بیشتر مردم تقویت کرد. اعتراضات جاری نسبت به خشکسالی زاینده‌رود و این بی‌آبی مزمن یک درس مهم برای همه دارد. جامعه را، همه مردم را، باید به خیابان آورد. بی‌آبی یزد را نمی‌شود با ورود آب زاینده‌رود جبران کرد. در عوض این گناه مردم یزد نیست که خشکسالی دامن اصفهانی‌ها را گرفته است. وقتی در یزد در اعتراض به بی‌آبی و خشکسالی اعتراض می‌کنند و در همان روزها مردم اصفهان بلند نمی‌شوند، رژیم با یک مانور و باز کردن مسیر زاینده‌رود به یزد موقتاً یزدی‌ها را آرام می‌کنند. وقتی اصفهانی‌ها دست به اعتراض می‌زنند، آنگاه یزدی‌ها نظاره‌گر می‌مانند. این چرخه نشستن این شهر و بلندشدن آن شهر را باید دور انداخت.

در این مملکت پول به اندازه‌ای فراوان است که می‌شود امکانات لازم را برای مقابله با خشکسالی و بی‌آبی فراهم کرد. همه کشورهای حاشیه خلیج، خشک و بی‌آب هستند، اما در عطش خشکسالی نمی‌سوزند. یک جامعه با همه شهروندانش باید بلند شود و اتحاد سراسری و همگانی را سرلوحه مبارزه خود کند تا رژیم دست‌به‌جیب شود و مشکل بی‌آبی و خشکسالی را واقعاً حل کند. تجمع وسیع و بزرگ مردم اصفهان راه درستی است که باید با جدیت بیشتر پیموده شود. اتحاد و همبستگی بین مردم یزد و اصفهان نیز ضروری است. باید مانع اختلاف و شکاف بین آنها شد.

کابوس مشترک حکومتی‌ها

اصغر کریمی

محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت حسن روحانی: “چطور می‌خواهیم مقابل دنیا بمانیم، ولی مردم در داخل گرسنه باشند و نتوانند با ما همدلی و همراهی کنند. برای اینکه بتوانیم تاب‌آوری جامعه را بیشتر بالا ببریم، باید تلاش کنیم که کاهش قدرت خرید را جبران کنیم.”

همدلی و همراهی! شعار “دشمن ما همین جاست”، “موشک‌پرانی را رها کن و فلسطین رو رها کن فکری به حال ما کن” به حد کافی همدلی و همراهی مردم با شما را نشان می‌دهد.

هر دولتی سرِ کار می‌آید دولت‌های قبلی را مسئول بحران‌ها و شکست‌های حکومت و بدبختی‌های مردم معرفی می‌کند و پته آنها را روی آب می‌ریزد. دولت‌های قبلی هم از ناکامی‌های دولت‌های بعدی می‌گویند و اندر باب کارنامه درخشان خودشان! و اینکه تورم کمتر بود، رشد اقتصادی بالاتر بود و مردم اوضاع بهتری داشتند صحبت می‌کنند. نوبخت در این مصاحبه طولانی طوری از دوره روحانی حرف می‌زند که مصاحبه‌کننده به او می‌گوید ”شما چند بار از دوره طلایی ۹۲ تا ۹۶ صحبت کردید.“ نکته جالب برای مردم همین بلبشوی درون حاکمان است که به خون هم تشنه‌اند و مدام علیه هم افشاگری می‌کنند.

نوبخت می‌داند که در ۴۶ سال گذشته بحران اقتصادی هرروز عمیق‌تر شده و مردم هر روز گرسنه‌تر و حکومت هم راهی برای تغییر این وضع ندارد. معنی واقعی حرف او در مورد مردم گرسنه این است که اوضاع خطرناک است، مردم گرسنه‌اند و شورش می‌کنند، باید حداقل در سطح بین‌المللی کوتاه بیاییم، دست و پایمان را جمع کنیم، تسلیم شیطان بزرگ شویم تا فشار جهانی را کم کنیم و نیرویمان را روی داخل و کنترل مردم متمرکز کنیم. خامنه‌ای هم روز عید فطر گفته بود احتمال نمی‌دهیم از بیرون شرارتی انجام بگیرد و نگرانی‌اش را از شرارت دشمنان در داخل کشور بیان کرده بود.

”شرارت“ از داخل کابوس مشترک همه مقامات
قبل‌ی و فعلی حکومت است. همه آنها می‌دانند
که نه بحران سیاسی‌شان قابل‌حل است نه
بحران اقتصادی‌شان. هیچ‌کدام تردیدی ندارند که
روزبه‌روز مردم را گرسنه‌تر و معترض‌تر می‌کنند.
می‌دانند که این مردم‌اند که در مقابل حکومت
مرتب پیشروی کرده و آنرا در سنگرهای مختلفی
شکست داده‌اند، جنب و جوششان برای متشکل
شدن و سازمان‌دادن خود بیشتر شده و برای فتح
سنگرهای بعدی آماده می‌شوند. اما حکومتی‌ها
علی‌رغم این، چنان دل‌خونی از هم دارند که در
هر اظهارنظری علیه هم افشاگری می‌کنند و مردم
را به رفتن حکومت خوش‌بین‌تر می‌کنند!

حوثی‌ها و عقب‌نشینی رژیم!

حسن صالحی

روز جمعه ۱۵ فروردین - ۴ آوریل - روزنامه "تلگراف" به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی گزارش داده که نیروهای نظامی رژیم از یمن خارج شده‌اند. این مقام اعلام کرده که تصمیم برای جلوگیری از درگیری مستقیم با آمریکا گرفته شده است.

در پس رجزخوانی‌های جمهوری اسلامی علیه آمریکا، این "نرمش‌های قهرمانانه" نهفته است. پس از نفی مذاکره با آمریکا از سوی جمهوری اسلامی، سپس پذیرش مذاکره غیرمستقیم با آمریکا و حالا احتمال مذاکره مستقیم، اکنون رژیم اسلامی خود

را ناچار دیده است که دُمَش را روی کولش بگذارد
و نیروهای نظامی‌اش را از یمن خارج کند. یکی از
خواسته‌های دولت آمریکا از جمهوری اسلامی همین
بوده است که حمایت نظامی‌اش از حوثی‌های تحت
حمایتش را متوقف کند، و به نظر می‌رسد حکومت
از ترس حمله نظامی آمریکا دست به عقب‌نشینی
زده است و در عوض تلاش دارد دندان‌ش را برای
مردم تیز کند.

این تناقض رفتاری تازگی ندارد. رژیم می‌که در
سیاست خارجی رجز می‌خواند، در داخل از مردم
”انتقام“ می‌گیرد. خامنه‌ای در نماز عید فطر، تهدید
خارجی را کم‌اهمیت دانست و ”فتنه داخلی“ را
مهم‌تر خواند؛ پیامی واضح به مردم بود. اعتراضات

مردمی را "شرارت" می‌نامند، اما واقعیت این است که ترس اصلی‌شان از خود مردم است. چون شیشه عمر این رژیم، در دست مردم است.

درست است که مردم ایران در جنگی نابرابر با رژیم اسلامی قرار دارند؛ درست است که رژیم اسلامی نیروی مسلح و سرکوب دارد. ولی این قدرت رژیم در مقابل اراده و قدرت میلیونی مردم نمی‌تواند دوامی بیاورد. نمونه‌اش در ماجرای حجاب بود که با وجود تمام فشارها، رژیم نتوانست پیروزی زنان را پس بگیرد. قدرت واقعی در نزد خود ما مردم است. همین قدرت است که می‌تواند با سرنگونی رژیم اسلامی خطر جنگ را از بالای سر جامعه بردارد.

مذاکره و صلح و یا جنگ دولت‌ها راه نجات ما نیست. به اینها دخیل نبندید. راه نجات ما اتحاد میلیونی خود ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و با خواسته‌هایی است که در منشورهای مختلف در انقلاب زن زندگی آزادی بر زبان آورده‌ایم. بزرگ‌ترین ضربه به این رژیم، اعتصابات و اعتراضات سراسری است. در هر شرایطی - جنگ یا صلح، مذاکره یا عدم مذاکره - هدف روشن است: جمهوری اسلامی باید برود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۶

۶ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۷ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

شریفه محمدی: جدال زندگی با حکومت اسلامی

سیاوش آذری

”جنگ آب“ با فلاکت زیست محیطی

سینا پدرام

پاسداری از فقر با افزایش اعدام‌ها

کیوان جاوید

مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم یا هیچکدام؟

محسن ابراهیمی

شریفه محمدی:

جدال زندگی با حکومت اسلامی

سیاوش آذری

شریفه محمدی، فعال کارگری، که در بیدادگاه
جانیان اسلامی به اتهام بغی به اعدام محکوم شده
در پیامی از زندان لا کان رشت خطاب به پسرش
نوشت: ”بهار بار دیگر از راه رسیده است و این
یعنی که هیچ زمستانی برای همیشه ماندنی نخواهد
بود“، تأکید کرده است که ”نباید نشست و زانوی
غم در بغل گرفت. باید زندگی کرد و امیدوار
بود.“

اتهام وارده به شریفه محمدی عضویت در کمیته

هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و عضویت در حزب کومله است. شریفه محمدی را دستگیر میکنند، به زندان می افکنند، شکنجه می دهند، وادار به اعتراف دروغین علیه خود می نمایند و به اعدام محکوم می کنند زیرا شریفه از حقوق کارگران، از عزت و شرف انسانی آنان، از انسانیت و زندگی، از رفاه و شادی برای همگان و جامعه ای انسانی دفاع می کند.

توحش حکومت اسلامی علیه شریفه محمدی مصداق دشمنی رژیم مافیایی سرمایه داران اسلامی با زندگی است. زندان و شکنجه و حکم اعدام شریفه و شریفه ها جلوه های از دشمنی ذاتی طبقاتی حکومت اسلامی سرمایه با کارگران، مزد بگیران

و زحمتکشان و تحمیل فقر، بیکاری، بی خانمانی، حقوق حداقل زیر خط فقر و محرومیت و فلاکت اقتصادی بر بخش اعظم جامعه و استمرار چپاول ثروت مردم به یمن اقتصاد دزدسالار اسلامی، رانت خواری و اختلاس های نجومی آیت الله های میلیاردی و آقازاده ها و اعوان و انصار خامنه ای است.

شریفه محمدی در اسارت جانیان اسلامی است تا شهرام دبیری ها در ناز و نعمت به سر برند و به قطب جنوب سفر تفریحی لوکس ترتیب دهند؛ تا دختر و داماد محمد باقر قالیبافها، با ثروت به یغما برده از مردم، برای خرید سیسمونی نوزاد از فروشگاه های لوکس ترکیه به استانبول سفر نمایند.

شریفه محمدی در نبردِ دفاع از زندگی، زیبایی، کرامت انسانی تنها نیست؛ همه معترضین، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان در کنار او و در یک سنگراند. از همین روست که رژیم اسلامی قادر به شکست شریفه و شریفه ها نبوده و نخواهد شد. دفاع از شریفه محمدی، دفاع از زندگی، آزادی، برابری، رفاه و شادی برای همگان است. مطالبه آزادی شریفه محمدی و دیگر فعالان اجتماعی و زندانیان سیاسی را با صدایی رسا در اعتراضات خود فریاد کنیم و تا رهانیدن تمامی این عزیزان و سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جامعه ای انسانی از پای ننشینیم.

”جنگ آب“ با فلاکت زیست محیطی

سینا پدرام

ابوالفضل ابوترابی، نماینده نجف آباد در مجلس، نسبت به گسترش بحران آب و احتمال بروز ”جنگ آب“ میان استان‌ها هشدار داد. او گفت: ”تهران امروز با یک وضعیت فوق‌العاده حاد و خطرناک مواجه است و استان‌هایی مانند فارس، کرمان، زاهدان و دیگر مناطق نیمه شرقی کشور نیز با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند.“

ابوترابی افزود: ”مشهد وارد بحرانی وحشتناک شده و به نظر من بحران در تهران و مشهد مشابه اصفهان و یزد است و حتی ممکن است در

آینده نزدیک وخیم تر شود.“ او با انتقاد از نبود اولویت بندی در مدیریت منابع آب گفت: ”در حالی که با محدودیت شدید منابع آبی روبه رو هستیم، با استفاده از تکنولوژی آب را به کوه های بلند منتقل می کنند تا باغ های هلو ایجاد کنند. اما باید پرسید هلو مهم تر است یا فرونشست اصفهان و آب آشامیدنی یزد؟ ما اولویت هایمان را گم کرده ایم.“

پیش از هر چیزی باید گفت که بانی و باعث هر نابودی اکولوژیک و انسانی در ایران وجود رژیم اسلامی است که نماینده نجف آباد هم دست بر قضا بخشی از آن است و در اصل نه نماینده مردم نجف آباد بلکه نماینده فجایعی ای

است که رژیم اسلامی هر ثانيه بر سر مردم فرود آورده و مي آورد.

موضوع بحران آب در ايران مانند باقي فجايع، بحران مديريت و كم تدبيری اين يا آن بخش و فرد در رژیم اسلامی نيست. موضوع به سادگی اين است که عدهای لاشخور و سودجو، عدهای ميلياردر مفت خور، تعدادی آيت الله دزد سالار با يك شبکه اختاپوسی آخوندي و فيضيهای که در هر نقطه اين مملکت بازوهای مخرب خود را گسترده اند و به کمک نيروهای سرکوبگر خود، از سپاه و پليس و دادگاه گرفته تا بسيجی های ساندیس خور به يك غارت اساسی از ثروت اين مردم که با نيروی کار کارگران و زحمتکشان

حاصل شده است، سازمان‌های مافیایی خود را برای سودجویی کلان به جان مردم انداخته‌اند. برای طبیعت و اکولوژی همانقدر باید جنگید که برای جان هر انسانی باید نبرد کرد. نابودی طبیعت و استثمار انسان در این سیستم نهادینه شده است چرا که سود سرمایه‌داران و آیت‌الله‌ها، حرف آخر را می‌زند؛ چرا که رفاه و آسایش مردم هیچ جایی در این سیستم ندارد.

برای مردم ایران هیچ راهی جز اتحاد سراسری و نبرد متشکل وجود ندارد. نجات انسان و طبیعت در گرو نابودی رژیم اسلامی است.

پاسداری از فقر با افزایش اعدام‌ها

کیوان جاوید

خبرها در ایران حاکی از این است که در سه ماه نخست سال جاری میلادی، دست‌کم ۲۳۰ نفر ۲۲۲- نفر مرد و ۸ نفر زن - در این ایران به دلیل اتهاماتی چون قتل و جرائم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند.

اعدام‌ها ابزاری است برای حفظ و گسترش فلاکت اقتصادی و تداوم بقای حکومت اسلامی. اما از دانستن حقیقت تا پیدا کردن راه چاره فاصله‌ای است که باید کشف شود و ابزارهای لازم برای مقابله با این وضعیت بکار گرفته شود. تا همین جا

هم جامعه از زندگی و شرافت و کرامت انسانی خود با چنگ و دندان دفاع کرده است. اگر چنین نبود ما حالا شاهد شرایطی بودیم که هیچ نشانی از تمدن و هویت انسانی در ایران بجا نمانده بود.

جمهوری اسلامی از خشم جامعه آگاه است و عصیان‌هایی که بارها زبانه کشیده و همچون انفجار دینامیت جراحاتی سخت و سنگین بر پیکر رژیم وارد کرده است را تجربه کرده است. با این حال مقاومت و مبارزه مردم می‌تواند و باید یک گام اساسی‌تر به پیش برود. هنوز یک عزم سراسری که بتواند میلیون‌ها نفر را علیه اعدام به خیابان بیاورد سازمان نیافته است؛ هنوز رژیم اسلامی روی اعدام محکومین به جرایم مواد مخدر و

... مانور می‌دهد؛ هنوز اعدام "هیچ بودگان" و از زندگی ساقط شدگان که اکثریت اعدام شدگان را تشکیل می‌دهد، باعث نشده است که خیابان‌ها مملو از جمعیت علیه احکام اعدام در ایران شود. همین چرخهٔ رو به گسترش اعدام است که پاسدار فلاکت عمومی است. همین طناب دار است که تبدیل به زنجیری سخت و سنگین شده است تا مانع شکل‌گیری اعتراضات متشکل‌تر و سراسری‌تر شود.

جامعه یک تن واحد است که هر کجای آن دچار آسیب شود، همه این پیکر به درد می‌آید. اگر هویت انسانی زنان پایمال شود، هویت انسانی همه مردم پایمال می‌شود؛ اگر کارگران در فقر

باشند، همه بیکاران و دیگر مزدبگیران در فلاکت خواهند بود؛ اگر...

علیه اعدام در ایران متشکل تر شویم. تشکلهای و شبکههای مدنی، فعالین اعتراضات اجتماعی و مبارزین جنبش کارگری یکی شوند. احزاب و سازمانهای سیاسی برنامه مدون و روشنی علیه اعدام تدوین کنند. ایرانیان در خارج کشور بیشتر از این متشکل و سازمان یافته عمل کنند. علیه اعدام در ایران باید سازمان یافته به میدان آمد. این ممکن است.

مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم یا هیچکدام؟

محسن ابراهیمی

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند که برای مذاکره "غیرمستقیم" آماده‌اند. مذاکره مستقیم چطور؟ نه هرگز. به قول خامنه‌ای با هرکس هم مذاکره نکنیم با این دولت یعنی دولت ترامپ مذاکره مستقیم نمی‌کنیم! در طرف مقابل، دونالد ترامپ که اصرار می‌کرد باید مذاکره مستقیم باشد، یک‌باره معلوم شد که روی مذاکره غیرمستقیم هم فکر می‌کند، اما با کمی فاصله همان ترامپ علناً گفت که فکر می‌کند جمهوری اسلامی می‌خواهد مذاکره مستقیم باشد!

چه اوضاعی و چه بلبشویی واقعاً! به نظر می‌رسد که حضور ترامپ در رأس دولت آمریکا و خامنه‌ای در رأس جمهوری اسلامی برای راه‌انداختن چند جنگ ویرانگر در دنیا هم کافی‌ست. اما سؤال این است که اگر هم ترامپ هم خامنه‌ای دنبال مذاکره هستند پس منشأ سیاسی این‌همه تناقضات چیست؟

جمهوری اسلامی ناگزیر به دنبال مذاکره با "شیطان بزرگ" است چون می‌داند در داخل مردم در کمینش نشسته‌اند تا به زیر بکشندش و در منطقه و جهان هم حال خوشی ندارد و به همین خاطر تصور می‌کند مذاکره با آمریکا برای بقای سیاسی‌اش بهتر از یک رویارویی نظامی است.

جمهوری اسلامی دنبال مذاکراتی است که
تعمانده هوادارانیش در ایران و محور مقاومت
درهم شکسته را ناامید نکند. این تصویر را ندهد
که خامنه‌ای هم کودن، هم بی‌عقل، هم بی‌شرف
است، چون خامنه‌ای گفته بود مذاکره با آمریکا
”هوشمندان نیست، عاقلانه نیست، شرافتمندان
نیست“. اما دلیل تأکید روی مذاکره ”غیرمستقیم“
این است که شاید مثل گذشته بتواند مذاکره را
کش داد تا دوره ترامپ تمام شود.

دونالد ترامپ دنبال مذاکره مستقیم با جمهوری
اسلامی است و مشکلی هم با ادامه حیات
حکومت اسلامی ندارد اگر برنامه هسته‌ای را

تعطیل کند، موش‌دوانی توسط نیروهای نیابتی
را کنار بگذارد و از خیر برنامه‌های موشکی
بالستیکی‌اش بگذرد که در این صورت می‌تواند
حتی با خود خامنه‌ای هم عکس بگیرد و همچون
یک موفقیت بزرگ در سیاست خارجی به مردم
آمریکا و جهان بفروشد!

اوضاع اما پیچیده‌تر از این تصویر است. اگر
ترامپ به کمتر از تعطیل برنامه هسته‌ای
جمهوری اسلامی راضی نشود و خامنه‌ای به تعطیل
برنامه هسته‌ای رضایت ندهد، آنگاه خطر جنگ
جدی است و تنها ساقط کردن حکومت اسلامی
می‌تواند تضمین کند که چنین سناریویی هرگز
اتفاق نیفتد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۷

۷ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

دومینوی شکست خامنه‌ای در منطقه

اصغر کریمی

جان پخشان عزیزی در خطر جدی است!

سهیلا دالوند

پوشش بیماران در اتاق عمل و دغدغه حکومت

میلا رسایی منش

تظاهرات‌های هزاران نفره علیه دولت ترامپ

کاظم نیکخواه

دومینوی شکست خامنه‌ای در منطقه

اصغر کریمی

خلع سلاح نیروهای شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی امروز ۱۸ فروردین به تیتراول رسانه‌های جمهوری اسلامی اختصاص یافته است. سه ماه قبل روز ۱۹ دیماه ۱۴۰۳ خامنه‌ای در نشست با نخست‌وزیر عراق گفت: "حشدالشعبی یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت در عراق است که باید در جهت حفظ و تقویت بیش از پیش آن اهتمام داشت."

یک هفته بعد وزیر خارجه عراق گفت که وجود گروه‌های مسلح خارج کنترل از دولت این کشور، غیر قابل پذیرش است. و اکنون رهبران گروه‌های

مختلف نظامی وابسته به جمهوری اسلامی مانند
کتاب حزب الله، النجباء، کتاب سیدالشهدا و
انصار الله الاوفياء بدنبال تهدیدات ترامپ می گویند
آماده خلع سلاح هستیم تا از خطر تشدید درگیری
با دولت آمریکا جلوگیری شود.

ترامپ هشدار داده بود که اگر دولت عراق برای
انحلال شبه نظامیان فعال در خاک خود اقدام نکند،
این گروه ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار
خواهند گرفت. یکی از شش خواست ترامپ از
خامنه‌ای نیز به خلع سلاح حشدالشعبی اختصاص
داشت. خامنه‌ای گفته بود قطعا توقعات آنها را
نخواهد پذیرفت اما امروز تیتراژی روزنامه‌های
حکومتی در ایران به برآورده شدن خواست ترامپ

یعنی انحلال نیابتی‌های جمهوری اسلامی در عراق
تبدیل شده است.

امپراطوری! جمهوری اسلامی در منطقه، ابزار
چانه‌زنی در خارج و قدرت‌نمایی در مقابل مردم در
داخل کشور قدم به قدم فروپاشیده است؛ حماس،
حزب‌الله، حکومت سوریه، تضعیف شدید حوثی‌ها
در یمن و حالا حشدالشعبی در عراق در آستانه خلع
سلاح. در داخل نیز نماد اسلام و اسلامیت حکومت
یعنی حجاب سرنگون شده است. خود اسلام و
فرهنگ و رفتارهای اسلامی نیز مدتهاست سکه
یک پول شده است. اقتصادشان نیز تماما به گل
نشسته است. در چنین شرایطی است که مذاکره
هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه نیست به مذاکره،

در قدم اول غیر مستقیم، تبدیل شده است.

”امپراطوری“ حکومت اسلامی در منطقه فروپاشیده در داخل نیز بخشی از مسیر فروپاشی طی شده است. جمهوری اسلامی گریزی ندارد. نه راه حلی برای تخفیف بحران اقتصادی دارد نه امکان بازسازی نیروهای نیابتی و نه مقاومت در مقابل غرب و شیطان بزرگ. حکومت در حال افول است. سرعت دادن به این افول و سرانجام رهایی از آن در گرو متشکل شدن مردم در شبکه‌ها و نهادهای سراسری در همه زمینه‌ها حول خواست‌های آزادیخواهانه و گرد آمدن حول راه حل متحد کننده چپ و سوسیالیستی است.

جان پخشان عزیزى د ر خطر جدى است!

سهیلا دالوند

مازیار طاهایی، یکی از وکلای زندانی سیاسی پخشان عزیزى، روز یکشنبه ۱۷ فروردین اعلام کرد: "شعبه رسیدگی کننده دیوان عالی کشور دومین درخواست اعاده دادرسی را بدون مطالبه پرونده محاکماتی رد و دفاعیات وکلای پخشان را بلا دلیل اعلام کرده است."

پخشان عزیزى روزنامه نگار، فعال زنان و مددکار اجتماعی، به جرم فعالیت های داوطلبانه، انسان دوستانه و کمک به زنان و کودکانی که قربانی حملات گروه داعش بودند، توسط دیوان

عالی کشور به اعدام محکوم شده است.

رد درخواست اعاده دادرسی از سوی دیوان عالی کشور، جان پخشان عزیزی را بیش‌ازپیش در معرض خطر اجرای حکم اعدام قرار داده است. این تصمیم در حالی اتخاذ شده که پرونده او به‌شدت مورد توجه نمایندگان پارلمان‌ها، نهادهای مدافع حقوق مدنی در داخل و حقوق بشری بین‌المللی قرار گرفته است.

پخشان در مرداد ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ماه‌ها در بند امنیتی زندان اوین بدون ملاقات با خانواده و عدم دسترسی به وکیل تحت فشار و شکنجه قرار گرفت و در تیر ۱۴۰۳،

توسط قاضی ایمان افشاری به اعدام محکوم شد
و دو درخواست اعاده دادرسی، یک بار در بهمن
۱۴۰۳ و بار دوم در ۱۷ فروردین ۱۴۰۴، بدون
بررسی رد شد.

تأیید دوباره حکم اعدام پخشان عزیزی توسط
رژیم اسلامی، با هدف ایجاد ترس و وحشت در
جامعه صورت می‌گیرد. در اوضاع سیاسی کنونی
رژیم اسلامی تنها راه نجات خود را در اعدام،
سرکوب بیشتر و مقابله با جنبش انقلابی زن
زندگی آزادی می‌بیند.

خطر اجرای حکم اعدام پخشان و دیگر زندانیان
سیاسی عقیدتی محکوم به اعدام جدی است.

به هر شکل ممکن باید در مقابل اجرای حکم
اعدام پخش‌ان عزیزی ایستاد و از طریق اتحاد و
همبستگی و اعتراضات گسترده در مقابل زندان‌ها
و فشار بین‌المللی جلوی این چرخه آدم‌کشی
رژیم اعدام‌ها را گرفت.

پوشش بیماران در اتاق عمل و دغدغه حکومت

میلا رسایی منش

در سرزمینی که بیماران یکی یکی جان می دهند، نه به خاطر شدت بیماری، بلکه به دلیل نایاب بودن دارو، نبود امکانات درمانی و فروپاشی سیستم سلامت، حاکمیت همچنان درگیر دغدغه همیشگی خود است: کنترل بدن و پوشش انسان ها. حالا نوبت بیماران بیهوش روی تخت عمل جراحی رسیده است!

بر اساس گزارشی از خبرگزاری ایلنا، ستاد امریه معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان تأمین اجتماعی، اقدام به طراحی ۱۸ نوع لباس

جدید برای بیماران کرده است تا “حدود شرعی” حتی در بیهوشی هم رعایت شود. اینجا هم اولویت جمهوری اسلامی نه نجات جان انسان، بلکه حفظ ظاهر ایدئولوژیک نظام در همه عرصه‌ها حتی در اتاق‌های عمل است.

در شرایطی که کودکان سرطانی به دلیل نبود دارو رنج می‌کشند، سالمندان به‌خاطر نبود سرم در صف‌های مرگ می‌ایستند و بیماران خاص با هزینه‌های سرسام‌آور درمان تنها گذاشته شده‌اند، بودجه و تمرکز حکومت به سمت طراحی لباس شرعی برای بیماران می‌رود. این تصمیم، نمونه‌ای بارز از حاکمیتی است که انسان را نه به‌عنوان یک موجود باکرامت، بلکه ابزاری برای پیشبرد

پروپاگانداى دینى خود مى‌بیند.

این وضعیت نشان مى‌دهد که نظام اسلامى نه تنها در تأمین ابتدایى‌ترین نیازهای مردم ناتوان است، بلکه با اولویت‌بندی‌های مخرب خود، عملاً به جان مردم حمله مى‌کند. تنها راه نجات، سرنگونی این نظام و ساختن جامعه‌ای انسانی، عقل‌مدار و شایسته مردم است.

تظاهرات‌های هزاران نفره علیه دولت ترامپ

کاظم نیکخواه

از زمان روی کار آمدن ترامپ در آمریکا حدود دو ماه و نیم بیشتر نمی‌گذرد. اما طی همین مدت کوتاه عوارض بحران‌آفرین سیاست‌های دولتش همه جا احساس می‌شود و جبهه‌های متعددی علیه این دولت باز شده است.

از جمله روز ۱۶ فروردین در بیش از ۵۰ ایالت آمریکا تظاهرات‌هایی هزاران نفره با عنوان ”دست از سر ما بردار!“ با همکاری بیش از ۱۵۰ گروه از جمله گروه‌های مدنی، کارگری، فعالان حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی به جریان افتاد و

ده‌ها هزار نفر در آنها شرکت کردند و علیه ترامپ و دولتش شعار دادند. تظاهرکنندگان اقدامات دولت ترامپ از جمله اخراج هزاران کارمند دولت فدرال، تعطیلی دفاتر سازمان تأمین اجتماعی، بسته‌شدن کامل برخی نهادهای دولتی، اخراج مهاجران، محدودسازی حمایت‌ها از اقلیت‌های جنسیتی و کاهش بودجه برنامه‌های بهداشتی را محکوم کردند.

در کشورهای دیگری از جمله مکزیک، فرانسه، آلمان و بریتانیا نیز تظاهراتی در مخالفت با سیاست‌های دونالد ترامپ و اقدامات ایلان ماسک برگزار شد. ترامپ دعا می‌کند که می‌خواهد "عظمت آمریکا" را بازگرداند اما عملاً

دارد ”افول آمریکا“ را تسریع می کند.

در واقع سه جبهه کاملاً ناهمگون با دولت ترامپ وارد تقابل شده اند. یکی کارگران و کارکنان ادارات و مردمی هستند که بیکاری و تورم زندگی شان را به ناامنی کشانده و با سیاست های ضداجتماعی و ضد حقوق انسانی و ضد پناهندگی و ضد محیط زیستی آن آینده ای بسیار تاریک تر را در انتظار خود می بینند. دوم دولت هایی هستند که جنگ تعرفه ها آنها را به اقدامات متقابل کشانده است و در حال ایجاد راهکارهایی برای مقابله با جنگ تجاری ترامپ هستند. سوم دوست همیشگی ترامپ و ایلان ماسک و همه میلیاردرها، یعنی جناب بازار است که دارد دندان قروچه می رود!

با سقوط ارزش سهام و شروع رکود و تورم و ارزیابی‌های بسیار منفی اقتصاددانان از آینده، بازار نیز دارد نارضایتی شدید خود را از دولت ترامپ ابراز می‌کند. اینها تازه نوک کوه یخ تقابل با دولت ترامپ است. بحران‌ها و فوران‌های بسیار بیشتری در راه است.

ترامپ اخیراً اعلام کرد که علی‌رغم منع صریح قانون اساسی، بعد از پایان این دوره می‌خواهد در دور سوم نیز رئیس‌جمهور آمریکا شود. اما اوضاع سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی گویای اینست که پایان بردن همین دوره نیز برای او و دولتش قطعی نیست. حداقل کار آسانی نخواهد بود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۸

۸ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۹ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

پذیرش ناگزیر ذلت مذاکرات مستقیم با آمریکا

سیامک بهاری

سود خونین سرمایه در معادن

نسان نودینیان

”کیک محبوب من“ تصویر مطالبات انسانی

عطیه نیک نفس

ترامپیسیم یا شش لول بندی اقتصادی!

سینا پدرام

پذیرش ناگزیر ذلت مذاکرات مستقیم با آمریکا

سیامک بهاری

ترامپ: "مذاکره با جمهوری اسلامی ایران مستقیم
و در سطح بالا خواهد بود!"

علنی کردن مذاکره آمریکا و جمهوری اسلامی
توسط ترامپ، حکومت اسلامی را شدیداً غافل گیر
کرده است. درحالی که سران حکومت مشغول
رجزخوانی و دروغ پردازی مرسوم و ژست و اکت
"مذاکره مستقیم نمی کنیم" بودند، ناگهان زیر پای
خود را خالی دیدند. تصور نمی کردند که نشست
عراقچی و ویتکاف، در عمان به این وضوح علنی

شود.

مشخص شده است که عراقچی و استیو ویتکاف روز شنبه دوازدهم آوریل در عمان مذاکره خواهند کرد. به این معنی مذاکره مستقیم، در جریان بوده، طرفین مذاکره و موافقت باننشست از پیش تدارک دیده شده است و از این به بعد علنی ادامه پیدا خواهد کرد. خامنه‌ای بر اساس همین روند محرمانه، پیش از این تلویحاً اشاره کرده بود که خطر احتمال حمله نظامی رفع شده است.

سرعت سیر هزیمت جمهوری اسلامی در سراسری شکست، نشان از عجز و درماندگی و فروپاشی ساختار مقاومت و تو خالی بودن رجزخوانی‌ها و عربده‌کشی‌های گنده‌لات‌های سپاه و کل حکومت

دارد. روشن است که پس از شکست‌های سریالی جمهوری اسلامی و متلاشی‌شدن خاکریزهای عمق استراتژیک، دوران تلاش‌های مذبوحانه برای به سر دواندن و سرکار گذاشتن و اتلاف وقت و چانه‌زنی و میانجیگری و بده‌وبستان در مذاکرات چندلایه، به سر رسیده است. پنهان‌کاری جمهوری اسلامی در روند مذاکرات مستقیم با آمریکا، نه تنها نقش بر آب شده است که مایه مضحکه در سطح بین‌المللی است.

ادعاهای پزشکیان که ”ما به مذاکره باور داریم؛ اما به هر قیمت و با ذلت مذاکره نمی‌کنیم، آمریکایی‌ها باید ثابت کنند که به دنبال مذاکره هستند“، تنها چند ساعت دوام آورد و البته نشان داد که جمهوری

اسلامی نه شرافتمندانه و نه هوشمندانه، در اوج ذلت و خفت، پای میز مذاکره مستقیم نشسته است و می‌خواسته همین را از چشم جهانیان پنهان کند!

از خامنه‌ای، از صدر تا ذیل مافیای حکومتی، برای حفظ نظام در تکاپویی مذبوحانه در روند دوسر شکستِ یا مذاکره مستقیم یا حمله نظامی در قمار هسته‌ای و موشکی و نیابتی‌ها آچمز شده به بن‌بست رسیده‌اند! صحنه اصلی نبرد و سقوط حکومت اسلامی، اما نه در میز مذاکرات که در مصاف بی‌تردید سنگرهای خیابان و مردمی مصمم، عاصی و خشمگین که برای به زیر کشیدن جرثومه جمهوری اسلامی لحظه‌شماری می‌کنند رقم خواهد خورد.

سود خونین سرمایه در معادن

نسان نودینیان

روز دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴، هفت کارگر معدن بر اثر گازگرفتگی در معدن جواهر زغال در مهماندویه جان باختند.

“حوادث” در محیط کار هر سال باعث مرگ و از کارافتادگی هزاران نفر از کارگران و کارکنان بخش‌های مختلف تولیدی، معادن و پروژه‌های می‌شود. سالانه بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر در اثر جنایات کاری جان خود را از دست می‌دهند و بیش از ۱۰ هزار نفر دچار مصدومیت شدید می‌شوند. در ایران، با اقتصاد بحران زده، غیرمتعارف، فساد و رانت و استثمار مطلق آمار تلفات ناشی از ناایمن

بودن محیط کار بالا است.

کار در معدن از سخت‌ترین مشاغل است. کم نیستند حوادث در معادن که ده‌ها نفر در عمق زمین و تونل‌های تاریک و باریک بر اثر ریزش معدن، برق گرفتگی، نبود تهویه مناسب، فرسودگی تجهیزات ایمنی، ریزش کوه، ریزش خاک و سنگ، سقوط از ارتفاعات معدن، متروکه بودن معادن و تصاعد یا انتشار گاز متان، جان خود را از دست داده و یا دچار معلولیت‌های جسمی قطع دست و پا و بیماری‌های ریوی، سرطان و... شده‌اند.

در اکثر این معادن متروکه تدابیر ایمنی برای متوقف کردن گاز متان وجود ندارد. در شهریور سال ۱۴۰۳ بر اثر ریزش تونل و انفجار گاز متان ۵۳ کارگر

معدن جوی طبس و در سیزدهم اردیبهشت ۹۶ بر اثر انفجار در معدن زمستانی یورت در آزادشهر گلستان ۴۳ کارگر جان باختند. کارفرماها و دولت برای ایمنی محیط کار و ایجاد تأسیسات مناسب حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند. یک دلیل اصلی تلفات ناشی از ناامنی معادن متروکه‌ای هستند که باید به طور دائم تعطیل و کارگران و کارکنانی که چند دهه سابقه کار در این معادن دارند از حقوق و مزایای کافی برای تأمین زندگی برخوردار شوند. اما در نظام وحشی جمهوری اسلامی سرمایه‌بجای سرمایه‌گذاری مالی و پرداخت حقوق و مزایای مناسب و تأمین معیشت و رفاه کارگران، از نیروی کار کارگر معدن بهره‌گرفته و آنها را روانه معادن متروکه با کمترین تأسیسات ایمنی کار، می‌کنند. برای کارفرماها سود و سرمایه همه چیز است. در

عوض برای کارگران زندگی، معیشت و رفاه همه چیز است.

در معادن ایران جنایات کاری ناشی از ناامنی محیط کار توسط سرمایه‌داران انگل و حریص با همراهی دولت انجام می‌شود. کارگران معدن قربانیان سودجویی و ثروت‌اندوزی آنها هستند.

”کیک محبوب من“ تصویر مطالبات انسانی

عطیه نیک نفس

”بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، کارگردانان فیلم “کیک محبوب من”، با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی از صدور حکم زندان برای خود و نیز غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده این فیلم خبر دادند. آنها در پیام خود نوشتند: پیرو ابلاغیه روز دهم فروردین مبنی بر صدور احکام پرونده فیلم کیک محبوب من، بعد از تعطیلات نوروز به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مراجعه کردیم و احکام پرونده به کارگردانان (بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم) و تهیه‌کننده (غلامرضا موسوی) که به ترتیب متهمین ردیف اول و دوم و سوم محسوب می‌شوند، ابلاغ

گردید.

کیک محبوب من فیلمی خوش ساخت و روان است که نیازهای اولیه انسانی را به تصویر می کشد، نیازها و مطالباتی که در چهارچوب اسلام و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها جایی ندارد و کاملاً حذف شده است، بلکه از مردم حتی برای بیان آنها هم جرم انگاری می شود و تحت تعقیب قرار می گیرند.

در دنیای امروز علم تأکید بر پاسخگویی به نیازهای اساسی و اولیه انسانها در جهت هر چه بالابردن کیفیت زندگی و ساختن دنیایی انسانی دارد. در مقابل، در ایران، افغانستان و دیگر کشورهای اسلام زده انسانیت هر لحظه توسط اوباش اسلامی حاکم در این کشورها مؤاخذه و به دار کشیده

می‌شود.

کیک محبوب من با بازیگری‌هایی بسیار هنرمندانه و دیالوگ‌هایی بسیار ساده اما پر معنا خفقان و استبداد مذهبی از نوع اسلام را به تصویر می‌کشد. سازندگان این فیلم محکوم شده‌اند که چرا در فیلم بدون حجاب بوده‌اند، کدام حجاب؟! حجابی که کلاً سوزانده و پرتاب شد و به تاریخ پیوست؟! حجابی که جمهوری اسلامی از سر ترس و البته شکست در مقابل مبارزات جسورانه زنان، لایحه عفاف و حجابش را نمی‌تواند اجرایی کند؟! اتهام می‌زنند که سازندگان و بازیگران این فیلم با "نشر اکاذیب قصد تشویش اذهان عمومی" را داشته‌اند؛ یعنی ریشه بر تن آمران به معروف افتاده و ذهنشان مشوش شده!

کیک محبوب من با به تصویر کشیدن مطالبات و البته مبارزات زنان علیه آزارگران و متجاوزان به حریم خصوصی زنان، شکلی دیگری از مبارزه علیه توحش اسلامی است. سازندگان و بازیگران این فیلم نه مجرم بلکه هنرمندانی هستند که شجاعانه و خلاقانه در کنار مردم جان به لب رسیده علیه یک رژیم سراسر غیرانسانی ایستاده‌اند و جنایت‌های این رژیم را به تصویر کشیده‌اند. حمایت از این هنرمندان، حمایت از انسانیت و همبستگی علیه مذهب در قدرت است.

ترامپ‌یسم یا شش لول‌بندی اقتصادی!

سینا پدرام

در پی تهدیدات تازه ترامپ به‌منظور افزایش تعرفه‌های گمرکی به بیش از ۵۰ درصد در برابر تعرفه ۳۴ درصدی چین، بار دیگر بازارهای بورس در کل جهان سقوط پرشتابی را تجربه کردند. بسیاری از تحلیل‌گران این "آبشار سقوط" در روز دوشنبه را "حمام خون" نامیدند و بسیاری با استفاده از کلمه "تاریخی" به تحلیل این اوضاع بحرانی پرداختند. این اقدامات تجاری باعث سقوط قیمت نفت شد و نگرانی از رکود اقتصادی در ایالات متحده را ۶۶ درصد افزایش داد.

تاریخ سرمایه‌داری تاریخ بحران‌های سرمایه‌داری نیز هست. در همین صدسال گذشته، از فروپاشی بازار بورس نیویورک در سال ۱۹۲۹ تا بحران مالی - بهداشتی ۲۰۲۰ با پاندمی کووید ۱۹، سرمایه‌داری جهانی بحران‌های شدیدی را به جامعه انسانی تحمیل کرده است.

بر خلاف تبلیغات مدیای رسمی، ترامپیسم آغازگر بحران مالی کنونی نیست، بلکه نتیجه طبیعی بن‌بست ساختاری سیستم سرمایه‌داری قرن ۲۱ است. به عبارت بهتر، یکه‌تازی و "حملات اقتصادی" ترامپ خود ناشی از این بحران اقتصادی است.

همچنین، این بحران نتیجه سیاست‌های یک
”مرد دیوانه “ نیست. به همان شکل که جنگ
جهانی دوم نتیجه ”جنون هیتلر“ نبود.
آنچه که دوره ترامپ را از دیگر دوره‌ها بحرانی
متمایز می‌کند عدم وجود یک سیاست اقتصادی
است که بتواند کشتی طوفان‌زده سرمایه‌داری
را به ساحلی امن رهنمون کند. ”شوک‌درمانی“
سیاست‌مداران کنونی و محافل داخلی کاخ
سفید آمریکا همان قدر کارایی دارد که
شوک‌درمانی‌های پیشینیان ترامپ. نه سیاست
جنگی بوش پدر و پسر توانست دنیا را به قدر
قدرتی آمریکا ”مجاب“ کند و نه ”جنگ گمرکی“
ترامپ چنین ظرفیتی را داراست. ترامپیسم و
جنگ تعرفه‌ای نمایانگر آینده دنیایی است که
در آن مشتی میلیاردی حکومت‌ها را خود اداره

می‌کنند و در مقابل، میلیاردها انسان از هیچ حق و حقوقی برخوردار نیستند.

اما آن‌سوی سکه، در یک تصویر بزرگ‌تر این نه جنگ تعرفه‌ها بلکه جنگ طبقاتی است که واقعیت خود را در اشکال مختلف مبارزات مردم بر رؤیاهای دست‌نیافتنی میلیاردرهایی مانند ترامپ و ماسک تحمیل خواهد کرد. جهان ما آ‌بستن آن آرمانی است که تمامی آزادی و رفاه انسانی را نمایندگی می‌کند. جهان ما آ‌بستن آن جامعه‌ای است که بر سر در آن خواهند نوشت "از هر کس به‌اندازه توانش و به هر کس به‌اندازه نیازش."

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۹

۹ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۰ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

مذاکره عاقلانه نیست، شرافتمندانه نیست!

شهاب بهرامی

فراتر از نه به اعدام

کیوان جاوید

بالاکشیدن حق شهروندان دارای معلولیت

منظر دریاکناری

خلع سلاح حزب الله، کشیدن دندان مار سمی

سیاوش آذری

مذاکره عاقلانه نیست، شرافتمندانه نیست!

شهاب بهرامی

”ته جنگ، نه مذاکره! جنگ نمی‌شود، مذاکره هم نمی‌کنیم. این ترامپ قمارباز لیاقت پاسخ دادن ندارد. ترامپ قاتل سردار ما سلیمانی است، هرگز با وی مذاکره و معامله نمی‌کنیم (خامنه‌ای). با وارد شدن بمب‌افکن‌ها و ناوهای هواپیمابر آمریکایی به منطقه، زمزمه ”ما با مذاکره غیر مستقیم مشکلی نداریم“ بلند شد اما کیهان شریعتمداری نوشت طرفداران مذاکره یا احمق‌اند و نمی‌فهمند یا در جبهه دشمن هستند.“

روز شنبه نیز شریعتمداری یادداشتی در مذمت

مذاکرات نوشت و گفت بزودی چند گلوله به سمت ترامپ کله‌پوک شلیک می‌شود. تنها دو روز بعد از این تهدید، ترامپ اعلام کرد که مذاکرات با ایران آغاز شده و روز شنبه آینده مذاکرات مستقیم در عالی‌ترین سطح دیپلماتیک انجام خواهد شد.

خامنه‌ای چوب دوسر طلای رژیم با انتخابی سخت این تغییر موضع و چرخش سیاسی خامنه‌ای، نه یک تصمیم آنی و شتابزده، بلکه بر بستر متغیرهایی واقعی که رژیم را بر سر دوراهی ماندن یا رفتن سوق داد، اتفاق افتاد. نارضایتی عمومی از وضعیت اسفبار اقتصادی، فلج سیستم‌های خدماتی چون آب و برق و گاز و محیط زیست و غیره، از دست دادن سنگرهای داخلی چون حجاب و ارزش‌های اسلامی، ریزش وسیع نیروهای مزدور طرفدار

رژیم، نابودی نیروهای نیابتی در منطقه، ناکارایی توان موشکی و دفاعی رژیم، اعتراضات هر روزه و گسترده بخش‌های مختلف اجتماعی، بخشی از این عوامل اند که خود بیانگر نوعی فروپاشی است که عمیق‌ترین شکاف‌ها در سطوح بالای رژیم را از ترس انقلاب دامن زده است.

اینکه نتیجه مذاکرات به کجا خواهد انجامید جزئیاتش از پیش معلوم نیست، تن دادن به مذاکره مستقیم با شیطان بزرگ تا همینجا شکستی حقارت‌آمیز و بزرگ است که رژیم را در برابر انقلاب مردم بیشتر آسیب‌پذیر می‌کند. رژیم یا باید به طور کامل تسلیم خواست‌های ترامپ شود که به معنی آغاز شمارش معکوس حیات رژیم خواهد بود یا مورد حمله نظامی قرار بگیرد که تبعاتش معلوم نیست اما رژیم از این

میدان نیز جان سالم بدر نخواهد برد.

تسلیم به آمریکا، سرکوب مردم
خامنه‌ای یکبار دروغ نگفت: "از خارج شرارتی
نمی‌شود ولی از داخل بخواهند شرارت کنند و
مثل سالهای گذشته فتنه راه بیندازند، مردم ایران
جوابشان را می‌دهند." جناب خامنه‌ای، دوران
رجزخوانی و تهدید مردم گذشت بفکر "سوراخ
موش باش".

فرا تر از نه به اعدام

کیوان جاوید

کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" زندان‌هایی که در هفته شصت و سوم (سه‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۴) در اعتصاب غذا شرکت می‌کنند را اعلام کرده است:

اوین (بند زنان، بند ۴ و ۸)، قزل‌حصار (واحد ۳ و ۴)، کرج، تهران بزرگ، خورین ورامین، چوبیندر قزوین، اراک، خرم‌آباد، اسدآباد اصفهان، دستگرد اصفهان، شیبان اهواز، سپیدار اهواز (زنان و مردان)، نظام شیراز، عادل‌آباد شیراز (زنان و مردان)، برازجان، رامهرمز، بهم، کهنوج، طبس، جوین، مشهد، گنبد کاووس، قائم‌شهر، لاگان رشت (زنان و مردان)،

رودسر، حویق تالش، دیزل آباد کرمانشاه، اردبیل،
تبریز، ارومیه، سلماس، خوی، نقده، میاندوآب، سقز،
بانه، مریوان، کامیاران.

حکومت سرمدمدار اعدام‌ها در جهان در این زمینه
هر روز شگفتی جدیدی می‌آفریند و در گرفتن جان
انسان‌ها رکوردهای جدیدی بجا می‌گذارد. دین و
حکومت خدا با خون آبیاری می‌شود. آفرین اسلام،
آفرین حکومت خدا بر زمین. زنده باد حکومت
دین‌داران بی‌آلایشی که می‌خواهند دروازه‌های
بهشت را به سوی رانده‌شدگان از بهشت باز کنند.
از این بهتر نمی‌شد دین خدا را در جامعه جاری
کرد و جهان را مبهوت رهایی‌بخشی دین و مذهب
کرد.

اما چرخ این‌همه "پیشرفت" یک جا بدجوری می‌لنگد. کسان زیادی هستند که چوب لای چرخ آیت‌الله‌ها و حکومت این نمایندگان راستین خدا می‌اندازند. از پیر و جوان، زن و مرد به این تفکر و باور عمیق رسیده‌اند که مشکل اساسی حاکمیت دین و چنگ‌انداختن این نمایندگان دین اسلام بر تاروپود جامعه است. جامعه، اکثریت قریب به اتفاق شهروندان به این نتیجه رسیده‌اند که آخوند یعنی دزد، فاسد، شیاد، کلاهبردار، قاتل و متجاوز به زندگی فردی و اجتماعی همه مردم. این در تفکر عمومی نقش بارزی دارد.

این البته باز هم همه ماجرا نیست. ماجرای اصلی این است که این مردم فقط در کنج خانه‌ها علیه این سیستم و این تفکر و مناسبات نیستند. از

کودک دبستانی تانوجوان دبیرستانی تادانشجویان
دانشگاه‌ها، همراه با معلم و کارگر و پرستار در
میدان مبارزه حضور دارند. جنبش زن زندگی
آزادی بروز سیاسی - فرهنگی - اجتماعی و البته
خیابانی آن است.

در همه‌جا این روند روبه‌رشد را تشدید کنیم.
نه تنها فقط اجتماعی علیه اعدام به میدان بیاییم،
بلکه در دفاع از مبارزات همه بخش‌های جامعه
یک صدای واحد باشیم. فقط همین اتحاد و تشکل
و قدرت سراسری ما است که می‌تواند جامعه را از
جهنم اسلامیون رها کند و در راه آزادی و برابری
و انسانیت قدم بردارد.

بالاکشیدن حق شهروندان دارای معلولیت

منظر دریاکناری

مدیر کمپین معلولان در ایران، کمک هزینه معیشتی دولت پزشکيان برای افراد دارای معلولیت را “به شدت ناچیز” دانست. بهروز مروتی این وضع را تأییدگر سرکوب سیستماتیک معیشت افراد دارای معلولیت و نشانه‌ای از “آپارتايد علیه معلولان و سرکوب معیشتی آنان” دانست.

طبق این آیین‌نامه، کمک هزینه معیشتی به افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید فاقد شغل و درآمد که در سه دهک اول قرار دارند، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برای یک نفر، یک میلیون و

۸۰۰ هزار تومان برای دو نفر، دو میلیون و ۴۰۰ هزار برای سه نفر، سه میلیون، برای چهار نفر و سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای پنج نفر و بالاتر در نظر گرفته شده است.

این یک درد اجتماعی است. دیدن افرادی که با هزار مشقت حتی نمی‌توانند امور شخصی خودشان را مستقلاً به پیش ببرند؛ افرادی که نمی‌توانند برای کسب درآمد شغلی داشته باشند؛ کسانی که وابسته مادی و معنوی به خانواده خود شده‌اند و از وجود امکانات اجتماعی محروم هستند. آری نمی‌شود این درد را دید و از کنارش گذر کرد. نمی‌شود صف اعتراضی افراد دارای معلولیت و خانواده‌های دردمند این شهروندان را دید و چشم فروبست. نباید این درد اجتماعی هموعانمان را ببینیم و در

فکر کمک به آنها نباشیم.

معنی و مفهوم انسانیت همین جا نهفته است. دست دیگران را گرفتن و از باتلاق زندگی جهنمی‌ای که مشتی پول‌پرست و غارتگر برای همه ساخته‌اند بیرون کشیدن. اگر این مفهوم زندگی رنگ ببازد آنگاه حلقه محاصره افسارگسیخته علیه مردم تنگ‌تر می‌شود.

افراد دارای معلولیت و خانواده‌های این عزیزان اعتراضات متعددی سازمان داده‌اند، اما صدای آنها خیلی رسا شنیده نشده است. اگر در خیابان هستیم و چنین اعتراضی را می‌بینیم انسانیت و نوع دوستی حکم می‌کند در کنار آنها قرار بگیریم. وقتی اقشار مختلف جامعه که برای حقوق و مزایا و دستمزد

ناکافی خود دست به اعتراض و تحصن و اعتصاب می‌زنند، خوب است که شهروندان دارای معلولیت را فراموش نکنند. یک بخش از مطالبات رفاهی و معیشتی ما باید دفاع پیگیر و سازمان‌یافته از این عزیزان باشد. حمایت از این افراد نباید فقط محدود به خانواده آنها باشد. این یک پیگیری و حساسیت اجتماعی می‌طلبد. به سازماندهی و سازمان‌یابی آنها کمک کنیم، در تجمعاتشان شرکت کنیم و در بیانیه‌های خود مطالبات آنها را نیز بگنجانیم.

خلع سلاح حزب‌الله، کشیدن دندان مار سمی

سیاوش آذری

رویترز: حزب‌الله در صورت پایان حملات اسرائیل، آماده مذاکره درباره خلع سلاح است. هم‌زمان با افزایش درخواست‌ها برای خلع سلاح حزب‌الله لبنان، خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام ارشد این گروه نوشت که حزب‌الله آماده است در صورت عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان و توقف حملاتش به این کشور، درباره سلاح‌های خود با رئیس‌جمهور لبنان گفت‌وگو کند.

گفته می‌شود بحث درباره خلع سلاح حزب‌الله پس از تغییر توازن قوا به دنبال جنگ سال

گذشته این گروه با اسرائیل و سقوط حکومت
بشار اسد در سوریه شکل گرفته است. اما این
تحلیل ناکافی و نادقیق است. دم حزب‌الله به
تهران و در دست جمهوری اسلامی است. این
سازمان تروریستی اسلامی تا همین حالا با پول و
تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی به حیات خود
ادامه داده است و با نی زدن مارگیر، یعنی علی
خامنه‌ای سر از کیسه مارگیری بیرون می‌آورد.

شرایط برای جمهوری اسلامی تغییر کرده است.
یک انقلاب در داخل این رژیم را به کنج می‌راند
و همین واقعیت داخلی تأثیر ویرانگری روی همه
سیاست‌های منطقه‌ای این حکومت تروریست
گذاشته است. سرنگونی اسد یکی دیگر از آن
لحظات فروریزی جمهوری اسلامی در منطقه بود.

شکست‌های پیاپی حزب‌الله و حماس حلقه‌های دیگر این زمین‌لرزه سیاسی - نظامی است.

حزب‌الله خلع سلاح می‌شود؛ چون جمهوری اسلامی دیگر توان یاری‌رساندن به نوکر موجب‌بگیر خودش را در لبنان ندارد. گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی تعهد به خلع سلاح داده‌اند؛ چون جمهوری اسلامی نمی‌تواند از آنها حمایت کند. حوثی‌ها به امان خدا رها خواهند شد؛ چون جمهوری اسلامی بازی منطقه‌ای را باخته است.

خلاصه مه و خورشید و فلک در کارند تا جمهوری اسلامی با سر در منجلابی که ساخته است سقوط کند. این بهترین وضعیتی است که

می‌شود در پرتو آن جنبش انقلابی زن زندگی
آزادی را به پیروزی رساند. مردم ایران و منطقه
شایسته بهترین‌ها هستند؛ امری که تحقق آن با
سرنگونی جمهوری اسلامی کلید خواهد خورد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۰

۱۰ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۱ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

مستقیم یا غیرمستقیم به سوی فنا

کیوان جاوید

تکنولوژی مدرن هم نمی تواند جمهوری اسلامی را نجات دهد

رضا درویش

جمهوری اسلامی، مقام اول در اعدام های سال ۲۰۲۴

بابک یزدی

حکم بازداشت خامنه ای توسط پلیس بین المللی

محسن ابراهیمی

مستقیم یا غیر مستقیم به سوی فنا

کیوان جاوید

عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت
”آمریکا مذاکرات غیر مستقیم را پذیرفته است.“ اما
کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید پیش تر اعلام
کرده بود این مذاکرات در عمان مستقیم خواهد
بود.

مذاکره مستقیم در این دوره که خامنه‌ای حرف‌های
گنده‌تر از دهانش در رد مذاکره، حتی به شکل
غیرمستقیم آن زده بود یک عیب بزرگ برای
جمهوری اسلامی دارد: پذیرش پایان شعار مرگ بر
آمریکا. تا امروز بارها جمهوری اسلامی غیرمستقیم

با آمریکا مذاکره داشته و هیچ وقت هم لازم نشده است از تبلیغات خود مبنی بر دشمنی با "شیطان بزرگ" دست بردارد.

ترس جمهوری اسلامی در اعلام این شکست بیش از همه از مردم است. از زنانی که همین حالا در انتخاب نوع پوشش از زنان پاریسی و نیویورکی و ایتالیایی جلو زده اند. این زنان را نمی شود با تهدید "دست دشمنان خارجی" در کار است کنترل کرد. مذاکره به این شکل یعنی پذیرفتن این شعار جامعه که "دشمن ما همین جا است، دروغ میگویند آمریکا است"، شعاری که توسط معلمان و بازنشستگان و کارگران اعتصابی بروز خیابانی آن را روزانه مشاهده می کنیم؛ یعنی اینکه باید حق ما را بدهید و بی خود دشمن خیالی برای ما نتراشید. تن دادن به این وضعیت توسط رژیم

یعنی پیروزی مردم در یک جنگ فرهنگی و سیاسی.
رژیمی که دلیل این منجلابی که ساخته است را به
”دشمنان خارجی“ نسبت می‌دهد، صدچندان بیشتر
در مقابل تعرض مردم شکننده می‌شود.

اما این همه درد حکومت نیست. ماجرا فقط مصالحه
بر سر برنامه هسته‌ای نیست. هدف آمریکا پذیرش
شکست اساسی است. یعنی بیرون انداخته شدن
از کل معادلات منطقه، کوتاه‌شدن دست نیروهای
نیابتی در عراق و یمن و لبنان. وقتی این دیوار
فروبریزد کل ساختمان حکومت اسلامی با خاک
یکسان خواهد شد.

در مقابل یک خطر اما باید کاملاً هوشیار بود. باید
بندوبست حکومت اسلامی با دولت ترامپ را در

نطفه خفه کرد که مثلاً جمهوری اسلامی در رابطه با
سلاح هسته‌ای کوتاه بیاید و حتی در رابطه با نیروهای
تروریستش در منطقه شکست را بپذیرد، اما در عوض
در داخل ایران دولت آمریکا بیش از گذشته چشم
بر جنایات و آدمکشی این رژیم ببندد. ضعف کنونی
رژیم اسلامی را با مبارزه متحدانه و سراسری باید
به سرنگونی این حکومت تبدیل کرد. مردم بیش
از همیشه باید در میدان باشند. وحشت جمهوری
اسلامی را بیش از هر چیز باید اینجا دید. حضور
حداکثری مردم در صحنه مبارزه!

تکنولوژی مدرن هم نمی‌تواند جمهوری اسلامی را نجات دهد

رضا درویش

مدیرعامل کنترل ترافیک شهری تهران اعلام کرد قرار است ۱۵۰۰۰ دوربین نظارت تصویری با هدف کشف تخلفات و قانون‌گریزی‌ها در تهران نصب شود. هم‌شهری نیز گفته بود فاز دوم این پروژه ورود ۴۳۰۰۰ دوربین خریداری شده از چین است.

رژیم احمقانه وانمود می‌کند که نصب دوربین‌های مداربسته برای شناسایی "مجرمین" و نهایتاً ایجاد امنیت است. اما امنیت ادعایی برای کدام بخش از جامعه؟ مردمی که دست از مبارزه برای دادخواهی

و حق‌طلبی بر نمی‌دارند، یا رژیم و اعوان و انصارش
که از به توقف کشاندن اعتراضات مردم مستأصل
شده‌اند؟

شناسایی گسترده معترضین در جریان انقلاب
زن زندگی آزادی جایی برای کتمان کاربرد این
سیستم پلیسی علیه مردم باقی نمی‌گذارد. این
دوربین‌ها هرگز در جهت شناسایی عاملان قتل
صدها و مصدوم شدن هزاران شهروند در جریان
اعتراضات ده سال گذشته از جمله علیه حجاب
اجباری و شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به چشم
معترضین انقلاب زن زندگی آزادی بکار گرفته
نشدند.

وقتی مدیران و عوامل دست‌اندرکار رژیم هنگام

صحبت درباره این سیستم پلیسی به هوشمند بودن
”نظارت تصویری“ اشاره می‌کند ممکن است
احساس غرور بهشان دست دهد. غرور کاذبی که
دوام چندانی نخواهد داشت. اما این سیستم پلیسی
یک جنبه مضحک و مسخره نیز در خودش دارد.
اینکه یک تکنولوژی پیشرفته برای بقای حکومتی
بکار گرفته می‌شود که از عقب‌مانده‌ترین نوع
حکومت‌های شناخته شده در طول تاریخ بشر است؛
حکومتی که با مذهب و خرافه روی کار آمده و حالا
دست‌وپای می‌زند تا با استفاده از علم و تکنولوژی روز
همان قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی را پاسداری
کند!

در قرن بیستم جورج اورول با نوشتن رمان معروف
۱۹۸۴ جامعه‌ای را به تصویر کشید که در آن یک

سیستم پلیسی همه جا هست و همه کس را زیر نظر دارد؛ با آزادی‌های فردی به شدت مقابله می‌شود؛ متفاوت فکر کردن جرم است و مخالفین یا اعدام یا ناپدید می‌شوند. جمهوری اسلامی در قرن بیست و یک، تجسم و تبلور واقعی چنین سیستم پلیسی است که بالای سر مردم ایران سنگینی می‌کند. مردم آزادی‌خواه ایران با انقلاب زن زندگی آزادی نشان دادند که برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی برای تحقق دنیایی تماماً متفاوت با تصویر جرج اورولی از نظام سیاسی بپا خاسته‌اند.

جمهوری اسلامی،

مقام اول در اعدام‌های سال ۲۰۲۴

بابت یزدی

بر طبق آمار سازمان عفو بین‌الملل، تعداد اعدامی‌ها در جهان در سال گذشته ۱۵۱۸ نفر بود و از این تعداد ۹۷۲ نفر مربوط به جمهوری اسلامی است که ۶۴ درصد کل اعدام‌شدگان جهان است. این تعداد ۱۱۹ نفر بیشتر از سال ۲۰۲۳ است که ۸۵۳ نفر اعدام شده بودند.

۹۱ درصد این اعدام‌ها فقط در سه کشور ایران، عربستان سعودی و عراق بوده است. عفو بین‌الملل هشدار داده است که "در برخی کشورها، از جمله

ایران و عربستان سعودی، مجازات اعدام به ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی، معترضان، مدافعان حقوق بشر و اقلیت‌های قومی تبدیل شده است، به‌ویژه در ایران.“

اعدام قتل عمد دولتی و جنایتی سازمان‌یافته است که توسط دولت‌ها اجرا می‌شود و باید در همه جهان با آن به مقابله برخاست. خوشبختانه روزبه‌روز بر تعداد کشورهایی که مجازات اعدام را از قانون قضائی خود لغو می‌کنند افزوده می‌شود. در سال گذشته تنها در ۱۵ کشور مجازات اعدام برقرار بوده است. در زیمبابوه سال گذشته مجازات اعدام برای جرائم عادی لغو شد. در ژاپن “هاکامادا ایوائو” که ۵ دهه زیر حکم اعدام در زندان بود تبرئه شد. در مالزی اصلاحات قضائی در دستور قرار

گرفت. در آمریکا در اثر فعالیت فعالین مخالف
اعدام ”راکی مایزر“ فعال سیاه‌پوست زیر اعدام
نجات پیدا کرد و...

در ایران مجازات اعدام یکی از پایه‌های اساسی
نگه‌داشتن رژیم اسلامی در قدرت بوده و هست.
انقلاب زن زندگی آزادی با اینکه در نیمه‌راه هست
و هنوز پیروز نشده، عقب‌نشینی‌های جدی و مهمی
را به رژیم اسلامی تحمیل کرده است. سنگر حجاب
اجباری که یکی از ستون‌های مهم رژیم بوده را
زنان مبارز ایران فتح کرده و این ستون را عملاً
فروریخته‌اند. جنبش علیه اعدام هم گام‌های اساسی
و مهمی برداشته است. سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه
اعدام در سی و هشت زندان هر هفته اعتراض
و اعتصاب سازمان داده و داخل و خارج از آن

حمایت می کنند.

همین امروز همبستگی جهانی با جنبش علیه
اعدام در ایران را باید گسترش داد. اما با موج
بعدی انقلاب زن زندگی آزادی و پیروزی آن و
پایان دادن به این جنایت شنیع علیه مردم، جنبش
علیه اعدام در جهان هم گام‌های بلندی به جلو
برخواهد داشت.

حکم بازداشت خامنه‌ای توسط پلیس بین‌المللی

محسن ابراهیمی

سباستین باسو، دادستان آرژانتینی پرونده انفجار ساختمان مرکز همیاری یهودیان در بوئنوس آیرس آرژانتین (آمیا)، خواستار صدور حکم جلب بین‌المللی برای علی خامنه‌ای به اتهام “صدور یک فتوا” برای این اقدام تروریستی و به اجرا گذاشتن حکم جلب او به وسیله پلیس بین‌المللی شده است.

سباستین باسو رهبر جمهوری اسلامی را به “صدور یک فتوا” و مشارکت مستقیم در انفجار ساختمان آمیا در سال ۱۹۹۴ متهم کرده است. انفجاری که در جریان آن ۸۵ نفر کشته و ۳۰۰

نفر مجروح شدند. سباستیان از یک قاضی فدرال خواسته است تا با فراخواندن خامنه‌ای و دیگر مقام‌های جمهوری اسلامی متهم در این ترور به دادگاه، آنها را به طور رسمی از اتهاماتشان مطلع کند. او همچنین گفته است: ”خامنه‌ای یک سازمان مسلح وابسته به حزب‌الله را که خارج از لبنان به طور مخفی فعالیت می‌کرد، مورد حمایت قرار داده است. این سازمان طی دهه‌ها حملات متعددی علیه مردم و اموال آنها از جمله بمب‌گذاری آمیا را تدارک دیده و باید تروریستی شناخته شود.“

قبلاً حکم بازداشت تعدادی از سران درجه اول جمهوری اسلامی به اتهام دست‌داشتن در این ترور صادر شده بود. هاشمی رفسنجانی،

رئیس‌جمهوری وقت در ایران، علی فلاحیان و
علی‌اکبر ولایتی، وزرای اطلاعات و امور خارجه
وقت ایران، محسن رضایی، فرمانده کل سپاه
پاسداران، احمد وحیدی، فرمانده وقت نیروی
قدس و چند عضو حزب‌الله لبنان به‌عنوان متهمین
این جنایت اعلام شده بودند. اما آنچه از نظر
سیاسی مهم است، صدور حکم جلب بین‌المللی
شخص خامنه‌ای، رهبر مافیای جمهوری اسلامی
است که در ایران هم مردم می‌خواهند ساقط
کنند.

در دوره‌ای که “محور مقاومت” جمهوری
اسلامی در منطقه از هم‌پاشیده است و خامنه‌ای
نیروهای نیابتی‌اش در منطقه را ازدست‌داده
است و ستون‌های جمهوری اسلامی در خود

ایران درهم شکسته است، بی تردید این یک خبر دلگرم کننده برای مردم ایران است که برای رهایی از جمهوری اسلامی و روانه کردن جمهوری اسلامی و در رأس آنها خامنه‌ای به زباله‌دان انقلاب کردند.

جمهوری اسلامی و در رأس آن خامنه‌ای هم در داخل و هم در منطقه و هم جامعه جهانی دارد به عنوان یک حکومت تروریستی زیر ضرب قرار می‌گیرد. مساعدترین فرجه سیاسی دارد فراهم می‌شود تا این تجسم ارتجاع سیاسی و اسلامی را به زباله‌دان تاریخ روانه کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۱

۱۲ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

مذاکره و اختلال در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای

کیوان جاوید

بحران بی‌دندانی در ایران

سینا پدرام

بربریت قطع عضو و اعتراض انجمن جهانی پزشکان

حسن صالحی

اتحادیه اروپا و بریدن دُم مارمولک

منظر دریاکناری

مذاکره و اختلال در اینترنت

و شبکه‌های ماهواره‌ای

کیوان جاوید

در آستانه مذاکره، دسترسی به اینترنت و مشاهده کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای دچار اختلال شده است. یکی از مخاطبان شبکه ایران اینترنشنال می‌گوید: ”از الان شروع کرده‌اند به پایین آوردن سرعت اینترنت و زمان شروع مذاکرات اینترنت را قطع می‌کنند و روی شبکه‌های ماهواره‌ای پارازیت می‌اندازند تا کسی متوجه مذاکرات نشود.“ ما گفتیم و بر این تاکید می‌کنیم که وحشت جمهوری اسلامی همیشه و همچنین در دل این مذاکره با دولت آمریکا بیش از هر چیز

از مردم ایران است. خامنه‌ای هم با تاکید همین را می‌گوید که ”من گمان نمی‌کنم تهدید و حمله نظامی خارجی در کار باشد“. خامنه‌ای هم خطر را داخلی می‌داند. یعنی فرصتی که بدست مردم می‌آید تا هزار برابر بیشتر ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی را به عینه مشاهده کنند. چطور مشاهده کنند؟ روشن است که رژیم برای مذاکره در عمان حضور به هم نمی‌رساند، برای امضای تسلیم‌نامه به آنجا می‌رود که مستقیم یا غیر مستقیم سند ذلتش را امضا کند. ما بارها گفته‌ایم که رژیم برگی برای چانه زدن در مسقط ندارد. محور مقاومتش به محور حقارت تبدیل شده و اقتصادش به مرز فروپاشی نزدیک شده و پشم و پيله ارباب حکومت، ”آیت‌الله خامنه‌ای“ ریخته

است و در میان خودی‌های داخل حکومت نیز از هر سو مورد انتقاد و حتی افشاگری است.

این موقعیت حکومت که دیگر از سایه خودش نیز به وحشت افتاده بخاطر شرایط انقلابی موجود در ایران است. رژیم از مردم در وحشت مرگ قرار گرفته است. می‌خواهد در آستانه این مذاکره برای تسلیم‌شدن از حضور مردم در میدان مبارزه برای سرنگونی کم کند. اولین برخورد عملی را نیز آغاز کرده است. اختلال در اینترنت و پرازیت انداختن به روی شبکه‌های ماهواره‌ای. اما این سیاست اصلاً داروی درد بی‌درمان حکومت نخواهد بود.

مردم کارد به استخوانشان رسیده؛ با فقر و فلاکتی
بی سابقه دست به گریبان هستند؛ اسلام و خفقان و
عقب ماندگی را بر نمی تابند و فساد و غارتگری و
زندان و شکنجه و اعدام را می خواهند برای همیشه
برچینند. این مذاکره رژیم با دولت آمریکا نمایش
ضعف حکومت در برابر مردم است. با پارازیت
نمی شود جلوی مردم را گرفت. جنبش انقلابی زن
زندگی آزادی منظمّاً سنگرهای بیشتری را به نفع
سرنگونی فتح می کند. حلقه های به هم نرسیده
این جنبش انقلابی را باید هر چه سریع تر به هم
متصل کرد تا شتاب سرنگونی بیشتر شود.

بحران بی‌دندانی در ایران

سینا پدram

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت دولت پزشکیان گفت: "۵۵ درصد از سالمندان بالای ۶۵ سال در ایران کاملاً بی‌دندان هستند در حالی که این شاخص در دنیا ۲۵ تا ۳۰ درصد است."

بی‌دندانی یکی از مشکلات شایع و درعین حال پنهان در حوزه سلامت عمومی است که تأثیرات جسمی و روانی عمیقی، به‌ویژه بر سالمندان و افراد با درآمد پایین دارد. بی‌دندانی در تمامی سنین و البته در سنین بالا تأثیرات منفی گسترده‌ای بر سلامت جسمی و روانی دارد. در کشورهای

به اصطلاح ”فقیر“، عواملی مانند کمبود دسترسی به خدمات دندانپزشکی، تغذیه نامناسب، و عدم آگاهی بهداشت دهان و دندان، منجر به افزایش نرخ ازدست دادن دندان ها می شود.

در سالمندان، بی دندانی می تواند مشکلات جدی ایجاد کند. به عنوان نمونه ازدست دادن دندان ها باعث دشواری در جویدن غذاهای سفت و مغذی می شود که می تواند منجر به سوء تغذیه و کاهش کیفیت زندگی شود. کاهش اعتماد به نفس به دلیل بی دندانی می تواند باعث انزوای اجتماعی شود. از سوی دیگر جویدن ناکافی غذا به دلیل نبود دندان می تواند منجر به مشکلات گوارشی مانند سوء هاضمه و عوارض جسمی بسیاری شود.

از دست دادن دندان حتی در سنین بسیار پایین در بسیاری از کشورها و به ویژه در ایران را می توان به عوامل جدی مانند فقر، کمبود دسترسی به خدمات دندانپزشکی در مناطق غیرشهری و حتی مناطق پایین شهری، هزینه های بالای درمان دندان، تغذیه نامناسب مانند مصرف بالای غذاهای شیرین و کمبود مواد مغذی که به پوسیدگی دندان و بیماری های لثه منجر می شود، عدم آگاهی بهداشت دهان و دندان و روش های پیشگیرانه از سنین خردسالی و بالاخره به عدم وجود سیاست های بهداشتی که بر اساس روش های پیشگیرانه برپا شده باشند اشاره کرد.

وقتی حوزه سلامت در هر عرصه‌ای در ایران بر اساس سود گروه‌های مافیایی شکل گرفته باشد، این وضعیت به یک فاجعه بهداشتی تبدیل می‌شود که ما شاهد آن حتی در مورد ازدست‌دادن دندان در چنین وضعیت وخیمی خواهیم بود. بهداشت و درمان رایگان از جمله نیازهای فوری مردم ایران است که باید به این رژیم با مبارزات اجتماعی و سیاسی هر روزه تحمیل شود.

جامعه ایران به‌اندازه کافی از ثروت‌های طبیعی و نیروی کار فعال برخوردار است که بتواند به یک بهداشت به‌روز شده و مدرن دسترسی داشته باشد. دوران ضرب‌المثل قدیمی آنکه دندان دهد نان دهد به سر آمده است.

بربریت قطع عضو و اعتراض

انجمن جهانی پزشکان

حسن صالحی

اعتراض انجمن جهانی پزشکی، یکی از بزرگ‌ترین نهادهای حرفه‌ای پزشکان جهان، به جمهوری اسلامی به دلیل صدور حکم قطع انگشتان دست چند زندانی در زندان ارومیه، بازتاب گسترده‌ای یافته است. این انجمن خواهان توقف فوری اجرای این حکم شده و تأکید کرده که مشارکت پزشکان در شکنجه یا قطع عضو باید ممنوع باشد. همچنین، حمایت خود را از پزشکانی که از اجرای چنین اعمالی سر باز می‌زنند، اعلام کرده است.

این نهاد که ۱۱۵ انجمن ملی پزشکی از سراسر جهان و میلیون‌ها پزشک را نمایندگی می‌کند، در بیانیه‌ای خطاب به مقام‌های جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۱ فروردین اعلام کرده: ”قطع عضو، بی‌رحمانه، غیرانسانی و ناقض حقوق بین‌الملل است. ایران باید به تعهدات خود طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۷۵ امضا کرده، پایبند بماند.“

جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدنش، با تکیه بر قوانین شریعت، بی‌رحمانه‌ترین مجازات‌های اسلامی را علیه شهروندان اجرا کرده است. یکی از این مجازات‌های قرون وسطایی، قطع اعضای بدن است، مجازاتی که بسیاری تصور می‌کردند دیگر جایی در دنیای امروز ندارد. اغلب قربانیان این

احکام، شهروندان فقیر و آسیب‌پذیر جامعه‌اند که برای تامین معاش، ناچار به دزدی شده‌اند.

دو شهروند در ارومیه که به اتهام سرقت، به قطع چهار انگشت محکوم شده‌اند، در نامه‌ای به نهادهای بین‌المللی خواستار کمک شده‌اند. یکی از آنها، هادی رستمی، گفته که برای تأمین هزینه‌های فرزند معلولش ناچار به دزدی شده است.

اعتراض انجمن جهانی پزشکی بار دیگر این سؤال را پیش می‌کشد: چرا باید اجازه دهیم جمهوری اسلامی چنین جنایاتی را در قالب مجازات اعمال کند؟ همان‌گونه که موفق شدیم عملاً سنگسار را متوقف کنیم، می‌توانیم به قطع عضو هم برای همیشه پایان دهیم. در حالی که یک مشت تب‌هکار

و دزد میلیاردر حرفه‌ای بر کشور حکومت می‌کنند،
قربانیان گرسنگی و فقر را با بریدن انگشتان مجازات
می‌کنند. نوشتن قانون قطع عضو و صدور چنین
احکامی نیز کار همین دزدان حرفه‌ای حاکم است.
این نهایت بیرحمی و ظلم رژیم است که بقای
خود را با خشونت می‌خواهد تضمین کند.

برای توقف این جنایات، باید صدای واحدی از
وجدان‌های بیدار جهان بلند شود. اکنون زمان آن
است که مردم ایران همراه با بشریت متمدن در
دفاع از کرامت انسانی شهروندان ایرانی، صفی متحد
تشکیل دهند و خواستار پایان یافتن مجازات‌های
ضدانسانی، به‌ویژه قطع عضو شود شوند.

اتحادیه اروپا و بریدن دُم مارمولک

منظر دریاکناری

دو نفر از وزیران خارجه اتحادیه اروپا گفتند: "قرار است اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۵ فروردین - ۱۴ آوریل - ۹ ایرانی مرتبط با آنچه این اتحادیه آن را "سیاست گروگان‌گیری با حمایت دولتی" خوانده است، را تحریم کند.

ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، روز ۱۳ فروردین در پارلمان این کشور گفت که "فشار بر رژیم ایران را برای آزادی اتباع فرانسوی افزایش خواهیم داد."

کافی نیست! ابداً کافی نیست. با این فشارهایی که

اتحادیه اروپا و هر تک کشور عضو این اتحادیه به جمهوری اسلامی وارد می‌آورد جمهوری اسلامی را نمی‌توان در ارتباط با پدیده گروگانگیری مهار کرد. رژیم اسلامی با کمک گرفتن از باندهای مافیای مواد مخدر و دیگر تروریست‌های حرفه‌ای دست به ناامنی امنیتی در اروپا می‌زند و حتی مخالفین شناخته‌شده‌اش را تهدید به مرگ می‌کند و نقشه قتل آنها را می‌کشد.

در مقابل این تروریسم دولتی اتحادیه اروپا، هرازگاهی چند تروریست که عموماً در ایران نشسته‌اند و بعضاً حتی نیازی به خارج آمدن ندارند را تحریم می‌کند. پیش می‌آید به مناسبت‌هایی چند عضو سفارتخانه‌های رژیم اسلامی را اخراج می‌کنند و به

این می گویند سیاست مقابله با جمهوری اسلامی.
این دُر عکس العمل در مقابل گروگانگیری رژیم
مطلقاً بی تأثیر است و دولت های اروپایی نباید
در تقابل با جرثومه تروریسم جمهوری اسلامی
دست به عصا حرکت کنند.

حتماً به یاد دارید. دولت بلژیک اسدالله اسدی افسر
اطلاعاتی و دبیر سوم سفارت جمهوری را به جرم
ثابت شده تلاش برای بمب گذاری در گردهمایی
سازمان مجاهدین به بیست سال زندان بدون
فرجام خواهی محکوم کرد، اما سه سال بعد او را با
یک امدادگر بلژیکی که در دستان جمهوری اسلامی
بود معاوضه کرد. نمونه دیگر آدمکش حرفه ای،
حمید نوری است که به جرم مشارکت در قتل عام

صدها زندانی سیاسی در سال ۶۷ از سوی دادگاه سوئد به حبس ابد محکوم شد، اما این جنایتکار نیز با دو گروگان دیگر معاوضه گردید.

در تقابل با تروریسم جمهوری اسلامی باید قاطع و سریع عمل کرد. قدم نخست بستن تمامی مراکز تروریستی این رژیم، شامل شبکه‌های مساجد و مراکز فرهنگی (تروریست) و همه سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی است. وقتی اینطور عمل نمی‌شود در واقع تحریم این فرد و آن مَهره رژیم به بریدن دُم مارمولک تبدیل می‌شود. جمهوری اسلامی باید از دنیا طرد شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۲

۱۳ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

بدون شناسنامه، بدون حقوق انسانی!

سینا پدرام

قطعی برق و آینده جمهوری اسلامی

سیاوش آذری

آزار جنسی دانش آموزان پسر در نمازخانه

کیوان جاوید

مذاکرات: جمهوری اسلامی سه بر هیچ جلو است!

اصغر کریمی

بدون شناسنامه، بدون حقوق انسانی!

سینا پدram

حالوش گزارش داد نیروهای نظامی در بخش لادیز از توابع شهرستان میرجاوه، شنبه ۲۳ فروردین دست کم ۱۵ شهروند بلوچ فاقد شناسنامه، از جمله چهار زن را تحت عنوان "اتباع افغانستان" با خشونت بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کردند. منابع آگاه به حالوش گفتند بیشتر بازداشت شدگان از روستاییان بومی همین بخش هستند که سالها در این منطقه سکونت داشته‌اند.

صرف نظر از تابعیت این روستاییان باید با اعتراضات خود به کمک این افراد شتافت و در

مقابل تعرض فاشیست‌های اسلامی از جان آنان دفاع کرد. رژیم اسلامی از هر زاویه‌ای که به آن نگاه کنیم یک حکومت فاشیستی اسلامی است که سنگ بنای ایدئولوژیک و حکومتی آن بر اساس تبعیض انسان‌ها بر اساس رنگ، محل تولد، جنسیت، مذهب غیره نهاده شده است.

این فقط پناهجویان افغانستانی نیستند که این چنین از دم تیغ فاشیست‌های حکومت اسلامی می‌گذرند. تعداد کثیری از مردم محروم و فقیر این مناطق که دست‌برقضا نسل از اندر نسل در این مناطق جهنم زده زندگی می‌کنند فاقد شناسنامه و فاقد کمترین رفاهیات زندگی هستند. جرم همه این بی‌شناسنامه‌ها فقر آنها است. فقری که توسط

سرمایه‌داران اسلامی به همه آنها تحمیل می‌شود.

ایران نه تنها فقط جهنمی برای افغانستانی‌های مقیم این کشور است که جهنمی تمام‌عیار برای فقرا و تهیدستان، خصوصاً در مناطق محروم است و کرامت انسانی‌شان بی‌وقفه پایمال می‌شود. سؤال این است که آیا نقطه پایانی بر این فاجعه انسانی می‌توان متصور شد؟ جواب بدون هیچ تردیدی آری است. با سقوط رژیم اسلامی، بدون شک شاهد سقوط دومینوی رژیم‌های اسلامی در منطقه خواهیم بود. فقط آنگاه می‌توان کرامت انسانی را در این جغرافیای سیاسی گسترده کرد و رفاه را با تمامی امکانات آن بدون هیچ تبعیضی برای تمامی ساکنان منطقه به ارمغان آورد.

تا روز سرنگونی جمهوری اسلامی اما در دفاع از
هویت و کرامت انسانی این هیچ انگاشته شدگان
هزار کار می‌توان کرد که شناسنامه‌دار شدن و
برخوردار شدن از بهداشت و درمان و آموزش
رایگان فوری‌ترین آنها می‌تواند باشد.

قطعی برق و آینده جمهوری اسلامی

سیاوش آذری

ویدئوهای بسیاری توسط شهروندان در رابطه با قطعی برق در شهرهای مختلف ایران، از جمله شهرهای چابهار، ارومیه، بندر دیلم، قم و شاهین شهر، تهیه و به سایت‌های خبری ارسال و در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده. شهروندان در این ویدئوها اعتراض خود به ساعات طولانی قطعی برق را بیان می‌دارند. این در حالی است که دست‌اندرکاران رژیم در مورد “ناترازی” انرژی و قطعی برق و قطعی متعاقب اینترنت در ماه‌های آتی به علت از کار افتادن باتری‌های آنتن‌های مخابراتی “هشدار” می‌دهند.

قطعی برق در کنار کمبود گاز و دیگر سوخت‌ها و تعطیلی ناگزیر کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مدارس و ادارات، در یک کلام باز ایستادن چرخه تولید و زندگی بارزترین نشانه از کارافتادگی و فروپاشی و ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی است. دست‌اندرکاران و مسئولان رژیم اسلامی در ۴۵ سال گذشته از سویی به غارت ثروت عمومی و به جیب‌زدن سودهای نجومی از قِبل اقتصاد دزد سالار و استثمار شدید کارگران و مزدبگیران پرداخته‌اند و از سویی دیگر برای استمرار موجودیت رژیم به پشتیبانی مالی و تسلیح نظامی نیروهای تروریستی اسلامی در منطقه و همچنین تسلیح نیروهای سرکوب و حمایت گسترده مالی

از مراکز تولید جهل و خرافه در داخل کشور
بوده‌اند. اوضاع کنونی نتیجه اجتناب‌ناپذیر
موجودیت و سیاست‌های بحران‌زای رژیم اسلامی
است.

رژیم اسلامی هم اکنون اما بسیار متزلزل‌تر از هر
زمان دیگری است. رژیم در داخل در محاصره
مردم و در خارج نیز در تنگنا و انزوای شدیدی
قرار دارد. دخیل بستن رژیم به امامزاده مذاکرات
”ناشراфتمندانه“ و ”ابلهانه“ مستقیم با آمریکا از
این روست. اما مهم‌ترین اقدام برای پایان‌دادن
به عمر رژیم اسلامی به‌عنوان شرط لازم هر گونه
گشایش سیاسی و برقراری جامعه‌ای که رفاه،
شادی، آزادی و برابری تمامی شهروندان دستور

کار آن باشد تنها با مداخله مستقیم مردم و در دست گرفتن سرنوشتشان به دست خویش امکان پذیر است.

می توان و باید سیر فروپاشی اقتصادی رژیم اسلامی را به سرنگونی انقلابی کلیت جمهوری اسلامی ارتقا داد. حضور متحدانه مردم در اعتراض به بی برقی، بی آبی، فقر و فلاکت اقتصادی از طریق سازمان یابی در سطح محلات، مدارس، دانشگاه ها، کارخانه ها، مراکز تولیدی و محیط های کار و ترتیب دادن اعتراضات میدانی اقدامی مؤثر در اعتلای جنبش سرنگونی انقلابی و به زیر کشیدن رژیم اسلامی است

آزار جنسی دانش آموزان پسر در نمازخانه

کیوان جاوید

روزنامه هم‌میهن نوشت: "معلم کلاس پنجم یک مدرسه پسرانه در شهرری، کودکان را به بهانه "تنبیه سربازی" به نمازخانه می‌برد و با لمس غیراخلاقی اعضای خصوصی بدن آنها، مرتکب آزار جنسی می‌شد."

نام دین با تجاوز عجین شده است. این فقط مربوط به اسلام نیست. پرونده تجاوزهای جنسی در پرونده کشیشان به‌وفور یافت می‌شود. اسلام اصولاً دین انواع تجاوزات جنسی است و بنیاد این دین از دوران محمد تا همین حالا بر اساس

تجاوز به زنان و کودکان گذاشته شده است. رجوع قرآن و انواع احادیث اسلامی دقیقاً در جزئیات به انواع ستم‌کشی جنسی زنان اشاره مستقیم دارد. رساله خمینی حتی در جزئیات عمل تجاوز به شیرخوارگان را تشریح کرده است. بنابراین در دین اسلام حتی اعمال چنین مواردی از خشونت و تجاوز جنسی به کودکان و زنان امری عادی است.

به گزارش روزنامه هم‌میهن برگردیم: ”در اوایل اسفند ۱۴۰۳، یکی از کودکان موضوع آزار جنسی را به مادرش اطلاع داد و ماجرا میان خانواده‌ها پخش شد. ”مادران به مدیر مدرسه شکایت کردند. مدیر مدعی وجود دوربین در نمازخانه شد، اما هیچ فیلمی ارائه نکرد. معلم از همان

روز اخراج شد و به مدرسه بازنگشت.

همه آن برخوردی که با معلم متجاوز شده همین است که در این گزارش آمده است. نه پیگیری قانونی و نه دادگاه. مطلقاً هیچ. دستگیری و محاکمه این معلم متجاوز حق این کودکان و خانواده آنها است. برای مصون ماندن جامعه از تعرض و تجاوز، دست مذهب باید از دولت کوتاه شود. نهادهای دینی شدیداً باید مورد بازرسی قرار بگیرند تا با کوچک ترین مواردی از تبعیض جنسیتی و آزار و اذیت جنسی در امکان اسلامی و دینی برخورد قاطع شود. کودکان هیچ دین و مذهبی ندارند و شستشوی مغزی و تبلیغات مذهبی علیه کودکان جرمی بزرگ محسوب می شود و قابل پیگرد قانونی است. با سرنگونی

جمهوری اسلامی همه جلوه‌های دینی- اسلامی فوراً از همه نهادها و ادارات و اماکن دولتی و وزرشی، تفریحی و... دور انداخته می‌شود. مبارزه فکری و فرهنگی علیه مذهب یک رکن اصلی جامعه‌ای است که بر اساس علم و دانش و شکوفایی فکری سازمان می‌یابد. درعین حال هیچ مذهبی ممنوع نمی‌شود و پیروان همه مذاهب آزادی کامل مذهبی خواهند داشت. آزار و اذیت حیوانات نیز که در اسلام به‌وفور دیده می‌شود جرم قانونی محسوب خواهد شد.

مذاکرات: جمهوری اسلامی سه بر هیچ جلو است!

اصغر کریمی

محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی: ”آمریکا با وجود رجزخوانی‌های ترامپ، به شرط نظام برای مذاکره غیرمستقیم تن داد و این یعنی تا همین جا جمهوری اسلامی سه بر هیچ جلو است.“

مجتبی زارعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: مذاکرات عمان ”ادامه عملیات ترکیبی“ و ”مانورهای نظامی نیروهای مسلح“ جمهوری اسلامی در برابر آمریکا است. جمهوری اسلامی در بحث مذاکره با آمریکا

چندین ”برگ برنده رو کرده“، که نپذیرفتن مذاکره مستقیم و میزبانی کشور امارات متحده عربی دو مورد آن است. جمهوری اسلامی تعیین می کند که در مذاکرات حول محور چه موضوعاتی صحبت شود.“ ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هم گفته است: ”آمریکا خواهان مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی بود اما تهران پیشنهاد مذاکره غیرمستقیم را داد و آن ها هم پذیرفتند. آمریکا امارات متحده عربی و برخی کشورهای دیگر را به عنوان محل مذاکرات پیشنهاد کرد که اما جمهوری اسلامی اینرا هم نپذیرفت و عمان را انتخاب کرد. در این مرحله ما نه تنها مخلوق شرایط آمریکایی ها نشدیم بلکه خالق شرایطی هستیم که خودمان دنبال کردیم.“

صرفنظر از این پیروزی‌های! عظیمی که جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا کسب کرده و سه بر هیچ جلو است! اما گویی محتوای مذاکرات مهم نیست. واقعیت این است که جمهوری اسلامی دقیقاً چون می‌داند که در محتوا کوتاه می‌آید به ادعای انواع پیروزی در مقابل نیروهای خود نیاز دارد. اسم شکست‌های منطقه‌ای را ”عملیات ترکیبی“ و اعلام آمادگی برای خلع سلاح حزب‌الله و حشدالشعبی را ”مانورهای نظامی“ گذاشته‌اند و گویا بحث حول اتمی دستور مورد علاقه رژیم بوده است. اینقدر باید رجزخوانی کنند و از شرایط برتر سیاسی و نظامی! دم بزنند که همه انگشت به دهن بمانند و به اینهمه درایت و خلاقیت خامنه‌ای که

یک معلق ۱۸۰ درجه‌ای در عرض چند روز زده است آفرین بگویند. فقط کم مانده بود شکوفایی اقتصادی در داخل، پیروزی‌های نظامی بر اسرائیل و پیشروی‌های نیروهای نیابتی در لبنان و سوریه و عراق را هم در این رجزخوانی‌ها بگنجانند.

جزئیات تسلیم خامنه‌ای و جمهوری اسلامی در مقابل ترامپ بعداً روشن خواهد شد اما مردمی که این لحظات را به دقت رصد می‌کنند معنی واقعی این رجزخوانی‌های نخ‌نما را می‌دانند و از شکست خفت‌بار رژیم در مذاکرات و از دست رفتن سنگر ایدئولوژیک مرگ بر آمریکا برای پیشروی خود استفاده خواهند کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

مذاکره در عمان، خامنه‌ای در جمکران

محسن ابراهیمی

به استقبال روز جهانی کارگر برویم

گفتگو با شهلا دانشفر

“پیشرفت‌های شگرف” جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

فارغ‌التحصیل، اما بیکار

نسان نودینیان

مذاکره در عمان، خامنه‌ای در جمکران

محسن ابراهیمی

بعد از اولین “مذاکره” وزیر خارجه خامنه‌ای و فرستاده ترامپ در عمان، بحث در رسانه‌ها داغ است؛ اما خامنه‌ای فعلاً ساکت است! یک سؤال هم بیشتر توجهات را جلب کرده است: به توافق خواهند رسید یا جنگ خواهد شد؟

ترامپ می‌گوید جمهوری اسلامی نباید بمب اتم بسازد و در غیر این صورت بمباران خواهد شد. خامنه‌ای که تصور می‌کرد بمب هسته‌ای تضمینی برای بقای سیاسی تا ظهور امام زمان است و بارها هم گفته بود هم امام و هم خودش مذاکره با آمریکا را

ممنوع کرده‌اند، چرا تن به مذاکره آن هم با ترامپ داده‌است؟ چون او می‌داند بالاف و گزاف سردارانش نمی‌تواند حریف بمب‌افکن‌های ب ۲- که به "ارواح آسمانی" مشهورند شود. به همین سادگی.

رسیدن به یک توافق پایدار هم با دست‌اندازه‌ای متعددی مواجه خواهد شد که منشأ آنها بن‌بست‌های سیاسی جمهوری اسلامی است.

تنش در بالای حکومت، تنش میان قاچاقچیان حکومتی که در فضای خصومت میان جمهوری اسلامی با آمریکا پول پارو می‌کنند و بخش دیگر طبقه حاکم که روی چپاول در صورت رابطه با آمریکا و غرب حساب می‌کنند یکی از این دست‌اندازه‌ها است. همچنین نگرانی در بالای حکومت در باره

زیر پا گذاشتن بنیادهای ایدئولوژیک و سیاسی نظام را هم نباید دستکم گرفت که شروع شده است. نماینده‌ای از مجلس خطاب به طرفداران مذاکره نوشت: “شنبه بی‌شرف‌ها شرف را فروختند” و نماینده دیگری خطاب به مشتاقان مذاکره گفت دنبال بوسیدن ماتحت ترامپ هستند.

نتیجه دیگر تسلیم خامنه‌ای به ترامپ ریزش در صفوف پایین، در میان نیروهای سرکوب است که عمرشان را با شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل گذرانده‌اند. اتفاقی که بخشی از حکام اسلامی را نگران می‌کند.

وبالاخره، در فردای هر توافقی بمب مردم خشمگین به سراغ خامنه‌ای خواهد رفت که زندگی‌شان در

نتیجه خصومت با جهان و اولویت بمب هسته‌ای
و برنامه موشکی و نیروهای نیابتی به خاک سیاه
نشانده شده است. مردمی که حتی بعد از هر
توافقی و هر "گشایش اقتصادی" فرضی، خواهند
دید کوچک‌ترین گشایشی نصیبشان نشده است
در حالی که خاندان‌های مافیایی همچنان می‌چاپند.
با وقوف به همین بن‌بست‌ها بود که خامنه‌ای روز
مذاکره حال و روز خوبی نداشت و به مسجد جمکران
پناه برد تا امام‌زمان مشکلش برای تصمیم‌گیری را
حل کند!

به استقبال روز جهانی کارگر برویم

گفتگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: حدوداً دو هفته به ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر باقی مانده. در چه شرایطی به استقبال این روز می‌رویم؟

شهلا دانشفر: در شرایطی به استقبال اول مه می‌رویم که اقتصاد فلج کشور، سونامی گرانی، بیکاری، فقر و بی‌تامینی و ناتوانی حکومت در پاسخگویی به نیازهای اولیه زیستی و جیره‌بندی حتی برق و آب، جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. اختلاس‌های نجومی ویرانگر معیشت مردم است و بحث مذاکره با آمریکا و دمیدن بر گفتمان جنگ بر خشم و نفرت مردم شدت داده است.

بنری نصب شده در خیابان‌های تهران با نوشته
”با مذاکره، بی مذاکره، سرنگونی“ و شعارهای
تجمعات اعتراضی بازنشستگان با فریاد ”نه جنگ
میخوایم، نه کشتار، رفاه می‌خوایم ماندگار“، ”اتحاد
اتحاد علیه فقر و فساد“ پاسخ محکم مردم به این
شرایط است.

به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی، چهره روزجهانی
کارگر که روز اعتراض به همه وجوه سرمایه‌داری
حاکم و چالش حکومت است، متفاوت شده و
مهر گفتمان‌های آن را بر خود دارد. این در حالی
است که جنبش انقلابی زن زندگی آزادی در
اشکالی تعرضی ادامه یافته و گفتمان‌های جامعه
هر روز رادیکال‌تر، متعین‌تر، شفاف‌تر و صف مردم
سازمان یافته‌تر شده است.

در برابر فقر و فلاکت حاکم جنبشی اجتماعی و گسترده بر سر معیشت و رفاه جاری ست که جنبش کارگری یک ستون مهم آن است. مردم همچنین با فتح خاکریز حجاب، آپارتاید جنسیتی را به چالش کشیده و علیه سرکوب و اعدام‌ها ایستاده‌اند. ۸ مارس و مراسم‌های نوروزی آن‌هم در ایام رمضان نیز نشانه‌های بارز اعتراضات اجتماعی است.

جمهوری اسلامی نیز در ضعیف‌ترین موقعیت و با صفی به‌هم‌ریخته مقابل مردمی قرار دارد که در کمین فرصتی برای به پیروزی رساندن انقلابشان هستند و حکومت نیز در هراس از آن می‌کوشد سرکوبگری‌هایش را شدت دهد. در مقابله با آن جنبش علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و اعتراضات مردمی گسترده است. در چنین شرایطی

به استقبال برگزاری اول مه می‌رویم.

سوسن صابری: باتوجه به نکاتی که اشاره کردید بر روی کدام اقدامات و مطالبات محوری به مناسبت روز جهانی کارگر تأکید دارید؟

شهلا دانشفر: اول مه روز به میدان آمدن نه فقط کارگران بلکه روز اعتراض سراسری همه مردمی است که زیر بار فقر و گرانی کمرشان خرد شده است. روز به حرکت درآوردن توده عظیم معترض و "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" است. روز بلندشدن پرچم مطالبات اقتصادی و سیاسی یک جامعه معترض و به پاخاسته و اعتراض علیه سرکوب و اعدام است. از جمله روز فریاد خواسته‌هایی چون افزایش دستمزدها به بالای

سبد معیشت ۶۰ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان، بیمه بیکاری و حقوق پایه برای افراد بدون درآمد و کم درآمد است. روز به اعتراض برخاستن مردم در محلات کار و تحصیل، در پارک‌ها و خیابان‌ها و میادین شهرها و برپا کردن جشن و شادی همراه با خانواده‌ها و سردادن شعارهای اعتراضی است.

روز فریاد رسای زن زندگی آزادی است و اجازه نمی‌دهیم که تبلیغات جنگی بر گفتمان اصلی جنبش انقلابی جاری سایه بیندازد.

با چنین گفتمان‌هایی در محیط‌های کار، دانشگاه‌ها، مدارس و در خیابان و مدیای اجتماعی و همه جا به استقبال روز جهانی کارگر برویم. با تعطیلی کار تجمعات اول مه را مقابل مراکز دولتی و در خیابان‌ها

برگزار کنیم. مثل نیشکر هفت تپه و بازنشستگان در سال‌های گذشته، بنر اول مه را همه جا برافرازیم و با پخش شیرینی و گل این روز را گرامی بداریم.

معلمان به استقبال اول مه و روز معلم که به هم متصل‌اند، بروند. کارگران نفت در تجمعاتشان این روز را گرامی بدارند. شهرهای کردستان به‌ویژه سنندج نیز با برگزاری مراسم و جشن اول مه همچنان بدرخشد. تشکله‌ها و اکتیویستهای کارگری و اجتماعی با قطعنامه‌ها و فراخوان‌های مشترک نقش مهمی دارند. به استقبال چنین روزی برویم. باشد که روزجهانی کارگر نقطه عطفی برای پیشروی بیشتر باشد.

”پیشرفت‌های شگرف“ جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

خامنه‌ای دیروز ۲۴ فروردین با سران سپاه و مسئولان نیروهای مسلح به مناسبت شروع سال جدید دیدار کرد. (نمی‌دانستیم که سال جدید از ۲۴ فروردین شروع می‌شود و نه اول فروردین!) او در این دیدار نکته مهمی را تأکید کرد و معمای ”لاینحل“ دشمنی با جمهوری اسلامی را حل کرد! او گفت دشمنان به دلیل ”پیشرفت‌های شگرف جمهوری اسلامی“ است که با ما دشمنی می‌کنند! خامنه‌ای گفت: ”پیشرفت‌های کشور باعث عصبانیت و کلافگی بدخواهان ایران شده است. البته در بخش‌هایی همچون مسائل اقتصادی ضعف‌هایی

وجود دارد که بی‌شک برای رفع آنها باید تلاش کرد. اما نباید با مخلوط کردن مسائل، پیشرفت‌های شگفت‌آوری را که حتی باعث تحسین دشمنان شده است، نادیده گرفت.

متوجه شدید؟ ”پیشرفت‌های شگرف“ حکومت هم باعث کلافگی دشمنان و هم باعث تحسین آنها شده است!

دیدار با سران نیروهای مسلح درست هنگام مذاکرات در مسقط انجام می‌شود تا هم بهانه‌ای برای رجزخوانی‌ها به دست بدهد و هم مسئله بحث ”مذاکرات غیر شرافتمندانه است“ را تحت‌الشعاع قرار دهد. خامنه‌ای ناچار شد با دشمن خونی خود یعنی ترامپ، مذاکره کند و قطعاً ناچار خواهد بود

جام زهر دیگری را هم نوش جان کند و از اتمی و کل نیابتی‌ها و موشک‌سازی کوتاه بیاید. اما مشکل اصلی خامنه‌ای و سران حکومت، ترامپ نیست. بلکه مردمانند. این مردماند که در برابر ”پیشرفت‌های شگرف“ جمهوری اسلامی که یک قلمش ناتوانی مطلق در تأمین برق و آب و گاز شهروندان است باید کلافه شوند. این مردماند که علیه ”ضعف‌های کوچک اقتصادی“ مدام دارند تجمع و اعتراض می‌کنند. این مردماند که خاکریزهای حکومت اسلام را یکی‌یکی فتح کرده و حکومتیان را کلافه کرده‌اند. این مردماند که شبخ انقلاب و سرنگونی را مدام بالای سر حکومت و خامنه‌ای قرار داده‌اند و این مردماند که نه با بمب اتمی، نه با موشک و نه با نیروی مسلح نمی‌توان آنها را شکست داد.

خامنه‌ای و سران نیروهای مسلح این حقیقت را به‌روشنی می‌دانند و تلاش می‌کنند با رجزخوانی مردم را مرعوب کنند. اما این حنا هیچگاه رنگی نداشته و امروز کمتر از همیشه رنگی خواهد داشت. مردم در این سال جدید دوران حکومت اسلامی و “پیشرفت‌هایش” را به احتمال زیاد به اتمام خواهند رساند. همین‌الان هم از این ماشین تحجر و جنایت پوسته‌ای بیشتر باقی نمانده است.

فارغ التحصیل، اما بیکار

نسان نودینیان

تأیید بیکاری ۸۰۰ هزار فارغ التحصیل توسط مرکز آمار.

این یعنی ۸۰۰ هزار نفر که سال‌ها با امید، پشت نیمکت‌های دانشگاه نشستند، هر کدامشان یک رؤیای ناتمام دارند، یک آینده مبهم و یک حس تلخ بی‌پاسخی از طرف حاکمیت که با بیکاری گسترده، دستمزدهای ناچیز و فقر، زندگی ده‌ها میلیون نفر را به یک کابوس روزانه بدل کرده است. بخش بزرگی از آنها فرزندان اقشار زحمت‌کش هستند.

علاوه بر این، طبق آمارهای رسمی تنها ۱۷ درصد نیروی انسانی روزانه ۸ ساعت کار می کنند. یعنی در کشوری با میلیون ها تحصیل کرده، کار مفید کمیاب است. در بازار کار، فرصت های شغلی به شکل سرسام آوری کاهش داشته است. طبق آمار سایت فرارو، حول و حوش ۶۰ درصد ایرانی های بالای ۱۵ سال در دسته جمعیتی ایستاده اند که دسترسی آنها به موقعیت های شغلی پایین است.

بیکاری، تنها "نبودِ درآمد" نیست. یک زخم عمیق روانی و اجتماعی است که آثارش در زندگی شخصی، روابط خانوادگی، کاهش امید اجتماعی و حتی مهاجرت گسترده مشهود است. جوانی که سال ها درس خوانده، امید به آینده بهتر

داشته و حالا با درِ بسته بازار کار روبه‌روست، از دسترسی به شغل مناسب و استفاده از بارآوری تحصیلات و سال‌ها رنج و تلاش محروم شده، تأمین معیشت و رفاه، سعادت و خوشبختی از آرزوهای او بوده به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی کوچک‌ترین اعتمادی ندارد و به همین دلیل قشر معترض و ناراضی جامعه محسوب می‌شود.

فارغ‌التحصیل بیکار، نه فقط دنبال شغل، بلکه به دنبال شأن، معنا و جایگاه اجتماعی و منزلت خود است. در مبارزات کارگران، بازنشستگان و در جریان اعتراضات عمومی هم سال‌هاست که جنبش و حرکت وسیعی با شعار معیشت و منزلت حق مسلم ما است جریان دارد. تأمین

معیشت و رفاه همگانی امری عاجل، ممکن و عملی است اگر یک اقلیت مفت‌خور بر مملکت حاکم نباشند.

امروز که بیکاری و فقر به معضل میلیونی تبدیل شده مبارزه برای حقوق پایه تا دسترسی به موقعیت شغلی مناسب از خواست‌های محوری است. سعادت و خوشبختی بیش از هشتاد و شش میلیون شهروند در ایران در گرو نابودی حکومت اسلامی و تحقق خواستی است که مردم با شورش‌شعف در خیزش مردمی ۹۸ و انقلاب زن زندگی آزادی ۱۴۰۱ به امر مبارزه خود تبدیل کردند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۴

۱۵ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

چه با توافق، چه بی توافق، سرنگونی به دست مردم!

سینا پDRAM

تنبيه و آزار کودکان جرم جنایی است

سیما بهاری

دستگیری صفا عائلی، دایی ژینا امینی

عطیه نیک نفس

وقتی رادان از ارابه‌های مرگ می‌گوید!

رضا درویش

چه با توافق، چه بی توافق،

سرنگونی به دست مردم!

سینا پدرام

رژیم اسلامی و آمریکا نخستین دور مذاکرات به اصطلاح "غیرمستقیم" را در پشت درهای بسته در مسقط، عمان برگزار کردند. در این نشست، استیو ویتکوف، نماینده ویژه رئیس جمهور ترامپ در امور خاورمیانه، و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه رژیم اسلامی، درباره مسائل مورد مناقشه گفتگو کردند. رژیم اسلامی بر حفظ برنامه هسته‌ای "غیرنظامی" خود تأکید دارد. از سوی دیگر، آمریکا بر لزوم عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و نظارت گسترده بر برنامه هسته‌ای این کشور اصرار می‌ورزند

این مذاکرات در شرایطی برگزار می‌شود که رژیم اسلامی با فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها مواجه است و در منطقه با ضربات ناشی از جنگ با اسرائیل نیروهای نیابتی‌اش زمین‌گیر شده‌اند. همچنین انقلاب زن‌زندگی آزادی بر کوس رسوایی رژیم در سراسر جهان چنان کوبیده است که هر "توافق دیپلماتیکی" قبل از آنکه جوهر روی کاغذش خشک شود، باید تحویل بایگانی داده شود.

قصد آمریکا از این مذاکره چیزی جز مهار رژیم در خاورمیانه نیست. برای آمریکا و ترامپ این اقدامات بخشی از استراتژی بزرگ تر رقابت با دیگر دول در عرصه جهانی است. اما قصد و نیت رژیم اسلامی کاملاً روبه‌داخل است. خامنه‌ای و رژیم فقط به دنبال خرید وقت برای جلوگیری از پیشروی‌های

مردم در تمامی عرصه‌های مبارزاتی است که در چند سال گذشته شکست‌های بزرگی را به رژیم تحمیل کرده‌اند. می‌خواهند یا خیال راحت‌تری با “شرارت از داخل” مقابله کنند.

چیزی که در این مذاکرات غایب است و در هیچ اتاق مذاکره “دیپلماتیکی” نمی‌گنجد، نیروی سوم یا مردم ایران هستند.

جبهه سوم این منازعه مردم به‌جان‌آمده ایران هستند که زیر فشارهای اقتصادی در حال له‌شدن هستند. زنانی هستند که خط‌قرمز “حجاب” را به چالش کشیده‌اند و پیروز این میدان هستند. جوانان هستند که با انتخاب سبک لباس و موزیک و رابطه آزادانه و مدرن خود، سنت‌های اسلامی را به سخره گرفته‌اند. جبهه سوم جنبش کارگران، بازنشستگان،

پرستاران معلمینی هستند که به دنبال معیشت و کرامت انسانی هستند.

قصد و نیت این نیروی سوم برخلاف آن دو طرف مذاکرات "دیپلماتیک" بسیار انسانی و واقعی است. هر دو طرف مذاکره برای جلوگیری از روند افول و سقوط خود بر سر میز نشسته‌اند. نیروی سوم بیرون اتاق مشغول کار خود است، چه با توافق و چه بدون آن.

تنبیه و آزار کودکان جرم جنایی است

سیما بهاری

”خبرگزاری‌ها در کردستان، از تنبیه بدنی ۱۲ دانش‌آموز توسط یکی از معلمان در روستای کرجو از توابع سنندج خبر داده‌اند.“

عجب جهنمی است ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی! ۲۵ فروردین خبر تنبیه کودکان در یک روستا توسط معلم؛ ۲۴ فروردین آزار جنسی و تجاوز به حریم کودکان بی‌پناه در شهرری؛ سال گذشته چندین پروندهٔ کودک‌آزاری در مراکز نگهداری کودکان یا تعرض جنسی به آنها؛ تعرض و تجاوز به دانش‌آموزان دبیرستان پسرانهٔ معین در تهران؛ آزار و تجاوز به تعدادی دانش‌آموز در

اصفهان توسط یک عضو انجمن اولیاومریان و یکی از پرونده‌های پرسروصدا در مورد تجاوز به کودکان مربوط به سعید طوسی معلم قرآن است. متأسفانه این لیست بلند و بالاست.

کودکان از بی‌پناه‌ترین انسان‌های جامعه هستند و اگر قانونی جامع از آنها حمایت نکند، وضع همین جهنمی می‌شود که در ایران و در سایهٔ جمهوری اسلامی شاهدش هستیم. در شهرری والدین گفته‌اند که بارها از رفتار خشونت‌آمیز معلم متجاوز به رئیس مدرسه شکایت برده‌اند، اما ایشان گوشی برای شنیدن نداشته است. شاید هم فکر کرده مگر با امثال سعید طوسی چه کردند؟ مگر شخص خامنه‌ای از او دفاع نکرد؟ مگر روزنامه‌هایی که این‌گونه اخبار را منتشر می‌کنند مورد خشم

حکومت قرار نمی‌گیرند؟ پس بر دیوار کوتاه
کودکان چشم می‌بندم. در مورد تنبیه کودکان در
روستای کرجو جناب مدیر گفتند: ”حال عمومی
دانش‌آموزان در حال حاضر مساعد است“؛ ”دو
سه نفر آسیب شدید دیده‌اند و سایر دانش‌آموزان
مشکل خاصی ندارند.“

واقعاً حال این دانش‌آموزان شکنجه شده مساعد
است؟ دست و پایشان شاید سالم است، اما روح
زخم‌خورده و ترسیده آنها چه؟ حرمت شکسته
آنها چگونه؟ بی‌اعتمادی به معلم چگونه قرار است
بازسازی شود؟

در ایران با وجود جمهوری اسلامی که روزنامه‌هایش

پُر از اخبار تجاوز به کودک، همسران به قتل
رسیده و کودکان کتک خورده است، محیط امن
معنی ندارد. خنده از ته دل کودک شنیده نمی شود
و اینجا جایی برای پرورش خلاقیت کودک نیست.
در آستانه روز کارگر و روز معلم هستیم. داشتن
امنیت، شادی، احترام و جرئت بخشیدن به کودک
برای ابراز وجود باید یک خواست مهم تجمعات
باشد. با خانواده های شاکی همراهی کنیم و پرچم
اعتراض به بی حقوقی کودک را بیش از آن که
هست برافرازیم.

دستگیری صفا عائلی، دای زینا امینی

عطیه نیک نفس

صفا عائلی، دای مهسا زینا امینی به وسیله نیروهای امنیتی در شهر سقز بازداشت و برای تحمل حبس به زندان این شهر منتقل شده است. سایت حقوق بشری هه‌نگاو گزارش داد: "نیروهای اداره اطلاعات استان کردستان ۲۲ فروردین خودروی عائلی را در حالی که همراه همسر خود بود، متوقف کرده و او را بازداشت کرده‌اند." عائلی به زندان سقز منتقل شده و در تماس تلفنی به خانواده خبر داده برای اجرای حکم حبس بازداشت شده است.

فقط بر طبق قوانین انسان کش اسلامی رژیم اسلامی

در ایران می‌توان شخصی را عاقدانه به قتل رساند و خانواده دادخواهش را نیز تحت سرکوب قرار داد. دستگیری صفا عاقلی، دایی ژینا مهسا امینی، به جرم دادخواه بودنش است!

انقلابی که با به قتل رساندن ژینا توسط رژیم اسلامی آغاز شد آن‌چنان جهانی شده که حالا نام مهسا، بر خیابان‌ها و کوچه‌ها در دنیا گذاشته می‌شود و همه جا حرف از جسارت زنان در ایران است. جمهوری جنایت‌کار اسلامی که در سطح بین‌الملل به واسطه مبارزات درخشان مردم ایران هر روز بیشتر بی‌آبروتر می‌شود و در داخل نیز با هیچ ترفندی نمی‌تواند جامعه را به عقب برگرداند و همچنان حکمرانی کند، با سرکوب، دستگیری، ایجاد ارباب و خفقان برای خانواده‌های دادخواه

می‌خواهد به جایگاه سابقش برگردد که این خیال باطل رژی می‌است که این روزها با تنفس مصنوعی زنده است و برای حتی یک ساعت بیشتر در قدرت ماندن دست به چنین تقلاهای بی‌سرانجام و بیهوده‌ای می‌زند.

ابراز اعتراض به‌عنوان یک دادخواه در حیطه آزادی بیان است و حق همه انسان‌هاست که رژیم اسلامی برای در قدرت ماندن با توحش تمام این حق را کاملاً نقض می‌کند و انسان‌ها را برای مطالبه‌اش به‌راحتی می‌کشد. صفا عاظمی باید بدون قید و شرط و فوراً آزاد شود. جمهوری اسلامی باید بداند که فقط نزدیکان و خانواده‌های جان‌باختگان، دادخواه این جنایت‌ها نیستند، همه مردم ایران دادخواه‌اند و برای رسیدن به تمامی

حقوق انسانی‌شان در کنار خانواده‌های دادخواه
می‌مانند و مبارزه می‌کنند. دادخواهی هرگز جرم
نیست و ما تا محاکمه جنایت‌کاران برای برقراری
عدالت و برابری می‌جنگیم.

وقتی رادان از ارابه‌های مرگ می‌گوید!

رضا درویش

احمد رضا رادان رئیس پلیس تهران روز دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ گفت: "باید بپذیریم که برخی از خودروهای ما ارابه‌های مرگ هستند". او افزود "وحشت ناشی از تلفات حوادث رانندگی که چهره ایران اسلامی را بد نشان می‌دهد، باید کاهش یابد".

ما در ژورنال شماره ۱۰۰۴ با استناد به وزیر وقت راه و مسکن و شهرسازی نوشتیم که به گفته وزیر راه برای کاهش تلفات جاده‌ای باید جاده ایجاد شود. این در حالی است که به گفته همان وزیر فقط چهار درصد بودجه مورد نیاز

تخصیص داده شده است.

حالا رادان در نقش "پلیس خوب" ظاهر شده، از امنیت جان مردم دم می‌زند و می‌گوید برخی از خودروهای ما غیراستاندارد هستند. باین حال رادان مثل هر پلیس "وظیفه‌شناس" از برخورد با متخلفان می‌گوید و اینکه "اگر در شهر انضباط حاکم باشد در جاده هم فرد منظم است، امسال باید در انضباط شهری بسیار فعال باشیم و دستگاه‌های مسئول را هم پای کار بکشیم."

مشکل غیراستاندارد بودن خودروهای ساخت داخل قبل از هر چیز به گردن حکومت است. حکومتی که با صرف میلیاردها دلار ادعا می‌کند در تولیدات نظامی به خودکفایی رسیده است

و رژیمی که با هزینه‌هایی در همان مقیاس
میلیارد دلاری در تکنولوژی هسته‌ای می‌گوید
که می‌تواند بمب اتم بسازد، با این‌همه برای
تولید خودروی با کیفیت که مصرف‌کنندگان
میلیون‌ها نفر مردم "ایران اسلامی" هستند، لازم
نمی‌بیند هزینه کند. چون جان انسان در جمهوری
اسلامی ارزشی ندارد.

رئیس پلیس رادان نیازی نمی‌بیند به قلمروی
مافیای خودرو وارد شود، یا از نقش دولت و
"وابستگان" به دولت در شرکت‌های خودروساز
چیزی بگوید. برای رادان برقراری "نظم" و اجرای
"قانون" از هر چیز مهم‌تر است. برای همین
است که می‌خواهد امسال در انضباط شهری
بیشتر فعال باشد. اما مگر آمار بالای تلفات در

حوادث رانندگی بیشتر به جاده‌های خارج از شهر مربوط نمی‌شود؟ در شهر چه می‌گذرد که رئیس پلیس خوابِ آشفته می‌بیند.

راندان در جریان انقلاب زن زندگی آزادی “ارابه‌های مرگ” را برای سرکوب مردمی که علیه حجاب اجباری به خیابان آمده بودند به حرکت درآورد. او می‌داند که مبارزات مردم علیه نظامی که او پاسداری می‌کند علی‌رغم “ارابه‌های مرگ” پلیس همچنان جریان دارد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۵

۱۶ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

سونامی فقر گسترده تر می شود

منظر دریاکناری

سه شبه‌های نه به اعدام را تقویت کنیم!

حسن صالحی

”انقلاب فرهنگی“ از نوع جمهوری اسلامی در آمریکا

محسن ابراهیمی

نامه سرگشاده نرگس محمدی به سازمان ملل

کیوان جاوید

سونامی فقر گسترده‌تر می‌شود

منظر دریاکناری

حسین صمصامی، نماینده تهران در شورای اسلامی، گفت در ماه‌های آتی شاهد افزایش بیشتر قیمت کالاها خواهیم بود.

اینکه یک نماینده حکومت اسلامی می‌تواند این‌چنین با پیش‌بینی "پیامبرگونه‌اش" همه معجزه‌گران تاریخ اسلام را مات و مبهوت کند، حقیقتاً دورازذهن همه ما مردم ایران است. اگر این معجزه نیست پس چیست؟

از این بگذریم و به اصل ماجرا برگردیم. این را

می‌دانیم که اگر هر روز بر قیمت‌ها افزوده نشود
و هر لحظه فقر سایه فلاکت‌بارش را پهن‌تر نکند
و هر دم سونامی گرسنگی دامن‌گستر نشود، آن
روز یک معجزه است. این روندی که ما می‌بینیم
هر روز یک‌قدم بیشتر ما را در گرداب فقر و در
باتلاق گرسنگی فرومی‌برد.

هر سال و هر ماه و هر روز شاهد سقوط این
هواپیمایی هستیم که جمهوری اسلامی هدایتش
را به دست دارد. سقوطی با شتاب هرچه تمام‌تر
به سوی دره مرگ. سقوط زندگی، سقوط شادی،
سقوط رفاه و بهداشت و درمان. سقوط به دره
بیکاری‌ها و ترک تحصیل‌های در کنار سقوط
کودکان بی‌پناه کار و در خیابانی پُر خطر. ناظران

تن‌فروشی گسترده و اعتیاد میلیونی و شاهدان
اعدام‌شدن محکومان خرده پای مواد مخدر بودن.

سرنشینان این هواپیمای در حال سقوط لحظات
هولناکی را پشت سر می‌گذرانند. آری پاسداران
و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی و آن اقلیت
بسیار کوچک مدافع این سیستم بردگی اسلامی
به قیمت فقر عمومی ما مردم در کهکشان‌ی از
لذت‌ها غوطه‌روند.

جلوی این فقر، این سقوط در ورطه نابودی را
به‌تنهایی، با مبارزه یک قشر، یک بخش، یک
صنف و حتی فقط با کمک کارگران مستقر در
کارخانه‌ها نمی‌توان گرفت. مقابله با هیولای فقر

و فلاکت تنها با کمک همه مردم ممکن است.
همه زنان که بیکاری را بیشتر از همه به جان می‌خرند، همه آن بخش عظیمی از جامعه که شغلی ندارند. همه‌وهمه که در ایران زندگی می‌کنند، اما نه بیمه‌ای دارند و نه ممر درآمدی و آنها که آب باریکی به نام حقوق دریافت می‌کنند، نیز نمی‌توانند حتی برای یک هفته از پسِ مخارج زندگی بر آیند. برای زندگی کردن باید کل جامعه با هم علیه حکومت فقر و فساد متحد شود. راه دیگری نیست. با نزدیک شدن به روز جهانی کارگر، یکپارچه علیه بربریت نظام اسلامی به میدان بیاییم و زندگی را مطالبه کنیم.

سه شنبه‌های نه به اعدام را تقویت کنیم!

حسن صالحی

با پیوستن بند زنان زندان زاهدان و زندان ازبیرم لاهیجان به کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، این کارزار در شصت و چهارمین هفته‌اش به ۴۰ زندان در سراسر کشور گسترش یافته است.

کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که از بهمن ۱۴۰۲ آغاز شده، اکنون به یکی از ارکان اصلی جنبش ضد اعدام و اعتراضات ضد حکومتی در ایران تبدیل شده است. این حرکت اعتراضی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سرکوب، یعنی اعدام را هدف گرفته؛ ابزاری که هر روز جان شهروندان را می‌گیرد و نماد سرکوب

سیستماتیک جامعه است.

اگر این کارزار بتواند بیش از پیش پیشروی کند و سلاح اعدام را از دست رژیم بگیرد یا آن را بی اثر کند، نه تنها جان‌های بسیاری نجات پیدا می کند، بلکه یک تهدید بزرگ از مسیر مبارزات مردمی برداشته خواهد شد. این یعنی موفقیتی دوچندان. این یعنی نجات جان انسان‌ها و تقویت حرکت‌های اعتراضی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه آزاد و برابر.

سؤال اینجا است: چگونه می توانیم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" را گسترش داده و تقویت کنیم؟ در اینجا به چند محور کلیدی اشاره می کنم:

در طی یک سال و چند ماه گذشته، زندانیان بیشتری به این حرکت پیوسته‌اند. یکی از راه‌های تقویت کارزار، گسترش آن به زندان‌های بیشتر است. افرادی که با زندانیان در ارتباط هستند، می‌توانند نقش مؤثری در تشویق و تسهیل این پیوستن‌ها ایفا کنند.

همزمان با اعتصاب غذاهای درون زندان، برگزاری تجمعات اعتراضی در بیرون از زندان‌ها اهمیت زیادی دارد. تاکنون خانواده‌های محکومان به اعدام در برابر زندان‌هایی مانند اوین، لاکان رشت، سنقر و سقز اعتراض کرده‌اند. تداوم و گسترش این همراهی‌ها، چه در مقابل زندان‌ها و چه در مکان‌های دیگر، می‌تواند صدای زندانیان را بلندتر و اثرگذارتر کند.

در خارج از کشور نیز اقدامات حمایتی چشمگیری انجام شده، از جمله برنامه لایو ۲۴ ساعته با حضور فعالین ضد اعدام و چهره‌های مطرح ایرانی و بین المللی و برگزاری آکسیون‌های حمایتی در چندین شهر. پیشنهاد این است که با همکاری گروه‌های ضد اعدام، در صد شهر جهان تجمعاتی در حمایت از ”سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ برگزار شود.

مجموعه این اقدامات، که همه قابل اجرا هستند، می‌تواند کارزار را چند گام به جلو ببرد و آن را به نیرویی قوی‌تر در برابر ماشین کشتار جمهوری اسلامی تبدیل کند. زنده باد جنبش نه به اعدام در ایران!

“انقلاب فرهنگی” از نوع جمهوری اسلامی در آمریکا

محسن ابراهیمی

دونالد ترامپ ارتجاع فرهنگی اش را به دانشگاه هاروارد کشانده و کمک ۲.۲ میلیارد دلاری به این دانشگاه را مسدود کرده است.

چرا، چون مسئولین این دانشگاه به خواسته‌های ترامپ تن نداده‌اند. کدام خواسته‌ها؟ توقف فعالیت “برخی” از گروه‌های دانشجویی، نظارت دقیق بر تنوع عقاید در محیط دانشگاه و پذیرش دانشجوی. در یک کلام تن دادن به انگیزاسیون قرون وسطایی ترامپ در محیط دانشگاه. یک ادعای عوام‌فریبانه هم این است که در دانشگاه‌ها دیدگاه‌های “یهودی‌ستیزانه”

بروز کرده است. منظور البته اعتراضات گسترده دانشجویان در آمریکا علیه نسل کشی نتانیاهو در غزه است که وقت خودش دانشگاه‌های آمریکا را فراگرفت.

شباهت خیره کننده‌ای میان ارتجاع فرهنگی ترامپ علیه دانشجویان و فاشیسم فرهنگی جمهوری اسلامی علیه دانشجویان وجود دارد که در دوره تثبیت حکومت اسلامی تحت نام “انقلاب فرهنگی” در سال ۱۳۵۹ راه افتاد.

آن ارتجاع فاشیستی – اسلامی توسط خمینی رهبری شد که ۴۶ سال پیش با کمک فعال آمریکا به رهبری کارتر از حزب دموکرات به قدرت رسید. ۴۶

سال بعد هم ارتجاع فاشیستی - مسیحی ترامپ
از حزب جمهوریخواه سراغ دانشجویان آمریکا رفته
است. دو اتفاق همسویی که نشان می‌دهد جهان
سرمایه‌داری چه ظرفیتی برای بیرون‌دادن چنین
لجن‌های سیاسی علیه بشریت را دارد.

به یمن انقلاب زن زندگی آزادی، مردم جهان با
مبارزه مردم ایران علیه سازمان‌دهندگان ارتجاع
اسلامی در ایران آشنا هستند. تعرض فاشیستی
ترامپ به دانشگاه‌ها هم از همان اول کار با مقاومت
روبرو شده است. رئیس دانشگاه هاروارد حرف دل
دانشجویان را خطاب به ترامپ اعلام کرده است که
هیچ دولتی حق ندارد به دانشگاه‌ها دیکته کند که
چه کسانی را بپذیرند و چه موضوعات تحصیلی و

تحقیقاتی را دنبال کنند. مهم‌تر از این، شهروندان معترض آمریکا، همان‌ها که در همبستگی جهانی با انقلاب زنانه در ایران نقش داشتند، ده روز پیش در ابعاد صدها هزارنفره به خیابان‌ها سرازیر شدند و با شعار ”دست‌ها کوتاه“ مبارزه برای کوتاه کردن دست ترامپ و دارودسته مولتی میلیاردرش از زندگی شهروندان را آغاز کردند.

شعف‌انگیز است که مبارزه علیه فاشیسم اسلامی در ایران و علیه فاشیسم مسیحی در آمریکا در جریان است. هر پیشروی در هر کدام از این دو جغرافیا، صف مبارزه علیه ارتجاع فاشیستی را قدرتمندتر می‌کند.

نامه سرگشاده نرگس محمدی به سازمان ملل

کیوان جاوید

نرگس محمدی به تاریخ سه شنبه ۲۶ فروردین در نامه‌ای به سازمان ملل خواستار "بررسی ویژه اعدام، ترور، قتل و ناپدیدسازی مخالفان جمهوری اسلامی در ۴۶ سال گذشته" شد.

این نامه سرگشاده نرگس محمدی فریاد و دادخواست همه زندانیان سیاسی است؛ این فریاد کارگران اعتصابی است که دستگیر، شکنجه، یا اعدام شده‌اند. این صدای جامعه‌ای است که فرزندان نوجوانش با شلیک مستقیم نظامیان حکومت اسلامی در جریان اعتراضات خیابانی

در خون خود غرق شده‌اند.

نامه به اسم یک شخص نوشته شده است، اما این صدای همه زنان در ایران است که طی این ۴۶ سال از حاکمیت ننگین ارتجاع خون آشام اسلامی زندگی و هویت و کرامت انسانی آنها پایمال شده است. زنانی که به حکم اسلام به صورتشان اسید پاشیده شده و به خاطر رعایت نکردن حجاب متعفن اسلامی به دست مأموران کتک خورده و همچون مهسا به قتل رسیده‌اند.

ما مردم ایران، آن اکثریت بسیار عظیمی که هر روز با مبارزه فردی و جمعی خود برای نابودی این نظام مبارزه میکنیم، پیام‌های زیادی برای

جهانیان داریم. نه فقط پیام به سازمان ملل که لنگان‌لنگان بر اثر فشار ما مردم ایران، این جانیان را بعضاً محکوم می‌کند، اما با همه ابزارهای سیاسی در دستش جمهوری اسلامی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهد و به انزوا نمی‌کشاند. ما برای همه جهانیان، از خوانندگان و هنرپیشگان تا دانشگاهیان و اتحادیه‌های کارگری و همه انسان‌های شریف جهان روزانه با مبارزه خود پیام می‌فرستیم که در کنار جنبش انسانی، مدرن و متمدن زن زندگی آزادی قرار بگیرند. در کنار جنبشی که پیروزی‌اش خوشبختی و زیبایی و رفاه و آزادی را فوراً به گفتمان سیاسی روز در منطقه، و به یک معنا به گفتمان انساندوستی و مدرنیسم در جهان تبدیل می‌کند. ما از مردم

انساندوست جهان می خواهیم که به دولت های
خود فشار بیاورند تا رژیم جنایتکار اسلامی را
بایکوت و سفارتخانه هایش را تعطیل کنند.

نامه نرگس محمدی و صدها نامه زندانیان
سیاسی دیگر خطاب به سازمان های بین المللی
را به آتش نشان اعتراضات علیه جمهوری اسلامی
گره می زنیم و جهان را به حمایت از عزم یک
جامعه ۸۷ میلیونی فرامی خوانیم که پرچم آزادی
و انسانیت، پرچم خوشبختی و برابری مردم ایران
را برافراشته اند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۶

۱۷ آوریل ۲۰۲۵ - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

سه قتل "ناموسی" طی یک ماه

سیما بهاری

درک سخنگوی دولت از واقعیت‌های اقتصادی

رضا درویش

تحریم‌های نیم‌بند دول غربی علیه جمهوری اسلامی

سیاوش آذری

اعدام بخشی از اسلام است

محسن ابراهیمی

سه قتل "ناموسی" طی یک ماه

سیما بهاری

"در تاریخ ۴ فروردین ۱۴۰۴ در جزیره مینو مردی زن جوان خود را به شکلی فجیع کشت. نام این زن که در ۱۵ سالگی اجباراً شوهرش دادند، سمیه مطیرپور و ۳۳ ساله بوده است."

طی فروردین امسال سه زن به دست همسرانشان به قتل رسیده‌اند. اینها به مطبوعات درز پیدا کرده‌اند. معلوم نیست چه تعدادی را اصلاً کسی نفهمید جز کودکانشان، جز والدینشان، و جز همسایگان‌شان. البته احتمالاً در جایی ثبت شده ولی این چیزی را عوض نمی‌کند. منعکس شود یا نه غیر ممکن نیست

که قاتل مورد عفو رهبری قرار گیرد و سر از یک پست مهم دولتی هم در بیاورد. مثل محمدعلی نجفی شهردار تهران قاتل میترا استاد.

با هر قتل ناموسی که خبرش پخش می شود نفس در سینه زنان زندانی در خانه هایی که خشونت بخشی از زندگی آنهاست، حبس می شود. آیا قربانی بعدی منم؟ سمیه در طول زندگی مشترکش بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته. در خانه حبس شده. اجازه ملاقات حتی با افراد خانواده را نداشته و سرانجام وحشیانه به قتل رسیده است. چه بسیار زنانی که وقتی خبر مربوط به کشتار زنان را می شنوند بر خود می لرزند.

قربانیان قتل های ناموسی اغلب کودکانی بوده اند

که کودکی‌شان دزدیده شده، شیطنت‌هایشان هرگز شکوفا نشده، و با دست‌های خشن و نامهربان همسری که صاحب بی‌چون و چرای آنهاست شکنجه شده‌اند، ترسانده شده‌اند و فهمیده‌اند که چقدر بی‌پناه و بی‌کس هستند و سپس جانشان را نیز از دست داده‌اند. خانه برایشان امن نیست. هیچ قانونی از آنها حمایت نمی‌کند. رهبر، به قاتلان و متجاوزان نه فقط ارفاق که گاهاً جایزه می‌دهد.

حکومت می‌خواهد که فرودستی زن، بردگی و فرمان‌بری زنان باقی بماند. از نابرابری و خشونت جنسیتی هم تغذیه می‌کند.

اینکه علی‌رغم جنبش‌های دفاع از حقوق زنان، علی‌رغم پیشروی زنان در عرصه‌های مبارزه، هنوز

مردسالاری و مذهب از زنان این چنین وسیع قربانی می گیرد، قبل از هر چیز به خاطر این است که هنوز حکومت اسلامی سرکار است؛ اما همچنین نشان دهنده این است که به اندازه کافی قوی نیستیم. به اندازه کافی تأثیرگذار نیستیم. به اندازه کافی جامعه را تکان نداده ایم. باید بتوانیم با افکار عمومی، با همه مردم، با توقعات خیلی بیشتری روبرو شویم. باید تحرک سیاسی و اجتماعی بسیار قدرتمندی برای حفظ جان و حرمت زنان راه بیندازیم.

درک سخنگوی دولت از واقعیت‌های اقتصادی

رضا درویش

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت ۲۶ فروردین اعلام کرد: ”دولت با درک واقعیت‌های اقتصادی نمی‌تواند چشم‌انتظار توافق بماند“. او افزود: ”اگر توافقی حاصل شود، ماه‌ها یا حتی سال‌ها زمان لازم است تا آثار آن در توسعه و زندگی مردم نمایان شود“.

سخنگوی دولت به خوبی می‌داند مشکلات معیشتی که زیر سایه اقتصاد دزد سالار نصیب اکثریت مردم شده جایی برای دعوت به انتظار باقی نگذاشته است. البته شکی نیست آثار ویرانی‌هایی که رژیم

در ابعاد همه‌جانبه بیار آورده حتی بعد از خلاصی از
مسببین اصلی یعنی خود رژیم سال‌ها باقی خواهد
ماند.

فاطمه مهاجرانی با نقل قول از خامنه‌ای می‌گوید:
”مشکلات کشور نباید به مذاکرات گره زده شود.“
این دیگر خیلی جالب است. خامنه‌ای سال‌هاست
برای سرپوش گذاشتن بر ریشه مشکلات اقتصادی،
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین ناتوانی‌های
ذاتی نظام در حل مشکلات همه چیز را به توطئه
دشمنان گره زده است. حتی مبارزات مردم را او
و دیگر سران رژیم گفتند که از خارج هدایت
می‌شود. حالا چه شده که ”مشکلات کشور نباید
به مذاکرات گره زده شود.“

اگرچه هنوز نمی‌توان به قطعیت گفت که از مذاکره با امریکا چه چیزی عاید جمهوری اسلامی خواهد شد، اما مسلم است که هرگونه توافق می‌تواند میلیاردها دلار نفتی برای خامنه‌ای و هر که بر سر سفره او نشسته فایده برساند. پس بهتر است از همین حالا به مردم گفته شود که مشکلات را به مذاکرات گره نزنند؛ چون قرار نیست از عواید احتمالی این مذاکرات چیزی به مردم برسد.

مهاجرانی همچنین می‌گویند: ”کمیته‌های مختلفی به‌صورت مستمر در حال بررسی و رفع مسائل جاری کشور هستند.“ باید به خانم سخنگوی دولت گفت: برای بررسی کافی است به خیابان‌های شهر بروید و ”دور از چشم نامحرم“ کمی روسری را از روی گوش‌هایتان کنار بزنید. آن وقت می‌توانید

”شیوه رفع مسائل جاری در کشور“ را از زبان مردم بشنوید که فریاد می‌زنند: ”یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه!“

اما در یک مورد مشخص می‌توان به مهاجرانی حق داد، وقتی که می‌گویند: ”در چنین شرایطی چاره‌ای جز مواجهه مستقیم، عاجل و مستقل با مشکلات وجود ندارد“. این همان راهی است که مردم برای حل مشکلات و در رویارویی با رژیم در پیش گرفته‌اند.

تحریم‌های نیم‌بند دول غربی

علیه جمهوری اسلامی

سیاوش آذری

در خبرها آمده است که اتحادیه اروپا نام نه نفر از مقامات جمهوری اسلامی که از مسئولین سیاست‌گروگان‌گیری اتباع خارجی در ایران هستند را به لیست افراد مورد تحریم خود اضافه کرده است. البته اشاره‌ای به نام این مقامات نشده است. همچنین دولت بریتانیا یک گروه تبهکار در سوئد را به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در اجرای عملیات علیه یهودیان در اروپا تحریم کرد.

در ظاهر اقدامات اخیر جزئی از واکنش دول غربی

به سیاست ضدانسانی گروگان‌گیری و تحرکات تروریستی رژیم اسلامی است. گروگان‌گرفتن و به اسارت در آوردن اتباع خارجی و یا دو تابعیتی بخش جدایی‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی برای اعمال فشار بر غرب و گرفتن امتیاز بوده است. اما نحوه برخورد دولت‌های غربی به چنین سیاستی خود یکی از عوامل استمرار این عملکرد رژیم اسلامی است.

چنین واکنشی امتداد سیاست مداخلات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی است. اینها اشخاص را تحریم می‌کنند، تو گویی این افراد خودسرانه و نه بر اساس سیاست‌ها و تاکتیک‌های رژیم اسلامی عمل می‌کنند. گروه‌های تبهکار را تحریم می‌کنند؛ تو گویی گروه و سازمان تبهکار و تروریست در

دنیا نایاب است و حکومت اسلامی حاکم بر ایران
رژیمی است متعارف که برای عرف بین‌المللی و
حقوق شهروندان ایرانی و اتباع خارجی ارزشی
قائل است.

تبهکار اصلی رژیم جمهوری اسلامی است که ۴۶
سال است مردم را گروگان گرفته و زندگی‌شان
را به تباهی کشانده است. این واکنش‌های نیم‌بند
دولت‌های غربی که خود نتیجه فشار حاصل از
مبارزات مردم و فعالین سیاسی در داخل و خارج
کشور و برآمد انقلابی زن زندگی آزادی است،
کافی نیست. چنین واکنش‌هایی بیش از اعمال فشار
واقعی بر رژیم اسلامی خر رنگ کردن و منحرف
نمودن اذهان عمومی این کشورهاست.

اقدام واقعی اخراج جمهوری اسلامی از تمامی
مجامع و نهادهای بین‌المللی، بستن لانه‌های
جاسوسی موسوم به سفارتخانه‌های رژیم و انزوای
سیاسی کامل جمهوری اسلامی است. مردم آزاده
و بی‌خاسته، چه در داخل و چه در خارج از کشور،
باید پرچم مخالفت با سیاست‌های دول غربی
با رژیم اسلامی و خواست انزوای کامل آن را
بیش‌ازپیش برافرازند و تحقق این امر را در دستور
کار اعتراضات خود قرار دهند.

اعدام بخشی از اسلام است

محسن ابراهیمی

”بزرگ‌ترین تراژدی زندگی این است که انسان درحالی که زنده است چیزی در درونش می‌میرد.“

امروز اما بزرگ‌ترین تراژدی زندگی، آدم‌خوَرانی مثل خامنه‌ای و هبت‌الله هستند که به‌راحتی آب‌خوردن جان انسان‌ها را می‌گیرند. چند روز پیش گانگسترهای عمامه‌به‌سر طالبان جان چهار انسان را درملاءعام در مقابل دوربین‌ها گرفتند. ملا هبت‌الله آخوندزاده، پدرخوانده مافیای طالبان خیال همه را راحت کرد وقتی اعلام کرد ”اعدام بخشی از اسلام است.“ سرپرست ”وزارت

تحصیلات عالی طالبان“ هم خلق الله را آگاه کرد که ”ملا هبت الله آخوندزاده، امیرالمؤمنین، نایب پیامبر، خلیفه خدا و رسول است، اطاعت از او اطاعت از پیامبر و در نهایت اطاعت از خدا واجب است و بی احترامی به او بی احترامی به پیامبر اسلام است.“

سخنان این عمامه به سران هار اسلامی، البته چیزی بر دانش ما مردم ایران در باره توحش اسلام نمی افزاید چرا که ما مشغول نبرد مرگ و زندگی با نظام اسلامی هستیم. نظامی که پیش کسوت طالبان است و در آن زیر رهبری ملا خامنه ای فقط در یک سال جان نزدیک به هزار انسان را به نام الله و نیابت امام زمان و بر اساس قوانین خونبار اسلام گرفته اند.

همچنین بزرگ‌ترین تراژدی انسان‌ها امروز این است که این هیولاهای خدا با نقش‌آفرینی طبقه حاکم آمریکا، مدعی رهبری “جهان آزاد” و دموکراسی به جان مردم ایران و افغانستان افتاده‌اند و به این ترتیب، تعجب‌آور نیست وقتی در خبرها می‌خوانیم طالبان در پی “تعامل با غرب و جامعه جهانی” توانسته است دولت دونالد ترامپ را قانع کند که جایزه دستگیری سه مقام طالبان، شامل سراج‌الدین حقانی، را لغو کند! همچنین تعجب نباید کرد وقتی سرکرده کنونی هیئت حاکمه آمریکا، نمک بر زخم مردم ستمدیده افغانستان می‌پاشد وقتی با سیاست قطع کمک‌ها جان بیش از ۳.۵ میلیون کودک در افغانستان که از سوء تغذیه حاد رنج می‌برند را با خطر مرگ مواجه می‌کند.

آری، امروز تراژدی زندگی این است که مردم دنیا دست گانگسترهایی مثل ترامپ و خامنه‌ای و هبت‌الله اسیر هستند که پول و ثروت و دزدی و چپاول و لگدمال کردن حقوق انسان‌ها و قتل و آدمکشی شغلشان است و با این حساب پایان تراژدی انسان‌ها هم منوط است به کوتاه کردن دست و بال همین چپاولگران از سرنوشت سیاسی بشر. از زندگی بشر.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۷

۱۹ آوریل ۲۰۲۵ - ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

وزیر دفاع عربستان سعودی در ایران!

محسن ابراهیمی

ارومیه یک دم نفسی به راحتی کشید

محمد شکوهی

قطع یارانه‌ها از جوانان بیکار

کیوان جاوید

با تدبیر حکومت، پیاز مجانی شد

منظر دریاکناری

وزیر دفاع عربستان سعودی در ایران!

محسن ابراهیمی

وزیر دفاع عربستان برای رساندن پیام ملک سلمان به خامنه‌ای به ایران سفر کرده است.

مثل همیشه نباید انتظار داشت که در باره مضمون واقعی چنین پیامی از منابع خود جمهوری اسلامی که دیپلماسی‌اش هم مثل کل ساختار حکومتش مافیایی است باخبر شویم، اما این سفر در متن مذاکرات جمهوری اسلامی با فرستاده دونالد ترامپ بار دیگر نشانگر استیصال خامنه‌ای است.

پیام از طرف پادشاه عربستان سعودی است

که خمینی گفته بود اگر ما از مساله قدس هم بگذریم، از صدام هم بگذریم نمی‌توانیم از آل سعود بگذریم. علی‌خامنه‌ای هم زمانی که احساس می‌کرد واقعاً رهبر مسلمین جهان است با اظهارات خودش در باره حکام عربستان سعودی حتی دست امامش را هم از پشت بسته بود، وقتی اعلام کرد که دولت سعودی هم مستبد است، هم دیکتاتور است، هم ظالم است، هم فاسد است، یک عده انسان‌های نالایق، پست، شجره خبیثه ملعون هستند که سرنوشت جوامع اسلامی را به دست گرفته‌اند و نابود شدنی هستند و کسانی از دولت آمریکا که با رؤسای این نظام قرون‌وسطایی، قبیله‌ای مراوده می‌کنند یک ننگ و رسوایی است که از دامن آنها پاک نخواهد شد!

حالا وزیر دفاع "آل سعود" آن هم در متن مذاکره جمهوری اسلامی با ترامپ، برای رساندن پیام پادشاه "شجره خبیثه ملعون" به خامنه‌ای به ایران سفر کرده است! ترامپ در نظر دارد با تعطیلی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، آن را به عنوان یک پیروزی مشعشع در سیاست خارجی‌اش به دنیا بفروشد. حکومت اسلامی هم آماده تسلیم "آبرومندانه" در مقابل قاتل سلیمانی است با این فرض که چنین تسلیمی از احتمال حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی می‌کاهد و بقای سیاسی‌اش را برای مدتی تضمین می‌کند. حکام عربستان سعودی هم دنبال حل مناقشه هسته‌ای جمهوری بدون حمله نظامی آمریکا و اسرائیل هستند به

این دلیل که آثار چنین جنگی در منطقه می‌تواند
ثبات سیاسی در خود عربستان را برهم بزند.

روشن است که پادشاه عربستان پیام فرستاده
است که اگر خامنه‌ای دست از حمایت حوثی‌ها
بکشد، عربستان هم کمک می‌کند معامله ترامپ با
خامنه‌ای بدون حمله نظامی جوش بخورد! این هم
یک نشانه دیگر از استیصال خامنه‌ای که مجبور
شده است با وزیر دفاع "شجره خبیثه ملعون"
ملاقات کند که قطعاً خواهان دست کشیدن او از
آخرین سنگر نیابتی‌اش یعنی حوثی‌هاست.

ارومیه یک دم نفسی به راحتی کشید

محمد شکوهی

اعتراض و مبارزه مردم در ارومیه نتیجه داد. حکم اعدام حمید حسین نژاد حیدرانلو موقتاً متوقف شد!

جمهوری اسلامی حمید حسین نژاد حیدرانلو را شش سال پیش به اتهام حمایت از گروه‌های اپوزیسیون و درگیری با نیروهای نظامی رژیم در منطقه چالداران در ماکو دستگیر و در اواخر اسفند سال گذشته به اعدام محکوم کرد. در خبری که روز پنجشنبه ۲۸ فروردین مسئولان زندان ارومیه منتشر کردند، اعلام شده بود که حکم ضدانسانی

اعدام حمید روز جمعه ۲۹ فروردین اجرا خواهد شد.

در واکنش به خطر اعدام، خانواده و دوستان وی از روز پنجشنبه ۲۸ فروردین اقدام به تحصن در مقابل زندان مرکزی ارومیه کرده و اعلام کردند که اجازه نخواهند داد وی در یک پرونده ساختگی و به این اتهام، اعدام شود. بدنبال مقاومت و اعتراض خانواده و مردم، مسئولان زندان بعد از ظهر روز پنجشنبه اعلام کردند که قرار است روز جمعه ۲۹ فرودین در این مورد نتیجه نهایی را اعلام کنند. همزمان ظهر روز جمعه جمعی از زندانیان سیاسی سابق از ارومیه و شهرهای منطقه در اعتراض به این حکم مقابل زندان دست به تجمع زدند. بعد

از ظهر روز جمعه عثمان مزین وکیل این زندانی
اعلام کرد که اجرای حکم موقتاً متوقف می‌شود!

اعتراض و تحصن خانواده و بستگان و از همه
مهم‌تر تجمع جمعی از زندانیان سیاسی سابق
مقابل زندان در اعتراض به این حکم ضدانسانی،
نشان داد که با اعتراض، مبارزه و حمایت مردم
می‌شود حکومت آدمکشان اسلامی را عقب زد.

باتوجه به ترکیب جمعیتی و مخالفت بخش
قابل‌ملاحظه‌ای از مردم با رژیم و سیاست‌هایش
در این منطقه، جمهوری اسلامی با توسل به حربه
اتهام "اقدام مسلحانه علیه امنیت ملی" و همکاری
با گروه‌های مخالف نظام، به دنبال ایجاد فضا و جو

نامنی و ترس برای فعالین سیاسی بوده و در فکر
”امنیتی و نظامی کردن منطقه“ است. خوشبختانه
مردم منطقه در برابر این سیاست‌های رژیم هوشیار
بوده و با اتحاد و همبستگی‌شان سیاست‌های
کثیف رژیم را تا همین جا خنثی کرده‌اند.

مورد ارومیه می‌تواند الگویی برای مردم، مخالفان
اعدام و زندان در کشور باشد که با اتحاد و مقاومت
و همبستگی‌شان، همه با هم به همراه خانواده
و مردم شریف و زندانیان سیاسی سابق، خطر
اعدام حمید حسین‌نژاد حیدرانلو را عقب زدند،
باشد. حکم اعدام حمید حسین‌نژاد حیدرانلو
بی‌قید و شرط باید لغو و این زندانی سیاسی فوراً
آزاد گردد.

قطع یارانه‌ها از جوانان بیکار

کیوان جاوید

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس: یارانه برخی خانواده‌هایی که فرزندشان ازدواج نکرده قطع شده است.

با یک تیر دو نشان می‌زنند. اول اینکه درآمد ناچیزی که از طریق چندرغاز یارانه به خانواده‌های فقیر تعلق می‌گیرد را قطع می‌کنند و به اندوخته دولت می‌افزایند و دوم به این دلیل که قانون جوانی جمعیت را با جدیت تمام پی می‌گیرند. مگر نه اینکه رژیم اسلامی به دنبال ازدیاد جمعیت کشور است و معنی ندارد جوان در خانه والدین

خود بماند و فکر تولیدمثل و بچه‌دار شدن را از سر بیرون کند؟

شاید به دلیل حاکمیت صدساله استبداد و حکومت‌های سرمایه‌داری اسلامی و آریامهری که پایمال کردن حقوق رفاهی و سیاسی مردم جزو ذات آنها بود و هست، برخوردار شدن از بیمه بیکاری مکفی هنوز به یک خواست فوری مبارزاتی تبدیل نشده است.

دلیل اینکه جوانان نمی‌توانند زندگی مستقل داشته باشند خیلی روشن است، چون نه کار دارند و نه امکانات مالی. این آقازاده‌های وابسته به حکومت هستند که فوراً با پول بادآورده،

گران‌ترین ماشین‌های لوکس و مدل‌بالای خارجی زیر پا می‌گذارند و در خانه‌های چند صد میلیاردتومانی اقامت می‌گزینند و پول پارو می‌کنند. جوانانی با ژن برتر مفت‌خوری.

راه‌حل، ورود بیکاران به مبارزه متشکل است. می‌شود تشکل بیکاران را ایجاد و از همه بیکاران در سراسر کشور ثبت‌نام کرد و برای به کرسی نشاندن خواست‌های رفاهی و اقتصادی خود اعتراضات خیابانی سازمان داد و دست‌یاری به‌سوی کارگران شاغل دراز کرد و یک جامعه را حول بیکاری متحد کرد. فقر و بیکاری بلای جان جوانان و کل مردم است. با این بلای زمینی که توسط جمهوری اسلامی به جان مردم افتاده

است باید سازمان یافته مبارزه کرد. آیا در اول ماه مه امسال می شود انتظار داشت بیکاران در کنار دیگر بخش های جامعه به صف مطالباتی عمومی بپیوندند و رژیم را در یک سنگر مهم دیگر شکست بدهند؟ برای رسیدن به این هدف باید فعالین جنبش کارگری و دیگر فعالین اجتماعی و همه مردم که نانشان به دست پلید حکومت اسلامی گرو گرفته شده است، متحد شوند و همه بیکاران را بسیج کنند. از جمله نباید اجازه داد آب باریکه یارانه جوانان نیز قطع شود.

با تدبیر حکومت، پیاز مجانی شد

منظر دریاکناری

در ویدئوی منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی، یک کشاورز ساکن جیرفت با گلایه از وضعیت بازار، از مردم می‌خواهد برای بردن رایگان پیازهای بدون مشتری او به میدان شهر بروند. او می‌گوید: "هزینه تمام‌شده تولید پیاز برایش کیلویی ۱۵ هزار تومان بوده، اما هیچ خریداری ندارد و محصولاتش در آستانه نابودی است. این کشاورز، بی‌تدبیری و بی‌کفایتی مسئولان را عامل اصلی این وضعیت می‌داند."

این است زندگی‌ای که برای مردم ساخته‌اند. این

از ”بی‌تدبیری“ نیست، این یک سیاست جافتاده و امتحان پس داده حکومت اسلامی است که زندگی مردم کمترین ارزشی برایشان ندارد. اینکه چه تعداد از مردم جان می‌دهند و در فقر و فلاکت از بین می‌روند؛ اینکه چه تعدادی از مردم در حسرت یک روز خوش و بی‌ترس از آینده روز را به شب می‌رسانند؛ اینکه بیماری‌های روحی و روانی بیداد می‌کند و بهداشت عمومی به یک رویای دست‌نیافتنی برای همگان تبدیل می‌شود یا اینکه خشکسالی و بی‌برقی و بیکاری و هزار مصیبت دیگر سرنوشت هولناکی است که بر پیشانی جامعه حک شده است، اصلاً دغدغه هیچ یک از مسئولین و حاکمان اسلامی نیست.

در عوض دستیابی به بمب اتم و موشک بالستیک و تولید پهپادهای پیشرفته در حیطه تخصص حاکمان تبه‌کار اسلامی است. این دیگر به فرهنگ عمومی مردم تبدیل شده است که حاکمان اسلامی فقط برای غارتگری بر سر کار مانده‌اند و هر روزی که بیشتر آن بالا بنشینند مردم فقیرتر و پاسداران این نظام ضدانسانی غنی‌تر می‌شوند.

درد و غم این کشاورز ساکن جیرفت و همه کشاورزان دیگری که اسیر خاک سیاه خشکسالی‌اند یکی است. این درد همگانی است که مردم بجای نان بر سر سفره‌های خود غم تقسیم می‌کنند و از این نظر کمبودی ندارند و این پیشرفت در تولید

اندوه و مصیبت همگانی از مهم ترین تخصص های این حکومت است که همه دولت های ارتجاعی و ضدبشری در دنیا می توانند از این تخصص حکومت استفاده کنند. صدور این تخصص ویژه به مردم منطقه به خصوص کشورهای اسلام زده در صدر فعالیت های رژیم است.

در تقابل با این وضعیت اسفبار فقط یک راه وجود دارد؛ ریشه حکومت اسلامی را با همیاری همگانی خشکاندن و آتش به انبار این جانیان ضد زندگی افکندن. یکی برای همه، همه برای یکی. این راه نجات است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۸

۲۰ آوریل ۲۰۲۵ – ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

دارو در دست مافیای مرگ

سینا پدرام

حق آوازه‌خوانی زنان، گام بزرگی به پیش

اصغر کریمی

زندگی خانواده‌ها در یک اتاق اجاره‌ای

حمید حسابدار-تهران

مذاکره: پسرفت و پیشرفت، پیشرفت و پسرفت

کیوان جاوید

دارو در دست مافیای مرگ

سینا پدram

در یک سال گذشته، قیمت دارو در ایران با افزایش چشمگیری مواجه شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، میانگین افزایش قیمت دارو از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون ۳۰ درصد بوده است. اما در عمل، برخی داروها تا ۵۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

دلایل این افزایش قیمت‌ها بسیار است. از عدم اختصاص بودجه کافی برای درمان و بهداشت تا مافیای تولید در بخش دارو. در واقع بخش عمده‌ای از بازار دارو در ایران در دست شبکه‌های

توزیع غیررسمی و دلالتان است که موجب می‌شود بسیاری از داروها از چرخه رسمی خارج شده و در بازار سیاه با قیمت‌های چندبرابر عرضه شوند. بر اساس گزارش‌ها، حدود ۸۰ درصد از بازار دارو در کشور غیرقابل رصد است و این امر امکان قاچاق و سوءاستفاده را فراهم می‌کند. در اصل دار و دسته‌های حکومتی بخش مهمی از این مافیای دارو را تشکیل می‌دهند. به عبارت ساده بخش "رسمی" و "غیررسمی" کاملاً درهم تنیده شده‌اند و یک شبکه گسترده تولید و توزیع دارو تشکیل داده‌اند.

آنچه که به عنوان دلایل گرانی دارو و خدمات درمان در ایران مطرح می‌شوند، خود از عوارض

یک سیاست مافیایی و کاملاً نهادینه شده از سوی هیئت حاکمه در ایران است و کاملاً "مدیریت" شده است. سودهای میلیاردي که از "هرج و مرج" در تولید و توزیع دارو، وارد حساب‌های بانکی دار و دسته‌های حکومتی می‌شود، چنان افسانه‌ای است که بدون یک تغییر سیاسی در ایران مقابله با این بحران لاعلاج می‌نماید. نتیجه این دزدی‌ها یعنی مرگ از بیماری‌هایی که می‌توانند پیشگیری یا مداوا شوند. نزول کیفیت داروها از سوی دیگر به قدری هست که متخصصین امر بخشا به مضر بودن این داروها اشاره می‌کنند.

اعتراض در هر شکلی به این وضعیت باید بی‌هیچ تردیدی مستقیماً رژیم اسلامی را نشانه بگیرد.

در رأس این مافیای مرگ، رژیم قرار دارد که سود حاصل از تجارت دارو برایشان بسیار پُر اهمیت‌تر از جان انسان‌هاست. اعتراض در مقابل وزارت بهداشت، مجلس و دیگر ارگان‌های حکومتی باید به یک اعتراض روزمره و جمعی تبدیل شود. خواست درمان رایگان و در اختیار گذاشتن امکانات درمانی و پزشکی برای همه به این رژیم باید با زور اعتراضات اجتماعی تحمیل شود. برای مقابله با مرگ باید رژیم اسلامی را به کام مرگ کشید.

حق آوازخوانی زنان، گام بزرگی به پیش

اصغر کریمی

اخیرا بیانیهای در دفاع از حق آوازخوانی زنان منتشر شده که آنرا ۱۹ تشکل دانشجویی و دانش آموزی، بیش از ۹۰ فعال حقوق زن و فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی و ۵۰ هنرمند زن و مرد امضا کرده‌اند.

انتشار این بیانیه از هر نظر اقدامی پیشرو، جالب و قدم بزرگی به جلو است. نه تنها بدلیل محتوای پیشرو و آزایخواهانه آن بلکه بویژه به دلیل همراهی این جمع بزرگ دانشجو، خواننده، آهنگ‌ساز، مدرس موسیقی، نویسندگان و بازیگر،

رپر، خانواده‌های دادخواه، روزنامه‌نگار، فعال حقوق کودک، آسیب‌دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی، حقوق‌دان، وکیل دادگستری و معلم و رنگین‌کمانی و طیف متنوع دیگری از فعالین معترض. این جلوه باشکوهی از همراهی و همگامی و اتحاد فعالین بخش‌های مختلف جامعه در دفاع از یکی از خواست‌های مهم زنان و کل جامعه است. امضای خوانندگان و هنرمندان محبوبی مانند توماج صالحی و جستینا، شروین حاجی‌زاده و نیاز نواب، سامان یاسین و ارغوان آغاسی‌زاده و دهها هنرمند سرشناس دیگر ویژگی خاصی به این بیانیه داده است.

در این بیانیه نوشته‌اند که آواز زنان، پژواک آزادی و

سرکوب صدای زن، سرکوب آزادی است. به همین دلیل این طیف رنگارنگ گرد هم آمده‌اند تا از آزادی صدای زن، از آزادی زن و از آزادی جامعه دفاع کنند. و باید اضافه کرد که شجاعت زنان در آوازه‌خوانی گام مهمی در شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی و نماد انقلاب زنانه‌ای است که دست از سر جمهوری اسلامی برنمی‌دارد. زنان آوازه‌خوان در این دو سال و نیم از سایه‌ها بیرون آمده و در دانشگاه‌ها، خیابان‌ها، متروها، کاروانسراها و دیگر اماکن عمومی و در شبکه‌های اجتماعی، طنین اعتراض و ایستادگی را بلندتر از همیشه در تاریخ مبارزه و مقاومت حک کرده‌اند.

این بیانیه از همه مردم معترض، کارگران، معلمان،

دانشجویان و دانش آموزان، بازنشستگان، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران و تمام فعالین اجتماعی خواسته است تا به جنایت حکومت علیه هنر و آزادی بیان اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط خوانندگان زن و بازگرداندن صفحات بسته شده زنان خواننده در شبکه های اجتماعی شوند. همین هفته قبل هفت خواننده زن ساکن بهبهان احضار و بازجویی شدند. باید با جنبشی همگانی در این جبهه جنگ به مقابله با جمهوری اسلامی برخیزیم و همراه با زنان شجاعی که علیرغم همه سرکوبگری ها زیر بار نمی روند عرصه را هر چه بیشتر بر حکومت از گوربرخاسته اسلامی تنگ کنیم.

زندگی خانواده‌ها در یک اتاق اجاره‌ای

حمید حسابداری-تهران

تجارت‌نیوز می‌نویسد: "هزینه اجاره خانه به قدری بالا رفته که اجاره اتاق یا کانکس به عنوان سرپناهی موقت یا گاه دائمی برای مستأجران کم‌درآمد به امری عادی در بازار اجاره مسکن تبدیل شده است!"

اینکه گفته می‌شود در خبرها آمده است، یک حسی از خوشی یا بی‌حسی درونی به آدم دست می‌دهد که به خود بگوییم هزار چیز مربوط و نامربوط و راست دروغ هم در خبرها می‌آید. شاید بنشینیم و به خود بگوییم به امید خدا چنین

وضعیتی نصیب من و خانواده من نمی‌شود.
آخر مگر نه اینکه من هنوز می‌توانم ۷۰ درصد
از حقوقم را بدهم و از خرج خورد و خوراک و
بهداشت و تفریح و سفر و... بزنم و اجاره‌خانه‌ام
را تأمین کنم؟ بگذار هر آنچه در خبرها آمده،
بیاید. بگذار نان گران شود و دارو پیدا نشود
و آن چیزی هم که پیدا می‌شود گران یا حتی
قلبی باشد. من که هنوز کاری و نانی دارم.

آیا فقط در خبرها آمده است؟ نه خیر! این
افعی گرانی و نداری و فقر و فلاکت اقتصادی با
چشمان افسونگرش و با نیش زهرآگینش درست
در برابر ما قد برافراشته است و منتظر لحظه‌ای
است که دندان در گوشت ما فرو برد و ما را به

خاک بکشد! به خاک؟ مگر نه اینکه ما به خاک
افتاده‌ایم؟ اگر این به خاک افتادن نیست پس
چیست؟ اعتیاد میلیونی و تن‌فروشی میلیونی،
گور خوابی و تکدی‌گیری و بیکاری جوانان
و خشونت خانوادگی و تهی‌تر شدن جامعه از
نوع‌دوستی، اگر فاجعه نیست پس چیست؟

رسم شده است که رسانه‌های داخل خبرهای بد
را به‌سوی ما پمپاژ می‌کنند تا برای پخش این‌همه
خبرهای هراسناک مشتری پیدا کنند و ما را در
تنهایی خودمان بلرزانند. شاید صادقانه دارند
هشدار می‌دهند، شاید فقط دارند باندهای رقیب
را رسوا می‌کنند، شاید می‌خواهند بگویند هنوز که
نفس می‌کشید شکرگزار باشید. شاید می‌خواهند

از قول مقامات بگویند: ”بگذارید مذاکره به نتیجه
برسد، آنگاه بهبود حاصل می‌شود“، آنگاه... به
دوروبر خود نگاه می‌کنم و به این فکر می‌کنم
که کی و کجا آتش کوکتل مولوتوف این نسل
زخم خورده به مناره این مسجدی که حکومت
ساخته است اصابت می‌کند و شعله‌های آن فقر و
فلاکت و استبداد را دود می‌کند و به هوا می‌برد؟
چه وقت چنین می‌شود؟

مذاکره: پسرفت و پیشرفت، پیشرفت و پسرفت

کیوان جاوید

دور دوم مذاکرات نیز بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در ایتالیا به پایان رسید و قرار است مجدداً دور بعدی مذاکرات در مسقط، پایتخت عمان از سر گرفته شود.

هورا، به این می گویند دیپلماسی، به این می گویند امید به پیشرفت در زندگی، به این می گویند "پایان شب سیه سپید است". اینها را می گویند؟ آیا می شود گفت بالاخره سایه خونین جنگ از سر مردم ایران برداشته می شود و جمهوری اسلامی شمشیر تروریسم اسلامی را غلاف می کند و با قلم

طلا پشت ورقه معیشت منزلت و ارزانی و حقوق
شهروندی امضا می گذارد؟

آیا قرار است بعد از اینکه جمهوری اسلامی میزان
غنی سازی هسته‌ای را به سه و نیم درصد برساند
و تولیدات ۶۰ درصدی اورانیوم را به کشور ثالث
دیگری منتقل کند، آنگاه ارزانی بشود و خشکسالی
نباشد و حقوق کارگران به وقت و به اندازه‌ای که
زندگی مردم به خوبی بچرخد و سفره‌ها پُر نان و
رنگین شود و معیشت به جایی برسد که همه مردم
نفسی به راحتی بکشند؟ قرار است دیگر زندانی
سیاسی نداشته باشیم و بهایی از کرامت و زنان
از هویت انسانی برخوردار شوند و اعدام به تاریخ
توحش بپیوندد و حقوق بشر بزند و حق شهروندی

برقصد؟

در خبرها آمده است بعد از دور دوم مذاکرات، هر یک دلار از ۱۰۰ هزار به ۸۵ هزار تومان رسیده است. آیا این پایین کشیدن دلار و بالا کشیدن تومان تأثیری در نگاه ما مردم نسبت به بهبود زندگی دارد، دلمان را خوش کرده، تفریحمان را بیشتر و خوشی‌مان را افزایش داده است؟ آیا انشاالله باز هم مثل دوران اوپاما برجام پیروز می‌شود و جمهوری اسلامی به میلیاردها دلار دیگر دسترسی پیدا خواهد کرد و آنگاه... چه می‌شود؟ معلوم است چه می‌شود! سفره‌ها خالی‌تر، سرکوب‌ها بی‌وقفه‌تر و دود سیاه اسلام و حکومت اسلامی همچنان با قدرت تمام به چشم ما مردم می‌رود.

این بازی را ما مردم قبول نداریم. حنای این تردستی مذاکره با شیطان بزرگ دیگر برای ما مردم که از زندگی ساقط شدیم رنگی ندارد. جمهوری اسلامی باید از همه مجامع بین‌المللی و از دنیا طرد و بایکوت شود. راه را مردم ایران در انقلاب زن زندگی آزادی نشان داده‌اند. انقلاب در ایران راه حل است و همین روند به پیش خواهد رفت. تنها راه نجات مردم ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است. این سازی است که هر روز در ایران نواخته می‌شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۱۹

۲۱ آوریل ۲۰۲۵ - ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

جایگاه مردم در مذاکرات میان فاشیست‌ها

گفتگو با محسن ابراهیمی

طرح رادان در امنیتی کردن مدارس محکوم به فناست

سیاوش آذری

قربانی دیگر از جنایت خانوادگی

سینا پدرام

ترامپ و اوج‌گیری اعتراضات داخلی در آمریکا!

شهاب بهرامی

جایگاه مردم در مذاکرات میان فاشیست‌ها

گفتگو با محسن ابراهیمی

سوسن صابری: دور دوم مذاکرات بین دولت امریکا و جمهوری اسلامی هم به پایان رسید و احتمالاً این مذاکرات هفته‌ها طول بکشد. مستقل از روابط بین دولت‌ها و نتیجه مذاکرات، نقش و جایگاه و انتظارات مردم ایران در این میان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

محسن ابراهیمی: “دولت اعتماد خودش را به مردم از دست داده است. بهتر نیست مردم را منحل کنیم تا دولت مردم دیگری را انتخاب کند؟” معنای واقعی این طنز و طعنه تیز سیاسی برشت این است که مردم اعتمادشان را به دولت از دست داده‌اند،

آیا بهتر نیست مردم از شر دولت رها شوند و خود
بر سرنوشت سیاسی خود حاکم شوند؟

رابطه میان مردم و حکومت در ایران البته بسیار
فراتر از بی‌اعتمادی به دولت است و نقش مردم
هم فراتر از ”منحل“ کردن دولت است. مردم کل
حکومت اسلامی، کل نظام اسلامی را پایمال‌کننده
زندگی چندین نسل از شهروندان، چندین نسل
از هم‌نوعان خود می‌شناسند. مردم در سیمای این
حکومت قاتل زنجیره‌ای عزیزان خود را می‌بینند.
مردم نمی‌خواهند دولت را ”منحل“ کنند. می‌خواهند
نظام را تماماً نابود کنند. این فقط یک آرزو نیست.
مردم برای تحقق آن دو سال و نیم پیش، با پرچم
”زن، زندگی، آزادی“، نبرد بزرگی را آغاز کردند.

ترامپ اعلام کرده است که جمهوری اسلامی نباید بمب هسته‌ای داشته باشد و ترجیح می‌دهد این کار با مذاکره و توافق انجام گیرد و اگر نه ایران را بمباران خواهد کرد. او گفته است که می‌خواهد ایران تحت سلطه همین رهبری موجود "کشوری ثروتمند و موفق باشد" ترامپ دنبال این است که معامله هسته‌ای با جمهوری اسلامی را به عنوان نشانه‌ای از تحقق شعار کذایی‌اش یعنی "عظمت را به آمریکا برمی‌گردانیم" به رأی‌دهندگان بفروشد! خامنه‌ای هم که گفته بود با هر کس مذاکره کند با "این دولت" یعنی با دولت ترامپ هرگز مذاکره نمی‌کند، به جای لاف زنی معمول تن به خفت و خواری مذاکره و معامله با قاتل سردار سپاه قدس داده است؛ چون غرق در کابوس خیزش مردم تصور می‌کند شاید چنین رویکردی زمان بیشتری برای نظامش بخرد!

مردم در ایران امانه بمباران مورد نظر ترامپ را جنگ خود می‌دانند و نه تصور می‌کنند هدف حکومت اسلامی از مذاکره و معامله با آمریکا گشایشی در زندگی اقتصادی و سیاسی آنها به دنبال خواهد داشت. مردم می‌دانند هدف حکومت اسلامی از معامله با ترامپ عقب انداختن نابودی خودش است و به همین دلیل، همین مردم راه و چاره‌ای ندارند جز اینکه چه در جنگ این حکومت با هر دولتی و چه در مذاکره و معامله این حکومت با هر حکومتی دنبال راهکاری برای نابودی آن باشند.

ما که می‌دانیم حکام اسلامی قصد ندارند با مذاکره و توافق احتمالی با آمریکا حتی گوشه‌ای از هزاران مشکل مردم را حل کنند، نباید اجازه دهیم مذاکره و معامله بر سر برنامه هسته‌ای از "ویرانگران

انسانیت؛ از یک حکومت آدمکش در ایران و تروریست در جهان چهره یک دولت ظاهراً متعهد به نمایش بگذارد. هدف برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی همیشه این بوده است که یک روز، در میان حیرت مردم از یک یا چند بمب هسته‌ای رونمایی کند با این تصور که در پناه بمب هسته‌ای، بقای سیاسی حکومت تضمین خواهد شد. همین حکومت این بار مجبور شده است با مذاکرات هسته‌ای خطر نابودی‌اش را عقب بیندازد.

در چنین شرایطی، اولویت سیاسی ما مردم که مدت‌هاست وارد جنگ مرگ و زندگی با حکومت اسلامی شده‌ایم باید این باشد که نگذاریم مماشات و معامله با آمریکا و هر دولت دیگر در مبارزه‌مان با حکومت اسلامی کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد کند.

به این اعتبار، در متن بازی سیاسی تحت نام مذاکره هسته‌ای، امروز در کنار گسترش فضای اعتراضی در داخل، بیش از همیشه باید کمپین سیاسی برای بایکوت تمام‌عیار سیاسی، فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی، برای بسته‌شدن سفارت‌های جمهوری اسلامی در تمام دنیا و اخراج نمایندگان آن از همه نهادهای بین‌المللی را گسترش دهیم.

طرح رادان در امنیتی کردن مدارس

محکوم به فناست

سیاوش آذری

احمد رضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی حکومت اسلامی در گردهمایی معاونان و مدیران فرهنگی و اجتماعی فراجا که با حضور وزیر آموزش و پرورش بر گزار شد، گفت: دشمن بهتر از ما بر نقش اثر گذار دانش آموزان و نسل جوان و نوجوان واقف است و تلاش می کند از طریق فضای مجازی در ذهن و باور این نسل و قشر نفوذ کرده و ذهن دانش آموز ما را ربایش کند. رادان راه مقابله با این "مافیای اندیشه ربا" را "فرهنگ سازی از طریق همکاری روزافزون نیروی انتظامی و آموزش و پرورش" خواند.

هدف از این نوع فرهنگ‌سازی و "قدرت نرم" پلیسی کردن مدارس همراه با بساط تحمیق دانش‌آموزان، تلاش برای ارباب‌آنان با توسل به شیوه‌های امنیتی و تعقیب و تهدید دانش‌آموزان، خانواده‌هایشان و معلمان است. این روشی است که رژیم اسلامی در ۴۶ سال گذشته در تمام سطوح زندگی اجتماعی اعمال کرده، منتقدان و مخالفین را دستگیر و زندان و شکنجه و اعدام کرده، بخش اعظم مردم را به فقر و فلاکت کشانده؛ اما باین‌حال قادر به تمکین کشاندن جامعه نگشته است.

این اظهارات اعلام این حقیقت از زبان یکی از سردمداران رژیم مبنی بر شکست پروژه "فرهنگی" حکومت اسلامی و ناتوانی آن در اعمال

هژمونی نظری و سیاسی در میان دانش‌آموزان و نسل جوان است. افاضات رادان بروز ترس وی از مشارکت توده‌ای دانش‌آموزان در جنبش انقلابی آتی است که طلایه‌های آن را در اعتراضات بخش‌های مختلف، از کارگران تا معلمان، پرستاران و بازنشستگان شاهد هستیم. نقش دانش‌آموزان در انقلاب زن زندگی آزادی در حافظه جمعی مردم زنده است و همچنان رعشه بر اندام دست‌اندرکاران حکومت می‌اندازد.

”طرح نو“ رادان محکوم به فناست. هنوز مرکب این ”تفاهم‌نامه“ کذایی خشک نشده اعتراضات به آن بالا گرفته چنانچه انجمن صنفی معلمان در انتقاد به آن اعلام کرده معلمان در سراسر ایران اجازه نخواهند داد مدارس را به پادگان تبدیل

کنند. باید با تمام قوا در مقابل طرح امنیتی کردن مدارس ایستاد. دانش‌آموزان در کنار معلمان و همراه با خانواده‌هایشان باید صف اعتراض به این طرح را سازمان دهند. واداشتن رژیم به عقب‌نشینی از این طرح گامی مؤثر در راستای اعتلای جنبش سرنگونی انقلابی و پایان‌دادن به سلطه مافیای اسلامی حاکم بر ایران خواهد بود.

قربانی دیگر از جنایت خانوادگی

سینا پدرام

طبق گزارش رسانه‌ها مردی ۴۸ ساله‌ای در پی یک اختلاف خانوادگی، دختر ۱۸ ساله‌اش فاطمه سلطانی را با ضربات چاقو در اسلام‌شهر به قتل رسانده و سپس خود را به پلیس معرفی کرده است. فاطمه به‌تازگی به دلیل اختلافات میان پدر و مادرش در یک سالن آرایش مشغول به کار شده بود تا هزینه‌های زندگی خود و مادرش را تأمین کند؛ اما این موضوع خشم پدر را برانگیخت.

دختر جوان دیگری قربانی قتل مردسالارانه شد. قربانی فرهنگ و سنتی که پدر خانواده با حس

مالکیت بیمار گونه نسبت به فرزند خود و به ویژه فرزند دختر، خود را مجاز می‌داند که به زندگی او پایان دهد. در این فرهنگ و سنت عقب مانده که مرد خود را نگهبان "ناموس" می‌داند، زن و بچه در صورت هر گونه رفتار "غیر قابل قبول" مثل داشتن رابطه خارج از ازدواج، فرار از خانه، یا حتی شایعه‌ای درباره زن که بتواند "بی آبرویی" تلقی شود، توسط مرد یا پدر خانه و یا خانواده محکوم به نابودی و مرگ می‌شوند.

از سوی دیگر، رژیم اسلامی و احکام شرعی حاکم در ایران با ایجاد تمامی زمینه‌های قضایی، اجتماعی، فرهنگی و بالاخره اقتصادی همواره تلاش کرده است که با اعمال سیستماتیک تبعیضات گوناگون زنان را به تمکین واداشته

و فرهنگ ناموسی را تقویت کند. درعین حال تاریخ ۱۵۰ سال گذشته ایران و به ویژه تاریخ ۴۷ سال سیطره رژیم اسلامی، تاریخ مبارزه زنان بر علیه این ستم نیز هست.

ستم به زن گرچه تاریخی است؛ ولی در عصر سرمایه داری یکی از ملزومات واقعی به تمکین کشاندن کل جامعه به حقوق اجتماعی و معاش اقتصادی پایین است. اگر این ستم هنوز باقی است، اگر هنوز مردانی به حق مالکیت به زنان و کودکان در حیات اجتماعی و شخصی خود باورمند هستند، نتیجه این ستم در سیستم اقتصادی تبعیض آمیز سرمایه داری است. چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، تمکین به پدیده ستم به زن نتیجه از خود بیگانگی و مسخ آحاد جامعه در پروسه رشد اجتماعی و فردی

آنان است.

فقط یک جنبش اجتماعی سوسیالیستی،
عدالت خواهانه و مساوات طلبانه توان آن را دارد
که این انسانیت را به آحاد جامعه برگرداند.
آنگاه ما از این نکبت تاریخ طبقاتی بشریت
خلاص خواهیم شد. تا آن روز مبارزه ادامه دارد.

ترامپ واوج گیری اعتراضات داخلی در آمریکا!

شهاب بهرامی

”بعد از به خاک سپردن لیبرالیسم به وسیله نئولیبرالیسم اکنون نوبت دفن نئولیبرالیسم به وسیله فاشیسم فرارسیده است.“ حمید تقوایی، مقاله منجلاّب ترامپیسم و افق سوسیالیسم.

هزاران نفر روز شنبه در سراسر ایالات متحده، اعتراض‌هایی را علیه سیاست‌های دونالد ترامپ برپا کردند. اوایل ماه جاری هم صدها هزار آمریکایی در بزرگ‌ترین موج مخالفت سراسری از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید گرد هم آمدند.

از جمله برخی از شعارهای این تظاهرات ها
"نوبت ماست که با دیکتاتوری بجنگیم"،
"فاشیسم می آید"، " تعرض به شغل های ما
موقوف " و یا دمکراسی ما در خطر است، بودند.
حمله وسیع و همه جانبه دولت گوش به فرمان
ترامپ به دیپارتمان های خدمات اجتماعی
به ویژه کاهش بودجه خدمات بهداشتی و
درمانی و اخراج های وسیع کارمندان دولت،
قطع بودجه های مبارزه علیه نابودی محیط زیست،
دستور انحلال آموزش و پرورش، تلاش برای
ممنوعیت سقط جنین، طرح اخراج میلیون ها
مهاجر "غیرقانونی" تنها بخشی از سیاست های
سوپر راست و ضد مردمی جناب ترامپ و
دارودسته سوپر میلیاردر وی در همین سه ماهه
اول ریاست جمهوری اش بوده است.

بخشی از این سیاست‌ها به اضافه اعمال تعرفه‌های گمرکی هم باعث اعتراض بخشی از سرمایه‌داران فربه و اقتصاددانان شده. در عین حال اجرای این سیاست‌ها منجر به بی‌ثباتی اقتصادی، هرج و مرج و فرار سرمایه‌ها از این کشور نیز گشته است، نتیجه این وضعیت، بیکارسازی‌های وسیع و گسترده، تورم، فقر و گرانی بیشتر و عدم امنیت شغلی شده است.

به قدرت رسیدن ترامپ نتیجه منطقی بحران مالی سرمایه‌داری آمریکا به ویژه بعد از بحران مسکن سال ۲۰۰۸ میلادی و شکست سیاست‌های نئولیبرالیستی است. ترامپ پسم‌فرزند خلف یک‌دهم یک‌درصدی‌های مفت‌خور و میلیاردر آمریکائی است، می‌خواهد "امریکن دریم"

افسانه‌ای را البته فقط برای هم‌طبقه‌ای‌هایش
جامه عمل بپوشاند. اگر ترامپ در پیاده‌کردن
این سیاست‌ها موفق شود آنگاه آن‌گونه که در
تظاهرات‌های اخیر نوشتند “فاشیسم می‌آید”
نه‌تنها این که فاشیسم چیره هم می‌شود. ولی
با نگاهی ساده به همین وقایع یک ماه گذشته
می‌بینیم که این امر اتفاق نخواهد افتاد و ترامپ
و سیاست‌هایش به‌زودی طعم تلخ شکست‌های
پی‌درپی را خواهند چشید، این روند از هم‌اکنون
شروع شده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

***سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید**

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۰

۲۲ آوریل ۲۰۲۵ - ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

روناهی حسین نژاد حیدر انلو و حسرت پدر

سیما بهاری

دلجویی از روسیه به خاطر مذاکره با دولت آمریکا!

حسن صالحی

ملاقات مسئولین مؤسسه "یا زهرا" با مقام سپاه

شهاب بهرامی

عقب نشینی رژیم در مقابل "کوچه"ی مطالبات مردم

عطیه نیک نفس

روناهی حسین نژاد حیدرانلو و حسرت پدر

سیما بهاری

همین یکی دو روز پیش بود که روناهی خطاب به وجدان‌های بیدار جامعه گفت ”لطفاً برای نجات پدرم اقدام کنید“

”پدرم را وادار به اعتراف اجباری کرده‌اند“. اعتراض به حکم اعدام حمید حسین نژاد حیدرانلو گسترده بود. اما جمهوری اسلامی جمهوری مرگ است. او را اعدام کرد. روناهی از ما خواسته بود پدرش را نجات دهیم و ما وجدان‌های بیدار نتوانستیم. خانواده‌اش در مقابل زندان ارومیه تجمع کردند. اما آنها همه وجدان‌های بیدار نبودند.

روناهی! عزیزم! ما را ببخش که در ابعاد هزاران نفره
مقابل زندان نبودیم. ما را ببخش که نتوانستیم شهر
را به حرکت در آوریم. زورمان کم بود و دشمن
بسیار وحشی! دیشب به یقین وقتی خبر اعدام حمید
حسین نژاد حیدرانلو پدر روناهی را شنیدیم بسیاری
از ما گریستیم و با بغض زیادی در گلوبی صدا فریاد
زدیم جمهوری اسلامی سرنگون، سرنگون! بغضمان
و خشممان و صدای شکسته در گلویمان باید تبدیل
به تجمعات میلیونی و اعتراضات پر سروصدا علیه
اعدام شود.

روناهی کودک زخم خورده حمید حسین نژاد
حیدرانلو در ۱۳ سالگی غم سنگینی را تجربه می کند.
او می داند پدرش با چه سختی نان در می آورد. او
نان آورش و یکی از تکیه گاههایش را از دست داد.

عشق پدرانه را از او گرفتند. در این روزهای آخر،
او ترس ازدست‌دادن یک عزیز را تجربه کرد.
معنی دلهره و دل‌شوره را فهمید. او که باید در این
سن و سال شیطننت و بازیگوشی می‌کرد واژهٔ اعتراف
اجباری را یاد گرفت و تهدید به بازداشت خودش
و سایهٔ سنگین اعدام روی سر پدر را با تمام قلب
کودکانه‌اش لمس کرد. روناھی چه دیکتاتوری
بی‌رحم و شنیعی را تجربه کرد.

پدر روناھی را کشتند تا رعب ایجاد کنند، بترسانند
و چند صباحی بیشتر بمانند. این حکومت دست
تمامی جنایت‌کاران تاریخ را از پشت بسته. با هیچ
عبارتی نمی‌توان توصیفشان کرد.

ما کسانی که علیه اعدام کار و تلاش می‌کنیم باید

نیرویمان را متحدتر و یکپارچه‌تر به میدان بیاوریم.
در مقابل رژیم خونخوار اسلامی باید با قدرت
بیشتری بسیج شویم. در شهر ارومیه مردم نباید
خانواده حمید حسین‌نژاد حیدرانلو، کولبر اعدام
شده توسط یک حکومت دیکتاتور و ظالم را تنها
بگذارند. خانواده حمید باید در حلقهٔ پر از عشق و
محبت دوستان و همشهری‌ها و اقوام غم‌زدست دادن
عشق و عزیزشان را از سر بگذارند.

دلجویی از روسیه به خاطر مذاکره با دولت آمریکا!

حسن صالحی

اخيراً عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، به روسیه سفر کرد و پیامی مهم از خامنه‌ای را به دست ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، رساند. سفیر جمهوری اسلامی در مسکو اعلام کرده که در این پیام، خامنه‌ای تأکید کرده است که روابط تهران با کشورهای "دوست" همچنان ادامه خواهد داشت و این روابط تحت تأثیر مذاکرات هسته‌ای یا گفت‌وگو با غرب قرار نخواهد گرفت.

این اطمینان‌دادن به دولت روسیه، مبنی بر اینکه مذاکره با آمریکا خللی در روابط جمهوری اسلامی

با روسیه ایجاد نخواهد کرد، تلاشی است از سوی جمهوری اسلامی برای وانمود کردن به اینکه این رژیم، برخلاف شعارهایش، دست بر قضا هم "شرقی" است و هم "غربی".

جمهوری اسلامی از دیرباز روابط نزدیکی با دولت‌های روسیه و چین داشته است. در چارچوب سیاست ضد آمریکایی نظام، علاوه بر حفظ ارتباط با برخی دولت‌های اروپایی، خود را به چین و روسیه نزدیک کرده تا در عرصه بین‌المللی و داخلی موقعیت بهتری برای خود فراهم آورد. این وابستگی تا جایی پیش رفته که منجر به قراردادهای و معاملات سنگینی به سود آن حکومت‌ها شده است. این روابط با چین و روسیه هیچ تأثیری در کاهش بحران اقتصادی و شکست‌های منطقه‌ای

و داخلی حکومت نداشته است.

آنچه امروز شاهد آن هستیم، بی‌ثمر بودن سیاست ضدآمریکایی جمهوری اسلامی است؛ سیاستی که نه تنها دستاوردی برای رژیم نداشته، بلکه به بروز اختلافاتی در آن نیز منجر شده است. در شرایطی که جمهوری اسلامی به دلیل بحران شدید اقتصادی، شکست‌های منطقه‌ای و اعتراضات گسترده مردمی تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار دارد، مذاکرات و توافق با دولت آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای اهمیتی دوچندان یافته است.

از سوی دیگر، سرنوشتی که بشار اسد با تکیه یک‌جانبه بر حمایت روسیه به آن دچار شد، هشدار جدی برای جمهوری اسلامی محسوب

می‌شود. حاکمیت نمی‌خواهد همان مسیر را طی کند و به همین دلیل، روزه‌ای به‌سوی آمریکا گشوده تا شاید بتواند چند صبحی بیشتر دوام آورد.

اما برای مردم ایران، این معاملات تأثیر بر مبارزه‌شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد. ریشه نارضایتی مردم در ظلم، ستم، خفقان و فقر فراگیری است که رژیم بر شهروندان ایران تحمیل کرده است. شعله‌های این مبارزه تا زمانی که این وضعیت از ریشه تغییر نکند و به سرنگونی کامل جمهوری اسلامی نینجامد، همچنان فروزان خواهد ماند. این ماییم که می‌توانیم حتی بر روابط سیاسی در میان بالایی‌ها نیز اثر گذار باشیم!

ملاقات مسئولین مؤسسه "یا زهرا" با مقام سپاه

شهاب بهرامی

برخی رسانه‌های بریتانیا با پوشش دادن خبر دیدار "ام‌فروه نقوی"، مدیر مؤسسه "لیک یا زهرا" در لندن با مجید هاشمی مقام سپاه پاسداران از آن انتقاد کردند! این مؤسسه که در بریتانیا ثبت شده، هدف خود را "یاری به بشریت" از طریق ترویج دین اسلام و حقوق زنان معرفی کرده است.

یاری به بشریت؟ حقوق زنان؟! روزنامه تایمز نوشت، متولیان خیریه "لیک یا زهرا" به‌خاطر ملاقات چندین‌باره با فرماندهان ارشد سپاه به اتهام ارتباط با ایران و نهادهای تحریم شده

از سوی بریتانیا تحت تحقیق قرار گرفتند. این چندمین دیدار نقوی با سران سپاه در تهران بوده است.

این خانم که ظاهراً از پرستوهای وزارت اطلاعات رتبه به مراتب بالاتری دارد به نظر می‌رسد که نماینده تروریسم نرم اطلاعات سپاه در کشور انگلستان باشد. وی در مصاحبه‌ای گفته، به آموزش مسائل جنسی به کودکان در مدارس بریتانیا معترض است و از حجاب کودکان حمایت می‌کند.

در خرداد ۱۴۰۲، پس از افزایش حواشی مرکز اسلامی هامبورگ، مرکز اسلامی انگلیس در لندن،

با انتشار اطلاعاتی از توقف تمام فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود تا اطلاع بعدی خبر داد و دلیل آن را “شرایط خاص” ذکر نمود.

در مهرماه، سایت سمافور در گزارشی تحقیقی که با بررسی هزاران نسخه ایمیل‌های دیپلمات‌های ایرانی تهیه شده بود، شبکه‌ای از دانشگاهیان و تحلیلگران اندیشکده‌ها را افشا کرد که از سوی وزارت خارجه رژیم برای گسترش قدرت نرم تهران ایجاد شده بود. “مؤسسه خیریه التوحید” از نهادهای مرتبط با جمهوری اسلامی نیز مورد تحقیق قرار گرفته است.

در کنار این شبکه‌های پیچیده جاسوسی و تروریستی در دو سال گذشته دو باند گانگستر

معروف با نام‌های فاکستروت و رومبا، نقش نیروهای اطلاعاتی و تروریستی سپاه پاسداران را در اروپای شمالی بر عهده گرفته بودند. هفته گذشته دولت انگلیس دستور مصادره اموال، دستگیری و تحریم سران این دو گروه گانگستری، روا مجید و عبده اسماعیل را صادر کرد. گانگسترهای قتل و مواد مخدر گروه فرشتگان مرگ در هلند نیز از همکاران سپاه معرفی شدند.

رژیم جمهوری اسلامی به همراه تقریباً از دست دادن تمامی نیروی های نیابتی اش در منطقه، نیروهای نیابتی گانگستری خود در اروپا را نیز همزمان با بحران بقا از دست داده است. بالاخره آن روز خواهد رسید و اروپای حامی جانیان اسلامی از خواب سنگین زمستانی بیدار خواهد شد.

عقب‌نشینی رژیم

در مقابل "کوچه"ی مطالبات مردم

عطیه نیک‌نفس

"مجوز برگزاری جشنواره موسیقی "کوچه" در بوشهر، تنها یک روز پس از اعلام لغو آن، صادر شد. به گزارش خبرگزاری ایسنا، سرپرست اداره ارشاد استان بوشهر، روز دوشنبه یکم اردیبهشت، اعلام کرد که "مجوز برگزاری این فستیوال صادر شده است و می‌تواند طبق قانون در تالار لیان برگزار شود."

جشنواره موسیقی "کوچه" که نشان‌دهنده بخشی

از مطالبات مردم است و هر ساله موسیقی، شادی و نشاط را برای مردم به همراه دارد. در حالی که امام جمعه استان خواهان لغو آن شده بود، مجوز گرفت، آن‌هم از رژیم که به واسطه قوانین اسلامی‌اش شادی، موسیقی، همراهی زنان و مردان با هم در یک جشنواره، نوشیدن و رقصیدن، همه ممنوع است.

این هم یک عقب‌نشینی رژیم است؛ زیرا که جمهوری اسلامی به واسطه مبارزات و عزم جزم مردم در رسیدن به مطالباتشان می‌داند که دیگر نمی‌تواند جلوی این سیل آزادی‌خواهی بایستد و می‌داند همانطور که سرپرست گروه “کوچه” گفته است: “مردم کوچه نیاز به مجوز ندارند، چرا که در همه خانه‌ها در بوشهر بروی مردم

مهمان در این جشنواره و گروه کوچه باز است.

جمهوری اسلامی که از بنیاد و اساس به حکم اسلام خلاف خواسته‌های انسانی است، و در تمام این سال‌ها همه توان خود را به کار گرفته که فرهنگ عزا و غم، جدایی زنان و مردان، سنگ‌اندازی بر سر راه نوازندگان و خوانندگان و موسیقی‌دانان را به مردم تحمیل کند، حالا عقب‌نشینی می‌کند و با تأخیر اما اعلام می‌کند که برخلاف نظر امام جمعه بوشهر، کوچه می‌تواند بکارش ادامه دهد.

این هم دست آورد درخشان دیگری است که به واسطه مطالبه‌گری و آزادی‌خواهی مردم مبارزی که برای تمام حقوق انسانی‌شان همواره با رژیم

ضدانسانی اسلامی می‌جنگند، به دست آمده است
و یکی دیگر از خط‌قرمزهای رژیم که شادی زن
و مرد در کنار هم است را فتح کرده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

***سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید**

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۱

۲۳ آوریل ۲۰۲۵ - ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

درگذشت پاپ فرانسیس، اندوه رهبران دولتها

محسن ابراهیمی

سپاه پاسداران نیروی سرکوب و بازیگر اقتصادی و نظامی

نسان نودینیان

ایجاد ترس عامل بقای دیکتاتوری اسلامی

مصاحبه با کیوان جاوید

پیش به سوی مبارزهای متحد و متشکل علیه اعدام

آذر پویا

درگذشت پاپ فرانسیس،

اندوه رهبران دولت‌ها

محسن ابراهیمی

با درگذشت پاپ فرانسیس می‌شد تصور کرد که دستگاه تبلیغاتی عریض و طویل کلیسا همراه با سیاستمداران طبقات حاکم با تمام نیرو برای قدرت‌نمایی مذهبی - سیاسی برنامه خواهند ریخت. ناقوس کلیسای نوتردام به احترام پاپ ۸۸ ساله ۸۸ بار به صدا در آمد و کلیسای کاتولیک با تمام توان برای تشییع جنازه مشعشع کار می‌کند.

سران دولت‌ها چه مذهبی و چه به اصطلاح سکولار و رسانه‌هایشان در مدح و ثنای پاپ فرانسیس پای

همدیگر را لگد می‌کنند: ”او ساده‌زیست بود؛ او به‌جای اقامت در ”کاخ رسولان“ در یک مهمان‌سرای واتیکان سکنی گزید؛ او حامی محرومین، حامی صلح و عدالت بود؛ او اصلاح‌طلب بود؛ او اگرچه پافشاری می‌کرد تنها مردان می‌توانند کشیش شوند اما برخورد سهل‌گیرانه در باره برخی از اصول کاتولیک داشت؛ او در باره آزار جنسی کودکان توسط روحانیون موضع گرفت!“

وقتی امواج افشاگری‌های مربوط به آزار جنسی کودکان توسط روحانیون کلیسا خشم و انزجار عمومی را برانگیخت، پاپ فرانسیس بعد از تردید فراوان بالاخره اعلام کرد ”این رسوایی‌ها مایه شرمساری کلیسا است و این افراد ارتباطی با خدا ندارند.“
بازماندگان آزار جنسی کودکان توسط روحانیان

کلیسا اما پاپ فرانسیس را متهم می‌کنند که از اجرای اقدامات قاطع باز ماند. سازمان "پایان‌دادن به آزار روحانیان" خواستار پاسخگو بودن کلیسا در باره آزار جنسی کودکان و پایان‌دادن به پنهان‌کاری و تبانی کلیسا شده است. رئیس شبکه بازماندگان آزار روحانیان (SNAP) می‌گوید نباید هیچ پایی را تحمل کرد که نتواند از کودکان محافظت کند.

همچنان که انتظار می‌رفت رهبران دولت‌ها، نمایندگان سیاسی طبقات حاکم در غرب و شرق، صف کشیده‌اند که در مراسم تشییع‌جنازه او شرکت کنند. دست‌راستی‌ترین و فاشیست‌ترین سیاست‌مداران، از جورجیو میلونی تا خاویر میلی رئیس‌جمهور فاشیست و هار آرژانتین، به احترام او عزای عمومی اعلام کردند و دونالد ترامپ هم

دستور داد پرچم‌ها نیمه‌افراشته شوند!

تصور نکنید که فاشیست‌هایی مثل خاویر میلی از تاریخ انگیزاسیون کلیسا خبر ندارند؛ از همکاری کلیسای کاتولیک با نازی‌ها و فاشیست‌ها و فراری دادن آن جنایت‌کاران، از تاریخ نفرت‌انگیز کلیسا در آزار و تجاوز جنسی به کودکان خبر ندارند. رمز احترام نمایندگان سیاسی طبقات حاکم به پاپ‌ها، از جمله پاپ فرانسیس در این است که آنها از مذهبی‌اش گرفته تا سکولار نیم‌بند، در تداوم حضور مذهب در صحنه سیاسی ذی‌نفع هستند.

سپاه پاسداران نیروی سرکوب و

بازیگر اقتصادی و نظامی

نسان نودینیان

دوم اردیبهشت سالروز تأسیس سپاه پاسداران در سال ۱۳۵۸ است. بقایای سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ”در سالروز سپاه پاسداران، قدردان رشادت و ایثارگری‌های مدافعان میهن هستیم.“

در اولین اطلاعیه سپاه پاسداران که به فرمان خمینی تشکیل شد چنین آمده است: کمک به اجرای امور انتظامی و امنیتی، مبارزه مسلحانه علیه جریان‌های ضدانقلاب، و... تربیت و آموزش اخلاقی و ایدئولوژیک - سیاسی و نظامی.

بیش از ۴ دهه از تشکیل سپاه پاسداران می‌گذرد. این ارگان که برای سرکوب انقلاب تشکیل شد به آنچه در اولین اطلاعیه‌شان آمده وفادار مانده و نقش‌های چندگانه نظامی، امنیتی، اطلاعاتی را دنبال کرده است.

سپاه پاسداران در سرکوب اعتراضات مردمی از جمله اعتراضات دانشجویان در سال ۱۳۷۸، اعتراضات ۸۸، ۹۶، ۹۸ و خیزش ۱۴۰۱ نقش تعیین‌کننده داشته و بدین جهت مورد نفرت و انزجار مردم می‌باشد.

سپاه پاسداران فقط یک نیروی نظامی سرکوبگر نیست، بلکه در رسانه‌ها، سینما، فرهنگ، فضای

مجازی نیز نقش کنترل‌کننده دارد. دخالت در همه این امور، بر میزان تنفر و نارضایتی مردم علیه این ارگان سرکوبگر افزوده است.

بعد از جنگ ایران و عراق، سپاه به یک قدرت بزرگ اقتصادی با شرکت‌های قرارگاه خاتم‌الانبیا و ده‌ها زیرمجموعه دیگر تبدیل شد. این قدرت اقتصادی بدون شفافیت مالی و بدون نظارت بیرونی، آن را به یک الیگارشی دولتی و بزرگ‌ترین نهاد فساد مالی، با معافیت‌های مالیاتی تبدیل کرده است.

سپاه پاسداران بازوی خامنه‌ای برای سازماندهی نیروهای تروریست اسلامی، نیروهای نیابتی و مقاومتی حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها، حشدالشعبی

و حمایت از بشار اسد برای سرکوب مردم
ناراضی در سوریه، است.

با سرنگونی جمهوری اسلامی بلافاصله این
نیروی سرکوب و جنایت منحل شده و
فرماندهان جنایت‌کارش به محاکمه سپرده
خواهند شد.

ایجاد ترس عامل بقای دیکتاتوری اسلامی

مصاحبه با کیوان جاوید

آذر پویا: به تازگی روند اعدام‌ها در ایران شدت بیشتری پیدا کرده است. این روند رو به رشد چه رتبه‌ای را در جهان به خود اختصاص داده است؟

کیوان جاوید: به گزارش سازمان‌های حقوق بشری، جمهوری اسلامی مدت‌ها است یکی از بالاترین نرخ‌های اعدام در جهان را حفظ کرده و استفاده از مجازات اعدام به‌ویژه در سال‌های اخیر شدت یافته است. ۷۵ درصد از کل اعدام‌های ثبت‌شده جهانی در سال ۲۰۲۳ مربوط به ایران است. طبعاً جمهوری اسلامی

مثل همیشه خطر سرنگونی را می‌خواهد با تعداد بیشتری از اعدام‌ها عقب بیندازد.

آذر پویا: روند رو به گسترش اعدام‌ها چه تأثیری منفی می‌تواند در مبارزه رو به گسترش جامعه علیه رژیم داشته باشد؟

کیوان جاوید: هم اکنون که این مصاحبه صورت می‌گیرد لیست جدیدتری از اسامی زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در مدیای اجتماعی منتشر شده است. آخرین نمونه از این سبعبیت حکومت اسلامی، اعدام حمید حسین‌نژاد حیدرانلو بود که در زندان ارومیه به دست جلادان اسلامی اعدام شد. اما اعدام تنها اهرمی نیست که به بقای حکومت منحوس اسلامی یاری می‌رساند.

وجود انواع ترس‌های واقعی و تبلیغات هراس‌آور نیز به شکل مؤثری در دوام دیکتاتوری اسلامی و همه حکومت‌های استبدادی نقش برجسته‌ای بازی می‌کند.

آذر پویا: می‌توانید چند نمونه بیاورید که دلایل دیگری هم هست که حکومت با اتکا به آنها جلوی مبارزه متشکل را می‌گیرد؟

کیوان جاوید: می‌شود لیستی از دلایل آورد. ترس از دست‌دادن شغل و از دست‌دادن ممر درآمد خانواده یکی از اهرم‌هایی است که حکومت برای بقای خود از آن استفاده می‌کند. همان افرادی هم که از ترس در اعتراضات و اعتصابات شرکت نمی‌کنند، انتظار دارند کسان

دیگری دست به اعتراض و مقاومت بزنند و جلوی حکومت ایستادگی کنند، اما اینکه خودشان در حرکتهای جمعی و متشکل شرکت نکنند، دلایل فراوانی دارند.

آذر پویا: آیا این ترس که شما می‌گویید یک حقیقت موجود نیست، دستگیری‌ها و شکنجه و اعدام را نمی‌توان یکی از عوامل مهم بازدارنده دانست؟

کیوان جاوید: بله ترس از دستگیری شخص یا اعضای خانواده، کسی که قصد اعتراض دارد یک اهرم مؤثر بازدارنده است. اعتراضات علیه قوانین عقب‌مانده تبعیض‌آمیز در صورتی که تک‌تک معترضین به هم اعتماد و اتکا نداشته

باشند به ثمر نمی‌رسد، حتی اگر همه مردم در کنج خانه خود با یک حکومت عناد داشته باشند این مخالفت به‌تنهایی منجر به تغییر نمی‌شود. اما برای مقابله با دستگیری‌ها باید ترس را کنار گذاشت و دست در دست هم‌سرنوشتی‌های خود داد که از دامنه دستگیری‌ها هم کم شود. قدرت جمع حکومت را می‌ترساند و به مردم نیروی مبارزه می‌دهد. تفرقه و چنددستگی مردم را از هم دور می‌کند و به رژیم فرصت بیشتری می‌دهد تا هم اعدام‌ها را افزایش بدهد، هم دستگیری را زیادتر کند و هم با سرسختی بیشتر در برابر خواسته‌های رفاهی و معیشتی جامعه مقاومت کند.

آذر پویا: راه‌حل شما چیست؟

کیوان جاوید: اگر هر فرد برای اینکه خود رها و آزاد شود، دست در دست یکی دیگر و به همین ترتیب یک گروه کوچک دست در دست گروه بزرگ‌تر بگذارد و اگر هر خواسته کوچک یا بزرگ یک گروه اجتماعی به خواست و منافع گروه بزرگ‌تری گره بخورد، اتحاد و همدلی و هم‌سرنوشتی شکل می‌گیرد و اگر منافع یک گروه یا جان و زندگی یک بخش از جامعه، مورد تعرض قرار بگیرد و بخش‌های دیگر جامعه ساکت نباشند و نظاره‌گری نکنند، آنگاه یک قدرت اجتماعی متشکل در برابر ارتجاع شکل می‌گیرد. تجربه این اتحاد و این قدرت را در زمانی که مردم جمعاً به خیابان می‌ریزند بارها دیده و مشاهده کرده‌ایم. شعار نترسید - نترسید ما همه با هم هستیم یک

نمونه حی و حاضر در مقابل ما است. در عین حال جامعه متشکل هم هست. علیه حجاب مقاومت جانانه‌ای هست، علیه اعدام‌ها اعتراضات مهمی در ایران شکل می‌گیرد. کارگران و معلمان و بازنشستگان اعتراض متشکل می‌کنند. حتی زندانیان سیاسی در تقابل با حکومت سنگ تمام گذاشته‌اند. اینها الگوهای بسیار خوبی از گسترش اتحاد و همدلی و همبستگی است.

منافع عمومی و حق برخوردار بودن از معیشت و منزلت عمومی می‌تواند و باید قدرت اعتراضی فرد را به قدرت زیر و رو کننده عمومی علیه ارتجاع اسلامی تبدیل کند. در این صورت پراکنده کردن معترضین علیه اعدام و دستگیریها برای حکومت بسیار دشوار می‌شود.

. این آن وضعیتی است که حتی می‌تواند یک
شورش، یک خیزش و اعتراضات خیابانی را به
پیروزی مردم و سرنگونی حکومت تبدیل کند.

پیش به سوی مبارزهای متحد و متشکل علیه اعدام

طبق خبری از زندان مرکزی ارومیه حمید حسین نژاد
حیدرانلو روز یکشنبه مخفیانه و بدون اطلاع
خانواده‌اش اعدام شده است.

باز هم خبر اعدامی دیگر نفس‌هایمان را در سینه
حبس کرد و قلب‌هایمان را به درد آورد. باز هم
کودکانی بی‌پدر شدند و خانواده‌هایی در سوگ
عزیزشان نشستند. باز هم شاهد شنیدن فریادها و
ضجه‌های پدران و مادرانی شدیم که خبر اعدام
مخفیانه این عزیز یادآور طناب‌های داری شد که
بر گردن فرزندان‌شان انداخته شده بود و بالاخره

این خبر برای همه فعالین علیه اعدام و تمام کسانی که برای نجات جان او تلاش کرده بودند خبری دردناک و تکان‌دهنده بود.

جمهوری اسلامی بعد از نوشیدن جام زهر و تن دادن به شرایط "شیطان بزرگ" و بعد از اینکه خیالش از بابت دشمن خارجی کاملاً راحت شد تمام اسلحه‌هایش را به طرف مردمی نشانه گرفته است که به جز مشتهای گره کرده و فریادهایی برآمده از خشم سلاح دیگری ندارند و انتقام تمام خفت‌ها و سرخوردگی‌هایش را از مردمی می‌گیرد که در بندش اسیر هستند.

اگر اعتراضات خیابانی و رساندن صدایمان به گوش جهانیان توانست چوبه‌های دار را از خیابان‌ها جمع کند و نقطه پایانی به اعدام‌هایی در ملأعام بگذارد،

با ادامه اعتراضات علیه این قتل عمد دولتی و گره خوردن جنبش‌های مختلف اجتماعی-اعتراضی به یکدیگر می‌شود و باید از اعدام‌های مخفیانه در داخل زندان‌ها هم جلوگیری کرد.

خانواده‌هایی را که عزیزانشان در معرض اعدام هستند تنها نگذاریم. تجمعات و تحصن‌های بزرگ جلوی در زندان‌ها سازمان دهیم تا رژیم جرئت نکند احکام اعدام را اجرائی کند. همانطور که برای حفظ نظامشان از خیر اجرائی شدن لایحه عفاف و حجاب گذشتند با اعتراضات گسترده علیه اعدام نیز برای حفظ بقایشان از اجرای این مجازات سخیف و وحشیانه مجبورشان می‌کنیم کوتاه بیایند.

هر روز تردید و تأخیر در همدلی و همراهی به معنای

از دست رفتن جان‌های عزیز دیگری است. یادمان
هست که مردم در اعتراضاتشان فریاد زدند: اگر
با هم یکی نشیم، یکی یکی کشته میشیم. جلوی این
واقعیت تلخ را می‌توان و باید گرفت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۲

۲۴ آوریل ۲۰۲۵ - ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

تجاوز به کودکان در رژیم اسلامی نهادینه است!

سینا پدرام

دست پلیس از مدارس کوتاه

رضا درویش

راحله ایستاده بر قله استقامت و انسانیت

کیوان جاوید

مذاکره هسته‌ای، تاکتیک چماق و هویج

محسن ابراهیمی

تجاوز به کودکان

در رژیم اسلامی نهادینه است!

سینا پدرام

پلیس تهران مردی متهم به آدم‌ربایی و تجاوز به پسران خردسال و نوجوان را برای نخستین بار مقابل دوربین رسانه‌ها آورده است. این مرد ۲۷ ساله متهم است که در لباس قلابی مأمور شهرداری، پسر بچه‌ها را در کوچه و خیابان‌های جنوب شرقی تهران با تهدید و ارباب سوار موتورسیکلت خود می‌کرد و از آزار و تجاوز به آنها فیلم می‌گرفت و بعضی را منتشر می‌کرد. در گزارش رسانه‌ها آمده است که این متهم پیش‌تر هم به جرم مشابه به پنج سال حبس محکوم شده و در سال ۱۴۰۰ آزاد شده بود.

تجاوز به کودکان و نوجوانان، یکی از شدیدترین اشکال خشونت جنسی است که ریشه در عوامل پیچیده فردی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی دارد. در ایران دلایل اصلی این پدیده به عواملی مانند فقدان آموزش جنسی، تابوهای فرهنگی، نبود قوانین حمایتی و از همه مهم‌تر وجود یک رژیم اسلامی که کودک‌آزاری وجه عمده کارکرد اجتماعی، سیاسی و قضایی آن را تشکیل می‌دهد مربوط است.

فقدان آموزش جنسی و آگاهی اجتماعی: نبود آموزش مناسب در مدارس و خانواده‌ها درباره حریم شخصی، تفاوت‌های جنسی و راه‌های مقابله با سوءاستفاده، کودکان را در برابر خشونت‌های جنسی آسیب‌پذیر می‌کند.

از سوی دیگر در ایران به واسطه وجود یک رژیم

سلطه‌گر و دیکتاتوری مذهبی صحبت درباره مسائل جنسی به‌ویژه در رابطه با کودکان، تابو محسوب می‌شود. این مسئله باعث می‌شود که قربانیان یا خانواده‌های آن‌ها از ترس “بی‌آبرویی” یا سرزنش، سکوت کرده و شکایتی مطرح نکنند.

علاوه بر تمامی این معضلات، و مهم‌تر از همه اینها، قوانین قضایی و جزایی رژیم اسلامی نه تنها هیچ سیستم حمایتی از کودکان ندارد؛ بلکه با وضع قوانینی مانند کودک‌همسری عملاً زمینه را به اشاعه تجاوز و دست‌اندازی سیستماتیک به زندگی و رفاه کودکان فراهم کرده است.

از رژیم‌هایی که رهبرش، پدوفیل قرآن‌خوان بیت‌رهبری سعید طوسی را آزاد می‌کند و در مقابل رکورد اعدام

کودکان را به اسم خود ثبت کرده است چه انتظاری می‌توان داشت؟ واقعیت این است که رژیم اسلامی محل رشد و نمو روان پریشان سنگدل متجاوز به کودکان است. نظام اسلامی عامل اصلی رشد و نمو انسان‌های مسخ شده‌ای است که این گونه به جسم و جان کودکان تجاوز می‌کنند و روشن است که در ایران، پایان دادن به نظام اسلامی، مهم‌ترین شرط نجات کودکان از آزار و تجاوز جنسی سیستماتیک است.

دست پلیس از مدارس کوتاه

رضا درویش

سه روز پس از امضای "تفاهم‌نامه" میان پلیس و وزارت آموزش و پرورش جزئیات این طرح به‌خوبی نشان می‌دهد رژیم در ترویج فرهنگ جهل و خرافه و ارتجاع اسلامی درمانده و مستأصل است. به دلیل همین ناتوانی، رژیم بار دیگر از پلیس این نماد توسل به زور مددخواهی می‌کند.

در ژورنال شماره ۱۰۱۹ نوشتیم که طرح کشاندن پلیس به مدارس به منظور ارباب و توسل به شیوه‌های امنیتی برای تهدید دانش‌آموزان، خانواده‌هایشان و معلمان است. بنا به اهمیت موضوع به جزئیات بیشتری در این باره می‌پردازیم:

تسnim به نقل از رادان، رئیس پلیس که قرار است مجری این "فرهنگ‌سازی" باشد، درباره اهمیت طرح نوشته است: "ماfiای ربودن اندیشه‌های دانش‌آموزان موضوعی است که نباید ساده از آن عبور کنیم". در واقع این به اصطلاح "تفاهم‌نامه" از ابتدای امر طرح یک مقابله است.

در اولین بند از اهداف طرح چنین عنوان شده: "ترویج، توسعه نظم و انضباط اجتماعی". پلیس کارش برقراری نظم مطلوب حاکمان است. وقتی یک رژیم عقب‌مانده از تداوم بخشیدن به نظم دلخواهش عاجز است پلیس باید همه‌جا حضور داشته باشد، حتی مدارس. در ادامه "پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای مخاطره‌آمیز" مطرح شده. رژیم خیلی باید خود را در مقابل

نسل جوان، دانش‌آموزان و معلمان در "مخاطره" ببینند که از پلیس بخواهد در مدارس حضور داشته باشند. جالب‌تر، موضوع "همکاری در تهیه و تولید بسته‌های فرهنگی" است. بهتر بود نوشته می‌شد "فرهنگ بسته" چون با افکار عقب‌مانده سران و مبلغان رژیم همخوانی دارد.

تدوین‌کنندگان این طرح انواع نقشه‌های مقابله را طراحی کرده‌اند. مضحک‌تر، دوره‌های آموزش کارکنان در حوزه جرایم است. انگار قرار است کارکنان آموزش و پرورش پلیس بشوند، در عوض پلیس با توسل به زور تعلیم دهد. ادعای برقراری امنیت یک دروغ بی‌شرمانه است. زمانی که دستکم پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان توسط عوامل خود رژیم دچار مسمومیت شیمیایی شدند

نیروی انتظامی علیه هیچ یک از آمران و عاملان
این مصادیق مجرمانه تشکیل پرونده نداد!

این وظیفه خانواده‌ها، فعالین سیاسی، فعالین
جنبش‌های عدالت‌طلب، و اکثریت معترض جامعه
است که در دفاع از دانش‌آموزان، طرح کشاندن
پلیس به مدارس را قویاً محکوم کرده، نزد مجامع
بین‌المللی مدافع حقوق شهروندان علیه این طرح
ضد انسانی رسماً شکایت کنند.

راحله ایستاده بر قله استقامت و انسانیت

کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت ماه، راحله راحمی پور با تودیع وثیقه دو میلیارد تومانی به مدت پنج روز از زندان اوین به مرخصی رفت. راحله در تاریخ ۲۷ خردادماه سال ۱۳۹۹ به اتهام "اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام" محاکمه و به شش سال حبس محکوم شد. راحله علی رغم کم شدن مدت محکومیتش به ۴ سال و دو ماه همچنان در زندان حکومت اسلامی است.

بگذارید با یک انسان شجاع که زندگی اش را کف دستش گرفته است و باوجود ابتلا به تومور مغزی، شرایط بسیار سخت و طاقت فرسای زندان نتوانسته

است ذره‌ای در اراده آهنینش خلل ایجاد کند و همچون کوه در برابر دژخیمان سینه سپر کرده است، تا حدودی آشنا شویم. راحله راحمی‌پور عزیز از اعضای خانواده‌های دادخواه و مفقودشدگان در زندان‌های جمهوری اسلامی است. درحالی‌که برادرش حسین و همسر برادرش در دهه شصت بازداشت و اعدام شدند، مقام‌های جمهوری اسلامی نوزاد آنها به نام گلرو را هرگز به خانواده‌اش تحویل نداده و بدون ارائه گواهی فوت یا محل دفن مدعی شده‌اند که این کودک جان‌باخته است.

راحله سال‌های طولانی یک‌تنه اعتراض کرده است و صدایش را به گوش مقامات بین‌المللی رسانده تا بلکه بتواند نشانی از برادرزاده مفقودشده‌اش پیدا کند. جانیان اسلامی نه تنها در این مسیر دادخواهی

سنگ اندازی کردند، همچنین این زن قهرمان و خستگی ناپذیر را به جرم "اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام" به شش سال زندان محکوم کردند. زمانی که راحله نیاز شدیدی به درمان در خارج از زندان داشت نیز به دلیل امتناع او از پوشیدن حجاب اسلامی، با گروگان گرفتن درمان و داروی مورد نیاز او باعث شکنجه مضاعف این زن قهرمان شدند تا بلکه راحله به خاطر حفظ جان خود هم که شده تن به پوشش اسلامی بدهد. حاشا از یک ذره عقب نشینی. راحله دشمن را به هیچ گرفت و زبونی این جانیان را به مردم نشان داد.

راحله نشان داد پیروز آن کسی نیست که قفل زندان در دست اوست. این قهرمان محبوب مردم ایران؛ یکی دیگر از ستاره های تابناک آسمان مبارزه با

حکومت اسلامی، نشان داده است از پشت میله‌های زندان، حتی با جسمی نیازمند درمان و بادل‌ی سرشار از اندوه برای ازدست‌دادن برادر و همسر برادر و برادرزاده نونهال مفقودشده‌اش می‌توان پیروز میدان نبرد بود. از راحله عزیز رسم‌ایستادگی را یاد بگیریم و در مبارزه با حکومت اسلامی ثابت‌قدم‌تر و استوارتر از همیشه در میدان باشیم.

مذاکره هسته‌ای، تاکتیک چماق و هویج

محسن ابراهیمی

در آستانه دور سوم مذاکره هسته‌ای، هنوز نمایندگان و سخنگویان و رسانه‌های دو طرف مشتی سخن کلی و توخالی تحویل رسانه‌ها می‌دهند: مذاکره خوب پیش می‌رود. روند مذاکره مثبت است. هر دو طرف خوش بین هستند. عباراتی توخالی که تنها خاصیتشان این است که چیزی در باره محتوای واقعی مذاکره نگویند. البته هنوز در باره مکان مذاکره، مسقط یا رم، سفارت عمان در ایتالیا یا محل وزارت خارجه ایتالیا، مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم یا شبه مستقیم مردم را سرکار گذاشته‌اند.

برای رسیدن به هر سطحی از توافق میان جمهوری

اسلامی و آمریکا راه دراز و پردست‌اندازی در پیش است که هر لحظه ممکن در یکی از دست‌اندازها ماشین مذاکره پنچر شود. اما در هر صورت همه شواهد حاکی است که خامنه‌ای به این تصور رسیده است که شانس بقای سیاسی در مذاکره و توافق با آمریکا بیشتر از مواجهه‌شدن با حمله نظامی توسط اسرائیل - آمریکا است. او تلاش می‌کند که در این مذاکره و معامله احتمالی، امکانی برای سرخ نگه‌داشتن صورتش فراهم شود.

از همان اول، هر دو طرف تاکتیک چماق و هویج را در پیش گرفته‌اند. با این تفاوت که نه چماق و نه هویج جمهوری اسلامی نمی‌تواند با چماق و هویج دولت ترامپ مقابله کند. چماق حکومت اسلامی موشک‌ها و پهپادها و نیروهای نیابتی بوده‌اند. کارایی

موشک‌ها و پهپادها در وعده‌های صادق معلوم شده است. نیروهای نیابتی هم که قبلاً درهم شکسته شده‌اند. حتماً چهار تا سردار عقل نباخته خامنه‌ای را حالی کرده‌اند که این چماق‌ها توان مقابله با چماق ارتش آمریکا، بمب‌های سنگر شکن و بمب افکن‌های ب - ۲ آماده پرواز را ندارند.

اخيراً حکام اسلامی بازار ده‌ها میلیارد دلاری ایران برای سرمایه‌گذاری آمریکارا نشان ترامپ می‌دهند که شاید او تاجر است و با چنین تاکتیکی قند در دلش آب شود. سرمایه‌گذاران آمریکایی با دیدن چنین هویجی برای سرمایه‌گذاری در ایران صف نخواهند کشید مخصوصاً به این دلیل که می‌دانند ایران در آستانه تکان‌های شدید سیاسی است.

سرنوشت مذاکره خامنه‌ای و ترامپ هر چه باشد،
یک هدف دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی این
است که با داستان مذاکره و معامله فضای انتظار
در جامعه شکل دهد. نباید اجازه دهیم چنین فضایی
کوچک‌ترین خللی در عزم سرنگونی حکومت
اسلامی توسط مردم وارد کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام: ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۳

۲۶ آوریل ۲۰۲۵ - ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

فستیوال کوچه اینبار در ۱۱ اردیبهشت

اصغر کریمی

مذاکره با انفجار آغاز شد

کیوان جاوید

گلزار خاوران با درهای بسته

پریسا پوینده

وزیر امور خارجه سوئد: احمد رضا جلالی را آزاد کنید!

حسن صالحی

فستیوال کوچه اینبار در ۱۱ اردیبهشت

اصغر کریمی

اگر جوانان و مردم بوشهر فستیوال کوچه را با جمعیتی هزاران نفره برگزار می‌کنند، اگر مردم در سراسر کشور دلشان برای جمع شدن و مراسم و فستیوال و جشن و شادی لک می‌زنند، چه فرصتی مناسب‌تر از ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر.

روز جهانی کارگر، ۱ مه، مصادف با ۱۱ اردیبهشت روز امامان و آیت‌الله‌ها نیست، روز حکومتی و روز عزا و ماتم نیست، روز آزادیخواهی و یک دنیای شاد و رنگی و انسانی است. جامعه ما به شدت به این نوع گردهمایی‌ها، اتحادها و فستیوال‌ها

نیاز دارد. نیازمند هر فرصتی برای جمع شدن است. اگر بالایی‌ها می‌خواهند ما متفرق باشیم تا دچار سرخوردگی و افسردگی شویم، ما هم مانند بوشهری‌ها از هر فرصتی استفاده کنیم تا جمع شویم و رقص و شادی کنیم.

روز جهانی کارگر روزی علیه ستم بالایی‌ها، علیه فقر و تبعیض و نابرابری و استثمار است. ۱۱ اردیبهشت روز کارگر علیه همه مصائب است. مصائبی مانند فقر و نابرابری، سرکوب و بی‌عدالتی و همه ظلم‌ها و محرومیت‌هایی که زاییده این نظام است. پس همراه شویم با کارگران. همه ما، ما معلمان و دانشجویان، ما زنان و دانش‌آموزان، ما هنرمندان و نویسندگان،

ما بازنشستگان، ما پرستاران و کارکنان ادارات،
ما بلوچستانی‌ها و کردستانی‌ها، ما دادخواهان
و رنگین‌کمانی‌ها، ما فعالین انقلاب زن زندگی
آزادی، ما حاشیه‌نشین‌ها، ما تهرانی‌ها و اصفهانی‌ها
و کرمانی‌ها. شمالی‌ها و جنوبی‌ها. روز همه ما که
این وضع را نمی‌خواهیم که مشتاق یک زندگی
خوب و آزاد هستیم. که فقر نمی‌خواهیم، انزوا
نمی‌خواهیم، تبعیض نمی‌خواهیم، اسلام و حکومت
خرافه و فاسد نمی‌خواهیم، شادی و حرمت و رفاه
می‌خواهیم.

حکومت روزهای زیادی برای خود درست
کرده است روز قدس و عاشورا و فطر و تولد و
مرگ فلان امام. ما هم روزهای زیادی داریم و

روزهای بیشتری باید خلق کنیم و آنها را بزرگ
و بزرگ‌تر کنیم. روز ۱۱ اردیبهشت هم دست
به کار شویم و هر کوچه و خیابانی را به یک
فستیوال خانوادگی تبدیل کنیم. از خانه‌ها بیرون
بیائیم، زن و مرد، کوچک و بزرگ، همه خانواده و
کوچه‌ها و میدان‌ها را از آن خود کنیم. بیرون بیاییم
و بگوییم فرزند کارگرانیم کنارشان می‌مانیم.
بگوییم دنیای دیگری می‌خواهیم و آنرا با هم
می‌سازیم. این فرصت را از دست ندهیم. این
روز با صدها فستیوال در سراسر کشور می‌تواند
روز اتحاد و قدرت‌نمایی ما باشد.

مذاکره با انفجار آغاز شد

کیوان جاوید

ظهر روز شنبه، ششم اردیبهشت، هم‌زمان با برگزاری دور سوم مذاکرات در مسقط، انفجار شدیدی در بندر رجایی بندرعباس رخ داد. شدت این انفجار تا حدی بود که شیشه‌های ساختمان‌ها در شعاع چند کیلومتری شکسته شد. گفته می‌شود تا این لحظه بیش از ۴۰۰ مجروح و تعداد نامشخصی هم کشته شدند.

معاون اداره کل بنادر هرمزگان خبر داده که انفجار در بخشی از اسکله بندر رجایی رخ داده است. خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران

گزارش داد یک مخزن سوخت در بندر رجایی به علت نامعلومی دچار انفجار شده است. شاهدانی نیز می‌گویند انفجار بر اثر اصابت موشک بوده است. تا اینجا دلیل این انفجار مهیب مشخص نشده است.

هر چه هست و هر دلیلی داشته باشد همه نگاه‌ها را به‌سوی مذاکره در حال جریان بین تیم جمهوری اسلامی و دولت ترامپ در مسقط به خود جلب کرده است. آیا این انفجار اهرم فشاری است از سوی اسرائیل برای تأثیرگذاری بر روند مذاکره، آیا هشدار است به تیم دولت ترامپ که در برابر جمهوری اسلامی نرمش جایز نیست، آیا اهرم فشاری است به جمهوری اسلامی که طی مذاکره

بندهای بیشتری را باز کند و امتیازات بیشتری به دولت ترامپ بدهد؟ هر چه هست نگاه‌ها در این روز و این ساعت به بندر رجایی شهر و از آنجا به مذاکره در جریان گره‌خورده است.

طبعاً مردم دوست دارند در دل این مذاکرات هم جمهوری اسلامی ضعیف‌تر بیرون بیاید. مردم از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا دندان زهرآلود جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های داخلی و بین‌المللی کشیده شود. اما روند سرنگونی جمهوری اسلامی در جاهای دیگری در جریان است. راه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نه انفجار است نه مذاکره. ما این مذاکره را به خودشان واگذار می‌کنیم و تمام تلاشمان را بکار می‌گیریم که

جمهوری اسلامی در سطح جهان بیش از همیشه منزوی و بایکوت شود. تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی علیه جنایتکاران رژیم را می‌تواند و باید با جدیت دنبال کرد. وقتی این اتفاق‌ها بیفتد قدرت ما مردم در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی دوچندان می‌شود.

در ایران جنبش سرنگونی بی‌وقفه در حال نبرد با جمهوری اسلامی است. هر لحظه زندگی مردم در ایران درخشش و جلوه‌ای از مبارزه است. این مبارزه برای زندگی است، برای کرامت و هویت انسانی و علیه فقر و مذهب پوسیده است. نبرد ما در کارخانه و خیابان و مدرسه و دانشگاه تعیین می‌کند فردا چه روزی خواهد بود.

گلزار خاوران با درهای بسته

پریسا پوینده

روز جمعه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه ۶۰ برای بزرگداشت یاد عزیزان خود به گلزار خاوران رفتند، اما مأموران امنیتی همچون یک سال قبل با بستن درهای خاوران مانع ورود خانواده‌ها و حضور آنان بر مزار عزیزان خود شدند.

این اولین بار نیست که رژیم آدم‌کش و قاتلِ مردم، از سر استیصال و وحشت مانع ورود خانواده‌های دادخواه به خاوران می‌شود. عزیزان ما را به خاک کشیدند و امروز حتی پس از چهار دهه به ما

اجازه سوگواری نمی‌دهند. به‌راستی چرا؟ کجای دنیا شاهد چنین قساوت و جنایتی می‌توان بود؟ به یاد دارم سوگواری عزیزانمان را در دهه شصت با سکوت زیر فشارهای امنیتی در خانه‌های سردمان اما با سری برافراشته برگزار کردیم. از همان ایام می‌دانستیم که ما فقط عزادار عزیزان جان‌باخته خود نیستیم. ما به یاد آنها پرچم نبرد با جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم را از گذشته تا به امروز برافراشته نگهداشتیم. وحشت حکومت از اینجا است.

جمهوری اسلامی چهل و شش سال سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام می‌کند. خانواده‌ها را تهدید به بازداشت و زندان می‌کند. اما سیاست

تهدید یا بازداشت دیگر بی‌اثر شده است. امروز خانواده‌ها بر سر مزار عزیزانشان به مناسبت‌های مختلف مراسم می‌گیرند و سرود می‌خوانند و با هم در یک همبستگی قدرتمند برای عزیزانشان سوگواری می‌کنند. رژیم خوب می‌داند در پی این همه سرکوب و جنایت طوفان درو کرده است.

جنبش دادخواهی با شمع وجود جان‌باختگانمان و به یمن جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی، امروز به ستاره‌ای درخشان تبدیل شده است. جنبش دادخواهی امروز با چهره‌های درخشان خود از دهه شصت چون راحله راحمی‌پور، لیلا مهدوی، مادر سیاوش محمودی و ماشالا کرمی پدر محمد مهدی کرمی و ده‌ها چهره سرشناس دیگر از انقلاب "زن،

زندگی، آزادی“ با دادخواهی خانواده‌های زندانیان
سیاسی درهم‌تنیده و به موج خروشانی تبدیل
شده است که نه تنها سر ایستادن ندارد، بلکه از
مطالبه سرنگونی طلبی کوتاه نمی‌آید.

جمهوری اسلامی می‌بیند که خانواده‌های دادخواه
با عهدی گسست‌ناپذیر فریاد بر می‌آورند: ”قسم
به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان“ و اعلام کرده‌اند:
”نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم“. هر انسان
شریف و سرنگونی طلب در ایران می‌تواند و باید
در کنار خانواده‌های جان‌باخته باشد. خانواده‌های
جان‌باختگان خاوران چشم و چراغ انقلاب زن زندگی
آزادی هستند. صدای قدرتمندتر آنها باشیم.

وزیر امور خارجه سوئد: احمد رضا جلالی را آزاد کنید!

حسن صالحی

در نهمین سال زندانی بودن احمد رضا جلالی، پژوهشگر دوتابعیتی، توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، وزیر امور خارجه سوئد با صدور بیانیه‌ای رسمی از حکومت اسلامی خواستار آزادی این زندانی محکوم به اعدام به دلایل بشردوستانه شد.

ماریا مالمر استنرگارد، وزیر امور خارجه سوئد، در این بیانیه تأکید کرده است که احمد رضا جلالی باید فوراً به خانواده‌اش بپیوندد. او گفته است:

”احمد رضا جلالی و عزیزانش باید بدانند که تلاش‌های من و دولت سوئد برای آزادی او با تمام توان ادامه دارد.“

احمد رضا جلالی که اکنون ۵۳ ساله است، در سال ۱۳۹۵ به دعوت دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز به ایران سفر کرد. او پس از شرکت در یک همایش علمی در تهران بازداشت شد و سپس به اتهام ساختگی جاسوسی به اعدام محکوم گشت. جلالی اکنون نه سال است که در زندان به سر می‌برد. در این مدت تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفته و وادار به اعترافات اجباری علیه خود شده است. وی اخیراً با ارسال یک فایل صوتی به زبان انگلیسی از زندان اعلام کرده: ”در آستانه فروپاشی

هستم؛ ۳۲۸۸ روز رنج و تهدید به مرگ.

در همین حال، گروهی از نمایندگان پارلمان اروپا با ارسال نامه‌ای به کایا کالاس، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی، خواستار دیدار رسمی او با خانواده جلالی و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های دیپلماتیک اتحادیه اروپا برای آزادی این زندانی شدند.

در شرایطی که مذاکرات جمهوری اسلامی با دولت ترامپ همه مسائل مربوط به ایران را تحت تأثیر قرار داده است، ما باید قوی‌تر از گذشته صدای اعتراض خود علیه جمهوری اسلامی را بلند کنیم و اجازه ندهیم که زندانیان سیاسی، زندانیان

دوتابعیتی که به گروگان گرفته شده‌اند، اعدام‌های
گسترده و جنایات بی‌شمار این رژیم به فراموشی
سپرده شود.

احمد رضا جلالی باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی
آزاد شده و به آغوش گرم خانواده‌اش بازگردد.
همچنین باید قوی‌تر از گذشته صدای مردم ایران
در خارج از کشور باشیم و سیاست سازش و
مماشات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی را
افشا و محکوم کنیم.

پیام ما روشن است: جمهوری اسلامی نماینده مردم
ایران نیست و باید از سوی جامعه جهانی طرد و
منزوی شود. این رژیم باید سرنگون شود و مردم
ایران با انقلاب خود این کار را انجام خواهند داد!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۴

۲۷ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

زندان زنان قرچک و رامین چگونه جایی است؟
یادداشتهای یک شاهد (زندانی سیاسی سابق)

اول ماه مه، روز جهانی کارگر مبارک
جمع زن زندگی آزادی-مازندران
کلید انفجار اسکله رجایی در دست کیست؟

کیوان جاوید

ویرجینیا جوفری و "سلطنت بی آزار"

پتی دبونیتاس

زندان زنان قرچک ورامین چگونه جایی است؟

یادداشتهای یک شاهد (زندانی سیاسی سابق)

زندان قرچک ورامین یکی از بزرگ‌ترین افتخارات جمهوری اسلامی زندان زنان است که در شهر ری قرار دارد و سوله‌ای بوده برای نگهداری از گاوها، و هیچ جایی به عنوان زندان ثبت نشده است. این زندان متشکل از هفت بند و یک کوریدور بزرگ و هزار و پانصد زن است که همگی به نوعی قربانی یک حکومت مستبد و دیکتاتور به نام جمهوری اسلامی هستند.

در زندان قرچک چه می‌گذرد؟ زندانیان هر روز ساعت ۶ صبح برای گرفتن آمار از بلندگوهای

زندان با صدای زندانبان بیدار می‌شوند و به صف می‌ایستند و شمارش می‌شوند. بعد از یک ساعت که آمار تمام می‌شود. برای خوردن صبحانه که از تکه‌ای پنیر و تکه‌ای نان لواش که از شب قبل به‌عنوان جیره تقسیم شده است همراه با فلاسک‌های آب جوش که از آشپزخانه پُر شده و پشتِ بند گذاشته‌اند، مشغول خوردن صبحانه می‌شوند.

بعد از صبحانه عده‌ای به کارگاه می‌روند و مشغول کار دوخت و دوز می‌شوند یا به کارگاه چوب می‌روند و مشغول کار می‌شوند. البته بدون هیچ دستمزد و باید هزینه پارچه و چوبی را که شخصا استفاده کرده‌اند را بپردازند. یک عده

هم داخل هواخوری وقت می‌گذرانند و زندان هیچ برنامه آموزشی و یا سرگرمی برای زندانیان ترتیب نمی‌دهد.

بین ساعت ۱۲ تا ۲ معمولاً وقت ناهار است. دیگرهای بزرگ برنج و خورشت توسط خود زندانی‌ها به بندها آورده می‌شود و باز هم توسط خود زندانیان پخش می‌شود. البته غذاهای زندان بی‌کیفیت و غیربهداشتی است. برای نمونه خورشت قورمه سبزی که بارها و بارها گل در خورشت دیده شده است. مشخص است که سبزی آن تمیز شسته نشده و لوبیاهای آن نپخته است و گوشتی در آن دیده نمی‌شود. شاید در آن دیگر بزرگ جمعاً ۱۰ تکه گوشت بیشتر نباشد

که تقریباً به هیچ کس نمی‌رسد. برنج علاوه بر پایین بودن کیفیت، طبخ خوبی هم ندارد و خوب پخته نمی‌شود. انگار که برنج نپخته را می‌خوری.

در خورشت قیمه هم لپه‌ها سفت و نپخته است و از مرغ ریش شده به مقدار خیلی کم به جای گوشت استفاده می‌شود. البته بعضی وقت‌ها هم آن مرغ ریش شده هم وجود ندارد. طبق گفته مسئولین، جیره ماهانه تمام شده است. غذاهای دیگر شامل عدس پلو، استانبولی، برنج و سویا، آش است که در طول هفته این غذاها تکرار می‌شود.

زندان قرچک فاقد آب آشامیدنی تصفیه شده است. چند تا دستگاه تصفیه آب توسط چند فرد

خیر سال‌ها قبل خریداری شده اما هم تعدادشان نسبت به آن تعداد از زندانی‌ها کم است و هم خراب می‌شوند و زندان اقدامی برای تعمیر آنها نمی‌کند. به این دلیل زندانیان مجبور هستند که از فروشگاه آب بخرند.

قیمت اجناسی که در فروشگاه فروخته می‌شود بسیار بالا است و زندانیان زیادی هستند که سال‌ها در زندان هستند که تعداد زیادی از آنها پدر و مادر خود را از دست داده‌اند و هیچ واریزی هم ندارند. این زندانیان مجبور هستند که از آب ناسالم بخورند.

داخل بندهای قرچک هیچ پنجره یا روزنه‌ای که

از آن نور یا هوا بیاید وجود ندارد. فقط در طول روز چند ساعت در هواخوری باز می‌شود و ساعت ۶ عصر تا ساعت ۱۰ صبح فردا در بسته می‌شود. البته به بهانه‌های مختلف پیش می‌آید که هفته‌ها و شاید ماه‌ها در هواخوری باز نشود.

می‌دانم که با خواندن این مطالب ناراحت می‌شوید. ولی اینها واقعیت‌های تلخ زندان زنان در قرچک ورامین است. لطفاً به گوش جوامع بین‌الملل و سازمان‌های حقوق بشر برسانید. البته نمی‌دانم چقدر بتوانند دردی از دردهای ما مردم ایران را کم کنند. امیدوارم که تلاش‌های ما بی‌تأثیر نباشد.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر مبارک

جمع زن زندگی آزادی - مازندران

اول ماه مه، روز جهانی کارگر مبارک

روز جهانی کارگر را به همه کارگران و مزدبگیران
شادباش می‌گوییم و امیدواریم اول ماه مه
امسال، روز شادی و جشن و سرور برای کارگران
و بازنشستگان و معلمان و پرستاران و زنان شجاع
و مبارز و جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان و
رنگین‌کمانی‌ها و همه مردمی باشد که دل در
گرو زندگی و خوشبختی دارند.

ما فکر می‌کنیم که جشن روز جهانی کارگر،

جشنِ همه انسان‌های شریف و مطالبه‌گر است.
روز جهانی کارگر، روز بزرگداشت حق‌طلبی و
آزادی‌خواهی است.

در اول ماه مه، دعوتِ ما از کارگران و همه مردمی
است که می‌خواهند یک زندگی مرفه، شاد و
سرشار از عشق و پاکی و موسیقی و رقص و هنر،
همراه با فراوانی داشته باشند.

وقتی از اول ماه مه حرف می‌زنیم در حقیقت داریم
از کسانی حرف می‌زنیم که تمامی آنچه امروز
بعنوان تمدن و فرهنگ و دانش و هنر در اختیار
ماست، ساخته دست‌های توانا و اندیشه‌های
پویای آنهاست و این سازنده همه زندگی، ماییم.

ما کارگرانیم.

زندگی، معجونی از کار و رفاه و جشن و شادی و تلاش و مبارزه برای آن است. روز جهانی کارگر، روز رزم و بزم کارگران و کسانی است که خود را بحق مالک اصلی نعمات زندگی می‌دانند.

اول ماه مه، روز درخشش انقلاب زن، زندگی، آزادی است.

روز نجات انسان‌هاست از همه قید و بندهای بردگی.

زنده‌باد اول ماه مه

کلید انفجارِ اسکله رجایی در دست کیست؟

کیوان جاوید

نیویورک تایمز: ”سوخت موشک‌های بالستیکی سپاه منشاء انفجارهای بندرعباس بوده است.“ یک منبع نزدیک به سپاه پاسداران به نیویورک تایمز گفته است که منشاء انفجارهای بندرعباس- مهم‌ترین بندر تجاری ایران - بی‌احتیاطی در حمل و نگهداری ترکیب شیمیایی ”سدیم پرکلرات“ بوده که از آن برای ساخت سوخت جامد موشک‌های بالستیکی سپاه استفاده می‌شود.

اما هر اتفاقی افتاده باشد و حتی ظن حملات خرابکارانه هم وجود داشته باشد، باز هم باید

گفت مسئول این انفجار جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی که با انبارکردن مقدار بسیار بالایی از مواد شیمیایی "سدیم پرکلرات" فوق خطرناک این چنین با زندگی مردم بازی کرده است، مسئول مستقیم این جنایت است. تا این لحظه انفجارهای بندرعباس بیش از هزار مصدوم و دست کم ۲۵ کشته برجا گذاشته است.

گفته می شود خطر سرایت آتش به دیگر نقاط این بندر قوی است و پخش گازهای سمی در هوا جان ساکنان منطقه را تهدید می کند. به دستور مقامات حکومتی مدارس و دانشگاه ها و ادارات تعطیل شده اند و به دلیل پخش گسترده گازهای سمی در هوا وزارت بهداشت جمهوری اسلامی

از ساکنان استان هرمزگان خواسته است که تا اطلاع ثانوی از خانه‌های خود بیرون نیایند.

با نظامی کردن منطقه و ممانعت از ورود خبرنگاران غیروابسته به نهادهای امنیتی می‌خواهند کل این پدیده دلخراش را در پرده‌ای از ابهام نگهدارند و مانع شکل‌گیری اعتراضات شوند. تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات نیز نه از سر حفظ امنیت جانی مردم که به دلیل پراکنده کردن دانش‌آموزان و دانشجویان و کارمندان از محل درس و کار به‌منظور کنترل اعتراضات مردمی است.

با اعتراض به این جنایت مشهود، همه مردم باید

وارد خیابان شده و خواهان این شوند که حکومت مسئولیت کثیف خود را بپذیرد و امکانات کافی بهداشتی و اقتصادی در اختیار مردم منطقه قرار دهد. جمهوری اسلامی، کشور را به یک "بشکه باروت و انبار مواد منفجره فوق خطرناک" و یک ماتم کده واقعی تبدیل کرده است و برای حفظ موجودیت تبهکارانه خود در برابر مردمی که با چنگ و دندان از زندگی، آزادی و رفاه خود دفاع می کنند از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند.

وقت آن است تا ضمن حمایت همه جانبه سراسری از مردم داغدیده در بندرعباس، در سراسر ایران با هر امکانی که در دست داریم نسبت به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنیم.

ویرجینیا جوفری و "سلطنت بی آزار"

پتی دبونیتاس

ویرجینیا جوفری، زنی که در نوجوانی در دام شبکه‌ای از قاچاق دختران نوجوان قرار گرفته و توسط "پرنس اندرو" پسر ملکه الیزابت و برادر شاه فعلی در انگلستان مورد "بهره‌برداری جنسی" (تجاوز) قرار گرفته بود، بر اثر فشارهای وارده روحی روز شنبه ۲۶ آوریل ۶- اردیبهشت خودکشی کرد و در سن ۴۱ سالگی جان باخت.

علیرغم سال‌ها شکایت این زن آسیب‌دیده و مورد تجاوز مکرر جنسی قرار گرفته، "شاهزاده اندرو" هرگز بازداشت نشد. تلاش خانواده سلطنتی این بوده که

با پرداخت پول، شاکیان را وادار به سکوت کند.
پول و قدرت در کنار هم قرار گرفته‌اند تا نوجوانان
مورد تجاوز قرار گرفته با درد و غم و ضربات روحی
وارد بسوزند و بسازند.

به این می‌گویند نظام سلطنتی "بی‌آزار" در غرب و
در انگلیس. مشتی مفت‌خور را از کودکی تربیت
و بزرگ می‌کنند تا با ژست‌های گوناگون در برابر
دوربین قرار بگیرند و وارث یک سیستم عقب‌مانده
و ارتجاعی شوند که مطلقاً هیچ نفعی برای هیچ کس
ندارد. کسانی که از کار و زحمت و مالیات کارکنان
جامعه ارتزاق می‌کنند و صاحب پول بادآورده می
شوند.

من در همه تظاهرات زن زندگی آزادی در لندن مدافعان سلطنت در ایران را به چشم دیده‌ام که در گوشه‌ای حضور داشتند و با برافراشتن تعداد کم شماری پرچم شیر و خورشید نشان و بالا بردن عکس رضا پهلوی علیه مدافعان انقلاب زن زندگی آزادی شعار می‌دادند و به آنها توهین و حتی حملات فیزیکی می‌کردند. درعین حال می‌گفتند ما شاهنشاهی می‌خواهیم که "پدر" ملت باشد. بگذریم که در ایران این "پدر ملت" زمانی که در قدرت بود چه جنایت‌ها که نکرده است.

همه این فرضیات مهم‌ل را برای یک شاه فرضی خوب با خیال راحت و با این منطق به زیاله‌دان تاریخ می‌سپاریم که مبارزه مدرن و آزادی‌خواهانه

و چپ‌گرایانه مردم در اروپا، نیش مار سلطنت را کشیده است و آنها را تا اینجای کار به عروسک‌هایی در دست پارلمان‌ها و دولت‌ها برای اجرای برنامه ریاضت‌کشی اقتصادی خود تبدیل کرده است که فقط به طور سمبلیک نیازمند امضای شاه و ملکه‌اند.

فکرش را بکنید در کشورهای که سیستم حاکم هیچ‌بویی از جامعه مدنی و قوانین انسانی نبرده است، شاه چه موجود خوفناک و ضدبشری خواهد بود. یکی از آنها که تاریخ به چشم دیده است محمدرضا پهلوی است که ”گورستان آریامهری“ را به جهان عرضه کرده بود. ویرجینیا جوفری جان داد تا آبروی خاندان سلطنتی در انگلیس حفظ شود. شرم!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۵

۲۸ آوریل ۲۰۲۵ - ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

از معدن تا بندر، محل قتل کارگر

شهلا دانشفر

انفجار دهشتناک در بندرعباس و مضحکه تبلیغاتی حکومت

محسن ابراهیمی

“بازدید” از مجروحان فاجعه انفجار در بندرعباس!

شهاب بهرامی

ایران بزرگ‌ترین زندان زنان نویسنده در جهان

سینا پدرام

از معدن تا بندر، محل قتل کارگر

شهلا دانشفر

روز ششم اردیبهشت انفجار مهیبی در اسکله رجائی بندرعباس به وقوع پیوست و طبق آخرین گزارشات حکومتی ۴۶ کشته و بیش از هزار مصدوم به جا گذاشت. تعداد زیادی از کارگران سوله‌ها هم ناپدید شده‌اند. مراتب همدردی خودم را با خانواده‌های این عزیزان و همگان اعلام می‌کنم.

بدون شک ابعاد این فاجعه بسیار گسترده است و تبعات جانی بسیاری در پی خواهد داشت. دیو کردن مواد شیمیایی خطرناک با قابلیت بالای انفجار در اسکله حمل بار، به منزله گذاشتن بمب ساعتی

در محلی است که هزاران انسان در آن مشغول به کارند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم این انفجار در بندر رجایی است و به درست انگشت نشانه مردم به سوی حکومت است. فاجعه‌ای که جامعه را تکان داد و بازنشستگان این صدای رسای اعتراضات مردمی در آخرین تجمع خود در کرمانشاه ضمن اعلام همبستگی با مردم بندرعباس و خانواده‌های جان‌باختگان با شعار ”از معدن تا بندر، محل قتل کارگر“ فریاد خشم و اعتراض خود را بلند کردند.

اعتراض در مدیای اجتماعی موج می‌زند. حکومت از شدت هراس منطقه را امنیتی کرده است. تشکلهای مختلف کارگری و مدنی از جمله ندای زنان ایران، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و کارگران نیشکر هفته تپه در پیامهای

اعتراضی از اینکه کارگران و مردم همیشه سپر انسانی مافیای زور و قدرت هستند می‌نویسند. از فجایعی چون طبس، متروپل، پلاسکو، سانچی و هواپیمای اوکراین... که صدها قربانی داد می‌نویسند و دادخواه‌اند. شفاف‌سازی علل این فاجعه، معرفی خاطیان به جامعه و محاکمه آنان، و تمهیدات فوری برای جلوگیری از ادامه صدمات جانی این انفجار خواست‌های فوری‌ای است که بر آنها تأکید شده است.

انفجار در بندر رجایی، آن‌چنان خشم و اعتراضی را برانگیخته که مردم در گفتمان‌هایشان کل بساط توحش و جنایت حاکم را به چالش می‌کشند و بازتاب آن را بر گفتمان‌های اول‌مه می‌بینیم. در بستر چنین فضایی از اعتراض، حکومت و ارگان‌هایش را

به خاطر این جنایت آشکار زیر فشار قرار دهیم. وادارشان کنیم که بساط اتمی و موشکی‌شان را جمع کنند. وادارشان کنیم که مصدومین این فاجعه را رایگان و با بهترین امکانات درمانی مورد درمان قرار دهند. به خانواده‌های جان‌باخته و به مصدومین غرامت بپردازند. جلوی خسارات بیشتر جانی و معیشتی به مردم را بگیرند. حکومت باید پاسخگو شود.

اول مه روز فریاد رسای دادخواهی و تجدید عهد کردن برای به زیر کشیدن این حکومت وحشی جنایت‌کار است.

انفجار دهشتناک در بندرعباس

و مضحکه تبلیغاتی حکومت

محسن ابراهیمی

انفجار مهیب مواد شیمیایی برای تأمین سوخت جامد موشک‌های بالستیک نظام اسلامی در اسکله “شهید رجایی” بندرعباس، اخیرترین نمونه از دهشت‌ها و جنایات همراه با رذالت تبلیغاتی نظام اسلامی است؛ اما قطعاً آخرین نمونه نیست!

عکس منتشر شده از محمدرضا عارف، معاون اول پزشکیان که ظاهراً برای کمک به مصدومین انفجار در حال اهدای خون است، یک نمونه از رذالت تبلیغاتی مضحک حکومت است! او پدر حمیدرضا عارف است. “آقازاده”ای که چندی

پیش با وقاحت بی نظیری، ”خون خوب و ژن برتر“ خودش را به عنوان عامل ”موفقیت“، یعنی موفقیت در بازار قاچاق و ثروت اندوزی به رخ جوانانی کشید که تعداد زیادی از آنها در همین انفجار مهیب کشته یا زخمی شده اند.

مدیر بندر رجایی افشا کرده است که کشتی حامل محموله خطرناک از چین، با دخالت مستقیم حمیدرضا عارف در بندر پهلو گرفته است: ”زمانی که تیم بازرسی بندر قصد داشت کشتی را طبق ضوابط بررسی کند، با ممانعت کاپیتان کشتی مواجه شد و سپس تماس تهدیدآمیز حمیدرضا عارف، مبنی بر دورزدن بازرسی ها به بهانه دورزدن تحریم ها انجام شد.“

در انفجار بندرعباس چه تعداد جانشان را
از دست داده‌اند؟ چه تعداد خانواده نان‌آورشان
را از دست داده‌اند؟ چه تعداد کودکان بی‌گناه و
بی‌پناه به خیل کودکانی اضافه خواهند شد که
همین‌الان قاچاقچیان امام‌زمان دارند از فروش
ارگان‌های بدن مثله شده‌شان پول پارو کنند؟
چه تعداد انسان چشم و گوش و دست و پایشان
را از دست داده‌اند؟ چه تعداد انسان برای همیشه
فلج شده‌اند؟

مثل همیشه، حتی یک پاسخ درست در باره این
سؤالات از حکومتی که یک روده راست توی
شکمش نیست بیرون نخواهد آمد. برعکس، مثل
همیشه مزدوران امنیتی و تبلیغاتی حکومت بسیج
شده‌اند تا مبادا شهروندی گوشه‌ای از حقیقت

این جنایت عظیم را برملا کند که البته آب در
هاون می‌کوبند.

انفجار مهیب بندرعباس یکی دیگر از دهشت‌های
بی‌پایان حکومتی است که مردم به‌پاخاسته را از
این می‌ترساند که دست از پایان دادن به حیاتش
بکشند که می‌تواند به عاقبت دهشتناکی منجر
شود! می‌گویند ”پایان دهشتناک بهتر از دهشت
بی‌پایان است.“ اما فضای انقلاب زن‌زندگی آزادی
نشان داد که از نظر مردم پایان حکومت اسلامی
پایان دهشت هم خواهد بود.

”بازدید“ از

مجروحان فاجعه انفجار در بندرعباس!

شهاب بهرامی

پزشکیان رئیس جمهور منتصب خامنه‌ای روز یکشنبه در بازدید از مجروحان انفجار، در بیمارستانی در بندرعباس با خنده و مزه‌پراکنی به یکی از مجروحان در تخت نشسته می‌گوید، «البته من جای شما باشم بلند میشم میرم»!

عده زیادی از مردم داغ‌دیده از اینکه خامنه‌ای بعد از دو روز از وقوع این فاجعه، خفه‌خون گرفته بود، سخت خشمگین‌اند و هر آنچه که لایقش است نثارش می‌کنند، این در حالی است که برای به هلاکت رسیدن و گوربه‌گور شدن هر تروریست

اسلامی فوراً پیام تسلیت می‌فرستد و چند روز عزای عمومی اعلام می‌کند.

آیا توقع احساس همدردی از طرف این لجن‌های فریز شده متحرک، این موجودات پلید، از این پارازیت‌های دوپا که بخش احساسات، شعور و ضمیر خود آگاهشان در وسط تنبانشان قرار گرفته، از این جماعت ملعون، مزور و دروغگو، توقع بیجایی نیست؟ در عجبم چرا در رشته میکروپشناسی، نام موجودات نعلین به پا و عمامه به سر جزو خطرناک‌ترین میکروب‌های روی زمین نیامده است.

مگر این زامبی‌ها با بازماندگان داغ‌یده مرکز خرید متروپل، ساختمان پلاسکو، هواپیمای اوکراینی، کارگران معدوم شده در معادن و ده‌ها فاجعه طبیعی

مانند سیلاب‌های ویرانگر و زلزله‌های مهیب که به کشته‌شدن هزاران نفر انجامیده، همدردی کردند؟ کمک کردند؟ تمهیداتی برای آلام این زخم‌های عمیق بر پیکرهای خسته و فرسوده فراهم نمودند؟

شما صدها نفر را در سینما رکس آبادان خاکستر کردید، هواپیمای اوکراینی را سرنگون کردید، صدها هزار نفر را با ویروس کرونا قتل عام نمودید و اکنون یک شهر را در غم از دست‌دادن و مجروح کردن صدها انسان بی‌گناه به ماتم نشانده‌اید. اما این نیز می‌گذرد. جناب رئیس‌جمهور نامحترم رذل و پست اسلامی، می‌گوئید ”من جای شما باشم می‌روم“ پس بهتر است همین‌الان بروید قبل از اینکه روانه جهنم شوید چرا که ما مردم مصمم هستیم تا شما را روانه جهنم کنیم. سوگ و غم و خشم ما، چاشنی انفجاری

چنان عظیم و زیرورونده خواهد شد که انفجار
اسکله، شعله چوب کبریتی بیش در مقام مقایسه
نخواهد بود. بروید به جهنم قاتلان. این سرنوشت
شما است، شک نکنید.

ایران بزرگ‌ترین زندان زنان نویسنده در جهان

سینا پدram

انجمن قلم آمریکا در گزارش «شاخص آزادی نوشتن» سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که برای ششمین سال پیاپی، شمار نویسندگان زندانی در جهان افزایش یافته و به ۳۷۵ نفر در ۴۰ کشور رسیده است؛ در حالی که این رقم در سال گذشته ۳۳۹ نفر در ۳۳ کشور بود. بر اساس این گزارش، چین با ۱۱۸ نویسنده زندانی، ایران با ۴۳، عربستان و ویتنام هر کدام با ۲۳، و اسرائیل با ۲۱ نویسنده زندانی، در صدر ناقضان آزادی بیان قرار دارند.

ایران با داشتن ۱۳ نویسنده زن زندانی، بزرگ‌ترین زندان برای زنان نویسنده در جهان شناخته شده

است. شاخص آزادی نوشتن (آزادی مطبوعات) معیاری است که نشان می‌دهد روزنامه‌نگاران، نویسندگان و رسانه‌ها تا چه حد می‌توانند آزادانه، بدون سانسور، تهدید، فشار یا مجازات از سوی دولت، گروه‌های قدرت یا قوانین محدود کننده بنویسند و به نشر عقاید بپردازند. این شاخص معمولاً توسط سازمان‌هایی مثل «گزارشگران بدون مرز» و یا انجمن قلم منتشر می‌شود و شامل فاکتورهایی مانند میزان سانسور، امنیت جانی و شغلی روزنامه‌نگاران و نویسندگان، دسترسی آزاد به مطبوعات، استقلال رسانه‌ها از قدرت‌های حاکمه، تنوع دیدگاه‌ها و غیره می‌شود.

در سال ۲۰۲۴ ایران در شاخص آزادی مطبوعات که توسط سازمان گزارشگران بدون مرز (RSF)

منتشر شده، رتبه ۱۷۶ از میان ۱۸۰ کشور را کسب کرده است. این رتبه نشان‌دهنده وضعیت بحرانی آزادی بیان و مطبوعات در ایران است.

آزادی بیان بدون قید و شرط یکی از مطالبات برحق جنبش‌های سوسیالیستی و حق‌طلبانه و مردم ایران بوده است و از مطالبات اساسی انقلاب زن‌زندگی آزادی به شمار می‌رود. این آزادی به افراد اجازه می‌دهد دیدگاه‌ها، انتقادهای و خواسته‌های خود را آزادانه بیان کنند و در شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه نقش داشته باشند. بدون آزادی بیان، نقد قدرت، افشای فساد و دفاع از حقوق مردم دشوار می‌شود. همچنین، آزادی‌اندیشه و تبادل آزاد اطلاعات باعث پیشرفت فرهنگی، علمی و اجتماعی می‌شود. سرکوب آزادی بیان، منجر به سانسور، ترس و سکوت عمومی می‌شود که زمینه‌ساز استبداد و فساد گسترده‌تر

خواهد بود. جامعه آزاد، جامعه آزاد از سودجویی
”اربابان“ میلیاردی نیازمند صدای آزاد است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

***سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید**

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۶

۲۹ آوریل ۲۰۲۵ - ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

پیام تسلیت به خانواده‌های جان‌باختگان انفجار بندر رجایی

از طرف مسئولین نشریه ژورنال

انفجار در بندر رجایی و بی‌شرفی حکومت

سیما بهاری

مذاکرات و تناقضات

کاظم نیکخواه

پشت پرده جنایت بندر رجایی

اصغر کریمی

از پزشک‌های تا خمینی و چیزی مابین اینها!

سینا پدرام

پیام تسلیت به خانواده‌های جان‌باختگان

انفجار بندر رجایی

از طرف مسئولین نشریه ژورنال

خبرها تا اینجا حکایت از این دارد که تعداد جان‌باختگان انفجار در بندر رجایی ۷۰ و تعداد مصدومین ۱۰۷۲ نفر هستند. تعداد نامشخصی نیز در این انفجار هولناک مفقود شده‌اند و همچنین بیست نفر از جان‌باختگان قابل شناسایی نیستند.

حکومت قاتل اسلامی مسبب این جنایت است. این حکومت در قتل و جنایت به عزا نشاندن مردم ید طولایی دارد و سرآمد همه جانیان تاریخ معاصر است. ارسلان حیدری (عضو هیئت اجرایی خانه کارگر هرمزگان) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، می‌گوید: "۵۵

درصد از واردات و صادرات کالای کشور از اسکله شهید رجایی بندرعباس انجام می‌شود و حدود ۱۱ هزار کارگر در این اسکله مشغول بارگیری و تخلیه بارند، اما متأسفانه اقدامات ایمنی عمومی و تخصصی در آن به درستی رعایت نمی‌شود. “اگر این جنایت آشکار و حساب شده نیست پس چیست؟

به یاد داشته باشیم که محموله‌های منفجر شده “کالا” نبوده که منفجر شده است. این محموله مستقیماً توسط سپاه پاسداران برای ساخت موشک‌های بالستیک وارد شده و در یک چشم برهم‌زدن جان بسیاری از کارگران که در این اسکله کار می‌کردند را گرفته است. باید همه مردم ایران ضمن همدردی با بازماندگان این جنایت جمهوری اسلامی، فشار حداکثری وارد بیاورند و دست به اعتراضات میدانی

بزنند تا همه ابعاد این جنایت توسط رژیم بر ملا شود و همه خانواده‌های جان‌باختگان و مصدومین و مفقودشدگان از حداکثر امکانات رفاهی و اقتصادی برخوردار شوند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی در کمال بی‌شرمی از این جنایت شانه خالی کند. همه ما در هر کجا که هستیم به یاد این جان‌باختگان که گفته می‌شود تقریباً ۹۹ درصد آنها کارگران این اسکله بودند مراسم یادبود برپا کنیم و به خیابان‌ها بیاایم.

ما مسئولین و دست‌اندرکاران نشریه ژورنال به خانواده‌های همه جان‌باختگان انفجار اسکله رجایی در بندرعباس تسلیت می‌گوییم و در غم و اندوه این عزیزان شریک هستیم. یک‌بار دیگر تأکید می‌کنیم اتفاق فوق نه یک حادثه که یک جنایت آشکار

حکومت اسلامی است و این رژیم باید پاسخگوی
آن باشد.

یاد همه جانباختگان انفجار بندر رجایی عزیز و
گرامی باد.

انفجار در بندر رجایی و بی‌شرفی حکومت

سیما بهاری

”به‌رغم ادعاهای وزیر راه و شهرسازی و برخی رسانه‌های نزدیک به حاکمیت مبنی بر ازسرگیری فعالیت اسکله رجایی، این اسکله همچنان در آتش می‌سوزد. سجاد محمدی معاون سابق امور مهندسی و توسعه زیربنایی سازمان بنادر و کشتیرانی، گفت: هر روز تعطیلی این اسکله حدود ۲۵ میلیون دلار به اقتصاد ایران زیان وارد می‌کند.“

گاهی برای وصف بعضی چیزها کلمه پیدا نمی‌شود. این حکایت جمهوری اسلامی است. با وقاحت دهن باز می‌کنند. با وقاحت دروغ می‌گویند و با وقاحت

به جان‌های ازدست‌رفته و خانواده‌های همه چیز
از دست داده نگاه می‌کنند و نگران خسارات به‌خاطر
تعطیلی اسکله هستند. مثل همیشه رسانه‌ها را تهدید
می‌کنند که حقیقت را نگویند و همگی‌شان مشغول
رفو کردن و وصله‌پینه کردن ماجرا هستند تا کمترین
اطلاع‌رسانی صورت بگیرد. این اولین بار نیست که
پس از وقوع حادثه، اول سکوت می‌کنند و کم‌کم
با پررویی تمام یکی‌یکی مقامات مقابل رسانه‌های
از خودشان بی‌وجدان‌تر قرار می‌گیرند و درباره
شفاف‌سازی و پیدا کردن مقصر و مدیریت بحران،
وراجی می‌کنند. سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی
را سه روز بعد از حادثه با دروغ و دغل‌بازی خواستند
سرهم‌بندی کنند. در مورد این انفجار هم وزیر راه و
شهرسازی که گویی با انسان‌های مرده طرف است،
می‌گوید فعالیت در اسکله از سر گرفته شده. این در

حالیست که شهر از دود و آلودگی و گازهای سمی نمی‌تواند نفس بکشد و اسکله همچنان می‌سوزد. وزیر یادش رفته که با وجود تهدید خبرنگاران و رسانه‌ها، مردم مجهز به موبایل هستند. عکس و فیلم می‌گیرند و مدیای اجتماعی در به روی اخبارشان می‌گشایند.

می‌خواهند کوچک جلوه دهند. می‌خواهند ابعاد فاجعه را درز بگیرند. آخر پای کارتل‌های بزرگ سپاه و بنیاد مستضعفان گیر است. صحبت از "محموله خیلی خطرناک" است که "محموله عادی" جا زده شده.

به هیچ وجه اجازه نمی‌دهیم روی جنایتشان سرپوش بگذارند. مردم عزیز از دست داده، مردم زندگی بر باد شده، در بند عباس معترض‌اند و حق دارند. نباید تنها بمانند و نمی‌مانند. در شهرهای مختلف اعتراض

سازمان دهیم. مثل همهٔ بحران‌های زائیدهٔ جمهوری اسلامی خودمان ستاد کمک‌رسانی ایجاد کنیم و تهیه مایحتاج مردم را در دستور بگذاریم.

جمهوری اسلامی باید به قدرت ما مردم سرنگون شود. هر روز عمر حکومت یعنی ماندن همین جهنم ساختهٔ آنها.

مذاکرات و تناقضات

کاظم نیکخواه

مذاکرات هسته‌ای آمریکا و جمهوری اسلامی همچنان بحث داغ رسانه‌هاست و طرفین معضلات خود را دارند و علی‌رغم خوش‌بینی‌ها نوعی بن‌بست کاملاً مشهود است. جمهوری اسلامی طبعاً در موقعیت بسیار ضعیفی است و از اینکه کار به حمله نظامی برسد شدیداً وحشت دارد. چرا که می‌تواند سرنگونی‌اش را به دنبال داشته باشد. دولت ترامپ نیز از اینکه ناچار به حمله نظامی شود نگران است. چون تمام سیاستش این است که حضور نظامی آمریکا در خارج مرزها محدودتر شود؛ بنابراین طرفین هیچ‌کدام جنگ نمی‌خواهند؛ اما به رجزخوانی نیاز دارند تا طرف

مقابل را به سازش وادار کنند. ترامپ قبلاً تهدید بمباران مراکز هسته‌ای را مطرح کرده بود؛ اما اخیراً ابراز خوشحالی کرد که توافقی بدون بمباران در دسترس قرار گرفته است. ویتکاف نماینده ترامپ در مذاکرات هم از "برچیده شدن کامل توان هسته‌ای جمهوری اسلامی" سخن گفته و هم از محدود کردن آن به مرز ۳٫۶ در صد.

اما این مذاکرات یک طرف سوم هم دارد که اسرائیل است و تمام تلاشش این است که کار به حمله نظامی و نابودی توان هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی بکشد. نتانیاهو فشار می‌آورد که مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی تماماً برچیده شود و توان موشکی‌اش محدود شود. عباس عراقچی در پاسخ به تهدید حمله اسرائیل در پلاتفرم

ایکس نوشت "تهران به اندازه کافی قدرتمند است و به توانمندی‌های خود اطمینان دارد که هرگونه تلاش از سوی بازیگران بدخواه برای خرابکاری یا دیکته کردن سیاست خارجی مان را خنثی کند". اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز این روزها گفت "غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور و رفع تحریم‌ها خط قرمز ماست". در واقع جمهوری اسلامی دارد التماس می‌کند تحریم‌ها را بردارید و ما از غنی‌سازی بالا کوتاه می‌آییم. این یعنی یک برجام دیگر. اما ترامپ نیاز جدی دارد که از برجام که قبلاً توافقی را پاره کرده فراتر برود.

نتیجه اینکه علی‌رغم ابراز خوش‌بینی‌ها مذاکرات در نوعی بن‌بست قرار دارد. اگر جمهوری اسلامی

از حد برجام عقب‌تر نرود به دردهای جدی ای
خواهد افتاد و بهانه به اسرائیل داده می‌شود که
حمله کند و پای ارتش آمریکا را هم به این بحران
بکشاند.

تنها راه تمام‌شدن این بحران و خطر جنگ و تحریم
و گرانی، برچیدن کامل جمهوری اسلامی است
و این را تنها مردم ایران به‌طور جدی دارند دنبال
می‌کنند.

پشت پرده جنایتِ بندر رجایی

اصغر کریمی

انفجار در بندر رجایی حادثه نبود یک جنایت بود. فاجعه متروپیل و پلاسکو و کشتی سانچی، کمپ ترک اعتیاد، معدن طبس و یورت و صدها رویداد مشابه دیگر هم حادثه نبودند. حادثه وقتی است که غیرمنتظره است و پیشگیری‌های لازم قبل از وقوع آنها انجام شده است. اما این "حوادث" قابل پیش‌بینی بودند، در مورد آنها هشدار داده شده بود. به اینها جنایت می‌گویند.

اینکه رژیم در مورد هیچ‌کدام از این "حوادث" شفافیت نشان نمی‌دهد ناشی از همان نکته اول

است. اگر زمینه‌های حوادث بررسی، پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌های لازم انجام شده و حکومتی کار خود را درست انجام دهد، احتیاجی به ممنوعیت خبررسانی و تهدید مردم و روزنامه‌نگاران ندارد. اما وقتی معلوم می‌شود که هشدارها داده شده و باز هم توجهی به آنها نشده آن وقت حکومت همه تلاشش را می‌کند که فقط روایت رسمی و انواع دروغ‌ها را به خورد مردم بدهد. در مورد همه این فجایع حکومت چنین کرده است.

فساد ساختاری یک رکن مهم این جنایات است. دست صاحبان معدن، متروپل و پلاسکو و کمپ ترک اعتیاد و غیره همه در دست امام‌جمعه‌ها، فرمانده‌ها و مسئولین ارگان‌ها است. اینها دلشان به

حال کسی به جز جیب‌هایشان نسوخته است.

بندر رجایی که دومین بندر اصلی کشور است
گلوگاه بزرگ‌ترین دزدی‌ها و فسادها است. سوخت،
چای و انواع محصولات به صورت قاچاق توسط سپاه
و مقامات و آقازاده‌ها در بنادر صادر و وارد و سالانه
میلیاردها دلار به جیب آنها سرازیر می‌شود. روشن
است که در این میان رعایت ایمنی زیادی لوکس
است. به اینها باید سیاست تسلیحاتی، موشکی و
اتمی را هم اضافه کرد. همه اینها دست‌به‌دست هم
می‌دهند تا فجایع این‌چنینی را رقم بزنند.

در یک کلام مشتی طفیلی، دزد و قاچاقچی زندگی
۸۰ میلیون نفر را در چنگ خود گرفته‌اند و جهنمی

واقعی حاکم کرده‌اند.

در مقابل، مردم در هر اتفاقی حکومت را عامل و بانی آن می‌دانند و همبستگی خود را با قربانیان نشان می‌دهند. از بندرعباس، اراک، رشت و کیش تا رانندگان مریوان و قزوین، خانواده‌های دادخواه و بازنشستگان و تشکل‌های مختلف فریاد اعتراضشان بلند شده و با مجروحین و خانواده‌های جان‌باختگان اظهار همدردی می‌کنند. این وجه باشکوه قضیه است که باید هر چه بیشتر گسترش یابد و اتحادها را برای رهایی از قاتلانی که آتش جهنم را به سر این مردم نازل کرده‌اند محکم‌تر کند.

از پزشک‌یان تا خمینی و چیزی مابین اینها!

سینا پدرام

خبرها حاکی از آن است که مسعود پزشک‌یان روز دوشنبه هشتم اردیبهشت در سفر به باکو و دیدار با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان گفت: ”من وقتی در آذربایجان هستم حس می‌کنم در تبریز، اردبیل و همان جاهایی هستم که در آن بزرگ شده‌ام.“ ضمناً تصاویر منتشر شده در خبرگزاری ایرنا، نشان می‌دهد که مسعود پزشک‌یان در سفر به جمهوری آذربایجان جهت دیدار با مقام‌های این کشور، یوسف و زهرا پزشک‌یان، فرزندان خود را با خود به باکو برده است.

باید به این جسارت پزشکیان تعظیم کرد و کلاه از سر برداشت! حقیقتاً بعد از "سقوط شدن" رئیسی بعد از دیدار با علی‌اف شجاعت ویژه‌ای باید داشت که به این سفر تن داد. نه تنها این بلکه فرزندان خود که البته از "ژن برتر" هستند را نیز به این سفر "پرمخاطره" برد. پشت پرده این بده‌وبستان‌های سیاسی چندان آشکار نیست؛ اما طول و اندازه این مقاوله‌نامه‌ها آن قدر نیست که رژیم را از "بحران" نجات دهد.

اما بهترین جوک این هفته به رئیس سازمان بسیج تعلق دارد. این بخت‌برگشته در ایامی که در ایران زن به هیچ خدایی بنده نیست گفت: "راه‌اندازی پاتوق‌های دخترانه برای انجام برنامه‌های فرهنگی،

تفریحی، بصیرتی، هنری، ورزشی و مهارتی در کشور،
یکی از برنامه‌های مهم ماست.

یکی به این مری "بصیرت و مهارت" باید گوشزد
کند که فاطمه کماندوها با برادران ساندیس خور
مشغول هستند و حوصله پاتوق بازی ندارند. این
دلاور یک تنه کل بحران جوانان را حل کرد و رفت.

و بالاخره به منشأ بحران می‌رسیم. جناب روح‌الله
خمینی که قبرشان در ایامی که مردم برق ندارند
که کولرهای خود را روشن کنند، با نورافکن‌های
چندین صد واتی همواره در "تلاؤ" است.

می‌گویند به واسطه خشکاندن سدها و رودخانه‌ها،

برق کافی تولید نمی‌شود. با روشن نگاه‌داشتن "قبر آقا" می‌خواهند خلاف آن را ثابت کنند. بحران برق؟ کدام بحران برق؟ روشنایی می‌خواهید یک سر تشریف ببرید سر قبر خمینی. اگر از برقش استفاده‌ای نداشتید حداقل از مستراحش که می‌توانید به‌وفور استفاده کنید!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۲۷

۳۰ آوریل ۲۰۲۵ - ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

پیش به سوی روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

اعدام محسن لنگرنشین؛ زخم تازه بر پیکر جامعه معترض

حسن صالحی

مصدومیت دانش آموزان دختر بر اثر آتش سوزی در ارومیه

عطیه نیک نفس

صدای کودکان بی گناه افراد اعدامی باشیم

شهره قنبری

پیش به سوی روز جهانی کارگر

شهلا دانشفر

اول ماه مه در ایران مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد. جنبش کارگری و کل جامعه به خاطر فقر و گرانی ویرانگر، بساط چپاول و دزدی و سرکوبگری‌ها و به خاطر فجایعی که حکومت هر روزه بر مردم وارد می‌کند، در نقطه انفجار و در تلاش برای به پیروزی رساندن انقلاب است.

در این هفته فاجعه انفجار در بندر اسکله رجایی با ۱۲۰ کشته و مصدومیت نزدیک به دو هزار نفر که عمدتاً از کارگران شاغل هستند، جامعه را تکان داد که ابعاد مصائبش بسیار گسترده است و یا خبر انفجاری دیگر در اصفهان را می‌شنویم که آنجا نیز

قربانی داده‌ایم.

در آغاز همین سال مرگ ۹ معدنچی در سه معدن را داشتیم و در سال ۱۴۰۳ طبق گزارشات ۲۰۷۹ نفر قربانی محیط‌های ناامن کار شدند. مسئول مستقیم این ابعاد از قتل و کشتار مردم، خود رژیم است.

امروز با فریاد “از معدن تا بندر، محل قتل کارگر” می‌رویم تا روز جهانی کارگر را به یک روز اعتراضی بزرگ دادخواهی علیه جهنم سرمایه‌داری حاکم و جنایاتش تبدیل کنیم.

امسال سخن از برپایی یک روز اعتراض سراسری علیه جهنمی که جمهوری اسلامی بر پا کرده و برای فریاد رساتر زن زندگی آزادی است. بازتاب آن را

در فراخوان‌ها و بیانیه‌های اعتراضی اول مه می‌بینیم. معلمان برای ۱۱ اردیبهشت به تجمعات اعتراضی سراسری فراخوان داده و بر خواست‌هایی معیشتی و مطالباتی چون تحصیل رایگان و باکیفیت، لغو پادگانی کردن مدارس، توقف تهدیدات امنیتی و حق تجمع و اعتراض تأکید کرده‌اند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی به تجمعات سراسری در ۱۱ اردیبهشت فراخوان داده‌اند. پرستاران به تبدیل اول مه به روز اعتراض و طرح متحدانه مطالبات تحقق‌یافته خود تأکید کرده‌اند. شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و ارکان ثالث نفت در بیانیه مشترکی کارگران بخش‌های مختلف صنعت نفت را به گرامیداشت اول مه و پیگیری خواست‌هایشان فراخوانده‌اند.

بعلاوه یازده تشکل کارگری و اجتماعی طی بیانیه مشترکی به استقبال اول مه رفتند و تشکلهای مختلف کارگری نیز بیانیه داده‌اند. تأکید بر اتحاد مبارزاتی علیه فقر و بی‌تامینی، سرکوب و اعدام و برای داشتن جامعه‌ای آزاد و برابر به‌دور از هر گونه اعمال قدرتی از بالای سر مردم گفتمان مشترک این بیانیه‌هاست. بدین‌گونه روز جهانی کارگر روز زن زندگی آزادی است. این روز را به همگان شادباش می‌گوییم.

اعدام محسن لنگر نشین؛

زخم تازه بر پیکر جامعه معترض

حسن صالحی

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی (ارگان قتاله و کشتار رژیم)، گزارش داد که بامداد چهارشنبه دهم اردیبهشت، محسن لنگر نشین، زندانی سیاسی و جوان ۳۴ ساله اهل نوشهر، اعدام شده است. جنایت دیگری رقم خورد و برگ دیگری به پرونده سیاه جمهوری اسلامی افزوده شد.

در روزهای اخیر، والدین محسن با انتشار ویدئوهایی، از مردم و نهادهای حقوق بشری درخواست کمک کردند تا جلوی اجرای حکم را بگیرند. شب نهم

اردیبهشت، با نگرانی به مقابل زندان قزل‌حصار
کرج رفتند، اما صبح روز بعد، خبر اعدام دل‌بندشان را
گرفتند. جمهوری اسلامی با این اعدام، زخم تازه‌ای
بر دل یک خانواده دیگر گذاشت. زخمی که تنها
غم نیست، بلکه به خشم و اعتراض بدل می‌شود
و دیربازود طناب دار جمهوری اعدامی را خواهد
گسست.

خبرگزاری میزان با آب‌وتاب مدعی شده که محسن
لنگرنشین “جاسوس موساد” بوده و مستندات
پرونده‌اش آن‌قدر “بی‌نقص” بوده که خودش
در مراحل مختلف دادرسی به “جرم‌ش” اعتراف
کرده است. زهی بی‌شرمی! لنگرنشین پیش‌تر در
فایل صوتی‌ای از داخل زندان افشا کرده بود که
تحت فشارهای شدید ناچار به اعتراف اجباری شده

است. او گفته بود: «در جریان بازجویی‌ها فشارهای زیادی به من وارد کردند. گفتند تک‌تک اعضای خانواده‌ات را بازداشت می‌کنیم و آن‌قدر نگاهشان می‌داریم که آن‌ها را شناسی.» او تأکید کرده بود که تحت این فشارها، به اعترافات ساختگی از جمله خرید موتورسیکلت مجهز به دوربین و جابه‌جایی بسته‌های انفجاری، وادار شده است.

جمهوری اسلامی انتقام ضربه خوردن از دولت اسرائیل را از مردم می‌گیرد. شهروندان بی‌گناه تقاص شعارها و رجزخوانی‌های حکومت را پس می‌دهند. در طول عمر این رژیم، افراد زیادی با اتهام‌های ساختگی مانند «جاسوسی برای اسرائیل» اعدام شده‌اند. محسن لنگرنشین نه اولین قربانی این سناریو بود و نه آخرین خواهد بود.

اگر خواهان پایان یافتن کشتارها هستیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه با نیرویی گسترده‌تر، مقابل ماشین اعدام بایستیم. جمهوری اسلامی برای بقای خود به خون جوانان تشنه است و تنها با مقاومت همگانی می‌توان این چرخه مرگ را متوقف کرد. بر دوش تک‌تک ماست که به جنبش ضد اعدام در ایران پیوندیم و آن را تقویت کنیم. سکوت ما، چراغ سبز به اعدام بعدی است. در همه‌جا فریاد "نه به اعدام، اعدام قتل عمد دولتی است" را طنین‌انداز کنیم و خواهان توقف فوری اعدام‌ها در ایران شویم!

مصدومیت دانش آموزان دختر

بر اثر آتش سوزی در ارومیه

عطیه نیک نفس

”فرزین رضازاده، رئیس اورژانس آذربایجان غربی، از مصدومیت ۱۱ نفر در پی آتش سوزی یک سرویس ون حامل دانش آموزان دختر در ارومیه خبر داد. به گفته او، در این حادثه ۱۰ دانش آموز دختر و راننده خودرو آسیب دیدند که چهار نفر از آنها دچار سوختگی سطحی شده‌اند. رضازاده جزئیاتی درباره وضعیت دیگر مصدومان ارائه نکرد.“

در جمهوری ضدانسانی اسلامی جان انسان‌ها هیچ اهمیت و ارزشی ندارد و رژیم هیچ مسئولیتی در

برابر اتفاقات هولناکی که برای مردم در ایران رخ می‌دهد، متقبل نمی‌شود و با بی‌کفایتی و دزدی از بودجه‌هایی که برای رفاه و امکانات مردم باید صرف شود در بسیاری موارد عامدانه، جان مردم را به خطر می‌اندازد و آنها را می‌کشد.

با وجود اتومبیل‌های مدرن و امکانات پیشرفته و مجهز به سیستم‌های امنیتی در برابر حریق و دیگر خطرهای، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دانش‌آموزانی که باید در محیطی امن و با آرامش به تحصیل بپردازند، مدام با خطر مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کنند و اینها همه نشان از ناکارآمدی یک سیستم کاملاً غیرانسانی است که تا همین امروز هم با جنایت و توحش بر سر کار است. عوامل حکومتی که خود می‌دانند تا چه

حدی مقصر این اتفاقات هستند، از هر توضیحی
ممانعت می کنند و با وقاحت تمام می گویند: ”همه
چیز تحت کنترل است.“

این جنایت در حق دانش آموزان و البته تمامی
انسانها باید پایان پذیرد و این امر حاصل
نمی شود تا رژیم اسلامی در ایران نفس می کشد.
والدین این دانش آموزان و تمامی مردم باید علیه
این بی مسئولیتی و درواقع در معرض خطر مرگ
قرار دادن آنها اعتراض کنند و مصرانه خواهان
جوابگویی عوامل این حادثه شوند. داشتن امنیت
جانی از حقوق اولیه انسانی است که با وجود
جمهوری اسلامی دزد و جنایت کار برای آن باید
جنگید.

صدای کودکان بی گناه افراد اعدامی باشیم

شهره قنبری

در خبرها آمده است روناهی، دختر نوجوان حمید حسین نژاد حیدرانلو، زندانی سیاسی که به تازگی به صورت مخفیانه اعدام شد، از ورود به مدرسه منع شد.

جمهوری اسلامی از آغاز موجودیت خود، بنیانش را بر سرکوب، دستگیری و اعدام بنا نهاده است. در این چهار دهه پررنج، هر بار که مردم بر علیه فقر، بیکاری و بی عدالتی به خیابانها آمده اند، پاسخ حکومت چیزی جز خشونت و جنایت نبوده است.

در روزهایی که مردم زیر فشار شدید اقتصادی و سیاسی، تاوان ماجراجویی‌های هسته‌ای حکومت را می‌پردازند، همچنان جان‌های بی‌گناهی بر سر دار می‌روند، از اعدام‌های مکرر در بلوچستان گرفته تا زندانیان دیگری که زیر شکنجه یا با طناب دار جان می‌دهند.

اما این جنایت‌ها تنها به لحظه مرگ ختم نمی‌شوند. اعدام یک انسان، تنها پایان زندگی یک فرد نیست؛ فروپاشی خانواده‌ای است که چشم‌انتظار بازگشت عزیزشان بودند و حالا با پیکر بی‌جان او روبه‌رو می‌شوند. فراتر از آن، رنجی است ماندگار که بر جان بازماندگان تا ابد سنگینی می‌کند.

از دهه سیاه ۶۰، خاطره اعدام‌های جمعی همچنان زنده است. آن زمان حتی حق عزاداری از خانواده‌ها سلب می‌شد و بازماندگان، به‌ویژه فرزندان اعدامی‌ها، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند. کودکانی که بسیاری از آن‌ها آن قدر کوچک بودند که معنای مرگ پدر یا مادرشان را نمی‌فهمیدند. آن‌ها از حق تحصیل محروم می‌شدند؛ مدرسه‌ها از پذیرششان سر باز می‌زدند، و ناچار می‌شدند در خانه درس بخوانند.

این رنج امروز نیز ادامه دارد. به تازگی حمید حسین نژاد حیدرلو، پس از ۱۱ ماه و ۱۰ روز بازداشت و تحمل شکنجه‌های جسمی و روانی برای اعترافات اجباری، اعدام شد. دختر نوجوان او، روناهی حسین نژاد، حالا

با بی‌عدالتی دیگری روبه‌رو شده: مدرسه راهنمایی فاطمیه از ثبت‌نام و حضور او در کلاس‌های درس جلوگیری کرده است. زیرا که رونه‌ی نوجوان برای نجات جان پدرش در مدیای اجتماعی ظاهر شده بود و صدای پدر کولبر بی‌گناهِش شد. پدر را کشتند و دختر را از مدرسه محروم کردند.

این همان ظلمی است که سال‌هاست بر بازماندگان قربانیان اعدام روا داشته می‌شود. حکومتی که برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست و بارها این بی‌ارزشی را، از جمله در فاجعه انفجار بندرعباس، نشان داده است، تیغ سرکوبش را به‌سوی فرزندان داغ‌دیده می‌کشد.

ما وظیفه داریم در برابر این ظلم بایستیم، صدای

کودکان بی گناهی باشیم که قربانی سیاست‌های
مرگ‌اندیشانه شده‌اند.

مرگ بر رژیم اعدام – زنده‌باد زندگی

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۲۸

۱ مه ۲۰۲۵ - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

روز جهانی کارگر، روز زندگی است

کیوان جاوید

تراژدی مرگ بیش از ۷۲ هزار پناهجو در یک دهه

سیاوش آذری

رژیم اسلامی در میان بدنام‌ترین ناقضان حقوق بشر

رضا درویش

۱۰۰ روز اول ترامپ: مناسبات خامنه‌ای و ترامپ

محسن ابراهیمی

روز جهانی کارگر، روز زندگی است

کیوان جاوید

جهان تماماً بر دوش کارگر می‌چرخد. طبقه کارگر آن موتور پیش‌برنده زندگی است و اگر نقش این طبقه در تولید اجتماعی کنار گذاشته شود هیچ‌چیز از رفاهیات و راحتی زندگی برجا نمی‌ماند.

قابل‌تصور نیست که بدون وجود طبقه کارگر جهانی چرخ تولید و توزیع و مبادله در این ابعاد پیشرفته به حرکت در آید. مردم بیمار می‌شوند و نیاز به بیمارستان و دکتر و پرستار دارند تا بهبود پیدا کنند. از تکنولوژی پزشکی و برق و آب و گاز و گرمای شوفاژ و سرمای کولر هر آنچه که به چشم می‌آید معجزه خدایان و خلاقیت اقلیت سرمایه‌داران نیست.

خالقان این جهان درهم تنیده و پیچیده، طبقه کارگری جهانی است.

طبقه کارگر آنچنان گسترده است که بخش اعظم مردم جهان را در بر می گیرد. ۹۹ درصدی های جهان جزو این طبقه اند. معلم و پرستار و بازنشسته زنجیرهای به هم پیوسته این طبقه اند. همه بیکارانی که در بدر دنبال کار می گردند تا لقمه نانی برای زنده ماندن و برای زندگی کردن به دست بیاورند، بخش جدایی ناپذیر این طبقه اند.

اردوی مقابل طبقه کارگر، سرمایه داران قرار دارند. تصور کنید فقط سه سرمایه دار بزرگ در آمریکا به اندازه نیمی از مردم آمریکا و ۸ سرمایه دار در جهان به اندازه ۴ میلیارد نفر از مردم جهان ثروت

دارند. طبق آمار آکسفام هر ۴ ثانیه یک کودک در جهان از بیماری‌های قابل‌پیشگیری جان می‌سپارد. آری فقط ۴ ثانیه. در ایران آقازاده‌های دزد و غارتگر، آیت‌الله‌های انگل میلیاردر و یک قشر قاتل و جنایت‌کار همه ثروت و دارایی جامعه را در چنگال خونین خود متمرکز کرده‌اند.

در مقابل این بربریت حاکم بر جهان، طبقه کارگر قرار دارد. طبقه‌ای که فقط تأمین‌کننده آسایش عمومی نیست، که همچنین می‌تواند ناجی جهان ما باشد. طبقه‌ای که اگر قدرت در دستش باشد و به بردگی مزدی پایان دهد، آنگاه همه بشریت آزاد می‌شود. این طبقه یعنی اکثریت عظیم همه مردم که آزادی و رفاه و خوشبختی طلب می‌کنند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر در ایران یک روز در
امتداد همه روزها است برای نبردی تاریخ ساز؛ برای
کوتاه کردن دست غارتگران زندگی و کوتاه کردن
دست مذهب از همه امور اقتصادی و سیاسی و
اجتماعی و فرهنگی جامعه. این روز در امتداد جنبش
انقلابی زن زندگی آزادی برای سرنگونی جمهوری
اسلامی است.

اول ماه مه روز همه انسانیت بر همه ما مردم مبارک
باد!

تراژدی مرگ بیش از ۷۲ هزار پناهجو در یک دهه

سیاوش آذری

بنا بر گزارش سازمان ملل، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ بیش از ۷۲ هزار نفر از پناهجویان در مسیرهای مهاجرتی جان خود را ازدست داده و یا ناپدید شده‌اند. بخش اعظم این پناهجویان افرادی هستند که از جنگ، بلایا و بحران‌های اجتماعی و سیاسی گریخته‌اند. بنا بر همین گزارش، به دلیل کمبودن داده‌ها در مناطق جنگی و بحران‌زده احتمال بالاتر بودن آمار واقعی جان‌باختگان بسیار زیاد است.

حق تعیین محل زندگی از جمله حقوق پایه‌ای انسانی است که بنا بر ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق

بشر تضمین گشته است. برخوردار بودن از شرایط زندگی در خور انسان و تضمین حق زندگی نیز از جمله حقوق پایه‌ای انسان‌ها است. در نتیجه گریختن از شرایط بحرانی، جنگ، ناامنی سیاسی و اقتصادی، تبعیض، خطر زندان و شکنجه و اعدام نیز، هم واکنشی کاملاً انسانی و قابل درک و دفاع، هم از جمله حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد.

بحران‌های سیاسی و اجتماعی، جنگ، تنش‌های مذهبی و قومی، تبعیض و آپارتاید جنسیتی و نژادی، پاک‌سازی قومی و مذهبی، رژیم‌های دیکتاتوری از جمله حکومت‌های اسلامی در ایران و افغانستان و یا دیکتاتوری‌های نظامی و حکومت‌های مستبد از نوع پوتین و اردوغان و مودی و نژادپرست ضد پناهجویی مثل ترامپ، همه و همه محصول دنیای سرمایه‌داری و

روابط اجتماعی غیرانسانی مبتنی بر کسب سود است. تاریخ سرمایه‌داری تاریخ استثمار، جنگ و خونریزی، کشتار، قتل‌عام و پاک‌سازی قومی و مذهبی است.

سرمایه به جز از سود برای هیچ‌چیز از جمله جان انسان‌ها پیشیزی ارزش قائل نیست. مورد پناهجویان و مهاجران گریخته از جنگ و فلاکت و بحران نیز از این امر مستثنی نیست. دولت‌های غربی به‌جای ارائه راه‌حل‌های واقعی و ایجاد مسیرهای امن و پذیرش پناهجویان و یا تلاش مؤثر برای ایجاد ثبات در جوامع بحران‌زده، با ایجاد موانع در مسیرهای پناهجویان و همچنین از طریق مداخلات با دولت‌ها و نیروهای مرتجع در کشورهای بحران‌زده خود از مهم‌ترین عوامل استمرار بحران و مرگ پناهجویان هستند.

مبارزه جنبش‌های پیشرو در دفاع از حقوق پناهجویان
نقشی تعیین‌کننده در پایان‌یافتن مشقات و تراژدی
پناهجویان خواهد داشت. باید با تمام قوا از حقوق
پناهجویان به دفاع برخیزیم و دولت‌ها را به شناسایی
حقوق آنان و ایجاد مسیرهای امن و قانونی برای
پناهجویان و پایان‌دادن سیاست مماشات با دول
مرتجع واداریم.

رژیم اسلامی در میان بدنام‌ترین ناقضان حقوق بشر

رضا درویش

تازه‌ترین گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل در ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ از نگرانی درباره گسترش نقض حقوق بشر و افزایش بی‌عدالتی و تضعیف حقوق انسان‌ها در سطح جهان خبر می‌دهد. در این گزارش چند صد صفحه‌ای هشدار جدی داده شده که در صورت تداوم چنین وضعیتی بحران کنونی حقوق بشر عمق بیشتری خواهد یافت.

در گزارش عفو بین‌الملل انواع خشونت از جمله جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، آزار و اذیت جنسی علیه زنان و دختران در ارتباط با سودان و افغانستان، همچنین نسل‌کشی در غزه مستند

شده است. در ارتباط با سوریه، حمایت جمهوری اسلامی از رژیم اسد در گزارش عفو بین‌الملل منعکس شده و در مورد افغانستان گفته می‌شود که ۳۰۰ تا ۶۰۰ زندانی به اعدام محکوم شده‌اند و مجازات سنگسار نیز توسط طالبان ازسرگرفته شده است.

تصویری که از ایران در گزارش عفو بین‌الملل ارائه شده سرکوب گسترده مخالفان سیاسی، نقض حقوق زنان و اقلیت‌ها توسط رژیم است. براین‌اساس رژیم اقدام به بازداشت، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و سرکوب تجمعات کرده و خانواده‌های کشته‌شدگان تحت بازداشت و بازجویی قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش عفو بین‌الملل در سال ۲۰۲۴ صدها نفر از جمله زندانیان سیاسی، اقلیت‌های قومی، و افراد زیر ۱۸ سال در ایران اعدام شده‌اند. گفته شده بسیاری از این احکام بر پایه اعترافات اجباری زیر شکنجه صادر شده است. در این گزارش آمده دست‌اندرکاران اعدام‌های جمعی سال ۱۳۶۷ همچنان مصونیت دارند. عفو بین‌الملل آزادی حمید نوری را خطری برای عدالت بین‌الملل دانسته است.

ابراز امیدواری عفو بین‌الملل برای خلاصی از رهبران ضد حقوق بشر از طریق صندوق‌های رأی، به‌ویژه با توجه به تجربیات خونبار مردم ایران تحت حاکمیت توحش قرون وسطایی جز ادامه عمر این رژیم نتیجه‌ای نخواهد داشت. در ایران تحت

حاکمیت جمهوری اسلامی که شلاق و شکنجه و قطع عضو بنام دین مشروعیت دارد و حتی وکیل مدافع تنها به دلیل دفاع از حقوق موکلش زندانی می‌شود، تشکل و تحزب مخالفین ممنوع است و انتخابات صرفاً یک نمایش درون حکومتی است، تغییر از طریق انتخابات جایی ندارد. مردم مبارز ایران می‌دانند دستیابی به زندگی انسانی از مسیر مبارزات متحدانه با حاکمیت و سرنگونی رژیم تحقق‌پذیر خواهد بود.

۱۰۰ روز اول ترامپ: مناسبات خامنه‌ای و ترامپ

محسن ابراهیمی

۱۰۰ روز پیش، دونالد ترامپ در مراسم تحلیفش سوگند یاد کرد که ”فوق‌العاده‌ترین ۱۰۰ روز اول ریاست‌جمهوری در تاریخ آمریکا“ را در پیش رو خواهند داشت! ۱۰۰ روزی که طلوعه ”عصر طلایی“ آمریکا خواهد بود!

در این ۱۰۰ روز، ترامپ بیش از ۱۴۰ فرمان اجرایی امضا کرده است که تک‌تک آنها نشان می‌دهد که سرمایه‌داری آمریکا شخصیتی را به رأس قدرت رانده است که مأموریتش جنگ علنی علیه همه جلوه‌های حقوق بشر است. مأموریتش تبعیض علیه

زنان، تحقیر و تبعیض شهروندان رنگین کمانی، تعرض فاشیستی به پناهجویان، تعرض به بهداشت و درمان و آموزش شهروندان است. مأموریتش پاره کردن زنجیر میلیاردرها برای چپاول بیشتر طبقه کارگر با اسم رمز "بازگرداندن عظمت به آمریکا" است. آن صحنه‌ای که ایلان ماسک فاشیست با اره‌برقی خاویر میلی رئیس‌جمهور هار آرژانتین به شهروندان آمریکا شاخ‌وشانه می‌کشید که چگونه با آن اره دستاورد مبارزات تاریخی‌شان را تکه‌پاره خواهد کرد، خوب نشان می‌داد که "عصر طلایی" ترامپ چه منجلاپی خواهد بود.

یک اتفاق دیگر ۱۰۰ روز اول زمامداری ترامپ که بوی تعفن لجنزار درون "عصر طلایی" او را پراکنده

می‌کند، رابطه او با جمهوری اسلامی است. ترامپ برای هواکردن یک فیل پیروزی در سیاست خارجی در همان ۱۰۰ روز اول، حاضر است برای رسیدن به توافق هسته‌ای حتی با خامنه‌ای ملاقات کند و اگر نه ایران را بمباران خواهد کرد. خامنه‌ای هم در همان ۱۰۰ روز اول از سکوی "مذاکره با ترامپ" شرافتمندانه نیست، به سکوی صلح امام حسنی با قاتل سلیمانی پرش کرده است. ظاهراً خامنه‌ای به این نتیجه رسیده است تنها امید بقای سیاسی خود در یک پشتک‌واری قهرمانانه امام حسنی در مقابل ترامپ است.

مذاکره‌ای که یکطرفش کاراکتری متوهم و مرتجع و ناقض حقوق بشر مثل ترامپ باشد و طرف

دیگرش جنایت کار مرتجع و منفور و درمانده‌ای
مثل خامنه‌ای باشد هیچ معلوم نیست کی و به
چه سرانجامی خواهد رسید، اما یک چیز خیلی
روشن است: اگر کارتر در اوج جنگ سرد به دلایل
تاریخی آن مقطع توانست کمک کند خمینی به
قدرت برسد، مذاکره و معامله با ترامپ نخواهد
توانست وارث خمینی را در قدرت نگه دارد. میان
خامنه‌ای و مردم "دریایی خون فاصله است" که فقط
با یک کلمه پر می‌شود: سرنگونی!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۲۹

۳ مه ۲۰۲۵ - ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

هراس حکومت از نمادهای مقاومت

سیامک بهاری

فشار امنیتی بر کارگران بندر رجایی

حسن صالحی

بند شش قرچک معروف به بند قتل‌ها

یادداشت یک شاهد (زندانی سیاسی سابق)

از چماق و اسید تا پیامک حجاب

کیوان جاوید

هراس حکومت از نمادهای مقاومت

سیامک بهاری

ماه‌منیر مولایی‌راد: "حکومت نه به کودک رحم می‌کند، نه به سنگ قبرش."

می‌شناسیدش، نامش ماه‌منیر است. خدای رنگین‌کمان را در دامن خود پرورانده است، جسارت و شجاعتش را جهان می‌شناسد. در روز خاک‌سپاری فرزندش بی‌باکانه می‌خواند: "آتِل متل توتوله، آسِدِ عَلی چه جورِه؟ یه ریش داره تا سینه، سینه پُر زِ کینه؛ قلبش مثالِ سنگه، حرف‌هاش همه جفنگه!" شجاعتی که بارها در تظاهرات‌ها و در گرامیداشت‌ها بر مزار جان‌باختگان راه

آزادی تکثیر و به گفتمان دادخواهی بدل گشت.

ماه منیر پس از همدلی و اهدا خون به مصیبت زدگان
جنایت حکومت در بندرعباس، روز جمعه ۱۲
اردیبهشت با انتشار تصاویری از تخریب سنگ
مزار کیان پیرفلک و مادر بزرگش، با انتشار کلیپ
کوتاهی می گوید: "حکومت نه به کودک رحم
می کند، نه به سنگ قبرش. دیروز نوبت من بود،
فردا نوبت بقیه."

حکومت از مزار کیانها وحشت دارد، چرا که
آنجا فقط سنگی بر یک مزار نیست، گواه گویا و
بی تردید توحش و بی رحمی، رذالت و زبونی یک
حکومت کودک کش است که تا ابد در خاطره

جمعی مردم باقی خواهد ماند.

جانیان حکومتی از بدو ساختن این سنگ بر مزار کیان به جان طراح و سازنده و کل خانواده افتادند، با تهدید و ارباب تقلا کردند مانع نصب آن شوند، نتوانستند و شکست خوردند، بارها دست به تخریب و بی حرمتی زدند. دو سال پیش، "آتش به اختیاران" حکومتی بر سر مزار کیان شعارهای حمایت از خامنه‌ای نوشتند. در ۲۷ خرداد همان سال سنگ مزار را تخریب کردند. ماه منیر چشم در چشم قاتلان فرزندش فریاد زد: "کودک معصومم از نامت می ترسند، حتی از سنگ قبرت."

در تمامی عمر پُر نکبت جمهوری اسلامی، پیوسته به مزار جان‌باختگان یورش برده‌اند. سنگ مزار بسیاری از زندانیان سیاسی اعدام‌شده، کشته‌شدگان اعتراضات، آرامستان بهائیان، شخصیت‌های محبوب فرهنگی و هنری و گورهای دست جمعی تخریب گشته و مورد انواع بی‌حرمتی قرار گرفته است.

از تخریب چندباره خاوران‌ها تا مزار ژینا، تا ده‌ها جان‌باخته جنبش زن زندگی آزادی، تأکیدی بر هراس حاکمیت از میعادگاه همبستگی مردمی است که نه تنها مرعوب نشده و پا پس نکشیده‌اند که متحدانه، مصمم در کنار هم ایستاده‌اند.

تخریب مجدد مزار کیان، به سرعت به فروش
اعتراض و همبستگی مردمی بدل شد. به زودی
در ۲۱ خرداد امسال، سالروز تولد کیان پیرفلک،
مزارش بازهم صحنه پُرشور همبستگی و اتحاد
علیه حکومت کودک کش جمهوری اسلامی
خواهد شد!

فشار امنیتی بر کارگران بندر رجایی

حسن صالحی

فاجعه هولناک بندرعباس، ابعاد چندگانه و تکان‌دهنده‌ای دارد. تعداد زیادی جان خود را ازدست‌داده‌اند و هنوز فهرست کامل اسامی آنها در دست نیست. صدها نفر در این فاجعه آسیب‌دیده‌اند، و بسیاری نیز مفقود شده‌اند و از سرنوشتشان خبری نیست. خانواده‌های بازماندگان عملاً از سوی رژیم به فراموشی سپرده شده‌اند. اکنون، کارگرانی که به دلیل گزارش‌دادن از کشته‌شدن همکارانشان و بازگوکردن آنچه بر آنها رفته، در معرض فشارهای امنیتی قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش تلویزیون ایران اینترنشنال، دو تن

از این کارگران به دلیل انتشار اخبار مرتبط با این فاجعه بازداشت شده‌اند و دیگران نیز تحت فشار امنیتی قرار دارند.

از همان روز نخست انفجارهای مهیب در بندرعباس - که قدرت آنها معادل ۵۰ تن تی‌ان‌تی گزارش شده - جمهوری اسلامی به‌جای رسیدگی به وضعیت کشته‌شدگان، مصدومان و خانواده‌های آنان، با تهدید و خط و نشان کشیدن، سعی در محدود کردن اطلاع‌رسانی دربارهٔ این فاجعه داشت. آنها به‌خوبی می‌دانستند که با بی‌مبالاتی و بی‌کفایتی‌شان در وقوع این فاجعهٔ سهمگین دخیل بوده‌اند. می‌دانستند که مردم، دستان خونین این حکومت را پشت این "حادثه" خواهند دید و خشم

و نفرتشان از رژیم شدت خواهد گرفت. از همین رو، با صدور دستورات امنیتی و اعمال تهدید و سرکوب، تلاش کردند مانع افشای حقیقت شوند.

اکنون نیز وضعیت بازماندگان فاجعهٔ بندرعباس به شدت نگران کننده است. کارکنان بندر رجایی، تنها دو روز پس از حادثه، ناچار شده‌اند در هوایی مسموم و آلوده به کار خود بازگردند تا همه چیز "عادی" جلوه کند. یکی از آن‌ها که کارمند دفتری است، می‌گوید: "ما از تمام وجودمان مایه می‌گذاریم، اما حقوقمان در پایان ماه فقط سیزده میلیون تومان است. بیمهٔ تکمیلی، پاداش یا حق سختی کار نداریم." او می‌افزاید: "فقط همین را بگوییم؛ نان به قیمت جان." کارگران می‌گویند

چند ماه است که حقوق آنها پرداخت نشده و نگران‌اند چه تضمینی وجود دارد این فجایع تکرار نشوند.

اکنون وظیفهٔ همهٔ ماست که در کنار مبارزه برای دادخواهی صدها نفری که در انفجار مرگبار بندرعباس کشته یا زخمی شده‌اند، برای نجات زندگان این فاجعه نیز برخیزیم. کارگرانی که به دلیل اطلاع‌رسانی دربارهٔ این فاجعه بازداشت شده‌اند، باید فوراً آزاد شوند. مبارزه برای روشن شدن حقایق پنهان بندرعباس و دادخواهی در این زمینه، باید با تلاش برای بهبود شرایط کاری کارکنان بندر رجایی گره بخورد و از حمایت همگانی برخوردار شود.

بند شش قرچک معروف به بند قتل‌ها

یادداشت یک شاهد (زندانی سیاسی سابق)

از بچگی وقتی کلمه قاتل را می‌شنیدم. فکر می‌کردم یک دیو با دوتا شاخ ظاهر می‌شود. حتی از شنیدن کلمه قاتل هم به وحشت می‌افتادم. تا اینکه سال ۹۸ بردنم زندان قرچک با بعضی از دخترهای زیبا و خوش قد و رعنا، که برای همدردی و خوش آمد گویی آمدند پیشم، آشنا شدم و فهمیدم که به جرم قتل زندانی شده بودند. آن موقع به خودم آمدم که قاتل شاخ‌و دم ندارد و همین دخترهای زیبا که همگی قربانی خانواده و جامعه و حکومت فاسد هستند قاتل شده‌اند. یکی از دخترهایی که محکوم به اعدام

بود داستان زندگی‌اش را تعریف کرد.

داستان لیلا

لیلا گفت در خانواده‌ای با پدر و مادر معتاد و چهارتا بچه قدونیم‌قد که بزرگ‌ترین آنها خودم بودم به دنیا آمدم. از ۱۱ سالگی پدرم برای هزینه مواد مرا می‌فروخت و برای سیرکردن شکم خواهر و برادرهایم روزها شیشه ماشین‌ها را پاک می‌کردم. در سن ۱۴ سالگی با اجبار و زور پدرم با مردی ۳۵ سال ازدواج کردم. البته این آقا هم مواد مصرف می‌کرد. ولی وضع مالی‌اش نسبتاً خوب بود و پدرم برای اینکه از ازدواج من هم بتواند پولی به دست بیاورد، مرا مجبور به این ازدواج کرد. دو سال بعد متوجه شدم که با

زن‌های دیگری هم در ارتباط است و خرجی هم نمی‌داد، کتک هم می‌زد و شب‌ها هم یا دیر می‌آمد یا اصلاً نمی‌آمد. یک شب که خیلی هم مواد مصرف کرده بود و اصلاً رو پا بند نبود، شروع به کتک‌زدن من کرد. من هم برای دفاع از خودم هولش دادم. افتاد و سرش به گوشه میز خورد و در جا مُرد. من هم شدم قاتل و محکوم به اعدام. لیلا ادامه داد که یک سال برای گرفتن طلاق پله‌های دادسرا را بالا و پایین رفتم، کسی به دردم توجه نکرد؛ کسی به فریادم نرسید. خانواده‌ای هم نداشتم که حامی من باشد.

لیلا محکوم به اعدام شد. سال ۱۳۹۹ در زندان اوین شنیدم لیلا جوان را اعدام کردند. زمانی

که لیلا تقاضای کمک می کرد، هیچ محکمه‌ای حاضر به شنیدن درد دل و مشکلاتش نشد و هیچ قانونی حق را به لیلا نداد تا جدا شود. حکومت اسلامی زنان را به چشم کنیز می بیند هیچ حق و حقوقی هم برایشان قائل نیست. لایله‌های بسیاری هستند که اعدام به کمینشان نشسته است. ما مردم می توانیم و باید مانع اعدام‌ها شویم.

از چماق و اسید تا پیامک حجاب

کیوان جاوید

روزنامه هم‌مهرین روز ۱۱ اردیبهشت گزارشی درباره گسترش ارسال پیامک به زنان در اصفهان و شیراز و تهران منتشر کرده که در آن به نقل از یکی از زنان آورده است: “نمی‌دانم کدام دوربین و در کجا و چه ساعتی تصویری از من ثبت کرده است؟ من مالک هیچ خودرویی هم نیستم و نمی‌دانم چطور امکان دسترسی به شماره تلفن من از طرف این ستاد وجود دارد؟”

وقتی در اصفهان زنانی که پیاده در شهر تردد می‌کردند پیامک حجاب دریافت کردند،

گمانه‌زنی‌هایی درباره اینکه آنها با کارت مترو یا کارت بانکی‌شان شناسایی می‌شوند صورت گرفت. یکی از احتمالات رصد آنتن‌های موبایل بود که سایت فیلترینگ در گزارشی که روز ۲۸ فروردین منتشر کرد، به این موضوع اشاره کرد.

این یک جنگ روانی با جامعه و زنان بی حجاب است. وقتی چماق و اسید و جریمه‌های سنگین و کتک کاری وسط خیابان و بازداشت به جایی نرسید حالا به این نتیجه رسیده‌اند وضعشان آنقدر خراب و در هم و بر هم است که نمی‌توانند به جنگ علنی زنان در خیابان بروند. زنان با چند ده میلیون نیرو با میلیون‌ها مرد حامی زنان بی حجاب در ایران علیه حجاب اسلامی سنگر

مستحکمی ساخته‌اند و جمهوری اسلامی از قدرت این موج سهم‌گین حرکت اجتماعی پشیم و پيله‌اش ريخته است.

قانون حجاب كه همین چند ماه پیش در مجلس كذايي و ضدبشري اسلامي‌شان تصويب شده بود با موانع اجرايي عديده‌اي روبرو شد و پزشكيان، رئيس قوي مجريه اين حكومت هم صاف‌وساده گفت در توان ما نيست كه به جنگ زنان بي‌حجاب برويم. با زبان بي‌زباني خطاب به صفوف حكومتي در مجلس و نيروي انتظامي و... گفت اگر اصرار در اجراي اين قانون را داريد بايد منتظر باشيد تا يك جمعيت عظيم به شكل وسيع و سراسري در دفاع از بي‌حجابي به خيابان

بریزد.

حالا بعدازاین همه تجربه مفتضحانه در به بند کشیدن زنان و تحمیل حجاب، این سمبل بردگی زنان و این پرچم خونین حکومت اسلامی و به چشم دیدن شکست پشت شکست، به این نتیجه رسیده‌اند که پیامک تهدیدآمیز بفرستند. طوری که هیچ ارگانی هم جرئت نکند مسئولیت آن را بپذیرد و دولت هم بگوید بدون اطلاع ما است.

اگر آن جنگ رو در روی اسید و چماق در تقابل با زنان شکست خورده است، ما زنان و همه مردم این جنگ مضحک روانی ارسال پیامک را در هم می‌کوبیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۳۰

۴ مه ۲۰۲۵ - ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

بزرگ‌ترین آسیب علیه زنان

سیاوش آذری

اعدام در ایران، کشتار بی وقفه برای ارباب

سینا پدرام

آزادی رسانه‌ای - جمهوری اسلامی ۱۷۶ از ۱۸۰

کیوان جاوید

آب شدن لایحه در حمایت از زنان

پریسا پوینده

بزرگ‌ترین آسیب علیه زنان

سیاوش آذری

سوده نجفی، عضو شورای شهر تهران، با هشدار در مورد آسیب‌های اجتماعی علیه زنان از جمله فقر، خشونت خانگی و تبعیض جنسیتی گفت: ”زنانی که به دلیل نبود فرصت‌های شغلی و فقر قادر به تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌شان نیستند، در معرض وابستگی و خشونت‌های پنهان قرار می‌گیرند.“

مسئلاً استقلال اقتصادی و برابری در برخوردار بودن از امکانات تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی و به‌موازات آن حمایت‌های قانونی و سیاسی در ارتقای

حقوق و موقعیت اجتماعی زنان نقش بسزایی دارد.

نکته اینجاست که در ایران تحت سیطره رژیم اسلامی سیستم سیاسی و قوانین موجود دقیقاً در تقابل با برابری و رهایی زنان قرار دارند. از منظر حکومت اسلامی زنان نه انسان‌هایی برابر، بلکه شهروندانی درجه دوم محسوب می‌گردند که از بسیاری از حقوق پایه‌ای محروم‌اند. زن در این نگاه ماشین ساخت فرزند است و حق مشارکت در امور اجتماعی را ندارد.

بازتاب تحمیل قوانین تبعیض‌آمیز به جامعه و زنان در پاگیری و رشد ساختارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز علیه زنان مشهود است. رشد و رواج

زن‌کشی، قتل‌های ناموسی و مردسالاری نهادینه شده و رواج تن‌فروشی روی دیگر سیاست تبعیض و اجحاف سیستماتیک علیه زنان و نبود قوانین و نهادها در حمایت از حقوق آنان است. به این معنی “مسئله زن” در ایران در درجه اول نه مسئله‌ای اقتصادی و “فرهنگی” بلکه کاملاً سیاسی است و حل معضلات زنان در نهایت به رهایی زنان و کل جامعه از بختک جمهوری اسلامی وابسته است.

با این حال، علی‌رغم سلطه جمهوری اسلامی در ۴۶ سال گذشته، حکومت اسلامی قادر به تمکین کشاندن زنان و جامعه نبوده است. زنان در تمامی این سالیان در صف مقدم مبارزه برای

حقوق خود و رهایی کل جامعه حضور پر رنگ اجتماعی داشته‌اند. انقلاب زن زندگی آزادی که منجر به عقب‌راندن رژیم و تسخیر خاکریز حجاب اسلامی شد مصداق این ادعاست. در راستای اعتلای انقلاب و رهایی زنان و کل جامعه باید پرچم دفاع از حقوق زنان را برافراشته‌تر کنیم. بسیج جنبش مطالبه آزادی پوشش، حقوق شهروندی برابر و الغای تمامی قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، مطالبه حق برخورداری از خدمات اجتماعی مانند مهد کودک و دسترسی به خدمات بهداشتی رایگان از جمله کلینیک‌های دولتی سقط جنین، مزد برابر در ازا کار مشابه و مرخصی زایمان با حقوق کامل گامی اساسی در این مسیر است.

اعدام در ایران، کشتار بی وقفه برای ارباب

سینا پدram

در گزارش جدید سازمان حقوق بشر ایران آمده است که در ماه آوریل ۲۰۲۵، دست کم ۱۱۰ نفر در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند. این سازمان هشدار داده که موارد اعدام در چهار ماه نخست سال جاری میلادی به ۳۴۳ تن رسیده و نسبت به سال گذشته، افزایش ۷۵ درصدی داشته است.

بر اساس این گزارش، ۵۵ درصد اعدام‌ها (۶۱ نفر) مربوط به جرائم مرتبط با مواد مخدر بوده، درحالی‌که ۳۹ نفر با اتهام قتل عمد و ۹ نفر با اتهاماتی مانند "محاربه" و "افساد فی‌الارض"

اعدام شده‌اند. همچنین ۷ نفر به دلیل "ارتباط با گروه‌های سیاسی و مذهبی" و یک نفر به اتهام "جاسوسی برای اسرائیل" جان باخت‌اند. محمود امیری‌مقدم، مدیر این سازمان، اعدام‌های گسترده را بحرانی بزرگ در وضعیت حقوق بشر ایران دانسته و خواستار واکنش جدی جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی شده است

فقط برای چند دقیقه چشمان خود را ببندید و به این فکر کنید که هر روز قبل از آنکه از خواب بیدار شوید، چند انسان را چندین ماه و یا سال در زندان نگه داشته‌اند. چند هفته قبل از قتل آنان، حکم اعدام را به آنان ابلاغ کرده‌اند و پس از آنان را به انفرادی زندان برده‌اند. تصور

کنید که این انسان‌ها برای چندین روز به انتظار مرگ خود در یک اتاقک کوچک حبس شده‌اند و تمامی امیدشان قطع شده است. فکرش بکنید این انسان‌ها با چه اضطرابی به در سلول خود می‌نگرند. شاید آرزو می‌کنند که این در هیچگاه باز نشود. شاید و شاید آرزو می‌کنند که یک‌بار دیگر می‌توانستند زن، بچه، مادر، پدر، خواهر، برادر، و شاید معشوق و دوست دیرین خود را یک‌بار برای همیشه بغل کنند و به آنان بگویند که چقدر دلشان برایشان تنگ شده است و اکنون تصور کنید که یکی از این انسان‌ها که قرار است اعدام شود پدر، مادر، کودک و یا دوست بسیار خوب شماست. آیا هنوز هم می‌توانید بگویید اعدام به شما مربوط نیست. اعدام فقط

گرفتن زندگی از یک فرد نیست، ارباب همه ما
مردم است که برای یک زندگی بهتر و انسانی‌تر
می‌جنگیم.

برای لغو اعدام باید با رژیم اسلامی جنگید.
باید به سه‌شنبه‌های اعتراضی پیوست. باید با
هر ابتکاری دست‌به‌کار جلوگیری از تکرار هر
روژه این فاجعه شد. برای لغو اعدام باید رژیم
صدها هزار اعدام را سرنگون کرد. برای لغو اعدام
حکومت موجد آنرا باید ملغی کرد.

آزادی رسانه‌ای – جمهوری اسلامی ۱۷۶ از ۱۸۰

کیوان جاوید

طبق گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، وضعیت آزادی مطبوعات در جهان در سال ۲۰۲۵ به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. در شاخص آزادی مطبوعات، ایران از میان ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۷۶ قرار گرفته است.

با این وجود اینطور نیست که با این آمار دیگر مردم دسترسی به اخبار درست نخواهند داشت. اینطور نیست که رژیم اسلامی برای "خودش می‌برد و می‌دوزد" یا جامعه در اوج بی‌خبری از رویدادها نمی‌داند حقیقت چیست. این تحقیق گزارشگران

سازمان بدون مرز فقط یک واقعیت را برای چندمین بار گوشزد می‌کند. اینکه جمهوری اسلامی یک حکومت سرکوبگر ضد بشر است و برای کنترل جامعه از هیچ جنایتی فروگذار نیست.

آزادی مطبوعات و آزادی بیان یک رکن بسیار مهم از آزادی جامعه است و برای به کرسی نشاندن آزادی بیان در دنیا جنگ‌ها و مبارزات زیادی صورت گرفته است. وقتی به آزادی بیان فکر می‌کنیم فوراً شاخص رفاه و بهداشت و برخوردار شدن از سازمان‌های کارگری و نهادهای دفاع از حقوق مدنی و آزادی فعالیت احزاب هم همراه با آزادی مطبوعات مطرح می‌شود.

نمی‌شود حکومت مذهبی داشت و مطبوعات را متصور بود که علیه مذهب، در دفاع از حقوق زنان، در تبلیغ بی‌خدایی دستی باز داشته باشد. وقتی فقر و فلاکت اقتصادی تنها قانونی است که یک حکومت با همه توان از آن پاسداری می‌کند، نمی‌توان مطبوعات قانونی داشت که علیه این وضعیت اطلاع‌رسانی کند. اطلاع‌رسانی علیه فقر با خودش مبارزه علیه فقر و فلاکت را به دنبال می‌آورد. به این دلیل فقر و دیکتاتوری همزاد هم‌اند.

طبق ارزیابی گزارشگران بدون مرز ۹۰ کشور از ۱۸۰ کشور در قعر لیست سرکوب مطبوعات قرار دارند و بقیه آن کشورها نیز روز خوشی ندارند. در این میان تنها معدود کشورهای اروپایی و یکی دو

کشور غیراروپایی ”خوب“ ارزیابی شده است.

خبر خوش البته این است که رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و بسیاری دیگر راه‌های اطلاع‌رسانی اجتماعی در انحصار دولت‌ها نیستند. ما هم اکنون با کوهی از تبادل اطلاعات درست و ضددولتی روبرو هستیم که خبرنگارانش همین مردم کوچه و بازار هستند. درد حکومت‌ها این است که با رشد عظیم اطلاع‌رسانی و مبادله اخبار و تفکر جای کمتری برای کنترل خبری وجود دارد. جامعه آزاد و انسانی حتی یک سرسوزن به فکر محدودکردن آزادی بیان نخواهد بود، چون نیازی به چنین کنترلی ندارد.

آب شدن لایحه در حمایت از زنان

پریسا پوینده

دولت "لایحه حمایت از زنان" که بیش از ۱۰ سال در حال پیگیری بود را به خاطر آنچه "دست بردن در روح لایحه" خوانده است، از مجلس پس گرفت. معاون امور زنان گفته، ماهیت لایحه آنچنان تغییر داده شده که "همان بهتر که پس گرفته شود."

بیش از ۱۰ سال از تهیه لایحه "حمایت از زنان در برابر خشونت" می‌گذرد، اما فکر نمی‌کنم هیچ عقل سلیمی یک لحظه به این فکر می‌کرد که: حالا مجلس نشینان غرق در کثافت اسلام، قانونی

در حمایت از زنان در برابر خشونت تصویب کنند.

اگر قرار نیست یک سرسوزن قانونی در دفاع از زنان تصویب شود پس چه دلیلی دارد این لایحه به مجلس اسلامی حواله بشود. تازه این طور هم نیست که قرار بود با تصویب یک قانون ضد خشونت، وضعیت زنان تغییر بکند و این خشونت حتی به اندازه یک بند انگشت از زندگی زنان دور شود. دلیل اینکه به این فکر افتادند، به اوضاع جامعه بر می گردد.

مردم در ایران خشونت بر زنان را به قوانین و فرهنگ حاکم وصل می کنند. جامعه می داند که زن در اسلام موجود مستقل و صاحب رأی نیست،

صاحب زندگی خودش نیست، استقلال شخصی ندارد و اگر جمهوری اسلامی می‌توانست همه زنان را از محیط اجتماعی و مدرسه و کارخانه و دانشگاه و محل کار جمع می‌کرد و به‌عنوان کنیز روانه پستوی خانه‌ها می‌کرد.

جامعه ایران و فرهنگ ضداسلامی حاکم بر زندگی مردم فرسنگ‌ها با تفکر این اوباش حاکم فاصله دارد. در ایران یک جنبش سهمگین برابری‌طلبی ضداسلامی در جریان است و به‌موازات این جنبش رژیم اسلامی به خشن‌ترین وجه ممکن در برابر این مدرنیسم در جامعه واکنش نشان می‌دهد. فشار این جنبش برابری‌طلبانه جنبش زنان باعث می‌شود جناح‌های درونی حکومت بعضاً ژست

مدافع حقوق زنان را در مجلس کذایی خودشان بگیرند تا این‌طور وانمود کنند که از جمهوری اسلامی هم در دفاع از زنان کاری بر می‌آید.

بزرگ‌ترین “لایحه‌ای” که ما مردم به جامعه ارائه دادیم و برای تصویبش در خیابان می‌جنگیم، همانا جنگیدن به نیروی اجتماعی خودمان است تا آتش به انبار حکومت اسلامی بزنیم. قانون بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تماماً و مطلقاً در برگیرنده آزادی و برابری زنان خواهد بود. پرچم این قانون برابر را جنبش زن زندگی آزادی از همین حالا به اهتزاز درآورده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۳۱

۵ مه ۲۰۲۵ - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

اعتراض بازماندگان قربانیان فاجعه بندرعباس

حسن صالحی

نگاهی به مبارزات بازنشستگان

گفتگو با شهلا دانشفر

ترامپ در لباس پاپ

کاظم نیکخواه

جهان علیه مجازات اعدام در ایران

میلاد رسایی منش

اعتراض بازماندگان قربانیان فاجعه بندرعباس

حسن صالحی

روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت، شماری از خانواده‌های قربانیان انفجار و آتش سوزی در بندر رجایی بندرعباس، در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن وضعیت مفقودین، مقابل ورودی این بندر تجمع کردند. این خانواده‌ها با دردست داشتن تصاویر عزیزان ناپدید شده خود، خواستار شفاف‌سازی و تعیین تکلیف وضعیت آنان شدند.

این تجمع، همچون دیگر اعتراضات مدنی مشابه، نیازمند حمایت گسترده عمومی و رسانه‌ای است. فاجعه‌ای با این ابعاد نباید به سادگی به فراموشی سپرده شود. باید حقیقت این حادثه هولناک — که

جمهوری اسلامی نقش مستقیمی در وقوع آن داشته
— روشن شود و خواسته‌های بازماندگان با جدیت
مورد رسیدگی قرار گیرد.

جمهوری اسلامی در تلاش برای کوچک‌نمایی ابعاد
این فاجعه، آمار کشته‌شدگان را از ۷۰ نفر به ۵۷
نفر کاهش داده است. این در حالی است که شواهد
و گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که شرکت
سینا، محل نگهداری مواد شیمیایی خطرناک، تحت
مالکیت سپاه پاسداران بوده و حتی گمرک از محتوای
دقیق آن بی‌اطلاع بوده است. با دستگیری چند مدیر
دولتی و خصوصی، تلاش شده تا نقش سپاه در این
حادثه پنهان بماند. اما این اقدامات نمایی نمی‌تواند
واقعیت را از مردم پنهان کند.

مردم می‌پرسند چگونه است که حکومت برای دستگیری یک فعال سیاسی فوراً وارد عمل می‌شود و تمام امکانات خود را به کار می‌گیرد، اما پس از گذشت یک هفته هنوز نمی‌تواند تکلیف مفقودشدگان را روشن کند. در عوض، با تهدید و صدور دستورات امنیتی تلاش می‌کند معترضان و دادخواهان را به سکوت وادار کند.

این تنها یک فاجعه نیست. ادامه‌ای است بر ده‌ها حادثه تلخ دیگر؛ از معدن طبس گرفته تا پلاسکو، متروپل آبادان، و حالا بندرعباس. حکومتی که کشور را به قتلگاهی سراسری بدل کرده، نمی‌تواند از مسئولیت بگریزد.

اسکله رجایی، با وجود آن که رژیم کارگران و کارکنان را با زور و در شرایطی به شدت آلوده و مسموم به محل کار بازگردانده، هنوز ناامن است. امروز، دوشنبه ۱۵ اردیبهشت، گزارش‌هایی منتشر شد که از وقوع مجدد آتش‌سوزی در این اسکله خبر می‌دهند. ما به این رژیم دغل‌کار و سرکوبگر هیچ اعتمادی نداریم.

ما باید ضمن حمایت قاطع از مطالبات بازماندگان قربانیان این جنایت، خواستار آن باشیم که هیئتی مستقل و متشکل از نهادهای مردمی فعال در ایران، به این مسئله ورود کند. درد و رنج مردم بندرعباس، درد و رنج همه ماست. ما در دادخواهی این مردم برای اجرای عدالت، شریک و همراه هستیم.

نگاهی به مبارزات بازنشستگان

گفتگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: بازنشستگان یک بخش مهم جنبش بر سر معیشت و رفاه هستند. خواست‌های اعتراضی آنها چیست و مبارزاتشان چه جایگاهی دارد؟

شهلا دانشفر: امروز جنبشی گسترده بر سر معیشت و رفاه در سطح جامعه جاری است. بازنشستگان در صف مقدم آن قرار دارند و روزهای مختلف هفته را به تجمعات اعتراضاتی خود اختصاص داده‌اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری، معلمان، مخابرات، نفت، بهداشت و درمان صف بزرگ بازنشستگان را تشکیل می‌دهند. همسان‌سازی

حقوقها و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی شصت، هفتاد میلیونی، درمان و تحصیل رایگان، حق داشتن مسکن و پایان دادن به چپاول صندوق‌های بازنشستگی و سرکوبگری‌ها، خواست‌های مشترک و فوری جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان هستند که مضمون اتحاد مبارزاتی‌شان است. بعلاوه هر بخشی از آنان خواست‌هایی فوری همچون پرداخت معوقات مزدی و اجرای مصوبات اجرا نشده‌ای که می‌توانند بهبودی ایجاد کنند را دارند.

اعتراضات بازنشستگان محدود به خواست‌های معیشتی خود نیست. بلکه به عنوان شهروند جامعه به کل بساط سرمایه‌داری وحشی حاکم معترض‌اند و صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند. یکی از فراخوان‌دهندگان گرامیداشت روز جهانی کارگر

امسال بازنشستگان بودند و در برابر فاجعه مرگبار انفجار بندر رجایی فریاد "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" از تجمعات بازنشستگان بلند شد که به شعارنویسی‌هایی خیابانی و شعار اول مه تبدیل شد.

بازنشستگان یک نیروی مهم انقلاب زن زندگی آزادی بوده و با فریاد "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، در دفاع از خاکریز فتح شده حجاب، سدی در برابر تعرضات حکومت به زنان هستند. علیه اعدام و زندان ایستاده و به نجات جان شریفه‌ها و محکومین به اعدام برخاسته‌اند. با فریاد "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گین آمریکاست" علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت قد علم کرده و شعار "معرض زندانی آزاد باید گردد" را به خیابان کشانده‌اند.

اعتراضات بازنشستگان تأثیر مهمی در داغ نگاهداشتن فضای اعتراض در جامعه و جلو آوردن گفتمان‌های رادیکال و انسانی دارد. یک دستاورد بزرگشان سازمان‌یافتگی اعتراضاتشان است و امروز با تشکل‌هایشان فراخوان اعتراض می‌دهند. در کرمانشاه تجمعات مشترک بر پا کرده و در مقاطعی تجمعات مشترکشان شکل سراسری داشته و چندین هزارنفره برگزار شده است. این اتفاقات مکان اعتراضات آنها را نشان می‌دهد.

سوسن صابری: اعتراضات بازنشستگان تابه‌حال به چه نتیجه‌ای رسیده است و اگر به خواسته‌هایشان تابه‌حال نرسیده‌اند چه دلیلی دارد؟

شهلا دانشفر: جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه توانش

را دارد که به مطالبات بازنشستگان و مردم معترض پاسخ گوید. پاسخ حکومت به مردم چپاول و سرکوب است. بازنشستگان نیز ایستاده‌اند. بازنشستگان با مبارزاتشان جلوی تعرضات بیشتر را گرفته‌اند، بعضاً توانسته‌اند بخش‌های کوچکی از طلب‌هایشان را نقد کنند. در صف جلوی مبارزه بر سر معیشت و علیه سرکوب و اعدام بوده‌اند و مبارزاتشان نقش مهمی در بهبود توازن قوا برای تداوم مبارزات خود و جامعه داشته است. جنبش معیشت عرصه مهمی از رویارویی مردم با حکومت است که در شعار زن زندگی آزادی، بازتاب یافت. به عبارت روشن‌تر اعتراضات بازنشستگان امروز به طور واقعی بخشی از اعتراضات کل جامعه برای هموارکردن مسیر پیشروی انقلاب و به پیروزی رساندن آن است.

بازنشستگان با توجه به دستاوردهایی که کسب کرده‌اند و جایگاه مبارزاتی‌شان، قدرتمندتر می‌توانند عمل کنند. اگر در کرمانشاه تجمع هفتگی مشترک بازنشستگان ممکن شده، می‌شود همین الگو را همه‌جا تکثیر کرد. می‌شود گروه‌های مختلف بازنشستگان همگی به صورت یک شبکه مبارزاتی سراسری نیروی بیشتری بسیج کنند و این کمبودی جدی است که باید برای رفع آن دست بکار شد. ضعفی که در مبارزات بخش‌های مختلف کارگری در سطح جامعه وجود دارد و اتحاد اکتیویست‌ها و رهبران کارگری - اجتماعی فاکتور مهمی در رفع این کمبود است.

ترامپ در لباس پاپ

کاظم نیکخواه

دونالد ترامپ روز گذشته عکسی از خود را که با هوش مصنوعی در لباس پاپ درست شده منتشر کرد. نیم ساعت بعد، همان عکس در حساب رسمی کاخ سفید در شبکه اجتماعی ایکس به اشتراک گذاشته شد.

این تصویر یک هفته پس از شرکت ترامپ در مراسم خاکسپاری پاپ فرانسیس منتشر شده است. در این تصویر، ترامپ ردای سفیدی به تن دارد، گردن‌بندی طلایی با صلیب به گردن آویخته و تاجی بر سر گذاشته است و روی تخت سلطنتی به رنگ طلایی نشسته و انگشت اشاره دست راستش

را بالا گرفته و نگاهی جدی بر مخاطب خود دارد.

چند روز پیش ترامپ در کاخ سفید، در پاسخ خبرنگاران در مورد انتخاب پاپ بعدی گفت دوست دارد خودش پاپ شود و این انتخاب شماره یک او خواهد بود.

پاپ فرانسیس که هفته گذشته درگذشت چند سال پیش در سخنرانی‌ای در نزدیکی مرز مکزیک در اشاره به سیاست اعلام شده ترامپ برای دیوار کشیدن میان آمریکا و مکزیک و فشار به پناهندگان گفته بود که ترامپ مسیحی نیست. ترامپ از او انتقاد کرد که چرا اعتقاد او به مسیحیت را زیر سؤال برده است. به نظر حق با ترامپ بود. چرا دیوار کشیدن و پناهندگان را دستگیر و

زندانی کردن با مسیحیت خوانایی ندارد؟ مگر مسیحیت هیچ‌وقت از حقوق پناهندگان و زنان و اقلیت‌های جنسیتی و کلاً انسان‌ها دفاع کرده است؟ مسیحیت و همه مذاهب به‌ویژه اسلام طی قرون و اعصار در خدمت صاحبان ثروت و سرمایه به‌راستی تسمه از گرده مردم کشیده‌اند و بدترین بلاها از دارزدن و زنده‌زنده سوزاندن و پرتاب از بلندی و تجاوز و غیره را بر انسان‌ها به‌ویژه زنان نازل کرده‌اند. نمونه زنده حکومت اسلامی و داعش و القاعده و جریانات فاشیست مسیحی در دوره کنونی هستند که با استناد به کتاب‌های “آسمانی” فجیع‌ترین جنایات را علیه مردم مرتکب می‌شوند. اگر فشار اجتماعی که مذاهب را طی جدال‌های بسیار به درجات مختلف افسار زده است، از گرده مسیحیت بردارند، پاپ هم موجودی مثل ترامپ یا

خامنه‌ای خواهد شد که کارشان دزدی و چپاول و جنایت است. ترامپ با تصویرکردن خود در لباس پاپ در واقع روح مسیحیت و مذهب را که ابزاری در خدمت میلیاردرها و سرمایه‌داران و اربابان بوده و هست، لخت و عریان جلو چشم گذاشته است.

جهان علیه مجازات اعدام در ایران

میلاد رسایی منش

در پی افزایش اعدام‌های سیاسی در ایران، بیش از ۳۰۰ شخصیت جهانی در بیانیه‌ای مشترک از سازمان ملل متحد خواستند تا برای توقف این روند مداخله کند. این بیانیه که توسط کارزار «عدالت برای قربانیان کشتار ۶۷» منتشر شده، اعدام‌های اخیر را نقض فاحش حقوق بین‌الملل دانسته و خواستار اقدام فوری برای جلوگیری از اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی مانند بهروز احسانی و مهدی حسینی شده است.

در سال ۲۰۲۴، جمهوری اسلامی با اجرای بیش از

۹۷۵ حکم اعدام، بالاترین آمار اعدام در سه دهه □
اخیر را به ثبت رسانده است. این اعدام‌ها شامل
زنان، نوجوانان و مخالفان سیاسی بوده است.

سازمان‌های مدافع حقوق انسان و نهادهای
بین‌المللی، از جمله گزارشگران ویژه □ سازمان ملل،
بارها نسبت به روند ناعادلانه □ محاکمات، استفاده
از اعترافات تحت شکنجه و عدم دسترسی به وکیل
برای متهمان اعتراض کرده‌اند. این اقدامات رژیم در
تمامی این سال‌ها نشان‌دهنده □ استفاده □ نظام از
اعدام به عنوان ابزار سیاسی برای سرکوب و ایجاد
رعب و وحشت در جامعه است.

در این شرایط، فشارهای بین‌المللی برای توقف

اعدام‌ها و حمایت از حقوق ابتدایی مردم در ایران ضروری است. قطع روابط دیپلماتیک و بایکوت سیاسی و فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند برای توقف اعدام‌ها و آزادی زندانیان سیاسی انجام شود. مخالفت و مقابله با مجازات اعدام، به‌ویژه در نظامی که از آن برای سرکوب مخالفان استفاده می‌کند، نه تنها یک موضع انسانی، بلکه یک ضرورت سیاسی برای حمایت از آزادی، عدالت و کرامت انسانی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۱

۶ مه ۲۰۲۵ - ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

فاجعه بندر رجایی و قربانیان بی‌شناسنامه

سیما بهاری

افق ناروشن مذاکرات هسته‌ای و موقعیت مردم

سیاوش آذری

نخوردن صبحانه و اثرات مخرب آن بر کودکان دبستانی

سینا پدرام

حجاب بربادرفته با پول برنمی‌گردد!

عطیه نیک‌نفس

پاک‌سازی قومی مردم غزه، جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

فاجعه بندر رجایی و قربانیان بی‌شناسنامه

سیما بهاری

”بسیاری از قربانیان فاجعهٔ بندر رجایی، کارگران بلوچ‌اند که نه شناسنامه داشتند، نه اسمشان جایی ثبت شده، و نه کسی دنبالشان می‌گردد.“

بیش از یک هفته از انفجار در اسکلهٔ رجایی می‌گذرد. هنوز گزارشی در مورد ابعاد فاجعه و شفافیتی در مورد موضوع نه چاپ شده و نه مسئولی از خیل کار به دستان مفت‌خور و دروغگو مقابل دوربین قرار گرفته تا توضیحی به مردم بدهد. اصلاً خودشان را موظف نمی‌دانند حرفی بزنند. آنچه مشخص است با امنیتی‌کردن فضا و با خط‌ونشان کشیدن برای خبرنگاران و خانواده‌های قربانیان و یا شاهدان عینی،

مانع روشن شدن حقیقت می‌شوند. مردم خودشان تا حدودی خبررسانی می‌کنند. همان یک‌ذره خبری که درز پیدا کرده و همان اندازه که منعکس شده آن قدر هولناک و بزرگ است که نفس را در سینه حبس می‌کند.

یکی از این خبرهای بسیار دردناک و شوکه‌کننده همین خبر مربوط به کارگران ثبت‌نشده و بی‌شناسنامه بلوچ است. گویی از ابتدا نبوده‌اند. آنها سوخته‌اند، خاکستر شده‌اند، ناپدید شده‌اند و بازماندگان‌شان هم نمی‌دانند به کجا مراجعه کنند و از کی خبر بگیرند؟ کارفرما کیست؟ هم او که این کارگران را بی‌برگه هویت به کار گرفته؟ آقا زاده‌ای که حتی لازم نمی‌داند محموله‌اش را در گمرک ثبت کند؟ سپاه پاسداران؟ بنیاد مستضعفان؟ کدام‌یک از این

ارگان‌ها و یا افراد که دست هر مافیایی را از پشت بسته‌اند؟ مطمئناً هیچ کدامشان زحمت توضیح به خود نمی‌دهند. راستش لازم هم ندارند. دولت و حکومت مال خودشان است. یک‌مشت دزد غارتگر، بر سر خوان چرب و آب‌ونان‌دار جامعه نشسته‌اند و دارند آخرین رمق‌هایش را می‌کشند.

فجایعی این‌چنین، اهمیت اعتراض متشکل را بیش‌ازپیش مقابلمان می‌گذارد. جمهوری اسلامی حکومت مرگ و نابودی است. حکومت فاجعه است. شلیک به هواپیمای مسافربری، فاجعه قطار نیشابور، فاجعه بندر رجایی و ده‌ها جنایت دیگر که جان بسیاری از عزیزانمان را گرفته، حاصل کار این حکومت و اراذل حکومتی است.

خانواده‌ها و بازماندگان فاجعهٔ بندرعباس باید انجمن خانواده‌های پرواز را الگوی خود قرار دهند. خود را متشکل کنند. در انجمن و نهاد خودشان تقسیم کار کنند و اعتراضات خودشان را سازمان دهند. جمهوری اسلامی را با اعتراضات متشکل وادار به پاسخگویی کنیم.

افق ناروشن مذاکرات هسته‌ای و موقعیت مردم

سیاوش آذری

در پی به تعویق افتادن دور چهارم مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و جمهوری اسلامی دونالد ترامپ در گفتگو با شبکه ان بی سی گفت که موضع نهایی وی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی "برچیدن کامل" آن است. با این حال ترامپ همچنین گفت که امکان پذیرش برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران نیز موجود است؛ اما این سرفصل جدیدی در مذاکرات است.

تعویق مذاکرات هسته‌ای سقوط شاخص بورس تهران و افزایش نرخ دلار را در پی داشته است.

شاخص بورس با ۶۱ هزار و ۱۱۶ واحد افت، یک بار دیگر قرمز شد و قیمت دلار در بازار آزاد ۵ درصد افزایش یافت. در این میان روزنامه دنیای اقتصاد از بالاترین "میزان خروج بی سابقه پول سهام داران خرد از بازار" در دو سال گذشته که "نشان دهنده سطح بالای بی اعتمادی میان سرمایه گذاران حقیقی است" گزارش داد.

این اخبار و گزارشات بار دیگر اوضاع بحرانی اقتصاد در حال فروپاشی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. سرمایه گذاری در بازار مستلزم وجود شرایط سیاسی و اقتصادی نسبتاً پایدار در یک کشور است؛ اما جمهوری اسلامی خود بزرگترین مانع ایجاد چنین شرایطی است.

اما نکته مهم تر و تعیین کننده تر و خامت اوضاع معیشتی
توده‌های وسیعی است که فی الحال در فقر و فلاکت
به سر می‌برند؛ مسئله اصلی واکنش مردم به وضعیت
پیش روست. مردم می‌دانند که حتی دست یافتن
جمهوری اسلامی به توافق با آمریکا و غرب و لغو
تحریم‌ها قرار نیست بهبودی جدی در اوضاع آنها
ایجاد کند؛ آنها می‌دانند که نگرانی و هدف اصلی
رژیم اسلامی از مذاکرات استمرار موجودیت نظام
و دم‌ودستگاه عریض و طویل غارت و چپاول ثروت
اجتماعی و پر کردن جیب‌های آخوندهای میلیاردی
و آقا زاده‌ها و اعوان و انصار بیت کذایی رهبری است.

از منظر ما مردم نتیجه مذاکرات هسته‌ای برای
جمهوری اسلامی چوب دوسر طلاست: شکست
مذاکرات، جمهوری اسلامی را در مقابل مردم در

موقعیتی ضعیف‌تر و کاملاً بحرانی قرار خواهد داد؛
“پیروزی” مذاکرات بر بحران هویتی جمهوری
اسلامی دامن خواهد زد و آن را وادار به عقب‌نشینی
در مقابل مردم خواهد نمود. اما پیروزی ما مردم
مستلزم اعتلای جنبش انقلابی است. فارق از شکست
و پیروزی مذاکرات، برافراشتن پرچم مطالبه معیشت
و منزلت، رفاه، آزادی، برابری و ایجاد شرایط یک
زندگی در شأن انسان گامی اساسی در این راستا و
پایان‌دادن به کلیت نظام اسلامی است.

نخوردن صبحانه و اثرات مخرب آن

بر کودکان دبستانی

سینا پدرام

رسول خادم، قهرمان پیشین المپیک در رشته کشتی، با انتشار ویدئویی در اینستاگرام خود، کودکان دبستانی را در حاشیه شهر زاهدان نشان داده که می گویند گرسنه‌اند و چیزی برای خوردن ندارند. خادم در این پست اینستاگرامی، تصاویر را مربوط به اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۴ دانسته است.

مطالعات دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۹۷ نشان داد که شیوع کم‌وزنی در کودکان ایرانی حدود ۱۵.۵٪ است. بیشترین شیوع

کم‌وزنی در کودکان بیرجند و زاهدان با ۶۸.۶٪ گزارش شده است. همچنین مطالعات دانشگاهی در دهه‌های گذشته در دانشگاه بیرجند و کرمانشاه در ۱۳۸۰ نیز سوءتغذیه در میان کودکان البته با درصدهای پایین‌تر را از ۲۰ سال پیش گزارش داده بودند.

صبحانه مهم‌ترین وعده غذایی روزانه است، به‌ویژه برای کودکان که در سن رشد و یادگیری هستند. نخوردن صبحانه می‌تواند تأثیرات جدی بر تمرکز، حافظه و توانایی یادگیری کودکان بگذارد. تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی که صبحانه نمی‌خورند، عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری دارند و بیشتر دچار خستگی، بی‌حوصلگی و افت انرژی در کلاس می‌شوند.

این مشکل در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر، هم در ایران و هم در دیگر نقاط جهان، بسیار شایع‌تر است. فشار اقتصادی باعث می‌شود برخی والدین توانایی تهیه وعده‌ای کامل و مغذی برای شروع روز را نداشته باشند. در مناطق محروم ایران، بسیاری از دانش‌آموزان با شکم خالی راهی مدرسه می‌شوند و این مسئله بر روند یادگیری آن‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد.

آنچه که ما شاهد آن در ایران هستیم یک تعرض حکومتی به جسم و جان کودکان در ابعاد میلیونی است. جنایتی که فقط از سودجویی بی‌شرمانه عده‌ای سرمایه‌دار میلیاردی مفت‌خور و حکومت اسلامی‌شان نشئت می‌گیرد. دزدسالارانی که روزانه میلیون‌ها دلار به حساب‌های بانکی خود

اضافه می کنند بانی این فاجعه هستند. فقط دقت کنید که با هر یک میلیون دلار که روزانه به جیب فقط یک آقازاده و یک سرمایه دار ریخته می شود، نیم میلیون کودک دبستانی در ایران می توانند هر روز صبحانه مقوی بخورند. تغذیه رایگان به صورت یک وعده غذای گرم در دوران تحصیل باید به یک مطالبه همگانی در ایران تبدیل شود وگرنه این گرسنگی مزمن سر پایان ندارد.

حجاب بر باد رفته با پول بر نمی گردد!

عطیه نیک نفس

”موحدی کرمانی، رئیس مجلس خبرگان جمهوری اسلامی گفته: ”در خصوص مسئله حجاب قوانینی تصویب کنیم که برای افراد محجبه امتیاز قائل شود، از جمله تخفیف مالیاتی و بخشودگی جرایمی مانند جرایم رانندگی تعلق بگیرد، این امتیاز باعث می شود افراد به سمت حجاب تشویق شوند.“

جمهوری به گل نشسته اسلامی که در تمام این سال ها با دردست داشتن تمامی امکانات مالی، آموزش و پرورش، صداوسیما، بسیج و سپاه و زندان هر چه کرد نه تنها نتوانست قوانین زن ستیزانه اسلامی

را در جامعه نهادینه کند، بلکه برعکس نتیجه‌اش
سوزاندن حجاب و به تاریخ سپردن آن شد توسط
زنان مبارز و برابری طلب.

بعد از انقلاب "زن زندگی آزادی" رژیم اسلامی شروع
به طرح و تصویب لایحه عفاف و حجاب کرد، و بعد
از حدود دو سال دعواها و درگیری‌های داخلی، این
لایحه را تصویب کرد و متن این لایحه با تبصره‌ها
و بندهای شرم‌آور را منتشر کرد، حالا ماه‌ها از این
موضوع می‌گذرد؛ اما جمهوری اسلامی همچنان
جرئت اجرایی کردن آن را ندارد و این نشان‌دهنده
قدرت مبارزات زنانی است که برای دستیابی به
حقوق انسانی‌شان از پرداخت هیچ هزینه‌ای مضایقه
نکرده‌اند.

جمهوری اسلامی به هر طریقی می‌خواهد شرایط را به قبل برگرداند، با جریمه‌های نقدی، زندان، کشتن زنان در مترو توسط گشت متوحش ارشاد، محرومیت از خدمات اجتماعی و هزاران محدودیت و محرومیت دیگر، اما زنان با بی‌حجابی گسترده عملی در مجامع عمومی، آوازخوانی و رقصیدن دست در دست مردان نشان داده‌اند که رژیم اسلامی مفتضحانه در مقابل زنانی آزادی‌خواه در جنگی نابرابر شکست‌خورده است و زنان همانطور که همیشه گفته‌اند: ”به عقب برنمی‌گردند“.

این بار نیز سر جمهوری اسلامی به سنگ می‌خورد و بخشودگی جرائم مالیاتی و رانندگی و اعطای هر امتیازی به دلیل داشتن حجاب، باعث نمی‌شود که

زنان دست از مبارزه بکشند و مطالبات انسانی‌شان
را نادیده بگیرند. رژیم اسلامی با این توهّمات
می‌خواهد برای رژیم نفس بریده‌اش وقت بخرد
غافل از اینکه مرده‌ای در قبری که بر سر آن گریه
می‌کند نیست!

پاک سازی قومی مردم غزه، جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

کابینه اسرائیل بامداد دوشنبه ۱۵ اردیبهشت طرح تصرف کامل نوار غزه و ماندن در این منطقه برای مدت نامشخص را تصویب کرد. این یک طرح آشکار پاک سازی قومی است.

این طرح توسط دولتی ارائه شده است که قبلاً وزیر دفاعش مردم غزه را با وقاحتی کم نظیر "حیوان های انسان نما" خطاب کرده و آب و برق و غذا و دارو را به روی آنها بسته بود! همین الان هم نوار غزه سه ماه است که در محاصره کامل است و بحران گرسنگی و سوء تغذیه کودکان بیداد می کند.

طرح پاک‌سازی قومی مردم غزه در جهت همان طرح فاشیستی دونالد ترامپ است که بر طبق آن ساکنان غزه یعنی بیش از دو میلیون انسان- باید به طور دائم از آنجا خارج شوند تا ترامپ در مقام یک ”مالک“ غزه را تبدیل به ”ریوی برای خاورمیانه، یک منطقه ساحلی تفریحی“ برای پولداران جهان تبدیل کند! هیئت حاکمه دست راستی نژاد پرست اسرائیل از این پیشنهاد ترامپ با عنوان ”مهاجرت داوطلبانه“ استقبال کرد و بنیامین نتانیاهو در استقبال از این پاک‌سازی قومی ترامپ سنگ تمام گذاشت وقتی گفت ابتکار او می‌تواند ”تاریخ را عوض کند و شکل تازه‌ای به خاورمیانه“ بدهد!

تاریخ خاورمیانه، تاریخ مردم فلسطین، مخصوصاً

تاریخ ستم‌دیدگان غزه مدتهاست که مدام “عوض” می‌شود، مدام “شکل تازه‌ای” به خود می‌گیرد. اما در همه “شکل‌های تازه” زندگی نسل‌های تازه در منطقه همچنان به خاک و خون کشیده می‌شود. نسل‌هایی که زندگیشان مخصوصاً بعد از به قدرت رسیدن اسلام سیاسی در ایران، با قساوت تمام در منگنه دو نیروی تماماً ارتجاعی، از یکطرف دولت‌های نژادپرست و مذهبی اسرائیل و از طرف دیگر حکومت اسلامی در ایران نابود شده است!

اتحادیه اروپا در قبال طرح پاک‌سازی قومی کابینه اسرائیل، ضمن ابراز نگرانی خواستار “خوشتنداری تل آویو” شده است! این واکنش شرم آور قدرت‌های سیاسی در اروپا نشان می‌دهد که مطلقاً نمی‌توان به

آنها برای حل مساله فلسطین و پایان دادن به خطر
پاکسازی قومی در غزه امید بست. اگرچه حل
مساله فلسطین اساساً منوط به کنار زدن نیروهای
نژاد پرست در اسرائیل و جمهوری اسلامی است،
اما تا آن لحظه تنها امید مردم غزه برای رهایی از
پاکسازی قومی نژادپرستان افسارگسیخته حاکم
در اسرائیل، یک جنبش جهانی قدرتمند در دفاع
از حق آنان به یک زندگی رها از تروریسم اسلامی
و نژادپرستان حاکم در اسرائیل است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۳

۷ مه ۲۰۲۵ - ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

۹۰ هزار پرونده سیاسی در سال ۱۴۰۱

اصغر کریمی

بحران برق در ایران؛ دلایل ریشه‌ای و راهکارهای ممکن

سینا پدرام

پزشکیان در نشست اعضای مجلس خبرگان!

شهاب بهرامی

کودک‌آزاری در ایران؛ بحرانی عمیق و حکومتی بی‌کفایت

ایران‌دخت جویباری

۹۰ هزار پرونده سیاسی در سال ۱۴۰۱

اصغر کریمی

اژدهای رئیس قوه قضاییه رژیم: «در سال ۱۴۰۱ فضای ایجاد شد که منجر به تشکیل حدود ۹۰ هزار پرونده گشت؛ متهمان و محکومان این پرونده‌ها از اقشار مختلفی بودند؛ در میان آنها بعضاً معلم و دانش‌آموز و دانشجو نیز بود؛ چنانچه برای همه آنها حکم محکومیت صادر می‌شد، یا پرونده قضایی شکل می‌گرفت بستر سوءاستفاده دشمنان فراهم می‌آمد؛ قاطبه محکومین متنبه و ارشاد شدند و بستر برای عفو آنها فراهم شد. برای ۲۴۴ نفر از نیروهای مجری قانون هم پرونده قضایی تشکیل دادیم».

از شفقت و عفو! اسلامی جنایت‌کاران که در اعتراض

به قتل یک دختر جوان برای ۹۰ هزار نفر پرونده تشکیل دادند، چندصد نفر را در خیابان و زندان کشتند و چند ده هزار را هم زندانی کردند، که بگذریم، سه نکته در صحبت این مقام حکومت قابل توجه است. برای «قاطبه محکومین» نتوانستند پرونده قضایی تشکیل دهند که بستری برای اعتراض دشمنان (همان مردم) فراهم نشود. دوم، همان‌ها که متنبه شدند قانون حجاب و عفاف را به زباله‌دان انداختند و حجاب را سرنگون کردند. سوم، برای ۲۴۴ نفر از مأموران سرکوب حکومت به دلیل همراهی با مردم دادگاهی پرونده تشکیل دادند. هر سه مورد حکایت از شکنندگی حکومت و قدرت مردم دارد.

در نشست فرماندهان بالای سپاه و بسیج با خامنه‌ای در زمستان ۱۴۰۱ کاملاً آشکار شد که مسئله بسیار

فراتر از ۲۴۴ نفر مأمور خاطی است. اکثر فرماندهان اذعان کردند که مأمورین زیردست آنها خودشان یا خانواده‌هایشان در اعتراضات شرکت دارند، حاضر نیستند گلوله ۱۵۰ هزار تومانی را به سینه کارگری که با ۵۰ هزار تومان کار می‌کند شلیک کنند، از شکاف طبقاتی و فساد ناراضی‌اند، اکثراً از نظام عبور کرده‌اند و اعتقادی به نظام ندارند و در مواقع حساس سر خدمت حاضر نمی‌شوند.

هیچ‌چیز طبیعی‌تر از نارضایتی عمیق در بدنه نیروهای سرکوب نیست. نیرویی که نفرت مردم حتی اعضای خانواده خود از خامنه‌ای و رژیم را می‌بیند، زندگی زیر خط فقر خود و اکثر مردم و درآمدهای میلیاردی مقامات و آقا‌زاده‌ها را مقایسه می‌کند، از شکست‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی حکومت باخبر است

و مهم‌تر اینکه هیچ افقی برای بقای این حکومت
نمی‌بیند. این یکی از مهم‌ترین عواملی بود که رژیم
را در سرکوب گسترده‌تر مردم دست‌به‌عصا کرد
و همچنان یکی از پاشنه‌آشیل‌های حکومت است.
موضوعی که باید مورد توجه همه فعالین و مخالفین
حکومت باشد.

بحران برق در ایران؛ دلایل ریشه‌ای و راهکارهای ممکن سینا پدram

در هفته‌های اخیر، با آغاز خاموشی‌های گسترده در تهران و سایر نقاط کشور از اواسط اردیبهشت، بار دیگر بحران کمبود برق به یکی از چالش‌های اصلی در ایران تبدیل شده است. این بحران زندگی روزمره شهروندان را مختل کرده و فشار سنگینی نیز بر بخش تولید و صنعت وارد کرده است.

یکی از اصلی‌ترین دلایل بحران کنونی، رشد سریع و بی‌وقفه مصرف برق در کشور است؛ مصرفی که سالانه حدود هفت درصد افزایش می‌یابد، اما توسعه

زیرساخت‌های تولیدی متناسب با آن پیش نرفته است. از سوی دیگر، فرسودگی نیروگاه‌ها و شبکه توزیع برق باعث کاهش بهره‌وری و افزایش تلفات انرژی شده است.

به اعتقاد کارشناسان عامل مهم دیگر، عدم سرمایه‌گذاری کافی در انرژی‌های تجدیدپذیر است. ایران با داشتن بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در سال و مناطق بادخیز، ظرفیت بالایی برای تولید برق پاک دارد، اما سهم این منابع در سبد انرژی کمتر از یک درصد باقی‌مانده است.

از نظر کارشناسان در کوتاه‌مدت، افزایش بهره‌وری مصرف، بهبود زیرساخت‌های توزیع، و مدیریت هوشمند مصرف در ساعات اوج می‌تواند به کاهش

فشار کمک کند. در بلندمدت، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر توسط دولت و توسعه نیروگاه‌های تولید هم‌زمان برق و حرارت (CHP) می‌تواند تولید برق پایدار و کارآمد را تضمین کند.

اما رژیم اسلامی در چهار دهه گذشته درست عکس راهکارهای فوق را انجام داده است. به عبارت بهتر بحران برق در ایران نتیجه سال‌ها دزدی از کیسه مردم و عدم توجه به پیشرفت‌های علمی و فنی دهه‌های اخیر بوده است. دزدسالاران رژیم اسلامی به‌خاطر بحران سیاسی مزمن خود در تمامی سال‌های گذشته، هیچگاه قادر به ارائه طرح‌های بلندمدت و میان‌مدت اقتصادی در ایران نبوده‌اند.

اعتراض به خاموشی‌های ممتد باید هر چه زودتر به

شکل سراسری، متحدانه و نقشه‌مند انجام شود. تنها راه ممکن برای کمتر کردن مشکل قطعی برق تجمع در مقابل ادارات برق هر منطقه و هر استان در شکل سراسری است.

عدم پرداخت آبونمان‌ها به شکل متحدانه راهکار مؤثری است که می‌تواند توسط مردم به دست گرفته شود. حول هر اعتراض و مطالبه‌ای تلاش کنیم که شبکه‌های گسترده‌ای ایجاد کنیم تا توان یک مبارزه متحد و سراسری و مؤثر داشته باشیم. همچنین، از خاموشی برق و تاریکی می‌توان برای شعار دادن‌های شبانه بر علیه دیکتاتور استفاده کرد. از “نقاط کور” رژیم باید بهره جست.

پزشکیان در نشست اعضای مجلس خبرگان!

شهاب بهرامی

پادوی بی عرضه و کاسه لیس خامنه‌ای، رئیس جمهور مسعود پزشکیان در نشست اعضای مجلس مردگان رژیم سخنان تکراری و چاپلوسانه‌ای ابراز داشتند که نیازی به تأمل در آن نیست. اما نکاتی هم مطرح کرد که نشان‌دهنده موضع‌گیری و جان‌نثاری قبیله اصلاح طلب برای نجات "نظام مقدس" در فرمی جدید بود.

اگر در دولت خاتمی، عوام‌فریبانه در نقش ناجی مردم و در تقابلی نمایشی با بیت رهبری ظاهر می‌شدند، اگر در دوره شیاد امنیتی، روحانی جنایت‌کار در اشلی دیگر تلاش داشتند باز برای

نجات نظام، بازی‌های عوام‌فریبانه را ادامه دهند، امروز بدون نیاز به حيله‌گری و مکارگی، رسماً و متحدانه در کنار خامنه‌ای و علیه انقلاب به صف شده‌اند. فاجعه دردناک اسکله رجائی در بندرعباس که جان تعداد زیادی انسان زحمت‌کش را گرفت یکی از این نمونه‌ها است که اوج رذالت و پستی این جماعت اصلاح‌طلب را بیش‌ازپیش نمایان ساخت.

پزشکیان همچنین در سخنانش خطاب به مجلسیان گفت که ”وحدت برایش اولویت دارد و هرگز کاری نمی‌کند که وحدت ملی خدشه‌دار شود“ به عبارتی دیگر خواهان صلح و وحدت بین باندهای گانگستر در بالاترین لایه‌های حکومت و اصلاح‌طلبان و اصول‌گراها شد، وحدت علیه مردم

و با این عبارات بار دیگر نوکر منشی به رهبر
معظم را یادآوری کرد.

یکی دیگر از جملات معنادارش در رابطه با
مسئله حجاب بود، وی گفت ”در برابر برهنگی و
ساختارشکنی نیز بی تفاوت نخواهیم بود و حتماً
اقدام مناسب صورت خواهد گرفت“. ایشان این
قولش را که در محضر مردگان متحرک خبرگان
داده بود عملی کرد. این هفته دهها شهر ایران
شاهد ارسال پیامکهای اخطار و تهدید و توقیف
خودروها به خاطر بی حجابی بود. جرئت تصویب
و اعلام قانون حجاب و عفاف را نداشتند، پس چرا
تلاش عبثی برای اجرای آن دارند؟ آخر باید نشان
دهند که هنوز قدرت دارند و سر پا مانده‌اند.

آیا پزشک‌یان و ارباب اعظمش دیگر تیری در
خشب دارند تا سنگ را نشانه روند؟ فعلاً که
در بازی مذاکرات لنگ انداخته و ظاهراً از ترس
اسرائیل دست به دامن آمریکا شده‌اند؛ اما در
حقیقت امر، از ترس خشم و انقلاب مردم است
که این‌چنین به در یوزگی افتاده‌اند، سر مار در هوا
می‌چرخد گرچه هنوز تهدیدمان می‌کنند.

کودک آزاری در ایران؛

بحرانی عمیق و حکومتی بی کفایت

ایراندخت جویباری

افزایش نگران کننده آمار کودک آزاری در ایران، که به تازگی از سوی سازمان بهزیستی منتشر شده، نه تنها نشان دهنده یک بحران اجتماعی عمیق است، بلکه آشکارا گواه بی کفایتی نظام جمهوری اسلامی در حفاظت از حقوق کودکان است. طبق اعلام حسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی، در یک سال گذشته بیش از یک میلیون تماس با اورژانس اجتماعی برقرار شده و ۴۰۰ هزار مداخله انجام شده است. این آمار فاجعه آمیز نشان می دهد که جمهوری اسلامی به هیچ وجه قادر

به کنترل وضعیت بحرانی کودکان نیست و چنین
قصدی هم ندارد.

ساختار حقوقی و قضائی جمهوری اسلامی به
طور سیستماتیک در برابر خشونت علیه کودکان
ناکارآمد و بی‌توجه است. قانون حمایت از کودکان
و نوجوانان، به‌رغم تصویب، نه‌تنها از کودکان
محافظت نمی‌کند، بلکه فضای گسترده‌ای برای
سوءاستفاده ایجاد کرده است. قوانین ضد کودک،
نبود تعریف دقیق از کودک‌آزاری، و معافیت‌های
متعدد برای والدین و سرپرستان قانونی عملاً امکان
حمایت مؤثر از کودکان را از بین برده است. نگاه
سنتی و مردسالارانه نیز باعث می‌شود خشونت
خانگی و کودک‌آزاری به‌عنوان «مسائل خانوادگی»

کم‌اهمیت شمرده شود و قربانیان بی‌دفاع بمانند.

جمهوری اسلامی با وضع قوانینی ناعادلانه، کودکان را به طور سیستماتیک در معرض آسیب قرار داده است. سن بلوغ دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال، زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری زودهنگام، تجاوز و خشونت می‌شود. کودک‌همسری، نیز از نظر قانونی مشروعیت یافته و موجب تشدید سوءاستفاده می‌شود.

بعلاوه پدیده رو به گسترش کودکان کار، که صدها هزار کودک را به خیابان‌ها و محیط‌های پرخطر کشانده، شکلی آشکار از کودک‌آزاری است. این کودکان نه تنها از تحصیل و رشد طبیعی محروم

می‌شوند، بلکه هر روز با انواع آسیب‌های جسمی، روانی و جنسی روبه‌رو هستند.

به‌عنوان وکیلی که بارها با پرونده‌های کودک‌آزاری سروکار داشته‌ام، با اطمینان می‌گویم که قوانین اسلامی و بی‌کفایتی نهادهای هیچ تضمینی برای حفظ جان، سلامت و کرامت کودکان ایجاد نمی‌کند. کودکانی که باید کودک‌کی کنند، امروز در ایران قربانی نظامی هستند که نه تنها حمایتی نمی‌کند، بلکه با قوانین و بی‌عملی خود به تداوم خشونت دامن می‌زند.

تنها راه برون‌رفت از این بحران عمیق، کنار گذاشتن قوانین واپس‌گرا و متحجر اسلامی و جایگزینی آن‌ها

با مقررات مبتنی بر کنفدراسیون حقوق کودکان
است. واقعیت این است تا زمانی که این حاکمیت
تغییر نکند و نهادهای مستقل، مردمی و پاسخ‌گو بر
سر کار نیایند، نمی‌توان به بهبود وضعیت کودکان
امیدوار بود. برای رسیدن به چنین جامعه‌ای باید
تلاش کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۴

۸ مه ۲۰۲۵ - ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

بادبزن و آفتابه پاسخ به قطع برق

کیوان جاوید

لافزنی سپاه در باره توان موشکی

رضا درویش

مانیفست دانشجویان: سوت پایان رژیم اردوغان

سیاوش آذری

خلیج فارس یا عربی: شیادی سیاسی به نام غیرت ملی

محسن ابراهیمی

بادبزن و آفتابه پاسخ به قطع برق

کیوان جاوید

مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق درباره موضوع کسری برق و خاموشی گفته است: "مردم بادبزن و آفتابه تهیه کنند تابستان سختی پیش رو داریم و راهی جز کم مصرف کردن نیست." به صراحت می گوید: "به نظر بنده باید این موضوع را به عنوان باور در زندگی بپذیریم و خود را با این شرایط تنظیم کنیم."

زندگی مردم در ایران همچنان با سرعت به سوی فلاکت بیشتر در حرکت است. هر ناکسی که از راه می رسد دست به این سفره پهن شده زندگی مردم دراز می کند و ذره ای بیشتر از آن می کند و رنج و

بدبختی و سیه‌روزی بیشتری بر جامعه حاکم می‌کند.

حاکمان اسلامی دیگر حتی وعده‌های پوچ و خشک‌وخالی و بی‌هزینه هم نمی‌دهند. صاف‌وساده مردم را مسخره می‌کنند و تخت‌گاز در نابودی زندگی‌های بیشتر پیش می‌رانند. آخرین نمونه همین است که با بی‌هیچ شرمی به مردم گفته می‌شود، “بروید بادبزن و آفتابه” بخريد تا در تابستان گرم‌تان نشود.

برای حاکمان کثیف اسلامی مهم نیست خمیر نان در نانوائی‌ها از بین برود و مردم آب نداشته باشند که حمام کنند یا در گرمای کشنده جنوب ایران و دیگر مناطق، کولر برای خنک‌شدن نداشته باشند. برای این هیولاهای ضد بشر مهم نیست برق بیمارستان

حین عمل جراحی قطع شود و بیمار زیر تیغ جراحی
حتی جان بسپارد.

برای این جماعت فاسد، خونخوار، بچه کش، شکنجه گر
و صدا البته مولتی میلیاردر مهم نیست یک جامعه غرق
در فقر و بی بهداشتی و بی درمانی از هم پاشیده شود.
فقط برایشان حجاب مهم است و نظامی کردن مدارس
و پول فرستادن برای تروریست های دست پرورده
خودشان.

آنچه اینجا برای ما مردم، همه ما در سراسر ایران
اهمیت حیاتی دارد و از نان شب هم مهم تر است
اعتراضات هماهنگ و سراسری است. تا وقتی به این
درجه از اتحاد و همبستگی سراسری نرسیم، آتش
همان و کاسه همان است. اعتراضات فعلی در محل

زندگی خودمان را به یک دریای مبارزه سراسری
تبدیل کنیم. آنگاه خواهیم دید هم برق داریم و هم
آب و هم زندگی. راز طول عمر حکومت اسلامی
ممانعت از اتحاد سراسری ما است. موانع را برای
سرنگونی حکومت اسلامی از میان برداریم. در این
مبارزه در صدها شبکه مبارزاتی موجود متشکل شویم،
در ایجاد چنین شبکه‌های مبارزاتی کوشا باشیم و به
رهنمودهای مبارزاتی حزب کمونیست کارگری عمل
کنیم.

لافزنی سپاه در باره توان موشکی

رضا درویش

قربان محمدولی زاده از فرماندهان سپاه سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت مدعی شد: ”در حوزه موشکی و پهپادی و فناوری‌های پیشرفته به جایی رسیده‌ایم که جای کافی برای نگهداری موشک‌ها نداریم“. او در ادامه این گزافه‌گویی‌ها گفت: ”با حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و علمی، ایران به یکی از قدرت‌های منطقه تبدیل شده است“.

به این سرکرده سپاه باید گفت: شما که در دستیابی به ”فناوری‌های پیشرفته“ این قدر رجز می‌خوانید، چرا در تأمین برق و آب و مایحتاج روزانه مردم مدام

از کمبود حرف می‌زنید. نداشتن جای کافی برای
”انبوه موشک‌ها“ نیز گواهی بر صرف میلیاردها دلار
از ثروت جامعه است که صاحبان اصلی آن مردم
هستند بی‌آنکه سهمی از این ثروت به یغما رفته
داشته باشند. حضور جوانان در عرصه‌های علمی
هم از آن حرف‌هاست. همین دو روز پیش پزشک‌یان
مستأصل از مهاجرت نخبگان می‌نالید که ”۹۰ درصد
می‌خواهند مهاجرت کنند“.

اینکه ولی‌زاده می‌گوید ایران یکی از قدرت‌های
منطقه است، باید گفت تبدیل شدن به ماشین کشتار
در رقابت با نسل‌کشی رژیم اسرائیل، بی‌خانمان
کردن میلیون‌ها نفر از مردم سوریه، تداوم دادن به
جنگ افروزی و تروریسم و باج‌خواهی افتخار ندارد
و تنها پرونده جرم و جنایت سران رژیم را در محکمه

های بین المللی سنگین تر می کند.

ولی زاده از پیروزی‌های دوران جنگ یاد می کند، از ایمان مردم دم می زند، اینکه همین‌ها "قدرت محور مقاومت" را تضمین می کنند. اما کدام پیروزی؟ ارتش خمینی نه پایش به کربلا رسید و نه "قدس شریف" را آزاد کرد. از محور مقاومت هم فقط حوثی‌ها مانده‌اند که فعلاً بین مرگ و زندگی دست و پا می زنند. از ایمان مردم نیز امروز جز باورداشتن به نیروی خودشان و نفرت عمیق از یک‌مشت کلاهبردار و جنایت‌کار اسلامی چیزی برای ادامه فریبکاری‌های رژیم باقی نمانده است. نفرتی که در کمتر از ده سال سه بار در سه خیزش بزرگ علیه جمهوری اسلامی جلوه گر شد.

ولی زاده در پایان از امید به تحقق وعده الهی می گوید.
اما آنچه که در مبارزات حق طلبانه مردم جایی ندارد
وعده های پوچ سرکردگان رژیم است که برای همیشه
اعتبارشان را از دست داده اند.

مانیفست دانشجویان: سوت پایان رژیم اردوغان

سیاوش آذری

عصر چهارشنبه ۷ مه جمعیتی قریب به ۲۰۰ هزار نفر در میدان بایزید، در مقابل ورودی اصلی دانشگاه استانبول تجمع کرده و با سردادن شعار و خواندن سرود به سیاست‌های سرکوب، ارباب و زندان رژیم اردوغان اعتراض کردند. این تجمع اعتراضی که به فراخوان حزب جمهوری خواه خلق و حمایت احزاب چپ و اپوزیسیون و همچنین نهادهای صنفی و مدنی، نهادهای دانشجویی و برخی سندیکاها انجام گرفت امتداد تجمعات اعتراضی و تظاهرات مستمری است که به دنبال دستگیری شهردار استانبول، اکرم امام اوغلو، در شهرهای مختلف ترکیه از جمله استانبول، آنکارا

و ازمیر صورت می‌پذیرد.

دو نکته در این تجمع حائز اهمیت است. نکته یکم اهمیت سمبولیک محل برگزاری تجمع است. دانشجویان دانشگاه استانبول پیش‌قراولان اعتراضات اخیر هستند؛ اینجا نقطه‌ای است که روز ۱۹ مارس سیل عظیم دانشجویان باریکاردهای پلیس و دیوارهای ترس را در هم شکست، نیروهای سرکوب را فراری داد، رجزخوانی‌ها و خط‌ونشان کشیدن و بخشنامه‌های رژیم اردوغان را سکه یک پول کرد و سوت آغاز اعتراضات میلیونی در سراسر ترکیه را به صدا در آورد. دیروز تظاهرکنندگان، علی‌رغم آزار و اذیت و تلاش پلیس برای جلوگیری از تجمع آنان و ممانعت از روشن‌شدن میدان از طریق نورافکن‌ها در تاریکی شب گرد هم آمدند

و انزجار خود از رژیم اسلامی اردوغان را یک صدا
فریاد زدند.

نکته دوم و اما مهم‌تر مانیفست دانش‌آموزان و
دانشجویانی بود که در این تجمع قرائت شد. این
مانیفست که به امضای دانشجویان ده‌ها دانشگاه
و دبیرستان ترکیه رسیده در حقیقت بیان رادیکال
اعتراضات و مطالبات جامعه است. از جمله
مطالبات مطرح شده در این مانیفست آزادی فوری
و بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، برکناری،
دستگیری و محاکمه آمران و عاملان آزار و اذیت
و شکنجه دستگیرشدگان و زندانیان، تأمین حق
آموزش و تحصیل و آزادی پژوهش علمی فارغ
از هر گونه تهدید و فشار سیاسی، بازگردانده
شدن دبیران تبعیدی، تأمین حقوق و برابری زنان

و دگرباشان جنسی و پایان دادن به رانت خواری و پروژه‌های مخرب محیط زیست است.

این مانیفست نشانگر رودررویی دو جنبش اجتماعی در ترکیه است: جنبش مدرن میلیونی پیشرو، سکولار، آزادی خواه و برابری طلب در مقابل جنبش منحنی فوق ارتجاعی و فاشیستی اسلامی. ابعاد میلیونی و استمرار اعتراضات نشانگر برتری اولی بر دومی است. این مانیفست سوت پایان عمر رژیم اردوغان را به صدا درآورد.

خلیج فارس یا عربی:

شیادی سیاسی به نام غیرت ملی

محسن ابراهیمی

خبرگزاری آسوشیتدپرس و سی‌ان‌ان به نقل از دو مقام آمریکایی خبر داده‌اند که دونالد ترامپ قصد دارد هفته آینده در جریان سفرش به عربستان سعودی اعلام کند که آمریکا از این پس خلیج فارس را "خلیج عربی" خواهد نامید.

این خبر یا شایعه می‌تواند یکی دیگر از فیل‌هاک‌کردن‌های ترامپ باشد. فیل‌هایی که فعلاً همه‌شان در زمین‌گیر کرده‌اند! می‌تواند یک حمایت نمادین از عربستان باشد تا فضا را برای

پیوستن به میثاق ابراهیم مساعدتر کند.

اما مستقل از اینکه این خبر چقدر صحت دارد،
شیادان حکومت اسلامی راه افتاده‌اند که بله این
اتفاق ”خشم همه ایرانیان، از هر قشر و گرایش
سیاسی در ایران، آمریکا و سراسر جهان“ را برخواهد
انگیخت. راه افتاده‌اند تا به نام ”تمامیت ارضی“ و
”غیرت ملی“ و ”خلیج همیشه فارس“، حواس مردم را
از مسائل و مشکلاتی که همیشه درگیرش هستند
پرت کنند و همچنان که انتظار می‌رفت اپوزیسیون
دست راستی سلطنت طلب و ناسیونالیست‌های
ریزودرشت هم در آغوش خامنه‌ای غش کرده‌اند
که همراه با حکومت اسلامی اجازه نمی‌دهند به
”غیرت ملی ایرانیان“ توهین شود!

برای ما مردم ایران مهم اسم و عنوان خلیج نیست.
مهم این است حکام اسلامی که برای "خلیج همیشه
فارس" سینه‌چاک می‌کنند، قبلاً آب‌های آن را به
روی کشتی‌های غول‌پیکر ترال چین باز کرده‌اند
تا به قول صیادان بومی ماهی‌ها را جارو کنند و
منبع درآمد و معیشت مردم زحمت‌کش منطقه را
خشک کنند. مهم این است که همین امروز حکامی
که برای یک شایعه در باره اسم خلیج سینه‌چاک
می‌کنند صدها انسان را همین هفته گذشته در
ساحل آن خلیج در یک انفجار مهیب به خاک
و خون کشیدند که تعداد زیادی حتی جنازه‌شان
پیدا نشده است.

برای ما مردم ایران مهم نیست اسم خلیج چه

باشد. مهم پایان کودک آزاری، پایان زن کشی، پایان آپارتاید جنسیتی، پایان بی حقوقی کارگر، پایان محرومیت چند میلیون کودک بازمانده از تحصیل، پایان پدیده کودکان کار، پایان شکنجه و اعدام، پایان اسارت در زندان‌ها به‌خاطر عقیده، پایان فقر و فلاکت، پایان بی‌عدالتی و بالاخره پایان حیات سیاسی نظامی است که حکامش مسبب همه این وضعیت هستند و امروز به همراه شیادان دست راستی ناسیونالیست و سلطنت طلب عربده غیرت ملی به نام ”خلیج همیشه فارس“ می‌کشند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۳۵

۱۰ مه ۲۰۲۵ - ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

حاله‌وهوای بندرعباس و ذغدغه‌های رژیم اسلامی

محسن ابراهیمی

دستگیری تروریست‌های رژیم در انگلیس

بابک یزدی

صرفه‌جویی در آب و برق وظیفه شرعی

کیوان جاوید

بیل گیتس ۹۹ درصد ثروتش را می‌بخشد

پتی دبونیتاس

حال وهوای بندرعباس و ذغدغه های رژیم اسلامی

محسن ابراهیمی

”وارد شهر که می شوید، می توان رد ماتم را در جریان زندگی دید. در گوشه و کنار شهر بنرهای تسلیت به چشمتان می آید. ۱۴ روز پس از فاجعه انفجار بندر شهید رجایی، حال وهوای شهر بندرعباس هنوز به حالت عادی برنگشته است.“

در کنار این تصویر از آثار انفجار در گزارش رسانه مجاز شرق، بیانیه ای با امضای ”شاخه جوانان حزب ندای ایرانیان“، وابسته به باند اصلاح طلبان منتشر شده که از دولت می خواهد برای پاسخ به هرگونه ”تحریف احتمالی“ در باره نام ”خلیج

همیشه فارس “آماده باشد!

در انفجار مهیب بندرعباس مثل همیشه معلوم شده است که مسبب حکومت اسلامی است که زمینه فاجعه را فراهم کرده و در جریان و بعد از فاجعه هم مساله اش نه نجات قربانیان بلکه کنترل اطلاعاتی و امنیتی برای نجات قاتلان حاکم است.

شهر هنوز در شوک است و غرق اندوه و خشم. حکومت مشغول چیست؟ مشغول معامله با ترامپ بر سر برنامه اتمی است؛ مشغول اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار برای تامین هزینه های حج است؛ مشغول ارسال پیامک به شهروندان بر سر حجاب

است؛ مشغول راه‌انداختن نمایش نفرت‌انگیز حضور شیادان اسلامی با ”پرچم امام‌زمان“ برای شفا‌ی پیکرهای سوخته در بیمارستان و مشغول بازی تبلیغاتی شیادانه بر سر نام خلیج است تا در میان این هیاهو نام جنایتکاران برملا نشود و خشم و نفرت مردم به عصیان تبدیل نگردد.

معلوم است چرا ۱۴ روز بعد از جنایت رژیم، حال‌وهوای شهر به حالت عادی برگشته است. چون هنوز معلوم نیست تعداد زیادی انسان در کجای این جهنم مخلوق حکومت اسلامی و چگونه جان داده‌اند؛ تعداد زیادی در بیمارستان‌ها در نبرد مرگ و زندگی بسر می‌برند؛ خانواده‌های زیادی نان‌آورشان را از دست داده‌اند؛ کودکان

زیادی بی‌سرپرست به امان حکومت رها شده‌اند که پرونده سنگینی از کودک‌آزاری زیر بغل دارد و تحت نظام اسلامی که مدام با جان شهروندان بازی می‌کند، آینده تیره و تاری پیش روی هزاران خانواده دهان گشوده است.

با این حساب، ابعاد فاجعه حتی بیشتر گسترش خواهد یافت مگر اینکه متحد و یک‌پارچه، در دانشگاه و محل کار، در هر تجمع اعتراضی و اعتصاب، در داخل و خارج، و در ابعاد گسترده حکومت اسلامی را در مقابل یک اعتراض کوبنده قرار دهیم تا امکانات کشور برای نجات زخمی‌ها و تأمین آینده خانواده‌ها بسیج شود.

دستگیری تروریست‌های رژیم در انگلیس

بابک یزدی

پلیس ضدشورش بریتانیا در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۲۰۲۵ در جریان دو عملیات جداگانه هشت نفر ایرانی را بازداشت کرده است. روز جمعه نیز در ارتباط با همین پرونده یک ایرانی دیگر بازداشت شده. ۵ نفر از این دستگیرشدگان متهم‌اند که از اعضای نیروی قدس سپاه و سه نفر دیگر از اعضای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی هستند.

به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی دارند از یک خواب زمستانی سنگین نسبت به برخورد با تروریست‌های جمهوری اسلامی بیدار می‌شوند.

دستگیری این ۸ تروریست رژیم اسلامی در انگلیس شاید یک نشانه از این بیداری باشد. عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا با دو هدف اصلی صورت می گیرد. یکم قدرت نمایی و ترساندن دول غربی که نشان دهد جمهوری اسلامی این توان را دارد در هر کجا که بخواهد دست به ترور بزند و خاصه اینکه دولت های دشمن نظیر اسرائیل را مورد تعرض نظامی قرار دهد. هدف از در پی گرفتن این راه امتیاز گرفتن سیاسی از دولت ها است. هدف دوم رژیم از اقدامات تروریستی برون مرزی نشان دادن زور بازو به مردم ایران و اپوزیسیون سرنگونی طلب است. دستگیری تروریست های رژیم اسلامی در انگلیس نشان دهنده این است که تیر جمهوری اسلامی

در رسیدن به اهدافش به سنگ خورده است.

یادآوری کنیم که نیروهای مخالف رژیم در اکثر تظاهرات به‌ویژه پس از جنبش زن زندگی آزادی خواهان بسته شدن سفارت خانه‌های رژیم و بایکوت این رژیم تروریستی بوده و همچنین خواهان این بوده و هستند که سپاه پاسداران توسط دولت‌های غربی، یک نیروی نظامی تروریستی شناخته شود. در همین راستا دولت کانادا ۱۲ سال قبل سفارت جمهوری اسلامی را به دلیل مرکز جاسوسی و عملیات تروریستی تعطیل کرد. هم چنین دو پارلمان ایالتی در همراهی با پارلمان سراسری در کانادا، قتل عام ۶۷ را به نام جنایت علیه بشریت به رسمیت شناختند و یک

روز را نیز به‌عنوان روز زندانیان سیاسی ایران
اعلام کردند. در سال گذشته دولت کانادا سپاه
پاسداران را نیز به‌عنوان یک جریان تروریستی
به رسمیت شناخت و تعداد زیادی را به اتهام
ارتباط با رژیم و یا سپاه پاسداران از کانادا اخراج
کرد. این روش اگر جهانی شود یک ابزار مهم
مبارزاتی برای مردم ایران خواهد بود تا ضربات
سنگین‌تری برای سرنگونی جمهوری اسلامی به
تروریست‌های حاکم بر ایران وارد کنند.

صرفه‌جویی در آب و برق وظیفه شرعی

کیوان جاوید

محمود نورپور، امام‌جمعه کمالشهر استان البرز، با اشاره به بحران انرژی و قطع برق گفت: "امروز صرفه‌جویی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک وظیفه شرعی و ملی است. اسراف در آب و برق گناه کبیره و اتلاف سرمایه ملی است."

تا وقتی که همه شهرها و همه خیابان‌ها پُر از جمعیت معترض نشود و از بی‌برقی و بی‌آبی پرچمی در مبارزه سخت و بی‌تخفیف علیه جمهوری اسلامی نسازیم، اراجیفی این‌چنینی به‌سوی ما پرتاب خواهد شد. این کرم‌های درخت

سیب زندگی خوب می‌دانند که برای مردم ایران
گناه کبیره و صغیره و وظایف شرعی و ملی از
تف دهان هم بی‌ارزش‌تر است. مردم ایران بهتر
از همه فیلسوف‌های نام‌آشنای ضد دین جهان
پی به ماهیت نکبت‌بار اسلام و تا حدود زیادی
پی به ماهیت مذاهب برده‌اند که با چه هدفی
به عمر ننگین خود ادامه می‌دهند.

هدف همین است که جمهوری اسلامی در حال
بازتولید انبوه آنها است. فلاکت و سیه‌روزی و درد
و ماتم روزافزون. یکی به ما پیشنهاد خرید بادبزن
و آفتابه می‌دهد، یکی دشمن خارجی را مسبب
این فلاکت می‌نامد، یکی هم قهر خدا را به رخ
می‌کشد که بله چون زنان بی‌حجاب شده‌اند و

به وظایف زنانگی خود در قبال شوهر خانه خوب
عمل نمی کنند ما دچار عذاب الهی شده ایم. این
مزخرفات حتی خودی ترین و مذهبی ترین افراد
جامعه را هم فریب نمی دهد.

راه همان است که همیشه گفته ایم. برای اینکه
با زدن کلید برق خانه روشن شود، بیمارستان ها
در خاموشی نباشند، آرد نانوایی ها فاسد نشود،
زمین ها تشنه آب نباشند و محصولات کشاورزی
از تشنگی از بین نروند فقط یک راه پیش پای
مردم هست. خیابان ها را زیر پای خود بلرزانیم
و بجای روشن کردن فانوس، خیابان ها و محل
کار و بیمارستان ها و مدارس و دانشگاه را به
یک پارچه شعله فروزان آتش تبدیل کنیم.

این پیام همه تشکله‌ها و شبکه‌ها و نهادهای
مردم‌نهاد هم باید باشد. ما هم به‌عنوان حزب
کمونیزست کارگری اعلام می‌کنیم که برای
برچیدن این تاریکی و جهل و فقر و فلاکت
تحمیلی، باید همه با هم خیابان‌ها را تسخیر
کنیم تا زیبایی و خوشبختی سرود زندگی ما
باشد.

بیل گیتس ۹۹ درصد ثروتش را می‌بخشد

پتی دبونیتاس

بیل گیتس، میلیاردر مشهور آمریکایی می‌خواهد تا بیست سال دیگر ۹۹ درصد از ثروتش را ببخشد. او در یک پست وبلاگی نوشت می‌خواهم کاری کنم کسی نگوید "او ثروتمند مرد." او گفت که بنیادش تا به حال صد میلیارد دلار برای سلامت و پروژه‌های توسعه هزینه کرده، احتمالاً می‌تواند دویست میلیارد دلار دیگر هم تا دو دهه آینده خرج کند.

دنیای قشنگی است، مگه نه؟ میلیاردر زندگی می‌کنی و برای همین میلیاردر بودنت کم‌ش

۲ میلیارد نفر در جهان با گرسنگی مفرط دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در دهانشان دندانی نیست و از ساده‌ترین بیماری‌های قابل‌پیشگیری می‌میرند. دنیای قشنگی است مگه نه؟ نظام حاکم طوری طراحی شده که یک بخش کوچک بتوانند میلیونر و میلیارد شوند و تا آخرین لحظه‌ای که نفس در بدن دارند غرق در رفاه باشند، طوری که انگار جهان برای همین تعداد اندک ساخته و پرداخته شده است. حالا “خوب‌ترهایشان” تصمیم می‌گیرند داوطلبانه کمی یا بیشتر ثروتشان را ببخشند. بنا به محاسباتی که شبکه بلومبرگ انجام داده، آقای گیتس که پنجمین فرد ثروتمند جهان است اگر ۹۹ درصد از دارایی‌اش را هم ببخشد باز هم میلیاردی خواهد بود.

بیل گیتس به نوشته‌ای از اندرو کارنگی اشاره کرده که در سال ۱۸۸۹ نوشته شده و "انجیل ثروت" نام دارد. کارنگی در این نوشته می‌گوید افراد دارا وظیفه دارند ثروتشان را به جامعه باز گردانند. آقای گیتس این بخش از نوشته کارنگی را هم آورده که می‌گوید: "اگر کسی ثروتمند از دنیا برود، بی‌آبرو مرده است." رمانتیک است مگه نه؟ در این جهان ساخته و پرداخته شده توسط سیستم حاکم در کمتر از ۴ ثانیه یکی از کودکان ما، یک انسان، یک راز بزرگ از زیبایی موجود در جهان هستی، یعنی یک کودک از بیماری‌های کاملاً قابل‌پیشگیری جان می‌بازد، بعد با این خبر روبرو می‌شویم که یکی پیدا

می‌شود که می‌خواهد بعد از مرگش بی‌آبرو نباشد و ثروتش را ببخشد.

چرا منفی باشیم، چرا از اینی که هست استقبال نکنیم؟ می‌توانیم منفی یا مثبت به این داستان نگاه کنیم، اما مشکل اینجا نیست. تنها وقتی جامعه از بربریت سرمایه‌داری عبور کند، دنیای زیبایی ایجاد می‌شود که هیچ فردی صاحب ثروت اجتماعی نیست که بخواهد یا نخواهد آن را ببخشد یا نبخشد. جهان متعلق به انسان و به این معنا متعلق به همه موجودات روی زمین خواهد بود. راز خوشبختی بشر اینجا نهفته است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۶

۱۱ مه ۲۰۲۵ - ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

درخواست شلاق برای پنج هنرمند زن

سینا پدرام

نان بزودی گران تر می شود

منظر دریاکناری

بازماندگان انفجار بندر رجایی را دریابیم

کیوان جاوید

وضعیت احمد رضا جلالی ۹ سال بعد از زندان

شهاب بهرامی

درخواست شلاق برای پنج هنرمند زن

سینا پدram

محمد حسین فرحبخش، یکی از تهیه کنندگان فیلم وابسته به ساختار حکومت در سینمای ایران، در گفت و گو با وبسایت "تابناک" خواستار محاکمه و شلاق زدن پنج سینماگر زن شد که در خط مقدم جنبش "می تو" در سینمای ایران قرار داشتند. او افشاگری درباره آزارهای جنسی و اعمال قدرت بر زنان در محیط سینما را نه تنها جرم، بلکه به زعم خود "اشاعه فحشا" قلمداد کرده و خواهان برخورد خشن قضایی با این چهره‌های فرهنگی شده است.

هانیه توسلی، ترانه علیدوستی، سمیه میرشمسی

(دستیار کارگردان)، غزاله معتمد (طراح صحنه و لباس) و مارال جیرانی (طراح صحنه و لباس و دختر فریدون جیرانی) به نمایندگی از جمعی از زنان سینماگر، در تلاش برای پیگیری گزارش‌های مرتبط با خشونت ساختاری، قلدری و آزار سیستماتیک علیه زنان در سینمای ایران بودند.

بیانیه مشهور به "بیانیه ۸۰ زن" که در سال ۱۴۰۱ در جریانات انقلاب زن زندگی آزادی توسط فعالین سینمائی زن منتشر شد به صراحت خشونت جنسی و سوءاستفاده‌های قدرت در فضای سینمایی کشور را محکوم کرد و خواستار تشکیل کمیته‌ای مستقل برای رسیدگی به این گزارش‌ها شد. فرحبخش در واکنش به این بیانیه، در مصاحبه‌ای رادیویی در

۱۶ تیرماه ۱۴۰۱، گفت: «اگر این مملکت صاحب داشت، باید این ۸۰۰ نفر را شلاق می‌زدند.»

این اظهارات فاشیستی و قلدرمآبانه واکنشی آشکار به جنبش عدالت‌خواهی زنان و تلاشی برای ارباب و سرکوب هرگونه افشاگری در برابر ساختارهای زن‌ستیزانه و ارتجاعی قدرت در سینمای ایران است. لازم به ذکر است که این پاچه‌خوار «مستقل» حکومتی از طرف هنرمند زن ایرانی، «شهره قمر» به تجاوز متهم شده است، ولی به واسطه رابطه نزدیکی با حکومت مورد هیچ تحقیقاتی قرار نگرفته است.

مردسالاری، آزارهای جنسی، تجاوز، استفاده از قدرت و شهرت برای به سکوت کشاندن دیگران

و صداهای مخالف، سیطره دیکتاتوری دولتی و سانسور در تمام سطوح، و سرکوب و به زندان انداختن هنرمندان معترض، "خالتوریسم" و ترویج فرهنگ لمپنی و "آبرو داری" و هزاران "هنجارهای ناهنجار" زن ستیزانه بخشی از سیستم سینمایی ایران از بدو پیدایش آن، چه در دوره پهلوی‌ها و چه در اشکال مضاعف در دوره رژیم اسلامی را تشکیل داده است.

فیلم‌سازی که با شلاق به سینما می‌رود فیلم‌ساز نیست شکنجه‌گری است که برای حفظ سلامت مردم باید تحت مراقبت‌های ویژه قرار بگیرد. در مقابل، همه ما باید از این زنان جسور سینمای ایران به هر شکل ممکن حمایت کنیم.

نان بزودی گران تر می شود

منظر دریاکناری

حشمت الله عسگری، معاون استاندار تهران گفته است: ”با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت ها نان بزودی دوباره گران می شود.“

البته ما در تنظیم این خبر شیطننت کرده و آنچه در اواسط این خبر آمده بود را با تردستی خاص یک نیروی سرنگونی طلب حذف کردیم تا چهره کریه و خوفناکی از جمهوری اسلامی ارائه داده باشیم. راستش را بخواهید اصل خبر طور دیگری تنظیم شده است که می تواند از تیزی و تندی و خطر آفرینی آن بکاهد. در اواسط این اظهارنظر

آمده بود: ”در حال بحث و بررسی در کارگروه‌های استانی و ستاد تنظیم بازار کشور هستیم. به زودی شاهد تصمیم‌گیری در این حوزه خواهیم بود و با هدف پوشش بخشی از هزینه‌ها، قیمت‌ها را اعلام خواهیم کرد.“ می‌بینید در حال بحث و گفتگو هستند و موضوع آنقدر برای حکومت اسلامی جدی است که حتی کارگروه‌های تخصصی هم تشکیل می‌دهند. تازه به فکر پوشش بخشی از هزینه‌ها هم هستند. با این توضیحات دیگر مسلم شده است که گران‌تر شدن قیمت نان هیچ تأثیر منفی بر زندگی ما مردم که زندگی‌مان به نان روی سفره‌مان وابسته شده است، نخواهد داشت.

می‌توانیم بی‌خیال این خبر در تدارک سفر آخر

هفته با خانواده خود باشیم یا اصلاً یک مسافرت دور و دراز برای تفریح و خوشگذرانی با دوستان و بستگان و خانواده تدارک ببینیم. گرانی نان که غمی نیست، با پوشش بخشی از هزینه‌ها دنیای ما پُر از صفا و صمیمیت می‌شود و سران حکومت اسلامی نیز خوشحال و خوشبخت از اینکه مردم را به‌سوی بهشت هدایت می‌کنند بر خود می‌بالند. این شده است شیوه حکومت اسلامی. اما شیوه ما مردم چه می‌تواند باشد؟

گرانی‌ها را تا مرز مرگ و نابودی، بر زندگی ما تحمیل کرده‌اند و هنوز هم این روند بی‌وقفه ادامه دارد. گرانی یک بلا، یک طاعون، یک سرطان پیشرفته و درمان‌ناپذیر اجتماعی است که برای

غلبه بر این بیماری اجتماعی باید دست به ریشه بُرد و علیه فقر و گرانی به میدان آمد. بی تشکل و غیر سازمان یافته نمی شود با هیولای فقر و فلاکت مبارزه کرد. همه فعالین اجتماعی و احزاب چپ و انقلابی برای بسیج همه مردم، در هماهنگی کامل برای متحد کردن مردم کوشش کنند.

بازماندگان انفجار بندر رجایی را دریابیم

کیوان جاوید

سارا قاسمی فعال اجتماعی ساکنان بندرعباس به وب سایت حکومتی رکنا گفته است: "خانواده‌های قریانیان انفجار در اسکله رجایی در بندرعباس بی پناه مانده‌اند."

سارا به نقل از بستگان یکی از مفقودان می گوید: "حدود ۳۰ تا ۴۰ خانواده به دنبال جنازه عزیزانشان آمده بودند. بسیاری از این افراد فاقد شناسنامه و مدارک هویتی‌اند و عمدتاً از بلوچستان آمده و به صورت غیررسمی در این بندر کار می کرده‌اند."

قوه قضائیه جمهوری اسلامی هم بیکار ننشسته است. حسن عبدلیان پور، رئیس مرکز خدمات قوه قضائیه از ارائه وکالت رایگان به مصدومان انفجار بندر رجایی خبر داد و گفت: ”وکالت این افراد را به صورت رایگان می پذیریم تا بدون دغدغه حقوقی فقط بر درمان خود تمرکز کنند.“

انفجار در بندر رجایی تجسم انفجار واقعی در زندگی همه مردم ایران است. تجسم بی حقوقی همه جامعه که در عین شناسنامه دار بودن از منظر قاتلان حاکم بی هویت و بی حقوق کامل اند. این ادامه انفجاری است که هر روز در جامعه، زندگی مردم را به آتش می کشد و موجب مرگ های بی شمار و خانه خرابی های غیر قابل

شمارشی است. اما در مرحله نخست که مربوط به شناسایی جان‌باختگان فاجعه بندر رجایی است و همچنین حمایت مادی از بازماندگان این کشتار می‌توان فوراً دست بکار شد. منظور از دست بکار شدن همان قول و قرار پوچی نیست که قوه قضاییه رژیم داده است.

اول از همه مردم بندرعباس را به حمایت وسیع و علنی از خواست بازماندگان این فاجعه فرابخوانیم. عزاداری و همدردی با این خانواده‌ها باید و می‌تواند با حمایت علنی برای پیگیری مطالبات این عزیزان همراه باشد. شهر و منطقه را بسیج کنیم و این بسیج عمومی ممکن است. انعکاس هر غم اجتماعی که مسببش حکومت

باشد باید در سازمانیافتگی علیه مسئولین این جنایت بازتاب پیدا کند. قوه قضاییه این خشم و انزجار عمومی را دیده و از آن وحشت زده است و قصد مهارش را دارد.

نباید گذاشت خواست و اعتراض بازماندگان این جنایت شامل مرور زمان بشود و در سایه انواع بدبختی‌ها و مصیبت‌هایی که بر سر مردم آوار می‌شود گم یا کم‌رنگ شود. اعتراض و تشکل و سازمانیافتگی می‌گوید که رژیم اسلامی چه امکاناتی در اختیار بازماندگان انفجار بندر رجایی می‌گذارد. هر شهروند یک وکیل مدافع این خانواده‌های داغدار باشد. یعنی تجسم خشم و مطالبه‌گری عمومی علیه جمهوری اسلامی.

وضعیت احمد رضا جلالی ۹ سال بعد از زندان

شهاب بهرامی

ویدا مهران‌نیا، همسر احمد رضا جلالی زندانی ایرانی-سوئدی محبوس در زندان اوین تهران خبر داده است که او شب گذشته هجدهم اردیبهشت دچار حمله قلبی شده است. همچنین "مارگوت مالمر استنرگارد"، وزیر امور خارجه سوئد از دریافت اطلاعات نگران‌کننده‌ای درباره حمله قلبی جلالی در زندان اوین خبر داده و خواهان آزادی احمد رضا جلالی شده است.

در پاسخ به نگرانی‌های وزیر خارجه سوئد، عباس عراقچی وزیر آدمکشان اسلامی مدعی دسترسی احمد رضا جلالی به امکانات پزشکی شد. اما نوک

پیکان حمله را فوراً به‌سوی دولت سوئد گرفت و گفت: احمدرضا جلالی "مجرم محکوم شده" است و از اعطای تابعیت سوئدی به احمدرضا جلالی انتقاد کرد. وی نوشت: "شگفت‌انگیزتر از همه، تصمیم مقامات سوئدی برای اعطای تابعیت به فردی است که به دلیل ارتکاب جرایم جدی محکوم شده و پیوندهای اجتماعی‌اش با جامعه سوئد آن‌قدر ضعیف است که حتی احتمالاً قادر به صحبت به زبان سوئدی نیست."

سؤال این است که چرا عراقچی می‌تواند با این زبان با دولت سوئد صحبت کند و از تابعیت و سطح آشنایی با زبان سوئدی احمدرضا جلالی انتقاد کند و به‌تندی بگوید از حمایت از مجرم دست بردارید و به دوران خوش گذشته رابطه

سوئد با جمهوری اسلامی برگردید؟

عراقچی به نمایندگی از بزرگ‌ترین حکومت تروریست جهان در واکنش به درخواست آزادی این زندانی سیاسی دو تابعیتی که بیش از ۹ سال در زندان‌های جمهوری اسلامی شکنجه می‌شود و زیر حکم اعدام قرار دارد، می‌گوید: ”روزگاری روابط ایران و سوئد شکوفا بود؛ شرکت‌های ایرانی برندهایی مانند اسکانه و ولو را ارج می‌نهادند و سفرها و تعاملات زیادی بین دو کشور برقرار بود و از دولت سوئد می‌خواهد به آن دوران خوش‌طالائی برگردد.

این زبان‌درازی عراقچی بی‌دلیل نیست. دولت سوئد عاجز از بازگرداندن احمدرضا جلالی به

سوئد است، زیرا در برابر تروریسم جمهوری اسلامی قاطع عمل نمی کند. اگر دولت سوئد در کنار مردم ایران و ایرانیان خارج از کشور قرار می گرفت و سیاست بایکوت رژیم را در پیش می گرفت و سپاه پاسداران را فوراً به عنوان یک سازمان تروریستی به رسمیت می شناخت و در هماهنگی با دیگر کشورهای اروپایی، بستن سفارتخانه های رژیم را عملی می کرد، آنگاه ورق تماماً به نفع مردم ایران و علیه تروریسم جمهوری اسلامی بر می گشت. اگر چنین می شد حالا ما با یک موش گرفتار در تله روبرو بودیم نه با یک تروریست گستاخ زبان نفهم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۷

۱۲ مه ۲۰۲۵ - ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

اعتراض دوهفته‌ای علیه اعدام‌ها در ایران

حسن صالحی

دردهای نهفته در پس فاجعه بندر رجایی

سیامک بهاری

مجادله بر سر اسم خلیج و هویت مردم

گفتگو با اصغر کریمی

جایزه "دانه انجیر معابد" و جایگاه زنان ایران

میلاد رابعی

اعتراض دوهفته‌ای علیه اعدام‌ها در ایران

حسن صالحی

در واکنش به موج فزاینده اعدام‌ها در ایران، مجموعه‌ای از نهادهای مدنی، خانواده‌های محکومان به اعدام و فعالان حقوق بشر فراخوانی سراسری برای اعتراضی دوهفته‌ای صادر کرده‌اند. طبق گزارش‌ها، تنها در ماه آوریل ۲۰۲۵، دست‌کم ۱۱۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند؛ آماري که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشدی ۷۵ درصدی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس خود، از اعدام به عنوان ابزاری سیاسی برای حفظ بقای منحوس خود و سرکوب جامعه استفاده کرده است. اکنون نیز، با این تصور که مذاکرات با دولت آمریکا می‌تواند نقض حقوق بشر را به حاشیه ببرد، دست به اعدام‌های

گسترده‌تری زده تا مردم به‌ستوه‌آمده را مرعوب و خاموش کند.

فراخوان اعتراض از روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت تا سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴ در داخل ایران و از ۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد در خارج از کشور برنامه‌ریزی شده است. فراخوان‌دهندگان این اعتراض سراسری در داخل کشور، نهاد «دادخواهان»، کمپین «اعدام نکنید» و شماری از خانواده‌های محکومان به اعدام هستند. نهاد «ندای زنان ایران» و «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیررسمی نفت» نیز تاکنون از این فراخوان حمایت کرده‌اند. در خارج از کشور، در همراهی با این فراخوان، یک اقدام جهانی ده‌روزه از سوی ۱۲ نهاد و شبکه مبارزاتی مخالف اعدام اعلام شده است که تاکنون با استقبال خوبی

روبه‌رو شده است. این حرکت با سالگرد اعدام سه جوان معترض در اصفهان، صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی هم‌زمان شده تا بار معنایی و نمادین آن تقویت شود. آنها فریاد بر آوردند که “نگذارید ما را بکشند!” و اکنون ما نباید اجازه دهیم جان افراد بیشتری گرفته شود.

یکی از محورهای این کارزار، پشتیبانی از کمپین «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» است؛ جنبشی که بیش از یک سال است در ده‌ها زندان ایران ادامه دارد و در آن زندانیان سیاسی با گرایش‌های مختلف، هر سه‌شنبه با اعتصاب غذا علیه احکام اعدام اعتراض می‌کنند.

همه شما را فرامی‌خوانیم که از این اعتراضات

دوهفته‌ای علیه اعدام، به هر شکلی که می‌توانید، در ایران و جهان پشتیبانی کنید. این اعتراضات نه تنها تلاشی برای توقف اعدام‌ها، بلکه فریادی برای زندگی و کرامت انسانی در برابر رژیم است که نماد مرگ و سرکوب تلقی می‌شود. پیام نهایی این کارزار، پژواک شعاری است که امروز در جهان شناخته شده است: زن، زندگی، آزادی.

دردهای نهفته در پس فاجعه بندر رجایی

سیامک بهاری

خانواده داغدار از بندر رجایی: ”تا چیزی از عزیزم پیدا نشود، مرگ او را نمی‌پذیرم“.

از بندر رجایی چیزی جز تلی از آهن‌پاره و خاکستری از آنچه بوده بجای نمانده است. در این بندر زندگانی بودند در پی لقمه نانی، نیستند، که از حسرت‌ها و همه رنج‌های بی‌پایانی که نامش را زندگی گذاشته بودند. بگویند، آن تن‌های سوخته، ناپدید شده در خاکسترهای به‌جامانده از یک جنایت هولناک حکومتی، شاهد بی‌بدیل از زندگی ارزان‌تر از نانی هستند که دیگر بر سر سفره‌های خالی خانواده

ماتم زده شان نیست.

حقایق هولناک بی تردیدی که در این فاجعه همچنان
عامدانه پنهان نگه داشته شده، مصیبت بازماندگان
را دوچندان کرده است. کشته شدگان را حتی از
خانواده‌های داغدارشان پنهان می‌کنند!

چگونه می‌شود مرگ عزیزی را باور داشت، بی آنکه
اثری از او در دست باشد؟ نه فقط کارگران بلوچ
بی‌شناسنامه‌ای که جایی ثبت نشده بودند که فقدانشان
بر برگه‌ای به‌جامانده باشد، بلکه آنها که اسم و رسم
داشتند محو شده‌اند، بیش از چهل خانواده در پی
یافتن اثری از عزیزی که مفقودالاثر شده است، از
بیمارستانی به بیمارستان دیگر، حیران و سرگردان
در شوکی دردناک، وامانده در حرمانی بی‌پایان، چشم

در چشم مسیبی که بی رحمانه می گوید: «پیا گواهی
فوت بگیر» گیر افتاده اند!

بزرگسالان در سوگ جانکاه با حقیقتی دردناک
روبرویند، اما کودکان در پی دست نوازش پدر، شنیدن
صدای گرمش و حضورش در کنج خانه‌ای که او دیگر
نیست، نه مرگ و نیستی را برمی تابند، نه خاکستر
به جامانده از حسرتی برای زندگی بی بازگشت را.
شوک روانی فاجعه کودک را از درون متلاشی می کند
و برای همیشه سایه‌ای از وحشت زندگی‌اش را تباه
خواهد کرد. کودکان به حال خود رها شده، قربانیان
خاموش جنایت حکومتی‌اند.

گفته می شود کودک دو ساله‌ای با ناپدید شدن
پدر، تقریباً توانایی صحبت را از دست داده و دچار

لکنت‌زبان شده است. کودک دیگری خود را به بازوی باندپیچی‌شده پدر چسبانده و از وحشت جدایی مدرسه نمی‌رود. بازماندگان به‌ویژه کودکان که قادر به بیان احساسات و تحمل شوک ناگهانی فاجعه نیستند به حال خود رها شده‌اند. نه فریاد رسی در کار است و نه کمک‌های فوری روانی و روان‌پزشک.

قاتل و مسبب این فاجعه هولناک، با بی‌رحمی و قساوت، در پی پنهان‌کردن ابعاد و آثار جنایتی است که آفریده است. دیریازود حکومت اسلامی پاسخگوی جنایات بی‌پایانش خواهد بود!

مجادله بر سر اسم خلیج و هویت مردم

گفتگو با اصغر کریمی

سوسن صابری: گفته ترامپ مبنی بر خواست تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی عکس العمل‌های مختلفی را در سطح احزاب سیاسی و مردم در ایران به دنبال داشته. قبل از هر چیز به نظر شما ترامپ چرا و با چه هدفی در این اوضاع دوباره این موضوع را مطرح می‌کند؟

اصغر کریمی: اگر دقت کنید ترامپ این را در آستانه سفر به عربستان و قطر و امارات گفته است. همین امروز اعلام شد که دولت قطر یک جت مجلل به ترامپ هدیه می‌دهد. ترامپ قرار است در این سفر معاملات تجاری عظیمی با این

کشورها داشته باشد. طرح تغییر اسم خلیج فارس به خلیج عربی اعلام وفاداری ترامپ به دولت‌های این کشورها در مقابل جمهوری اسلامی است. درعین حال مذاکرات اتمی میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی نیز در جریان است و اظهارنظر ترامپ ظاهراً فشاری علیه جمهوری اسلامی است. هر چند که این تا همین‌جا با به میدان آمدن ناسیونالیسم ایرانی در کنار جمهوری اسلامی بیشترین خدمت را به رژیم کرده است. نکته دیگر اینکه ترامپ هر روز یک ادعای بی‌اساس مطرح می‌کند که دو روز هم دوام ندارد، مثل طرح تغییر اسم خلیج مکزیک یا تبدیل کانادا به پنجاه و یکمین استان آمریکا، تبدیل غزه به یک مکان تفریحی توریستی و یا تعرفه ۱۴۵ درصدی بر واردات از چین که همین روز گذشته آن را به ۳۵

درصد کاهش داد.

سوسن صابری: جریانات راست مدافع سلطنت و رضا پهلوی و کل ناسیونالیسم ایرانی در کنار جمهوری اسلامی همگی در یک صف قرار گرفته و این ادعای ترامپ را مخالف "هویت ملی ایرانی" شان می‌دانند. اینکه به تاریخ ملت ایران و افتخاراتش توهین شده است. شما چطور فکر می‌کنید؟

اصغر کریمی: این جریانات در هویت‌تراشی کاذب کاملاً با جمهوری اسلامی شریک‌اند. اگر یادتان باشد زمانی که سفر احمدی‌نژاد به ابوموسی در سال ۱۳۹۱ با مخالفت دولت امارات، با ادعای اینکه سفر احمدی‌نژاد نقض حاکمیت امارات است،

مواجهه شد نیز شاهد همین صف‌بندی بودیم و ناسیونالیسم ایرانی در همان میدان احمدی‌نژاد و همسو با آن وارد میدان شد. جنگ میان جمهوری اسلامی و دولت عراق هم عین همین صف‌بندی را شکل داد. یکی از افتخارات رضا پهلوی این است که در نامه‌ای به نیروی هوایی جمهوری اسلامی، پیشنهاد کرده بود تا به‌عنوان خلبان جنگنده در جنگ ایران و عراق شرکت کند. از این نمونه‌ها در ۴۶ ساله گذشته به‌وفور اتفاق افتاده است و تا جمهوری اسلامی سر کار است باز هم شاهد همسویی این جریان‌ها با رژیم خواهیم بود. اینها در شکل‌دادن به هویت ملی و منافع ملی با جمهوری اسلامی بنیادهای فکری و ارزشی یکسانی دارند و هر کدام تلاش می‌کنند خود را بیشتر مدافع منافع ملی جا بزنند تا خاک بر هویت طبقاتی بپاشند.

سوسن صابری: بخشی از مردم و چهره‌هایی مبارز و خوشنام هم با این تغییر نام مخالف‌اند و این ادعای ترامپ را تحقیر خود و زیر پا گذاشتن هویت ملی‌شان می‌دانند. چرا مردمی که این نام‌ها تغییری در نان سفره و شرایط زندگی‌شان ایجاد نمی‌کند هم با این مخالفت‌ها که از جمهوری اسلامی تا احزاب و شخصیت‌های ناسیونالیست را شامل می‌شود همسو شده‌اند؟

اصغر کریمی: حساب مردم و چهره‌های خوشنامی مثل توماج و حامد اسماعیلیون را باید از جریانات سلطنت‌طلب و ناسیونالیست جدا کرد. هر چند که به دلیل عدم درک عمیق از ناسیونالیسم و عدم تفکیک هویت اجتماعی از هویت ناسیونالیستی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. اینها هویت اجتماعی

را با هویت ملی یکی گرفته‌اند. حمید تقوایی در این زمینه بر نکته بسیار مهمی انگشت گذاشته است: "اشتراکات و علقه‌های فرهنگی و اجتماعی بین مردم یک کشور واقعیتی برخاسته از زندگی اجتماعی است و نه ایدئولوژی ناسیونالیستی. هر کس جامعه‌ای که در آن بزرگ شده و زندگی می‌کند را بهتر و بیشتر می‌شناسد، به آن انس و الفت می‌گیرد و رابطه احساسی عاطفی ویژه‌ای با آن برقرار می‌کند. برای هر کس زبان مادری، محله و مدرسه‌ای که در آن بزرگ شده و دوران کودکی خود را گذرانده، فرهنگ و شعر و ادبیات مشترک، و حتی حیوان خانگی و یا گلی که در خانه پرورده است، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد که باید به رسمیت شناخت و محترم شمرد. اما اینها خصوصیات اجتماعی مردم است و نه خصوصیات

ملی. رنگ ملی زدن به مناسبات و علایق مشترک انسانی تحریف طبقاتی آن است.

اگر درسی باید از این مجادله که ربطی به زندگی مردم ندارد گرفت جداکردن حساب این علقه‌های اجتماعی و انسانی از ناسیونالیسم است. ناسیونالیسمی که توسط طبقه حاکم مدام به جامعه پمپاژ می‌شود و در ذات خود ضدانسانی، تبعیض‌آمیز و مخالف هویت انسانی و از نظر سیاسی سوق‌دادن مردم به همسویی با جمهوری اسلامی است. نه مجادله بر سر تنب و ابوموسی و نه مجادله بر سر اسم خلیج ربطی به منافع مردم ندارد. در میان مردم تفرقه می‌اندازد و در تقابل با ارزش‌ها و گفتمان‌های انسانی و متحدکننده انقلاب زن زندگی آزادی است.

جایزه "دانه انجیر معابد" و جایگاه زنان ایران

میلاد رابعی

فیلم "دانه انجیر معابد" به کارگردانی محمد رسول‌اف، جایزه نقره فیلم آلمان، "لولا" را دریافت کرد. میثاق زارع، بازیگر این فیلم به‌عنوان بهترین هنرپیشه مرد انتخاب شد.

این موفقیت دیگری در صحنه بین‌المللی برای "دانه انجیر معابد" و پیام آن است.

محمد رسول‌اف در بخشی از سخنان خود در این جشنواره این جایزه را به زنان ایران تقدیم کرد. در این باره رسول‌اف در صفحه اینستاگرامش هم نوشته: "در برابر همه بازیگران زن در ایران که برای اعتراض به سرکوب وحشیانه‌ی مردم توسط

جمهوری اسلامی حاضر نشدند مقابل دوربین‌های دستگاه سانسور بروند تعظیم می‌کنم. از آنها اجازه خواستم تا جایزه بهترین فیلم معتبرترین رویداد سینمای آلمان را به نمایندگی‌شان به سهیلا گلستانی تقدیم کنم. کوشیدم توجه‌ها را به دوباره شدت گرفتن اعدام‌ها در ایران جلب کنم.“

فیلم رسول‌اف علاوه بر تاریخ سینما در تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران نیز برای همیشه ثبت می‌شود. اثری که توانست ضمن کنار زدن حجاب اجباری، شرایط جامعه و روزهای ملتهب ۱۴۰۱ را به‌خوبی در قالب یک درام مهیج به تصویر بکشد. “دانه انجیر معابد” خود متأثر از انقلاب ۱۴۰۱ و فضای اعتراضی جامعه است. در حقیقت این تحول بزرگ

اعتراضی در بطن جامعه است که موجب خلق چنین آثاری می‌گردد.

نقش برجسته زنان نیز که خصلت‌نمای انقلاب مردم ایران است به وضوح در داستان فیلم و همچنین در صحبت‌های رسول‌اف در این جشنواره قابل مشاهده است. نفس تقدیم این جایزه به زنان ایران نشان از حقانیت این فیلم و دست‌اندرکارانش دارد.

در تمامی این سالها و بویژه از آغاز انقلاب ۱۴۰۱ تا امروز، جامعه شاهد موضع‌گیری‌های متفاوت هنرمندان مختلف بوده و نسبت به آن واکنش نشان داده است. آنها که همچنان در کنار حکومت ایستاده‌اند و مجیزش را می‌گویند مورد نفرت و بایکوت مردم قرار گرفته‌اند و در مقابل، کسانی

همچون رسول‌اف که از هنرشان به‌عنوان تربیونی
برای رساندن صدای اعتراض مردم استفاده کرده‌اند
مورد حمایت وسیع و همه‌جانبه مردم هستند.

می‌توان انتظار داشت که با پیشروی بیشتر اعتراضات
مردم، هنرمندان بیشتری به جبهه مردم بپیوندند و
با خلق آثار مختلف ضمن پشتیبانی از مردم، خود
و اثرشان را جاودانه کنند. چرا که تاریخ ثابت کرده
که هنری که در خدمت اقلیت حاکم قرار می‌گیرد
با سقوط آن سیستم محو و نابود می‌شود و برعکس،
آثاری که از خواست‌های مردم، از آزادی و رهایی
دفاع کرده‌اند، برای همیشه زنده مانده‌اند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۳۸

۱۳ مه ۲۰۲۵ - ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

تسلیم با حفظ ظاهر: مسئله اینست!

یک سؤال از حمید تقوایی

اعدام نکنید!

راحله احمدی، زندانی سیاسی سابق

بالاخره مشکل برق حل شد!

شهاب بهرامی

تقلای رژییم برای امید دادن به حزب الله

محسن ابراهیمی

تسلیم با حفظ ظاهر: مسئله اینست!

یک سؤال از حمید تقوایی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در پی برگزاری دور چهارم مذاکره تهران و واشنگتن گفت: "اتفاقات بسیار خوبی در رابطه با ایران در حال وقوع است." او افزود: "فکر می‌کنم آن‌ها فهمیده‌اند من جدی هستم و تا اینجا رفتارشان منطقی بوده است." به نقل از ایران اینترنشنال.

کیوان جاوید: ارزیابی شما از این دیدارها و روند مذاکرات چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من اظهارات علنی خارج از

میز مذاکره دو طرف، عراقچی و ویتکاف و ترامپ و خامنه‌ای، برای ارزیابی مضمون مذاکرات و اینکه به چه سمت حرکت می‌کند معیار خوبی نیست. این نوع تبلیغات اساساً برای فضاسازی در رابطه با افکار عمومی و تأثیرگذاری بر روند مذاکرات در نشست بعدی اظهار می‌شود. جمهوری اسلامی تلاش دارد تا در عین مذاکره و عقب‌نشینی چنین جلوه دهد که محکم و قاطع ایستاده است و از مواضع خود (حتی اصرار بر مذاکره غیرمستقیم) کوتاه نمی‌آید و در سوی دیگر ترامپ که در رابطه با جنگ غزه و جنگ اوکراین طرح‌هایش به جایی نرسیده، می‌خواهد نشان بدهد که در رابطه با ایران همه چیز به خوبی پیش می‌رود و هر دور مذاکره را به عنوان یک

دستآورد و موفقیت به نفع خود ثبت کند.

اما مستقل از این فضاسازی‌ها بطور واقعی شیب زمین تماماً به ضرر جمهوری اسلامی است. برای ترامپ رابطه با جمهوری اسلامی تنها یک عرصه، آن هم در سیاست خارجی است که به هر نتیجه‌ای منجر شود تأثیر چندانی بر موقعیت او در سیاست داخلی و جایگاه و سرنوشت دولتش نخواهد داشت. اما برای جمهوری اسلامی این مذاکرات و نتیجه آن می‌تواند آینده نظام و بودونبود آن را رقم بزند.

بطور واقعی جمهوری اسلامی با کلان بحران‌های همه‌جانبه و علاج‌ناپذیری دست‌به‌گریبان است:

از فروپاشی نیروهای نیابتی‌اش تا ورشکستگی و
فلج اقتصادی و از بهم ریختگی صفوفش تا مهم‌تر
از همه، دریای خشم و نفرت مردم و جامعه‌ای
انفجاری که با کوچک‌ترین جرقه‌ای می‌تواند
طومار نظامشان را درهم بپیچد.

”بی‌شرافتی“ مذاکره با ”قاتل قاسم سلیمانی“ را
بجان خریدند، چون ناگزیرند. جمهوری اسلامی
از سر درماندگی بر سر میز مذاکره رفته است و
مساله هم فقط تهدید نظامی و احتمال جنگ نیست،
بلکه ادامه وضع موجود برای رژیم، رژیمی که
حتی از تأمین ابتدائی‌ترین نیازهای روزمره مردم
درمانده است و جامعه را عملاً به تعطیلی کشانده،
هر روز سخت‌تر می‌شود. همانطور که قبلاً هم

تأکید کرده‌ام حکومت به‌جز تن‌دادن به شرایط و خواست‌های دولت آمریکا (و همچنین اروپا که شمشیر مکانیسم ماشه را بالا برده) چاره‌ای ندارد. به نظر من در شرایط حاضر معضل حکومت نه کوتاه‌آمدن و تسلیم‌شدن بلکه انعکاس آن در جامعه، در میان طرفداران خودش و در منطقه است. مساله واقعی اینست که چطور تسلیم شوند که تسلیم به نظر نیاید. به نظر می‌رسد در حال حاضر این حفظ ظاهر گره اصلی توافق و مذاکره باشد. روشن است که نمی‌توان پروژه هسته‌ای را تماماً تعطیل کرد و موضوع را مخفی نگهداشت اما طرفین دارند تلاش می‌کنند راه‌حلی برای این مساله بیابند. بعنوان مثال از نظر موسویان، عضو سابق تیم هسته‌ای ایران، این راه‌حل می‌تواند

چنین باشد:

”راه حل همان چیزی است که من سال‌ها مکرر در نوشته‌ها و مصاحبه‌ها و سمینارهای بین‌المللی پیشنهاد کرده‌ام: تشکیل کنسرسیوم مشترک هسته‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس“

چنین راه‌حلی می‌تواند مساله را از تقابل غرب و جمهوری اسلامی بیرون بیاورد و آن را به توافق کشورهای حاشیه خلیج با آمریکا تبدیل کند! شاید ترامپ هم که می‌گوید ”اتفاقات بسیار خوبی در رابطه با ایران در حال وقوع است.“ چنین سناریوهایی را مدنظر دارد. سناریوی تسلیم جمهوری اسلامی به نحوی که تسلیم به نظر نیاید!

اعدام نکنید!

راحله احمدی، زندانی سیاسی سابق

سال گذشته جنبشی علیه اعدام شکل گرفت. در کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام دیدیم که ابتدا ۳۸ زندان به این جنبش پیوستند و با هدف لغو اعدام دست به اعتصاب غذا زدند. وقتی قوانین حاکم ضد بشریت باشد و حق، حقوق و آزادی مردم را سلب کند، مردم مطالبه‌گری می‌کنند و در عوض با شوکر، باطوم، زندان و در نهایت با حکم اعدام مواجه می‌شوند. این قانون همه حکومت‌های دیکتاتوری است که برای ساکت کردن مردم به اعدام متوسل می‌شوند. در مقابل این هم باید به قانون جامعه تبدیل شود که ابزار

سرکوبِ مردم را از دست حکومت بیرون بکشد.

اعدام یکی از مهم‌ترین ابزارهای سرکوب جامعه است و مقابله با اعدام نیز یک رکن اصلی مقابله با رژیم است. در چنین جامعه نابسامانی که بخشی از قشر فقیر و زحمت‌کش جامعه هم قربانی همین قوانین هستند، برای رهایی از فقر و فلاکت تن به هر کاری می‌دهند و در نهایت رژیم آنها را اعدام می‌کند. همه می‌دانیم اینها بهانه‌ای است برای به اصطلاح مقابله با بزهکاری یا فساد یا... چون اگر این‌طور بود حالا هیچ‌کدام از دست‌اندرکاران حاکم از این مجازات جان سالم بدر نمی‌بردند، بنابراین مجازات برای ایجاد وحشت مردم است نه اجرای عدالت. تا امروز هم

نشان داده شده است که درمان فقر و رسیدن به یک جامعه انسانی نه با اعدام که با عدالت و رفاه و آزادی مهیا می‌شود.

اکنون ۴۱ زندان به کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام پیوستن. پس ما هم باید هم صدا و در کنار هم جلوی ماشین کشتار و سرکوب بایستیم و اجازه ندهیم اعتراضات و مطالباتمان حذف و دفن شوند. برای بی‌دار شدن باید بیدار شویم. برای پایان این کشتار سازمان‌یافته دولتی باید متحد شویم.

بالاخره مشکل برق حل شد!

شهاب بهرامی

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت درباره بحران برق گفت: "تلاش می‌کنیم بار قطع برق را از صنایع برداریم و کمی را هم به منازل بدهیم". هفته گذشته دبیر سندیکای صنعت برق هم راهکاری "هوشمندانه، شرافتمندانه" و ارزان ارائه داد: "برای مواجهه با بی‌برقی، آفتابه و بادبزن دستی تهیه کنید". ایشان البته توضیح نداد باتوجه به بی‌آبی موجود بخصوص هنگام قطع برق، آفتابه بدون آب، به مصرف چه کاری می‌آید؟ آیا در احادیث معتبر اشاره‌ای به این موضوع مهم شده است یا خیر؟

به سخنان این نوابغ برگردیم، فاطمه مهاجرانی می‌گوید از برق صنایع بر می‌داریم و یک کمی از آن را به منازل می‌دهیم! چه صدقه سخاوتمندانه‌ای، نمی‌گوید چه مقدار، چند مثقال؟ خب بقیه‌اش را به کجا می‌دهید؟ احتیاجی هم نیست بگوید، مردم بهتر از هر کسی می‌دانند بقیه‌اش به کجا می‌رود. احتمالاً این نوابغ در جمع‌های خصوصی از مؤسسه نوبل دلگیرند که چرا اینها تابه‌حال کاندید جایزه نوبل "اقتصاد مال خراست" نشده‌اند.

تا آب، برق، قدرت، اقتصاد و حکومت، در گرو این باندهای مافیایی اسلامی است اسم‌بردن از اصلاحات ساختاری در همه ساختارهای اجتماعی،

اقتصادی و امیدبستن حتی به اصلاحات جزئی فقط کمک به ادامه وضع موجود و توهم پراکنی در جهت تثبیت وضعیت موجود است. دکترین این نظام بر مبنای فقر و فاقه حداکثری کار می‌کند. درگیری شبانه‌روزی مردم فقط برای زنده ماندن و تنازع‌بقا که قرار است هرگونه رمقی برای اندیشیدن و توان داشتن تغییر شرایط موجود را از آنها سلب کند، چکامه تلخ این دکترین است.

چاره چیست؟ آیا مردم تا قیامی دیگر و سرنگونی حکومت نکبت اسلامی و رستگاری از فاجعه‌ای که به‌جای زندگی تحویل گرفته‌اند، منتظر بمانند یا منتظر خواهند ماند؟ تاریخ مبارزات این چهار دهه عکس این موضوع را نشان می‌دهد، اما امروز

در کنار تمام جوانب متنوع و گسترده مبارزاتشان، باید به‌سوی به حرکت درآوردن و اعتلای جنبشی برای حل معضل عاجل آب و برق باشند. جنبش عمومی نپرداختن قبض‌های آب و برق و گاز. باید شوراهای محلات و منطقه‌ای تشکیل شده و این امر را وسیعاً سازمان دهند. رژیم در مواجهه با این اقدام بیش از هر زمان دیگری ضعیف و ناتوان بوده و این تروریست‌های مسلح حاکم را نیز از درآمدهای کلان محروم می‌کند.

تقلای رژیم برای امید دادن به حزب الله

محسن ابراهیمی

رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی گفت: ”در جریان انفجار پیجرهای اعضای حزب الله لبنان که سه هزار مجروح برجای گذاشته بود، ۱۲۶۰ عمل جراحی برای این عزیزان انجام دادیم بدون اینکه یک عمل با تأخیر و ناموفق انجام شود.“ او اشاره کرد: ”۵۰۰ نفر از مجروح ها را وارد ایران کردیم.“

این سخنان برای اطمینان دادن به حزب الله است که هنوز می تواند روی حکومت اسلامی حساب کند. حزب الله که در جریان ضربات سنگین

ارتش اسرائیل، از حکومت اسلامی چیزی ندید
جز رجزخوانی علیه اسرائیل. حزب الله که دید
حکومت اسلامی حتی نمی تواند امنیت جانی
اسماعیل هنیه در تهران را تأمین کند. همچنین،
حزب الله ذلت و خواری خامنه ای در مقابل ترامپ
را می بیند. رهبری که عملاً تبدیل شده است به
پدرخوانده درمانده تروریست های مورد حمایتش.
این همان رهبری است که زمانی حسن نصرالله
باد در غیغب انداخت و اعلام کرد در نظام
تحت رهبری خامنه ای "بودجه و هزینه و خرج و
خورد و خوراک و سلاح و موشک های حزب الله از
طرف جمهوری اسلامی ایران می رسد. تا زمانی
که ایران پول داشته باشد، یعنی ما هم پول داریم."

باتوجه به این وضعیت، سخنان رئیس هلال احمر نمی تواند برای حزب الله امیدوارکننده باشد، اما حتماً انزجار و نفرت مردم از نظام اسلامی را بیشتر می کند. مردمی که با وضعیت اسفناک دارو و درمان مواجه هستند. مردمی که به خاطر فقدان داروی مورد نیاز، قیمت های سرسام آور دارو، تازه اگر در بازار سیاه زیر کنترل مافیای دارو پیدا شود، عزیزانشان را از دست می دهند. مردمی که از خبر غم انگیز نابینا شدن تعداد زیادی بیمار بعد از عمل جراحی آب مروارید در "مرکز چشم پزشکی نگاه" تهران مطلع می شوند. مردمی که بعد از فروریزی ساختمان متروپل، از رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران می شنوند که تعداد زیادی از مراکز بیمارستانی در تهران به خاطر وضعیت

نامن ساختمان اخطار آتش‌نشانی دارند!

اگر سخنان رئیس هلال‌احمر نمی‌تواند موقعیت درمانده حکومت اسلامی را در میان بقایای حزب‌الله و بقیه "محور مقاومت" کذایی‌اش در منطقه ترمیم کند، در عوض بیشتر معلوم می‌کند که هر لحظه ادامه حضور حکومت اسلامی در قدرت، تباهی بیشتر زندگی مردم را به دنبال دارد و عزم مردم برای کوتاه‌کردن عمر حکومت جزم‌تر می‌شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۳۹

۱۴ مه ۲۰۲۵ - ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

همه با هم علیه اعدام

شهلا دانشفر

بحران برق و سلامت دانش آموزان

سینا پدرام

ترامپ در عربستان و حال ناخوش رژیم

کیوان جاوید

در مورد انحلال "پ ک ک"

کاظم نیکخواه

همه با هم علیه اعدام

شهلا دانشفر

در اعتراض به اعدام‌های گسترده و در حمایت از “سه‌شنبه‌های نه به اعدام” دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان و جمعی از خانواده‌های محکومین به اعدام، فراخوان به دو هفته کارزار داده‌اند.

کارزار “همه با هم علیه اعدام” سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت آغاز و تا سه‌شنبه ۶ خرداد ادامه خواهد داشت.

بیانیه این کارزار با تأکید به “نه به اعدام”، “نه به کشتن انسان‌ها به هر اتهام و جرمی” و “اعدام نکنید” آغاز شده و اعدام را قتل حکومتی و ابزار جنایت حاکمیت خوانده و با اشاره به اعدام‌های گسترده بر

پایان دادن به اعدام، این جنایت آشکار علیه بشریت تأکید دارد. بیانیه از انسان‌های آزادی‌خواه و نهادهای حقوق بشری در جهان می‌خواهد که پژواک صدای محکومین به اعدام و خانواده‌هایشان باشند.

دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و ارکان ثالث در نفت طی بیانیه مشترکی از این فراخوان و از ”سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ حمایت کردند.

ندای زنان ایران ضمن اعلام پشتیبانی انزجار خود را علیه همه احکام اعدام و اجرای قتل حکومتی، اعلام کرده است.

۱۲ سازمان و گروه دیگر در حمایت از ”سه‌شنبه‌های نه به اعدام“ برای ۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد فراخوان

به اقدامی جهانی علیه اعدام‌ها داده و کارزار "همه با هم علیه اعدام" را بازتاب وسیع داده‌اند.

روز گذشته اولین روز کارزار "همه با هم علیه اعدام" با شصت و هشتمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در ۴۱ زندان همراه بود.

جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در پارکی در تهران با دردست‌داشتن تصاویر عزیزانشان و نوشته "نه به اعدام"، تجمع کردند و خواستار لغو احکام اعدام و توقف اعدام‌ها شدند.

فعالین جنبش علیه اعدام کلیپ‌هایی با دست‌نوشته "اعدام نکنید" انتشار دادند. باکس استوری نه به اعدام با ۲۵ هزار امضا علیه اعدام و علیه حکم اعدام

تتلو راه افتاد. گلرخ ایرایی زندانی سیاسی نوشت:
مخالفت با سلب حیات، فارغ از عقاید، اقدامات یا
جایگاه سیاسی محکوم، نه تنها یک حق، بلکه وظیفه‌ای
انسانی برای توقف چرخه خشونت است.“

جمهوری اسلامی از وحشت فضای انقلابی جامعه
و سربلند کردن دوباره انقلاب بر اعدام‌ها شدت
می‌دهد. جنبش قدرتمند علیه اعدام و پایان دادن به
اعدام‌ها گامی مهم برای به پیروزی رساندن انقلاب
ماست. به کارزار ”همه با هم علیه اعدام“ بپیوندیم.

بحران برق و سلامت دانش آموزان

سینا پدram

در روزهای پایانی سال تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد ساعات فعالیت مدارس برای صرفه جویی در مصرف برق تغییر کرده است. بر اساس بخش نامه جدید، مدارس یک نوبته از ساعت ۶ صبح تا ۱۳ و مدارس دو نوبته در دو شیفت از ۶ تا ۹:۳۰ و ۹:۳۰ تا ۱۳:۳۰ فعالیت خواهند کرد. این تصمیم به دلیل مصوبه هیئت وزیران برای کاهش مصرف انرژی و مدیریت ناترازی برق اتخاذ شده است. همچنین، دمای مدارس باید حداقل ۲۵ درجه سانتی گراد تنظیم شود و در امتحانات پایانی نیز تغییراتی اعمال می شود.

این تغییرات با واکنش منفی گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است. برخی استان‌ها از جمله مازندران اعلام کردند طبق روال قبلی عمل می‌کنند، و در استان قم، شیفت بعدازظهر به‌صورت غیرحضوری برگزار خواهد شد. هم‌زمان، وزارت کشور نیز در راستای مدیریت بحران برق، ساعات کاری ادارات را به ۶ صبح تا ۱۳ تغییر داده، دمای مطلوب ساختمان‌ها را ۲۷ درجه تعیین کرده و پنجشنبه‌ها را تعطیل اعلام کرده است. با این حال، خاموشی‌ها همچنان ادامه دارد و گزارش‌هایی از تبعیض در توزیع خاموشی‌ها، به‌ویژه در شمال و جنوب تهران منتشر شده است.

روزنامه فرهیختگان در گزارشی با عنوان «سهم نابرابر از تاریکی» به این تبعیض اشاره کرد، اما پس از تکذیب شرکت توزیع برق تهران و تأکید بر اجرای

عادلانه! خاموشی‌ها گزارش خود را حذف کرد.

آنچه که در تمامی این به اصطلاح سیاست گذاری‌های جدید رژیم اسلامی برای صرفه جویی در “مصرف” انرژی و برق و غیره با کمال بی‌شرمی نادیده گرفته شده است سلامت جسمی و روانی کودکان و دانش‌آموزان ایران است.

هفته پیش ما در رابطه با درصد بالای کودکانی که بدون خوردن صبحانه و یا یک وعده غذای گرم به مدرسه می‌روند نوشتیم. اما بر خورداری از یک خواب طولانی و کافی برای رشد جسمی و روحی مناسب کودکان به اندازه تغذیه مناسب، اهمیت فوق‌العاده بالایی دارد. نداشتن خواب کافی بدون شک در سطح یادگیری دانش‌آموزان تأثیرات مخرب و منفی خواهد

داشت. خستگی و بی‌خوابی به همان اندازه گرسنگی
راندمان یادگیری کودک را کاهش می‌دهد.

این سیاست‌های ضدانسانی و ضد کودک جمهوری
اسلامی به همه مردم مربوط است و باید بخش‌های
مختلف مردم را به عکس‌العمل وادارد. فقط با
اعتراضات قدرتمند و سراسری می‌توان این سیاست‌ها
را زمین‌گیر کرد.

ترامپ در عربستان و حال ناخوش رژیم

کیوان جاوید

عربستان سعودی متعهد شده است مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار در ایالات متحده آمریکا سرمایه گذاری کند. در همین حال اعلام شد که دو کشور توافق نامه هایی برای همکاری در حوزه های انرژی، دفاع، فضا و منابع معدنی امضا کرده اند.

در بیانیه کاخ سفید آمده است: "ایالات متحده و عربستان سعودی در حوزه دفاعی بزرگ ترین توافق فروش تجهیزات دفاعی در تاریخ را امضا کردند که ارزش آن نزدیک به ۱۴۲ میلیارد دلار است."

موقعیت امروز عربستان را با وضعیت اسفبار

جمهوری اسلامی مقایسه کنیم تا به راحتی متوجه شویم که تفاوت از زمین تا آسمان است. جمهوری اسلامی به سرعت مافوق صوت در سرایش فروپاشی اقتصادی به پیش می‌راند و اقتصاد حکومت اسلامی به تلی از خرابه تبدیل شده است. دلیل این وضعیت، اما تماماً سیاسی است.

در برابر این بحران همه‌جانبه جمهوری اسلامی، عربستان با سرعت بسیار زیاد در حال رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری عظیم بین‌المللی است. به قول محمد بن سلمان، ولیعهد رژیم عربستان سرمایه‌گذاری عربستان در آمریکا به زودی تا مرز یک تریلیون دلار هم خواهد رسید. این هم اتفاقی سیاسی است.

عربستان یک کشور اسلام زده با سیستمی
عشیره‌ای و ضدانسانی و ضد زن است و سرکوب
و کشتار و دیکتاتوری اسلامی اساس حاکمیتش
را تشکیل می‌دهد، اما فرقی با جمهوری اسلامی
این است که قصد صدور اسلام سیاسی‌اش را
ندارد. اعدام‌های گسترده در عربستان یک پدیده
رایج است، اما به این دلیل که یک “اتفاق داخلی”
قلمداد می‌شود، دول غربی، از جمله آمریکا چشم
بر این جنایت می‌بندند.

اسلام در جمهوری اسلامی هم همچون حکومت
عربستان در رأس قدرت قرار دارد، اما با این تفاوت
که جمهوری اسلامی دشمنی با آمریکا را به یک
سیاست رسمی و بین‌المللی تبدیل کرده است.
صدور اسلام سیاسی و تقویت جریان‌ات تروریست

اسلامی در منطقه، استراتژی جمهوری اسلامی است و همین سیاست، رژیم را اسیر کرده است.

سفر ترامپ به عربستان و توافقات میلیاردها دلاری اقتصادی و نظامی سیلی محکمی به گوش جمهوری اسلامی است که این روزها پشت درهای بسته مذاکرات نفسش به شماره افتاده است. ترامپ بدون شلیک حتی یک گلوله در حال تسلیم کردن جمهوری اسلامی در مذاکرات جاری است. مشکل جمهوری اسلامی این است که نمی‌تواند دست از اسلام سیاسی‌اش بردارد و همچنان دوام بیاورد. مردم در ایران گور این رژیم شکست‌خورده در همه جبهه‌های جنگش با دنیا و مردم ایران را عمیق‌تر خواهند کند.

در مورد انحلال "پ ک ک"

کاظم نیکخواه

یک رویداد و خبر داغ و بی‌سابقه در این هفته انحلال پ ک ک است. سه ماه پیش اوجالان در نامه‌ای از زندان از حزبش خواست که سلاح‌ها را زمین بگذارد و خود را منحل کند. رهبری پ ک ک فوراً این فراخوان را پذیرفت و از دولت خواست که اوجالان را آزاد کند تا بر این روند نظارت کند. اما این هفته کنگره پ ک ک بدون حضور اوجالان انحلال حزب کارگران کردستان ترکیه را اعلام کرد.

سؤالات بسیاری حول و حوش این رویداد و سرنوشت هزاران نفر از رهبران و نیروهای پیشمرگ آن در ترکیه

و دیگر کشورها مطرح است. مقامات ترکیه تاکنون به جز ابراز خوش‌بینی خیلی مبهم، اظهارنظری نکرده‌اند و قول و وعده‌ای به فعالین پ ک ک نداده‌اند.

اوجالان نظراتی را قبلاً در قالب “کنفدرالیسم” و غیره مطرح کرده بود که استنتاج آن چیزی جز تعطیل مبارزه متشکل نبود. اما تحلیلا دلیل اصلی انحلال این حزب پایان دوره‌ای در تاریخ منطقه است که شرایط سیاسی و بافت طبقاتی جوامع تغییر کرده و اشکال مبارزات به صورت اعتصابات و تجمعات و اعتراضات مختلف به شکل غالب مبارزات مردم تبدیل شده است.

مردم چهار بخش کردستان طی دهه‌ها زیر تعرضات و فشارها و جنایات بسیاری توسط دولت‌های حاکم قرار داشته‌اند و با مبارزه مسلحانه، از موجودیت و زندگی خود دفاع کرده و دستاوردهای زیادی داشته‌اند. دیکتاتورهای خون آشامی نظیر صدام حسین و اردوغان و جمهوری اسلامی و بشار اسد طی دهه‌ها جنایات فجیعی در حق مردم کردستان مرتکب شدند. اکنون فضای این کشورها اشکال دیگری از مبارزه را به حاکمین تحمیل کرده که درعین حال همبستگی مردم کردستان با مردم مناطق دیگر را تضمین می‌کند. انحلال پ ک ک اساساً در چارچوب این دوره جدید و پایان دوره مبارزه مسلحانه سنتی روستایی قابل توضیح است. به‌ویژه فضای ترکیه با کشورهایی مثل ایران تحت

حکومت اسلامی از نظر امکان مبارزات دموکراتیک و شهری بسیار متفاوت است. در این کشور نهادها و سازمان‌های نزدیک به پ ک ک و مردم کردستان در شهرهای مختلف حضور علنی دارند و علی‌رغم سرکوبگری‌های دولت در مبارزات و انتخابات شهرداری‌ها و دیگر فعالیت‌های قانونی به درجات مختلفی شرکت دارند. اما اینکه این انحلال بتواند تحولات مثبتی به نفع مردم کردستان به دنبال داشته باشد، هنوز روشن نیست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۴۰

۱۵ مه ۲۰۲۵ - ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

درباره کشتار بندر رجایی شفاف سازی شد!

سیما بهاری

سخنگوی دولت و یاهو گویی تحت لوای مصلحت

رضا درویش

سیاست های فاجعه بار آمریکا و فاجعه انسانی در افغانستان

سینا پدرام

سفر ترامپ به منطقه، دستاوردش برای حکومت اسلامی

محسن ابراهیمی

درباره کشتار بندر رجایی شفاف‌سازی شد!

سیما بهاری

”شرکت مالک محوطه سینا، محل وقوع انفجار در بندر رجایی بندرعباس، در نامه‌ای به سازمان بورس در باره میزان خسارت این حادثه شفاف‌سازی کرد. این شرکت وابسته به بنیاد مستضعفان اعلام کرد فعالیت خود را در دیگر بخش‌های بندر رجایی و شش بندر اصلی ایران با تمام توان ادامه می‌دهد.“

به فاصله بسیار کوتاهی پس از انفجار در بندر رجایی، درحالی که شهر هنوز پر از دود و بوی مواد منفجره بود، درحالی که هنوز مردم زخم‌خورده در میان آتش و تل‌های روی هم ریخته به دنبال عزیزان مفقود شده و سوخته خود می‌گشتند و صدای ضجه‌های

بازماندگان فضای شهر را پر کرده بود، مسئولان بی‌شرافت حکومتی گفتند ”همه چیز عادی است و مردم دارند زندگی معمولی خود را ادامه می‌دهند.“ و صاحبان شرکت‌های واقع در بندر رجایی نگران خسارت مالی واردآمده به پول‌های بادآورده خود بودند.

کسی مسئول پاسخ به بی‌شمار سؤالات مردم آسیب‌دیده و عزیز از دست‌داده نبود. هنوز هم بعد از ۱۹ روز از تعداد دقیق کشته‌شده‌ها و مفقودین و اینکه قرار است خانواده‌های کارگران خاکستر شده، چگونه روزگار بگذرانند ”شفافیتی“ وجود ندارد. هنوز از ”ماهیت محموله“ که باعث انفجار شده هیچ‌گونه ”شفاف‌سازی“ گزارش نشده. هنوز کارگران بی‌شناسنامه بلوچ بی‌هویت‌اند. هنوز

معلوم نیست کارگران آسیب‌دیده بیمه‌ای دریافت خواهند کرد یا نه! ولی شرکت سینا برای سهام‌داران نامحترم‌ش شفاف‌سازی کرده که مبادا آب در دلشان تکان بخورد. آنها حتماً خسارت دریافت می‌کنند و در بندری دیگر کارشان را ادامه می‌دهند تا قتلگاه دیگری بسازند.

اینجا در ایران، حکومت دست جانیان و مجرمان است. بابک زنجانی آزاد است و مشغول تجارت. شرکت مالک محوطه سینا طبق "شفاف‌سازی" خودشان در شش بندر اصلی دیگر با تمام توانش مشغول دوشیدن کارگران است و بسیاری از ذکوری که قتل ناموسی مرتکب شده‌اند، آزادند و می‌گردند. این حکومت محل امنی می‌سازد برای این انگل‌ها و این غارتگران. کسی یقه جنایت‌کاران را نمی‌گیرد؛ زیرا همگی سوار

یک کشتی هستند.

اما آرامش قبل از طوفان را می‌شود حس کرد. کل جامعه گویی آتش زیر خاکستر است. این بار شاهد انفجار خشم مردم جان‌به‌لب رسیده هستیم. حکومت از مردمی که چیزی برای از دست دادن ندارند باید بترسد.

سخنگوی دولت و یاوه‌گویی تحت لوای مصلحت

رضا درویش

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در ارتباط با آمادگی ترامپ برای توافق با ایران گفت ”در سیاست خارجی ما همیشه سه اصل ثابت را دنبال می‌کنیم: عزتمندی کشور و مردم، حکمت و البته مصلحت“. او افزود: ”با این سه اصل همه موضوعات کشور دنبال می‌شود؛ مشخصاً موضوع روابط با سایر کشورها“.

از سخنگوی دولت باید پرسید شما کی و کجا ارزش و احترامی برای مردم قائل شده‌اید که از ”عزت مردم“ دم می‌زنید. طبق آمارهای رسمی، در خوش‌بینانه‌ترین

حالت ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند، تقریباً از هر دو نفر یک نفر (آفتاب نیوز ۱۷ دی ۱۴۰۳). در باب "عزتمندی کشور" هم باید گفت که فقط دو قلم کمبود برق و گاز ۲۶ استان از ۳۱ استان یعنی ۸۰ درصد کشور را به تعطیلی کشاند (عصر ایران ۷ اسفند ۱۴۰۳). فاطمه مهاجرانی این وضعیت خفت باری را که جز فقر و فلاکت چیزی دیگری برای مردم در پی نداشته "عزتمندی کشور و مردم" عنوان می‌کند.

دومین اصل سیاست خارجی به زعم سخنگوی دولت یعنی "حکمت" هم از آن حرف‌هاست. باید پرسید از کی ویرانگری، جنگ‌افروزی، گروگان‌گیری و باج‌خواهی "حکمت" محسوب می‌شود. این حکومت میراث‌دار عقب‌مانده‌ترین "فرهنگ" قرون وسطی

است و در تظاهر به پایبندی به جهل و خرافات مذهبی به طرز علاج‌ناپذیری در شیوه حکمرانی همواره از نابودی اسرائیل می‌گوید و برای گسترش تروریسم اسلامی در سطح جهان میلیاردها دلار هزینه کرده است.

فقط در مورد اصل سوم وقتی سخنگوی دولت می‌گوید ”و البته مصلحت“ می‌توان پذیرفت که فاطمه مهاجرانی اصل مسئله را گفته است. چرا که این امر مسبوق به سابقه است و این رژیم تا مغز استخوان فاسد بنا به ”مصلحت“ و برای بقای خودش حاضر است به هر نیرنگی متوسل شود و به هر خفتی تن دهد. همچنان که دیدیم، خمینی جام زهر را نوشید، و خامنه‌ای مذاکره ”غیر شرافتمندانه“ را پذیرفت. بر مبنای همین ”مصلحت“ سخنگوی دولت دو روز

پیش حتی گفت ”هیچ وقت مشکلی با سرمایه گذاری
آمریکا در ایران نداشته ایم“ (همشهری).

اما مردم مبارز و حق طلب می دانند منافع و مصلحتشان
در گرو به زیر کشیدن این رژیم است و به خانم
سخنگو باید گفت: یاوه می گویی و زحمت مایه داری.

سیاست‌های فاجعه‌بار آمریکا

و فاجعه انسانی در افغانستان

سینا پدرام

تصمیم اخیر دولت آمریکا برای پایان دادن به برنامه "وضعیت موقت حفاظت" برای پناهجویان افغانستانی، نشانه‌ای روشن از سیاست‌های ضدانسانی اخیر آمریکا در قبال افغانستان است. این برنامه که از زمان به قدرت رسیدن طالبان در سال‌های گذشته، به عنوان حفاظی موقت برای هزاران افغانستانی عمل می‌کرد، اکنون به بهانه "بهبود شرایط" در افغانستان متوقف می‌شود. این تصمیم در تضاد آشکار با واقعیت‌های میدانی افغانستان قرار دارد؛ کشوری که همچنان تحت

سلطه طالبان، با سرکوب زنان، محدودیت‌های شدید اجتماعی و نبود امنیت دست‌وپنجه نرم می‌کند.

سیاست‌های آمریکا، از جمله مذاکرات مخفیانه دولت ترامپ با طالبان، زمینه‌ساز بازگشت این باند اسلامی تروریست به قدرت شد. حال در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، همان افغانستانی‌هایی که به آمریکا پناه آوردند و در سال‌های اشغال نظامی به‌عنوان مترجم، همکار و یا متحد در کنار نیروهای آمریکایی ایستادند، به سرزمینی بازگردانده می‌شوند که دیگر برایشان امن نیست.

وزیر امنیت داخلی آمریکا با استناد به ”بررسی وضعیت“ مدعی است که دیگر نیازی به ادامه

برنامه "وضعیت موقت حفاظت" نیست. این تصمیم بیشتر به دلایل سیاسی و داخلی آمریکا مربوط است تا تحلیلی واقع‌گرایانه از وضعیت افغانستان. این اقدام، نه تنها بی‌اعتنایی به جان هزاران پناهجو است، بلکه پیامی نگران‌کننده برای دیگر متحدان بالقوه واشنگتن در مناطق بحرانی جهان می‌فرستد: "اگر روزی نیاز آمریکا به تو تمام شود، حمایت ما هم به پایان می‌رسد."

از سوی دیگر سیاست‌های ضد پناهندگی ترامپ مانند پرده ساتری عمل می‌کند تا حملات هیئت حاکمه آمریکا بر علیه خود مردم آمریکا را لاپوشانی کند. بیکارسازی‌های چندصدهزارنفری ایلان ماسک و اخراج پناهندگان دوروی یک سکه در سیاست‌های ترامپ است. به‌هرحال در عالم سیاست این پراگماتیسم سودجویانه نه امنیت

می‌آورد و نه اعتبار.

سیاست‌های به نظر پرتناقض، کوتاه‌نگرانه و ضدانسانی آمریکا در قبال مردم افغانستان نمونه بارز پراگماتیسم هیئت حاکمه آمریکاست. اینکه در این "دیپلماسی" نیرنگ و دسیسه چند میلیون زن در افغانستان در بی‌آیندگی و وحشت "مرگ روزمره" عمر خود را بدون آنکه زندگی خوش و پر باری تجربه کرده باشند، سپری خواهند کرد غمی نیست. حساب‌های بانکی میلیاردرها باید پر شود. این درس اخلاقی است که ترامپ و شرکا برای انسان قرن ۲۱ به ارمغان آورده‌اند.

سفر ترامپ به منطقه، دستاوردها برای حکومت اسلامی محسن ابراهیمی

سفر ترامپ به عربستان سعودی، قطر و امارات پر دستاورد بود. پر دستاورد برای امپراطوری بسازیفروش خود ترامپ و خاندانش. همچنین برای شیوخ حاکم در عربستان و قطر و امارات.

در این سفر معنای واقعی شعار ”آمریکا را به عظمت برسان“ بیشتر معلوم شد. در کنار هدیه ناقابل یک هواپیمای سوپرلوکس ۴۰۰ میلیارد دلاری از طرف امیر قطر به ترامپ، خاندان او و همراه آنها مولتی میلیاردی آمریکای منتظر سودهای افسانه‌ای

هستند که از قبل سرمایه‌گذاری‌های متقابل پارو خواهند کرد. کمپانی‌های تحت مالکیت داماد و پسر ترامپ تا همین جاییاردها دلار سرمایه‌گذاری از جانب شیوخ حاکم در منطقه جذب کرده‌اند.

اما مهم‌ترین "دست‌آورد" سفر ترامپ به منطقه نصیب جمهوری اسلامی شد. ترامپ تا توانست از بن سلمان، امرای قطر و امارات و احمدالشرع تعریف کرد. او حتی در باره قد و قامت و قیافه آنها هم سنگ تمام گذاشت؛ اما تا توانست خامنه‌ای و حکام اسلامی را تحقیر کرد. به آنها یادآوری کرد که سران کشورهای منطقه بیابان‌های خشک را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده‌اند؛ اما حاکمین ایران بر دزدیدن ثروت مردم و تأمین مالی تروریسم

تمرکز کرده‌اند. زمین‌های سرسبز را به بیابان‌های خشک تبدیل کرده‌اند. مافیای فاسد آب باعث خشکسالی‌ها و رودخانه‌های خشک شده است.

مهم‌تر از این تعرض و تحقیر کلامی، ترامپ در جلسه مشترک با بن سلمان و اردوغان و احمدالشرع، همان کسی که بر تخت بشار اسد جلوس کرده است، قول داد تحریم‌های سوریه را لغو خواهد کرد.

مقامات جمهوری اسلامی مثل همیشه به رجزخوانی توخالی پناه بردند. سخنگوی دولت خطاب به ترامپ به شعرخوانی روی آورد: ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست! بلندگوی رسانه‌ای خامنه‌ای در کیهان درخواست کرد مذاکره با آمریکا متوقف

شود. مفت خوران مجلس تهدید کردند خلیج فارس را ناامن می کنند. عراقچی اصلاً ادعا کرد که آمریکا جلوی پیشرفت ایران را گرفته است!

از نظر موقعیت حکومت اسلامی، در این سفر میخ‌های دیگری بر تابوت محور مقاومت زده شد. خامنه‌ای دیگر حتی نمی‌تواند خودفریبی کند که ”مناطق تصرف شده سوریه توسط جوانان آزاد خواهد شد!“ در مذاکرات کذایی ”مستقیم، شبه مستقیم، غیرمستقیم“، خامنه‌ای و دار و دسته‌اش راهی جز تسلیم ندارند. همه اینها یعنی اینکه مردم در تقابل بعدی با حکومت اسلامی با موجودی درمانده‌تر از گذشته طرف خواهند بود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۴۱

۱۷ مه ۲۰۲۵ - ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

ایران سیاسی‌ترین کشور دنیا

کیوان جاوید

پیش‌بینی بهبود وضع برق در پایان سال

منظر دریاکناری

طاهر حاجی‌قربانی، یکی از هزاران

پریسا پوینده

چاقو و "سلمان رشدی قلدر"

سیاوش آذری

ایران سیاسی‌ترین کشور دنیا

کیوان جاوید

روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است که یکی از شهروندان در ایران می‌گوید: ”ناچار است برای تأمین نور لامپ در خانه، از خودروی خود برق بگیرد.“ شهروندی دیگر که دستگاه کولر خانه‌اش به علت نوسان برق آسیب دیده است، می‌گوید: ”برق نداریم. مذاکرات جمهوری اسلامی بی‌اهمیت است چون مردم از این حکومت عبور کرده‌اند.“

تا جایی که ما می‌دانیم شاید هیچ کجای دنیا مردم اینچنین مسئله کمبود برق و آب و مشکلات

معیشتی را به حکومت و سیستم حاکم گره نزده‌اند. در اکثر موارد دولت‌ها به مشکلات اذعان دارند اما وعده بهبود می‌دهند و با تزویر و سرکوب سعی می‌کنند اوضاع را کنترل کنند. در مواردی چون بنگلادش که در سال گذشته مردم دست به اعتراضات گسترده زده بودند نخست وزیر فرار کرده و یک دولت دیگر با همان ساختار همیشگی روی کار آمد که احتمالاً تا یک دهه دیگر اوضاع تحت کنترل باشد.

در ایران جنبش معیشتی و هر حرکت اجتماعی دیگر سیاسی است. حتی وقتی اعتراضات در سال ۸۸ به دزدیده شدن رأی موسوی و کروبی گره خورده بود باز هم مسئله بر سر سرنگونی متمرکز

شد و همینطور افزایش قیمت بنزین در سال ۹۸ و همه اعتراضات بعد از آن، جنگ جامعه را با حکومت بر سر سرنگونی متمرکز کرده است.

امروز هم همینطور است و مردم ایران نه اهمیتی برای مذاکره قائل‌اند و نه امیدی به حل مشکلات عظیم اجتماعی از طریق به نتیجه رسیدن یا نرسیدن مذاکره دارند. مسئله بی برقی در ایران به بود و نبود حکومت گره خورده است و همه جامعه در یک چیز اتفاق نظر دارند: جمهوری اسلامی باید سرنگون شود تا اوضاع عادی شود.

اما این هم همه آن چیزی نیست که مردم ایران برای آن در میدان مبارزه حضور به هم رسانده‌اند.

مسئله فقط رفتن این حکومت هم نیست. موضوع بر سر به دست آوردن تمام آزادی و برابری است.

مردم جامعه‌ای می‌خواهند که آقابالاسر نداشته باشد، جامعه‌ای که حرمت، انسانیت و کرامت همه شهروندان تأمین و تضمین شود. این جامعه چیزی نیست جز یک نظام انسانی سوسیالیستی، جامعه‌ای که دست یک درصدی‌های دزد و غارتگر سرمایه‌دار را از قدرت سیاسی کوتاه می‌کند و کل شهروندان را حاکم بر سرنوشت خود می‌سازد.

پیش‌بینی بهبود وضع برق در پایان سال

منظر دریاکناری

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، درباره قطع برق گفت این مشکل از سال‌های قبل وجود داشته است و افزود: ”وعده و قول الکی به مردم نباید داد، زمان طولانی نخواهد بود، انشالله تا پایان سال وضع بهتر خواهد شد.“

به این می‌گویند مسئول خوب. در همین یک جمله‌ای که ایشان به زبان آورده‌اند یک دنیا حکمت و دانش و صداقت نهفته است و همین حرف‌ها باید الگوی رفتار و کردار همه مسئولین در جمهوری اسلامی باشد. بیایید یک‌به‌یک این

سخنان گهربار وزیر نیروی خدمتگزار را موشکافی
کنیم.

۱- مشکل برق از سال‌ها قبل وجود داشته است،
بنابراین نباید دولت پزشک‌یان را مقصر این
اوضاع قلمداد کرد. این دولت‌های ۱۳ و ۱۲ و
همین‌طور ”الی اول“ مقصرند، بنابراین بی‌جهت
همه کاسه‌کوزه‌ها را روی سر دکتر پزشک‌یان و
دولت خدمتگزار ایشان نشکنیم.

۲ - وعده و قول الکی به مردم نباید داد. مشکل
دولت‌های قبلی این بود که بی‌جهت به مردم
قول و وعده الکی می‌دادند و به این دلیل مردم
دل‌خونی از مسئولین داشتند که بی‌جهت دروغ

می‌بافتند و بدون پشتوانه دل مردم را برای بهبود اوضاع خوش می‌کردند. فرق این دولت این است که رک و راست می‌گوید کاری از دست ما بر نمی‌آید. همین‌ی است که هست. مشکلات هم پایه‌ای و قدیمی و ساختاری است.

۳ - “انشاءالله” تا پایان سال وضع بهتر می‌شود. حالا در اواخر ماه دوم به سر می‌بریم. یعنی اگر خدا بخواهد ۱۰ ماه دیگر وضعیت برق درست می‌شود. راستش لازم هم نیست بگوید چطور درست می‌شود، همین که خیالمان راحت باشد تا ۱۰ ماه دیگر هم باید بی‌برق باشیم خودش یک پیشرفت است. مهم نیست در گرمای تابستان و سرمای زمستان چه به‌روز مردم می‌آید. فقط

باید شکرگزار بود که مسئولین فعلی بر خلاف
مسئولین قبلی "قول الکی" نمی‌دهند.

خب راه حکومت مشخص و معلوم است. راه ما
مردم هم باید این باشد که با یاری و امید به
مردم این حکومت شاید تا پایان سال سرِ کار
نباشد. برای همین باید آماده و در میدان بود تا
هر چه زودتر کار این حکومت را که نمی‌تواند
برق و نان و آب مردم را تأمین کند یکسره کنیم.
راه فقط همین است. خیابان‌ها را به نیروی همه
مردم معترض فتح کنیم تا در رفاه و آزادی زندگی
کنیم.

طاهر حاجی قربانی، یکی از هزاران

پریسا پوینده

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران طاهر حاجی قربانی، را به اتهام "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی"، "توهین به مقدسات" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به ۱۴ سال و دو ماه حبس، جزای نقدی و مجازات‌های تکمیلی محکوم کرد.

این احکام مردم را نمی‌ترساند، بلکه نشان می‌دهد افراد بیشماری در جامعه در ابعادی بی‌سابقه در حال برهم‌زدن "امنیت داخلی و خارجی"، "توهین به مقدسات" و "فعالیت تبلیغی علیه

نظام“ هستند.

خفقان یعنی اینکه کسی در کنج چهاردیواری خانه‌اش نیز از وحشت یک حکومت مستبد و آدمکش جرات بیان حقیقت را نداشته باشد. در ایران این وضعیت وجود ندارد. زندان‌ها به کانون مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلام تبدیل شده‌اند و زندانیان سیاسی شجاع از داخل زندان‌های حکومت اسلامی بیانییه صادر می‌کنند و مردم را به ادامه مبارزه علیه ارتجاع اسلامی فرامی‌خوانند. در مدیای اجتماعی غوغایی برپا است، بسیاری از شهروندان از این امکان اجتماعی به بهترین و وسیع‌ترین شکل ممکن استفاده کرده و جمهوری اسلامی را مورد وسیع‌ترین تعرضات سیاسی

قرار داده‌اند. مقابله با خرافه اسلامی، هجو و مسخره کردن مقدسات اسلامی، سازماندهی اعتراضات علیه اعدام و فراخوان به تجمعات و اعتراضات صنفی و معیشتی و... محصول این دوره از مبارزه مردم به صورت علنی علیه حکومت اسلامی است.

جامعه نه تنها مرعوب جنایت جمهوری اسلامی نیست، بلکه در ابعاد وسیع اجتماعی با این حکومت دزدان فاسد اسلامی سرِ جنگ دارد. حکم ۱۴ سال زندان برای طاهر حاجی قربانی نیز در امتداد عکس‌العمل جمهوری جنایت اسلامی علیه این مبارزه وسیع اجتماعی است.

باید با صدای بلندتر نیز گفت زندان و شکنجه و حتی اعدام‌های وسیع در ایران نتوانسته و نخواهد توانست جمهوری اسلامی را از مرگ محتوم نجات دهد. در برابر این جنایت و از جمله احکام زندان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی و مخالفان سیاسی باید یکپارچه اعتراض کنیم. نام و تصویر زندانیان را عمومی کنیم و در مدیای اجتماعی وسیعاً از این مبارزین یاد کنیم. سازمان‌های بین‌المللی را از وضعیت این عزیزان آگاه کنیم و خواهان بایکوت تروریست‌های حاکم بر ایران شویم. مبارزه علیه جمهوری اسلامی را در همه ابعاد بیش از این گسترده‌تر کنیم.

چاقو و "سلمان رشدی قلدر"

سیاوش آذری

هادی مطر، که در ماه اوت سال ۲۰۲۲ / مرداد ۱۴۰۱ سلمان رشدی شدیداً مجروح کرده بود به ۲۵ سال زندان محکوم شد. سلمان رشدی در آن حمله هدف ضربات متعدد چاقو قرار گرفت و از ناحیه کبد آسیب دید، بینایی یک چشم خود را از دست داد و دست او به علت صدمه به ارگان‌های عصبی فلج شد.

روز ۲۵ بهمن ۱۳۶۷/۱۴ فوریه ۱۹۸۹ حکم قتل سلمان رشدی توسط خمینی به جرم نوشتن کتاب "آیات شیطانی" صادر شد و در ادامه بنیاد ۱۵

خرداد که تحت نظر خامنه‌ای اداره می‌شود برای قتل سلمان رشدی نزدیک به چهار میلیون دلار جایزه تعیین کرد.

هادی مطر قبل از اینکه رأی دادگاه اعلام شود، بیانیه‌ای را قرائت کرد و سلمان رشدی را ”ریاکار“ خواند و گفت: ”سلمان رشدی می‌خواهد به دیگران اهانت کند. می‌خواهد قلدری کند. من با این موافق نیستم.“ این همان خط و جهتی است که این تروریست از جمهوری اسلامی آموخته است که مخالفان سیاسی خود را به جرم ”توهین به مقدسات“ به زندان و شکنجه و اعدام محکوم می‌کند.

بی‌بی‌سی نیز در ادامه اطلاع‌رسانی از محکومیت هادی مطر نوشته است: "بسیاری از مسلمانان با خشم به کتاب آیات شیطانی واکنش نشان دادند و آن را توهینی به اسلام دانستند." این حقیقت ندارد و از اساس یک دروغ تاریخی است. مسلمانان زیادی بعد از نوشته شدن کتاب آیات شیطانی، نه تنها اسم این نویسنده را هم نشنیده و این کتاب را ندیده و نخوانده بودند، اساساً هیچ واکنشی نیز در این رابطه نشان ندادند. بی‌بی‌سی به عمد جای جمهوری اسلامی و تروریسم اسلام سیاسی را با مسلمانان عوض کرده است. به یاد بیاوریم که طی همه این سال‌های حاکمیت اسلام در ایران هزاران زندانی سیاسی چپ‌گرا نیز در زندان‌ها به جرم بی‌خدایی به دار آویخته شدند.

اما علی‌رغم این‌همه جنایت تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک تحول بسیار بزرگ در ایران و جهان رخ داده است. جمهوری اسلامی در ایران زیر ضربات یک جنبش عظیم اجتماعی و یک انقلاب زیورورکننده به نام "انقلاب زن زندگی آزادی" قرار دارد و با سر در سرایشیب سقوط قرار گرفته است. وضع زار تروریسم اسلام سیاسی نیز در جهان بهتر از این نیست. پیروزی انقلاب در ایران کل بساط تروریسم و جنایت اسلامی را برای همیشه جمع می‌کند و تماماً آزادی بیان و اندیشه را پاس می‌دارد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۴۲

۱۸ مه ۲۰۲۵ - ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

تجمعات سراسری نانوایان

کیوان جاوید

”فقر آموزشی“ در رژیم اسلامی

سینا پدرام

وقاحت و حماقت پزشکيان

منظر دریاکناری

تروریسم سپاه پاسداران و دولت انگلیس

پتی دبونیتاس

تجمعات سراسری نانوایان

کیوان جاوید

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت نانوایان به صورت همزمان در شهرهایی همچون قم، اصفهان، اهواز، بیرجند، کرمانشاه، شاهین شهر و مشهد در مقابل برخی مراکز دولتی تجمع کردند. این تجمعات در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق، سهمیه نازل آرد و کیفیت پایین آن، قطعی یارانه‌های حمایتی و هزینه‌های بالای تولید صورت می‌گیرد. قطعی‌های متوالی برق موجب ترش شدن خمیر نان و اختلال در تولید و خسارات جدی به نانوایان می‌شود و فشار سنگینی را به آنها تحمیل کرده است.

مشکل نانوایان به تنهایی حل نمی‌شود. همانطور که مشکل بازنشسته‌ها و معلمان نیز در تنهایی قابل حل نیست. نانوایان به درست تأکید کرده‌اند که مقصر مستقیم نابودی معیشت آنها دولت است. همین را کارگران و پرستاران نیز می‌گویند. مشکل همه مردم از این حکومت است. اگر ریشه همه مشکلات به حکومت بر می‌گردد و همه از یک درد اجتماعی و بزرگ رنج می‌بریم، بنابراین در برابر این حکومت باید همه ما با یک خواست عمومی و اجتماعی به جنگ مسببان این اوضاع فلاکت بار برویم.

نانوایان می‌گویند که با سیاست‌های تعرضی حکومت معیشت دو میلیون و پانصد هزار خانواده نانوایان به آستانه فروپاشی رسیده است. آیا این همان دردی

نیست که بقیه مردم از آن به شدت رنج می‌برند؟
آیا این مشکل چند ده‌میلیونی بیکاران نیست که آه
در بساط ندارند؟ آیا این مشکل بیماران نیست که
دسترسی به درمان و بهداشت مناسب ندارند؛ آیا
این مشکل مردمی نیست که به داروی مورد نیاز
دسترسی ندارند؟

بازنشستگان در تجمع روز شنبه از جمله شعار
دادند: ”ما همه نانواییم، از نانینو بیزاریم“، آیا نباید
انتظار داشت که دیگر معترضین به مشکلات عدیده
معیشتی به جمع نانوایان بپیوندند؟ یک راه‌حل و
فقط یک راه‌حل درد ما را درمان خواهد کرد و
آن هم اتحاد همگانی و سراسری به‌منظور در هم
شکستن این حکومت و رسیدن به رفاه و آزادی و

برابری است.

بی برقی و بی آبی را هم به این وضعیت هولناک معیشتی اضافه کنیم تا دقیقاً متوجه ابعاد عظیم فاجعه باشیم. برای اینکه بتوانیم در برابر این هیولای مرگ ونیستی از پا در نیاییم، فقط باید یکی شویم. این تنها راه ممکن برای رها شدن از شر حکومت اسلامی است. مردم شایسته رفاه و برابری و آزادی‌اند. برای ایجاد این جامعه انسانی متحد شویم.

”فقر آموزشی“ در رژیم اسلامی

سینا پدرام

”رابطه مستقیم میان فقر اقتصادی و ترک تحصیل در ایران“. به نقل از گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی.

همچنین ”شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان“ می‌گوید: ”طبق آمار ارائه شده از سوی شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس حدود ۳۰ درصد دختران دبیرستانی در ایران به مدرسه نمی‌روند و سالانه حدود ۲۰۰ هزار دختر بین ۱۵ تا ۱۹ سال ازدواج می‌کنند.“

هرچه فقر در جامعه بیشتر می شود، ترک تحصیل نیز افزایش می یابد. در برخی استان ها نظیر خوزستان، سیستان و بلوچستان، و کرمانشاه، تعداد زیادی از دانش آموزان حتی مدرک ابتدایی ندارند. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، نرخ نداشتن مدرک ابتدایی در سیستان و بلوچستان به بیش از ۲۲ درصد رسید.

دلایل اصلی ترک تحصیل شامل فقر مطلق، ازدواج زودهنگام دختران، نبود مدارس در مناطق محروم، و محرومیت از تحصیل به زبان مادری است. حدود ۳۰ درصد از دختران دبیرستانی از تحصیل بازمانده اند و سالانه حدود ۲۰۰ هزار دختر نوجوان ازدواج می کنند. پسران نیز به دلیل نیاز مالی خانواده مجبور به ترک تحصیل و ورود زودهنگام به بازار کار هستند.

همچنین کاهش بودجه دولتی برای آموزش و عدم تأمین امکانات آموزشی توسط دولت و طبقاتی بودن شدید آموزش در ایران باعث شده است تا فقط خانواده‌های مرفه قادر به تأمین آموزش باکیفیت برای فرزندان خود باشند. در مناطق دوزبانه نیز تحصیل به زبان غیر مادری یکی از موانع جدی در ادامه تحصیل محسوب می‌شود. در نتیجه، فقر آموزشی به مسئله‌ای عمیق و ساختاری تبدیل شده است.

برای هیچ فردی در ایران پوشیده نیست که مسئول کامل این فاجعه آموزشی رژیم اسلامی است. تحمیل قوانین پوشیده و زن‌ستیزانه اسلامی از سویی و تحمیل فقر مطلق اقتصادی از سوی دیگر باعث و دلیل ویژه و اصلی این به اصطلاح “فقر آموزشی”

است. لفظ ”فاجعه آموزشی“ شاید تصویر بهتری از موقعیت آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در ایران ارائه دهد.

باید با اعتراضات عمومی و از جمله اعتراض خانواده‌ها به عدم رسیدگی به وضعیت رفاهی کودکان، عدم تخصیص بودجه‌های لازم برای بهبود وضع مدارس و مراکز آموزشی، نبود تغذیه رایگان در مدارس و بالاخره عدم وجود امکانات برای آموزش کودکان به زبان مادری در استان‌های غیرفارسی‌زبان به این فقر آموزشی پایان داد. با همه توان باید از مبارزات معلمان نیز دفاع و پشتیبانی کرد. برای به دست آوردن یک سیستم آموزشی مدرن باید این رژیم را از سر راه کودکان و کل جامعه جارو کنیم.

وقاحت و حماقت پزشکيان

منظر دریاکناری

پزشکيان اين نوکر درگاه خامنه‌ای در یک سخنرانی می‌گویند: ”قدیم که کولر نبود، پنکه هم نبود ما تو خونه هامون مگر مشکلی داشتیم. همین یک کار را اگر انجام بدهید ما در کشور دیگر مشکل برق نخواهیم داشت.“

در قدیم ما بیمارستان و پنی‌سیلین و واکسن هم نداشتیم، مگه مشکلی پیش می‌آمد؟ گاز و برق و هواپیما هم نداشتیم، مگه مشکلی داشتیم؟ نه خیر اصلاً زندگی در عصر شکارواری چه مشکلی داشت؟ صبح‌ها مردان خانواده نیزه‌ها را

تیز می کردند و پوست خرس می پوشیدند و به شکار حیوانات می رفتند و با دست پُر به خانه بر می گشتند و خانم خانه هم لوبیاپلو درست می کرد و کله پاچه بار می گذاشت و مشکل کمبود جمعیت هم نداشتند.

و اما حالا این وقاحت و حماقت سران حکومت اسلامی آنچنان در هم تنیده است که برای خلاصی از دست این جماعت فقط می توان به چاقوی تیز جراحی پناه برد. جمهوری اسلامی آنچنان شکست های سخت و سهمگینی خورده است که دیگر قید هر آنچه که به زندگی انسانی مربوط می شود را زده است.

هر چند این اراجیف خشم مردم را نسبت به این دزدان سر گردنه بیشتر می کند؛ هر چند همه به عینه می بینند که کارگزاران این حکومت به چه ثروت های نجومی تکیه زده اند؛ هر چند مردم می بینند که این قشر طفیلی برای درمان چه هزینه های هنگفتی می پردازند و برای معالجات عازم پیشرفته ترین کشورهای اروپایی هم می شوند؛ هر چند کاخ های اسلامی شان در فصل تابستان خنک و در فصل زمستان گرم است و هر چند ... اما سهم مردم غوطه ور تر شدن بیشتر در فقر و فلاکت است.

این وضعیت تنها با تبدیل شدن مردم به یک گلوله آتش و به جان حکومت افتادن به سرانجام

منطقی و انسانی می‌رسد. جامعه به حکومت اسلامی نشان داده است که همه آنچه که انسانی است را برای همین روزها و همین لحظات می‌خواهد. جامعه برای بهترین دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی و رفاهی و بهداشتی می‌جنگد و برای رسیدن به موقعیت اجتماعی شتاب دارد و درد حکومت اسلامی نیز دقیقاً اینجا است که نمی‌تواند فکراً و عملاً مردم را به عصر جاهلیت و بربریت اسلامی برگرداند. عمر این حکومت تمام شده است باید درهم شکسته شود.

تروریسم سپاه پاسداران و دولت انگلیس

پتی دبونیتاس

به گزارش روزنامه ایندیپندنت در انگلیس در پی نگرانی‌های امنیتی فزاینده، بیش از ۵۵۰ نماینده پارلمان و اعضای مجلس اعیان بریتانیا در نامه‌ای به نخست‌وزیر کی‌یر استارمر خواستار اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک نهاد تروریستی شدند.

این درخواست پس از بازداشت سه ایرانی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی مطرح شد و فشار بر دولت حزب کارگر را افزایش داده است. به ویژه دیوید لمی، وزیر خارجه فعلی، پیش‌تر

وعده چنین اقدامی را داده بود. امضاکنندگان نامه که از اعضاء احزاب مختلف پارلمانی انگلیس هستند، با اشاره به بسته بودن فضای سیاسی در ایران، از جامعه جهانی خواستند از حق مردم ایران برای تغییر رژیم حمایت کند و سپاه را به عنوان سازمانی تروریستی معرفی نماید.

نامه همچنین به وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران و اعدام ۹۰۱ نفر در سال ۲۰۲۵ اشاره دارد. باب بلکمن، رئیس کمیته بانفوذ ۱۹۲۲، خواستار تجدید نظر در سیاست بریتانیا نسبت به جمهوری اسلامی شد و گفت باید مانند آمریکا، سپاه پاسداران را تروریستی اعلام کنیم.

برخی مقام‌های وزارت خارجه بریتانیا پیش‌تر با این اقدام مخالفت کرده بودند، زیرا نگران قطع کانال‌های ارتباطی غیررسمی با جمهوری اسلامی بودند. این در حالی است که اوایل ماه مه، پنج نفر از جمله چهار ایرانی در یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های ضدتروریستی بریتانیا بازداشت شدند.

ما همیشه مداخلات دولت‌های اروپایی با رژیم اسلامی را محکوم کردیم بلکه درست در جهت خلاف خواسته‌های عادلانه مردم ایران دانسته و خواستار بایکوت رژیم و نه تنها سپاه در تمامی عرصه‌های جهانی شدیم.

بیرون انداختن رژیم اسلامی از مجامع بین‌المللی،

بستن سفارتخانه‌های این رژیم تروریست،
قراردادن سپاه و دیگر نهادهای مربوط به رژیم در
لیست تروریستی، بستن تمامی نهادها و مساجد
و مراکز مذهبی مربوط به رژیم اسلامی باید در
دستور کار تمامی دولت‌های غربی و دیگر دول
قرار بگیرد. فشارهای بین‌المللی یکی از ابزارهایی
است که می‌تواند به جنبش سرنگونی در ایران
یاری برساند.

درعین حال، مبارزات ایرانیان خارج از کشور در
اعمال فشار بر روی حکومت‌های محل زندگی‌شان
بی‌تردید چنین روندی را تسریع کرده و به مبارزات
مردم در ایران کمک خواهد رساند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۱۴۳

۱۹ مه ۲۰۲۵ - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

مشکل برق کاملاً سیاسی است

کاظم نیکخواه

سه‌نرخ‌ی شدن قیمت گازوئیل و سونامی گرانی

شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی و مکافات پذیرش تسلیم

سیامک بهاری

”رئیس‌جمهور فیلسوف“ درگذشت

سینا پدرام

مشکل برق کاملاً سیاسی است

کاظم نیکخواه

روز گذشته شرکت توانیر با بیان اینکه "تلاش می کنیم خاموشی در بخش خانگی از دو ساعت بیشتر نشود" اعلام کرده است که "سیاست ما به گونه ای است که اعمال خاموشی بین تعرفه های مختلف صنعتی، کشاورزی، اداری و خانگی تقسیم شود". هم زمان رئیس اتحادیه انجمن های علمی انرژی ایران، گفت "می توان انتظار داشت که در فصل گرم سال، برخی روزها برق در بخش هایی از ایران به مدت ۲۴ ساعت قطع شود". قبلاً هم رئیس سندیکای برق گفته بود که فصل گرم و سختی در پیش است و مردم "بادبزن و آفتابه" تهیه کنند!

۲۴ ساعت قطع برق یعنی بازگشت به عصر چراغ‌موشی! یعنی فاجعه. یعنی مرگ بیماران. یعنی قربانی شدن سالمندان. یعنی از بین رفتن نوزادان و هزار مشکل و فاجعه دیگر. فیلمی از یک بیمارستان منتشر شده بود که جراحان زیر نور چراغ‌قوه و تلفن همراه، عمل جراحی انجام می‌دادند!

وقتی که اولویت حکومت سرکوب و زندان و اعدام و بمب‌هستهای و ارتقای اسلام و خرافه و آخوندیسم اعلام شده معلوم است که چه بلایی سر منابع و معادن و بودجه و ثروت‌هایی می‌آید که بنا به تعریف باید صرف زندگی مردم شود. وقتی که یک‌مشت چپاولگر و دزد حریص روی منابع اجتماعی چنگ انداخته‌اند، روشن است که کار به قطع برق و گاز و آب و فلج کامل و فروپاشی اقتصادی می‌کشد.

جمهوری اسلامی در سرایش فروپاشی است و با خود دارد اقتصاد و زندگی مردم را هم به قهقرا می کشد. در عصر هوش مصنوعی و پیشرفت های تکنولوژیک عظیم و باورنکردنی بشری، مملکتی که بی نهایت منابع زندگی را در خود جای داده، می تواند در یک سیستم انسانی، برای مردم بهشتی باشد. اما اکنون اکثریت مردم را به زندگی زیر خط فقر سوق داده اند و زندگی برای آنها یک جهنم شده است.

قطعی برق، قطعی گاز، نبود آب و امکانات اینها نصیب مردم از این حکومت و از این سیستم سرمایه داری مافیائی است. کاری کرده اند که عده ای مرتجع مدافع رژیم سرنگون شده سابق، گورستان آریامهری و حلبی آبادها را به عنوان بهشت تصویر می کنند و جلوی مردم می گذارند!

با امکانات و پیشرفته‌های تکنیکی کنونی، می‌توان تمام مشکلات برق و گاز و آب مردم را یک‌شبه حل کرد. اما قبل از آن باید کار حکومت فاجعه و سیستم ضد انسانی‌اش را تمام کرد.

سه‌نرخ‌ی شدن قیمت گازوئیل و سونامی گرانی

شهلا دانشفر

هیئت وزیران تغییر نرخ گازوئیل را در سه نرخ سهمیه‌ای، نیمه یارانه‌ای و نرخ آزاد مصوب کرد. این تصمیم تعرضی دیگر به زندگی و معیشت کل جامعه است که سونامی گرانی را در پی خواهد داشت. طبق گزارشات بنزین نیز به همین روال گران خواهد شد. این تعرضات طبعاً پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای خواهد داشت.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی زنجیره‌ای افزایش قیمت تمامی کالاهای مصرفی جامعه را در پی خواهد داشت و به طور مستقیم و غیرمستقیم در سبد

مصرفی جامعه تأثیرگذار است. بدین ترتیب همه چیز گران می‌شود جز قیمت نیروی کار کارگر. عقبه این گرانی‌ها بیکارسازی‌های وسیع است و جامعه را دچار تلاطم‌های بزرگی خواهد کرد.

به گزارش حکومتیان افزایش یک درصد قیمت گازوئیل، موجب افزایش ۷۴۸/۰ درصدی نرخ تورم می‌شود. این افزایش علاوه بر گرانی‌ها ضربات سنگینی بر مشاغلی چون بخش‌های خدماتی، ناوگان‌های حمل‌ونقل، کشاورزان و بسیاری از صنایع تولیدی خواهد زد.

زمان اجرای مصوبه افزایش قیمت گازوئیل و قیمت آن قرار است در هماهنگی با وزارت کشور، تعیین و اعلام شود. از پیامدهای اجتماعی آن وحشت دارند.

خیزش مردمی سال ۹۸ از اعتراض به گران شدن بنزین شروع شد و دامنه‌اش با فریاد مرگ بر دیکتاتور و سردادن شعارهای ضد حکومتی به خیابان کشیده شد.

اقتصاد جمهوری اسلامی دچار بحران عمیقی است و حکومت در اداره جامعه وامانده است. قطعی‌های برق جامعه را فلج کرده و حکومت راه‌حلی ندارد. سیاستش از این ستون به آن ستون فرج است. ۵۰ درصد صنایع تعطیل شده‌اند. ابتدا دو هفته و بعد یک ماه کارخانجات بزرگ را تعطیل اعلام کردند. شروع ساعت مدارس را شش و نیم صبح کردند. اکنون نیز ناگزیر به ریسک افزایش قیمت گازوئیل شده‌اند.

هدف دولت از گرانی گازوئیل ”اقدامی در راستای اصلاح نظام یارانه‌های انرژی، کاهش قاچاق سوخت و تخصیص بهینه منابع به بخش‌های ضروری“ اعلام شده است. اما جدا از گرانی‌های بیشتر، در اقتصاد مافیایی حاکم ناندانی جدیدی برای شبکه دلالان قاچاق و محتکرین کالاها باز می‌شود که پشتش باندهای مافیای حکومت هستند.

جامعه به نقطه انفجار رسیده و فراخوان‌های اعتراضی سراسری، گسترده است. رانندگان کامیون برای اول خرداد به اعتراض سراسری فراخوان داده‌اند. بخش‌های مختلف اولتیماتوم به گسترش اعتراضاتشان را داده‌اند. یک پاسخ فوری به این شرایط اعتصابات و اعتراضات سراسری است. به تدارکش باید رفت.

جمهوری اسلامی و مکافات پذیرش تسلیم

سیامک بهاری

علی اکبر ولایتی مشاور ارشد خامنه‌ای: «ایالات متحده بر مذاکره و رسیدن به توافق با ما اصرار دارند».

ولایتی مشاور ارشد خامنه‌ای همانند دیگر سران جمهوری اسلامی در بحران مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی، برای وصله پینه کردن عبایی که دارد از تن حکومت می‌افتد، می‌خواهد اقتدار نداشته حکومت را در تسلیم و زانوزدن محتوم حکومت خاطرنشان کند. به نیویورک تایمز می‌گوید: «اگر قدرت منطقه‌ای ایران وجود نداشت، ایالات متحده و دیگر قدرت‌های جهانی بر مذاکره و رسیدن به

توافق با ما اصرار نمی کردند».

برای سران حکومت و کل جهان روشن است که اولتیماتوم آمریکا برای پذیرش شروطش در پایان دادن به ماجراجویی هسته‌ای، تهدید موشکی و غلاف کردن نیابتی‌های حکومتی، اصرار بر مذاکره نیست! نتیجه منطقی ضعف و زبونی حکومت در شکست‌های پیاپی پس از ۷ اکتبر بن‌بست کنونی است! نفس پذیرش مذاکره "غیر شرافتمندانه" با آمریکا، کل هیاهوی فضا سازی و عربده‌کشی خامنه‌ای و گنده‌لات‌های سپاه، این حقیقت را می‌خواهد پنهان کند که هست و نیست نظام به بند باریک مذاکره گره خورده است.

با پایان دور چهارم مذاکره جمهوری اسلامی با

آمریکا، سرایشی تند مکافات جمهوری اسلامی در چگونگی اعلام تسلیم و ناچاری قبول شروط آمریکا دیگر قابل پوشاندن نیست. روند زانوزدن دیگر از نمایش غیرمستقیم خواندن مذاکرات و خالی‌بندی‌های مرسوم هیئت بی‌اختیار حکومتی گذشته است.

واقعیت مکافات کنونی جمهوری اسلامی این است که پذیرش شکست، سپر انداختن و عقب‌نشینی را چگونه مدیریت کند. نه فقط ابربحران‌های کلان داخلی، ورشکستگی و فلج اقتصادی، به تعطیلی کشاندن کل کشور و ناتوانی از تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای روزمره جامعه، تا انزوای دردناک سیاسی در سطح بین‌المللی و فروپاشی خاکریزهای محور مقاومت، که جامعه سراپا خشم نفرتی است که

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ثانیه‌شماری
می‌کند. در این شرایط تقلا دارند بتوانند تاب
بیاورند و کل حکومت فرونریزد!

قبول «کنسرسیوم مشترک هسته‌ای کشورهای
حاشیه خلیج فارس» یکی از راه‌های تجربه نشده
برای سرکشیدن جام زهر است! اما دوران طلایی
سرکشیدن جام زهر در پایان شکست در جنگ
۸ساله و شمشیر کشیدن به روی جامعه و حمام
خون به راه‌انداختن دیگر سپری شده است. خدای
دهه ۶۰ دیگر برای همیشه مرده است!

واماندگی حکومت در یافتن راهی برای چگونگی
پذیرش شکست و تسلیم است! سرپا نگه‌داشتن
نظام به "پل صراط" حکومت بدل شده است.

”رئیس جمهور فیلسوف“ در گذشت.

سینا پدرام

”تمدن امروز علیه طبیعت است، علیه ساده زیستی است، و علیه خود انسان. ما نمی توانیم مثل ماشین زندگی کنیم؛ ما انسانیم، نه تولیدکننده بی وقفه کالا.“
موهیکا کوردانو.

خوزه آلبرتو موهیکا کوردانو، زاده ۲۰ مه ۱۹۳۵ در مونته‌ویدئوی اروگوئه، چهره‌ای برجسته در تاریخ مبارزات عدالت طلبانه آمریکای لاتین و یکی از الهام بخش ترین رهبران سیاسی معاصر است. او که از یک خانواده‌ای کشاورز برآمده بود، زندگی اش را وقف مبارزه با نابرابری، فقر و استبداد کرد. در دهه‌های ۶۰

و ۷۰، موهیکا به یکی از رهبران اصلی جنبش چریکی توپامارو تبدیل شد؛ گروهی مسلح با گرایش‌های چپ که علیه بی‌عدالتی‌های ساختاری و حاکمیت نظامیان می‌جنگید.

در سال ۱۹۷۲، در دوران دیکتاتوری نظامی اروگوئه، موهیکا دستگیر شد. او بیش از ۱۴ سال را در زندان گذراند، که بخش زیادی از آن در سلول انفرادی و همراه با شکنجه‌های روحی و جسمی بود. اما او نه شکست و نه خاموش شد. پس از آزادی در ۱۹۸۵ دوباره به میدان سیاست و مبارزه بازگشت و برای عدالت اجتماعی در اروگوئه تلاش‌های گوناگون انجام داد.

در دهه ۲۰۰۰، به عنوان بخشی از ائتلاف چپ "جبهه گسترده"، به وزارت کشاورزی رسید و سپس در سال ۲۰۱۰، با حمایت گسترده مردم، رئیس جمهور اروگوئه شد. ریاست جمهوری موهیکا سرشار از اصلاحات مترقی بود: قانونی سازی ماری جوانا، ازدواج همجنس گرایان، و تلاش برای بازتوزیع منابع در راستای عدالت اجتماعی.

اما آنچه موهیکا را فراتر از یک سیاست مدار معمولی قرار می دهد، نه فقط سیاست هایش، بلکه شیوه زندگی اش است. او در خانه ای کوچک زندگی می کرد، رانندگی خودرو شخصی اش فولکس واگن بیتل مدل ۱۹۸۷ را خود بر عهده داشت و ۹۰ درصد حقوق ماهیانه اش را به خیریه می داد. ثروتش در دوران ریاست جمهوری چیزی جز همان خودرو و مزرعه کوچکش نبود. شاید

در دنیای پر از "فساد دولتی" او نمونه نادری بود.

موهیکا پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری در ۲۰۱۵ نیز به‌عنوان سناتور، و بعدها یک چهره فکری، همچنان به آرمان‌های عدالت‌خواهانه‌اش وفادار ماند. او را "فقیرترین رئیس‌جمهور جهان"، "رئیس‌جمهور فیلسوف" و نماد ساده‌زیستی در دنیایی پر از فساد مالی، می‌دانند. سخنان عمیقش در باب انسان، قدرت، مصرف‌گرایی و طبیعت، جایگاهی ماندگار در وجدان جهانی یافته‌اند.

او می‌گفت "فقیر کسی نیست که چیز کمی دارد، بلکه کسی است که همیشه بیشتر و بیشتر می‌خواهد. من سبک زندگی‌ام را انتخاب کرده‌ام تا آزاد باشم."

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۱۴۴

۲۰ مه ۲۰۲۵ - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

ظریف و گدایی تانگو برای خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

قصاب تهران زنده می‌شود!

شهاب بهرامی

سیاست‌های دستوری جمعیت را افزایش نمی‌دهد

سیما بهاری

ظریف و گدایی تانگو برای خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

جمهوری اسلامی هرازگاهی نشستی با شرکت مقامات درجه دوم کشورهایی از منطقه برگزار می‌کند تا تصویر یک قدرت منطقه‌ای از خود نشان دهد. "مجمع گفت‌وگوی تهران" در همین یکشنبه و دوشنبه از همین نوع نشست‌ها بود که با عنوان غلط‌انداز "عاملیت منطقه‌ای در نظم و بی‌نظمی جهانی، وفاق یا افتراق" برگزار شد.

راه‌انداختن چنین نشستی در مقطع تور سیاسی - اقتصادی بزرگ دونالد ترامپ در منطقه، آن هم با چنین عنوان دهن‌پرکنی یک واکنش سیاسی از سر استیصال است. سران حکومت اسلامی که به

لاف‌زدن در باره موقعیت نظام در حال احتضارشان عادت کرده‌اند، این بار هم در باره این نشست مسابقه لاف‌زنی گذاشته‌اند. عباس عراقچی که در شغل مدیریت تسلیم "آبرومندانه" خامنه‌ای در مذاکرات هسته‌ای وامانده است، در جریان این نشست ادعا کرد که مذاکرات میان جمهوری اسلامی با آمریکا در شکل‌دادن به "صلح و ثبات" در منطقه نقش مؤثری ایفا می‌کند! او حتی ادعا کرد که "پایتخت ایران می‌تواند به مرکزی برای تبادل آرا و گفت‌وگو درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود"!

در همین نشست، محمدجواد ظریف، که زمانی در نقش وزیر خارجه شغل خون و کثافت شویی از چهره جمهوری اسلامی را به عهده داشت، با گنده‌گویی، حکومت اسلامی را "بزرگ‌ترین قدرت منطقه"

خواند، تغییر توازن قوا در منطقه را به رقص تانگو تشبیه کرد که به همکاری دو طرف نیاز دارد، از عهده "یک کشور" بر نمی‌آید و از کشورهای منطقه خواست که به همدیگر و البته به جمهوری اسلامی به‌عنوان فرصت نگاه کنند!

"یکی را به ده راه نمی‌دادند، سراغ کدخدا را می‌گرفت!" رفتار مقامات جمهوری اسلامی در منطقه مصداق زنده این ضرب‌المثل است. مضحک است که مقامات حکومت اسلامی که دست و پایشان از کشورهای تحت نفوذشان جمع شده، محور مقاومت تروریستی‌شان درهم‌شکسته، حکام منطقه را که همین دیروز در حال رقص تانگو با دونالد ترامپ بودند، به تانگو با یکدیگر و جمهوری اسلامی دعوت می‌کنند!

موقعیت مستأصل بین‌المللی جمهوری اسلامی برای ما مردم ایران مهم است. هرچقدر دست‌وپای این حکومت از سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بیشتر جمع شود، همان قدر دست ما برای تغییر بنیادی بازتر خواهد بود، همان قدر امید و عزم برای روانه کردن جمهوری اسلامی به قعر نابودی هم بیشتر خواهد شد.

قصاب تهران زنده می‌شود!

شهاب بهرامی

سعید اوحدی رئیس بنیاد شهید حکومت از ۱۲۰ هزار مراسم در سالگرد کشته‌شدن رئیسی خبر داده و گفته این مراسم‌های حکومتی از روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت به مدت یک هفته برگزار خواهند شد.

ابراهیم رئیسی را همه می‌شناسند، یکی از منفورترین "قهرمانان" رژیم. شاید به خاطر اینکه با تقلب و جعلیات بر مسند ریاست جمهوری جلوس کرد. شاید به خاطر بی‌سوادی و حماقت باور نکردنی‌اش، شاید به خاطر تحت پیگرد بودن به جرم جنایت علیه بشریت از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل. وی مبدع لغاتی مانند

لوکوموتیر (لوکوموتیو)، گاما باتا (مگابایت)، پرپکانی (پروپاگاندا)، آنگوزمان (آمبدس من) و امثالهم بود، شاید به خاطر این دایره وسیع فرهنگ لغات که ویژه نشخوارکنندگان و محصلین حوزوی است، شهرت یافت. در دوران رئیس‌جمهوری، جمله مشهوری نیز ورد زبانش بود، ”فوری، سریع، انقلابی“.

اما گذشته سیاه و تاریک زندگی رئیسی به فاصله زمانی بیست‌سالگی‌اش که دادستان کرج و همدان بعد از سرکوب خونین انقلاب بود تا رفتن به کاخ ریاست‌جمهوری برمی‌گردد. ایشان ملقب به ”قصاب تهران“ بود. یکی از مخوف‌ترین اعضای ”هیئت مرگ“ در کشتار زندانیان سیاسی ۱۳۶۷. وی همچنین دادستان تهران، رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور، تولیت آستان قدس رضوی، دادستان دادگاه

ویژه روحانیت و چندین مقام و منصب دیگر در دستگاه قتل و کشتار حکومت را در پرونده خونینش داشت. رئیسی جاندار، تجسم واقعی یک ماشین قتاله بود، جمله "فوری، سریع، انقلابی" را در عمل، در تمام بیدادگاه‌های دو سه دقیقه‌ای برای زندانیان بکار می‌بست و احکام اعدامش دقیقاً مصداق "فوری، سریع و انقلابی" بود.

حالا بنیاد شهید رژیم، مدعی برپائی ۱۲۰ هزار مراسم سالگرد قصاب تهران است، دروغ هر چه بزرگ‌تر، باورکردنش آسان‌تر. مردم می‌پرسند برای بی‌آبی و بی‌برقی و حقوق‌های معوقه پول ندارید؛ ولی برای چنین مراسمی با هزینه‌هایی نجومی مشکل مالی ندارید؟ عده‌ای معتقدند که اجرای این مراسم‌ها فرصتی است تا باندهای حکومتی دوباره از بودجه

دولتی جیب‌هایشان را پر کنند. عده‌ای نیز بر این
باورند که رژیم برای خواباندن نارضایتی و غرولندهای
طرف‌داران درون حکومتی رئیسی، دست به اجرای
چنین نمایشی زده که آنها را ساکت کند؛ اما در
سراشویی سقوط چه فرقی می‌کند. مردم؛ ولی یک
سؤال بی‌جواب دارند، راستی، رئیسی قبل از سقوط
هلیکوپتر، ناهار خورده بود؟

سیاست‌های دستوری جمعیت را افزایش نمی‌دهد

سیما بهاری

”بر اساس آمارها نرخ زادوولد در ایران در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل بیش از ۷ درصد کاهش داشته است. ۷۷ درصد زوج‌ها تمایلی به فرزندآوری ندارند.“

شنیدن صدای قهقههٔ کودکان، دیدن چهره‌های شاد و دیدن شیطنت‌هایشان به انسان نشاط می‌دهد. حس زنده‌بودن و پویایی با خود به همراه دارد. کودکان امیدهای آینده هستند. در جوامع متمدن امکانات گوناگون برای رشد و پرورش کودکان در دسترس است تا آنها بتوانند خود را بیازمایند. داشتن شادی و محیط امن حق همهٔ کودکان

است. در چنین دنیایی زنان و مردان جوان، لاقل بخش وسیعی از آنان تمایل به بچه‌دار شدن دارند. می‌گویند بچه شیرینی زندگی‌ست.

در جهنم جمهوری اسلامی اما سختی‌ها و دردها به زایمان تشبیه می‌شود. تولد کودک خانواده را به یک چالش دعوت می‌کند. در جامعه‌ای که جوانان افق آینده خوشبخت را ندارند، معلوم است که تمایلی به داشتن کودک نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در ایران با حکومت اسلامی‌اش هر روز شاهد مصیبت‌های متعدد علیه کل مردم و از جمله کودکان هستیم. آنها که شانس رفتن به مدرسه را دارند اگر از تجاوز معلم قرآن و کتک ناظم

و خوراندن هر روزه مزخرفات دینی عبور کنند و فارغ التحصیل شوند تازه وارد بازار وسیع بیکاری می گردند. در میان کودکان آنها که هر ساله از چرخه آموزش خارج و به بازار بی رحم کار پرتاب می شوند کم نیستند. آنها که در همان کودکی بزرگسال می شوند و دست های کوچکی شان نان آور سفره محقرشان می شود.

سیاست دستوری، کودک به جامعه هدیه نمی کند. تضمین رفاه و آینده روشن خوش آمدی به کودکان و اطمینانی به بزرگسالان است. معمولاً سیاست های زوری و مرعوب کردن و دستور دادن ها نتیجه عکس داده. رهبر فرمان حجاب می دهد مردم حجابشان را پرت می کنند. رهبر از آواز زنان و رقص و شادی خوشش نمی آید، مردم صدای موزیکشان را بلندتر

می‌کنند. رهبر اختناق را دوست دارد و مردم با هر وسیله‌ای که دارند دیوار اختناق و سانسور را می‌شکنند.

مدام تبلیغ کردند که بهشت زیر پای مادران است و زنان گفتند و نشان دادند که بهشت وعده داده شده را نمی‌خواهند و خودشان درهای بهشت آزاد زیستن را به روی خودشان باز می‌کنند.

جامعه مرفه و امن فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی هر کسی را که تمایل داشته باشد ترغیب می‌کند که بچه‌دار شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۱۴۵

۲۱ مه ۲۰۲۵ - ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

بامداد بی‌دار؛ صدایی که از دل دیوارها می‌آید

حسن صالحی

نسل‌کشی در غزه

بهرام سروش

از خانه تا گور: ناتوانی قانون در حفاظت از جان زنان

ایران‌دخت جویباری

نه به کار کودکان از حرف تا عمل

سیامک بهاری

بامداد بی‌دار؛

صدایی که از دل دیوارها می‌آید

حسن صالحی

صبح امروز، چشم که باز کردم، خبری دلم را روشن کرد؛ زندانیان سیاسی، رسانه‌ای راه انداخته‌اند به نام «بامداد بی‌دار». نامی که خبر از بامدادی بدون اعدام می‌دهد. این نام بوی سحر می‌دهد، بوی امید، بوی فریادی که از دل تاریکی برمی‌خیزد. دلم گرم شد.

راستش، چه کسی بهتر از زندانیان می‌تواند از شب‌های سرد زندان بگوید؟ از آنچه این رژیم درون دیوارهای بلند و خاموش زندان‌ها بر سر جان‌های آزاده می‌آورد؟ چه کسی جز خود آن‌ها، می‌تواند از مقاومت در برابر شکنجه، از ایستادگی در برابر ظلم،

بی واسطه با ما سخن بگوید؟

پیش از این نیز، زندانیان با راه اندازی کارزار سه‌شنبه‌های "نه به اعدام"، در ده‌ها زندان کشور، صحنه‌ای درخشان از اعتراض آفریدند. فریادی نیرومند و کم‌نظیر، در برابر مجازاتی ضدانسانی و شنیع. حالا اما با «بامداد بی‌دار»، گام دیگری برداشته‌اند؛ گامی فرهنگی، ریشه‌دار، و پرمعنا. این رسانه، تنها یک نشریه نیست؛ نبضی است که در تاریکی می‌تپد، چراغی است که در دل شب روشن مانده، یادآور این که هنوز ایستاده‌اند، هنوز می‌نویسند، هنوز امید دارند.

دست‌اندرکاران این نشریه می‌نویسند:

"ما تصمیم گرفته‌ایم نه تنها در سه‌شنبه‌های نه به اعدام

فریادمان را بلند کنیم، بلکه با کار فرهنگی، مقاومتی ریشه‌دار بسازیم. جمهوری اسلامی برای ما مرجع داور نیست؛ نه به اعدام، باور ماست، عهد ماست. ما قلم‌به‌دست می‌گیریم، می‌نویسیم و شعاع دایره مقاومتمان را از سلول‌های سرد زندان، تا خیابان‌های زنده شهرها گسترش می‌دهیم. هر شماره، هر قدم، این دایره بزرگ‌تر خواهد شد.

و چه گفته‌ای از این روشن‌تر و امیدبخش‌تر؟ امروز، آن‌چه مهم است، همین پیوند است؛ پیوند بین زندان و خیابان، بین سلول و کوچه، بین قلم و فریاد. این، شاید مهم‌ترین حلقه برای پیشروی جنبش ضد اعدام باشد.

دیگر آن روزها که جمهوری اسلامی پشت دیوارهای سنگین و مخوف زندان، هر جنایتی را بی‌صدا مرتکب

می‌شد و جهان خاموش می‌ماند، گذشته است. امروز، دیوارها ترک برداشته‌اند. نه از فرسودگی، بلکه از فشار صداها‌یی که تاب ماندن در سکوت ندارند.

اکنون، زندانیان با انتشار این مجله خوش‌سخن، صدای خود را مستقیم به ما رسانده‌اند و ما، بیرون از زندان‌ها، در خیابان‌ها و شهرها، وظیفه‌ای روشن داریم: این صدا را باید جهانی کنیم.

هیچ دیواری نمی‌تواند مانع عبور نور شود؛ نوری که از دل سلول‌های مرگ می‌تابد و نوید بامدادی بی‌دار را می‌دهد.

نسل کشی در غزه

بهرام سروش

پس از بیش از دو ماه و نیم محاصره کامل غزه از نظر آب، غذا، دارو، سوخت و سایر مایحتاج پایه‌ای، در کنار بمباران و کشتار ۲۴ ساعته، هزاران تن از مردم غزه در یک‌قدمی گرسنگی و نابودی کامل قرار گرفته‌اند. به گفته یکی از مسئولان سازمان ملل، تام فلچر، در صورت نرسیدن مواد غذایی ویژه خردسالان، ظرف ۴۸ ساعت آینده، ۱۴۰۰۰ کودک جانشان را از دست خواهند داد.

دولت نتانیاہو، جنایت کارانه و باکمال بی‌شرمی هدفش را نابودی کامل غزه و بیرون راندن مردم آن

اعلام کرده است. آشکارا و از زبان یکی از هارترین
وزرای دولت، بزالل اسموتریچ، مانند فاشیست‌های
نازی می‌گویند که غزه باید “تسخیر و پاک‌سازی”
شود. می‌گویند درجه تخریب و حجم کشتار باید
چنان باشد که مردم غزه دیگر امکان زیست در
آنجا را نداشته باشند و مجبور به ترک آن شوند.

اما این فقط دولت نتانیا‌هو نیست که دستش به خون
بیش از ۵۳۰۰۰ نفر از مردم غزه، که هزاران تن
از آنان را کودکان و خردسالان تشکیل می‌دهند،
آغشته است. شریک جرم این جنایت علیه بشریت
دولت‌هایی در غرب هستند که از همان شروع اولین
حملات اسرائیل به غزه، به دنبال و به بهانه کشتار
مردم اسرائیل توسط جانیان اسلامی حماس در اکتبر
۲۰۲۳، به حمایت کامل سیاسی، نظامی و مالی از

دولت اسرائیل تحت عنوان عوام‌فریبانه "حق اسرائیل برای دفاع از خود" برخاستند.

کشتار غزه به‌عنوان یکی از هولناک‌ترین جنایات تاریخ علیه بشریت ثبت خواهد شد. آمرین و عاملین این جنایت، چه دولت نتانیا‌هو و شرکای سیاسی آن در غرب و چه جنبش کثیف اسلامی حماس و حامیان آن در جمهوری اسلامی، که هم‌اکنون برخی از عاملین اصلی آن حکم دستگیری از طرف دادگاه لاهه را در دست دارند، باید در برابر مردم جهان پاسخگو باشند.

جنگ غزه، و کشتار و جنایات هم‌زمان در کناره باختری، باید خاتمه یابد. مرزها برای ورود مایحتاج مردم باید باز شوند. گروگان‌ها و اسرای جنگی

اسرائیلی و فلسطینی باید فوراً آزاد شوند. نیروهای دست راستی چه در اسرائیل و چه در فلسطین که مانع حل مسئله فلسطین و رفع ستم بر مردم فلسطین هستند باید با فشار مردم پیشرو و چپ جامعه در هر دو سوی این مناقشه، حاشیه‌ای و طرد شوند. به‌عنوان یک راه‌حل عملی، طرح دو دولت اسرائیلی و فلسطینی باید به اجرا در بیاید.

از خانه تا گور:

ناتوانی قانون در حفاظت از جان زنان

ایراندخت جویباری

طبق خبر در کمتر از ۴۰ روز گذشته، ده زن در نقاط مختلف ایران به دست مردانی از بستگان نزدیک خود به قتل رسیده‌اند. این آمار، صرفاً مجموعه‌ای از پرونده‌های جنایی نیست بلکه بازتاب یک بحران ساختاری در نظام حقوقی و اجتماعی کشور است. بحران از آن‌جا آغاز می‌شود که قانون، به جای ایفای نقش بازدارنده، در مواردی به تسهیل، توجیه و حتی مشروعیت بخشی به خشونت علیه زنان می‌پردازد.

قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در

حوزه جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص،
واجد رویکردی مردسالارانه و تبعیض آمیز هستند؛
رویکردی که ریشه در فقه اسلامی دارد. در این
چارچوب حقوقی، زن نه به عنوان شهروندی مستقل
و صاحب حق، بلکه عمدتاً در قالب مفاهیمی چون
«ناموس» تعریف می شود؛ مفهومی که خشونت را
به ابزار کنترل بدل می سازد و آن را در پوشش
غیرت، شرافت و دین مداری تپهیر می کند.

نمونه دردناک این واقعیت، قتل رومینا اشرفی،
دختر ۱۳ ساله ای است که توسط پدرش در
گیلان به قتل رسید و مورد دیگر، قتل مونا
حیدری، زن جوان اهوازی است که توسط
همسرش و پدرش به طرز فجیعی کشته شد و
سر بریده اش در خیابان به نمایش گذاشته شد.

همچنین، در بسیاری از پرونده‌های قتل زنان توسط بستگان، برخی دادگاه‌ها انگیزه‌هایی نظیر «غیرت»، «رفتار نامناسب زن» یا «نگرانی از آبرو» را در ردیف عوامل مخففه تلقی می‌کنند که این نیز مجازات را کاهش می‌دهد. آنچه شرایط را وخیم‌تر می‌کند، فقدان اراده سیاسی برای تصویب و اجرای قوانین مؤثر در زمینه مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت است.

در جمهوری اسلامی از قوانین خانواده، ارث، شهادت، دیه و حضانت گرفته تا نهادهایی چون چندهمسری و تمکین اجباری، همگی در چارچوبی بنا شده‌اند که حقوق زنان را نه به‌عنوان انسان‌هایی برابر، بلکه به‌عنوان تابعانی تحت قیمومیت مردان تعریف می‌کند.

بنابراین، قتل‌های مکرر زنان نه رویدادی تصادفی، بلکه نتیجه مستقیم پیوند میان قانون تبعیض‌آمیز، فرهنگ پدرسالار، و غیبت اراده نهادی برای حفاظت از حقوق بنیادین زنان است. در چنین ساختاری، خشونت خانگی نه تنها مهار نمی‌شود، بلکه در بستر قانون، عرف، بازتولید می‌شود. تا زمانی که این ساختارهای قدرت زیر سؤال نروند و بازنویسی اساسی قوانین با محوریت برابری، کرامت انسانی و عدالت جنسیتی انجام نشود، نمی‌توان به پایان این چرخه خونین امید داشت.

نه به کار کودکان از حرف تا عمل

سیامک بهاری

سازمان بهزیستی کشور: پویش رسانه‌ای «نه به کار کودک» از تاریخ ۲۱ الی ۳۱ خرداد سال جاری.

سازمان بهزیستی در آستانه سالروز جهانی منع کار کودکان ۱۲ ژوئن مطابق با ۲۲ خرداد شق القمر کرده و کارزار ده‌روزه، رسانه‌ای «نه به کار کودک» راه انداخته است! که دیگران بدانند کار کودکان برای جامعه مضر است!

درحالی که میلیون‌ها کودک - کارگر خردسال در بیغوله‌های کار، از کارگاه‌ها تا مزارع و دامداری‌ها، سر

در سطل آشغال‌های متعفن، اجیر شده توسط پیمانکاران
شهرداری‌ها در دیوهای بازیافت زباله، سرگردان در
چهارراه‌های پرخطر، بی‌هیچ حمایتی، به حال خود رها
شده‌اند.

کسی هست که نداند، گسترده‌تر شدن فقر و فلاکت
تحمیلی، سفره‌های خالی، ناتوانی فزاینده در تأمین
هزینه‌های اولیه زندگی در میان غوغای بیکاری و گرانی
سرسام‌آور، آموزش و پرورش خصوصی، پولی و کالایی،
میلیون‌ها کودک را به بازار بی‌رحم کار و خیابان پرتاب
کرده است و مشکلات روزافزون اقتصادی و اجتماعی
فروپاشی خانواده، نبود امکانات زیستی، کودکان به
نان‌آوران خردسال خانواده و ناچار محروم از تحصیل
می‌شوند؟!

کسی هست که مسبب و عامل بقا این حرمان دردناک و بی‌پایان، بی‌مسئولیتی عامدانه دولت در نابودی کودکی میلیون‌ها کودک و عاقبت این مصیبت را نداند؟! کسی هست که نداند چرا سن اعتیاد به انواع مواد مخدر، در میان کودکان خیابانی به زیر هفت سال رسیده؟ کسی هست که نداند جمهوری اسلامی اساساً عزمی برای پایان‌دادن به کار کودکان ندارد؟!

نسبت بودجه سازمان بهزیستی به منابع عمومی دولت، حدود ۱.۶۱ درصد است. سازمان بهزیستی به‌عنوان متولی اصلی کودکان کار و خیابان، با بودجه‌ای ناچیز که عملاً هزینه کارمندان آن را هم به‌زحمت تأمین می‌کند به دلیل کسری بودجه هنگفت و نبود اعتبارات دولتی مانند همیشه دست‌گدایی به سمت خیرین دراز

کرده است. بارها اعلام کرده که بیش از هشتاد درصد امکانات مالی خود را از بخش خصوصی و کمک خیرین تأمین می کند.

بهزیستی بیش از ۳۷ سال با مشارکت بیش از ده نهاد کشوری و لشکری سه طرح مشهور: جمع آوری کودکان کار و خیابان، «ساماندهی کودکان کار و خیابان» و با ادعای «حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان»، تلاش کرده حقیقت زمخت و دردناک بی پناهی میلیون ها کارگر خردسال را از دید جامعه پنهان کند!

میلیون ها کودک، قربانی ماجرایی های نظامی و هسته ای حکومت اسلامی اند. دولت باید مسئول و موظف به تأمین احتیاجات و معیشت کودکان باید

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۱۴۶

۲۲ مه ۲۰۲۵ - ۱ خرداد ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

گرسنگی سلاح کشتار دولت اسرائیل در غزه

خلیل کیوان

حوزه علمیه دنبال چپاول بیشتر با الگوی رئیسی

رضا درویش

صدای پای اخوان المسلمین در فرانسه

آذر پویا

خامنه‌ای در فاز لگدپرانی هسته‌ای

محسن ابراهیمی

گرسنگی سلاح کشتار دولت اسرائیل در غزه

خلیل کیوان

ابعاد جنایات دولت فاشیست و ضد بشر حاکم بر اسرائیل در غزه بیش از پیش هولناک تر می شوند. بمباران های مستمر، ویرانی های گسترده، جابه جایی های هر روزه و کشتار ده ها هزار نفر از مردم غزه عطش انتقام جمعی از مردم این باریکه را فرو نشانده است. فاشیست های حاکم بر اسرائیل همه ابزارهای کشتار جمعی از جمله محاصره اقتصادی و گرسنگی را هم با شدتی باور نکردنی بکار گرفته اند. تصاویر و اخبار ترسناک وضعیت مردم غزه، گرسنگی و فقدان دارو و فقدان هر انسانی را به درد می آورد.

ابعاد جنایات چنان آشکار، گسترده و غیر انسانی است

که حتی متحدین و حامیان سنتی اسرائیل هم خواهان پایان محاصره اقتصادی و عدم به کارگیری سلاح گرسنگی علیه مردم غزه شده‌اند. اتحادیه اروپا و دولت بریتانیا اعلام کرده‌اند که در تجارت با اسرائیل تجدیدنظر می‌کنند. اعتراضات بین‌المللی گسترده‌تر می‌شوند و صداهای بسیاری از درون اسرائیل علیه کشتار وحشیانه مردم غزه بلند شده است.

تحت فشارهای بین‌المللی اسرائیل اجازه ورود محدود کامیون‌های غذا را صادر کرده است. اما سازمان ملل اعلام کرده است اسرائیل برای توزیع آنها مانع‌تراشی می‌کند. این در حالی است که گفته می‌شود اگر ظرف ۴۸ ساعت آینده غذا و دارو به غزه نرسد ۱۴ هزار نوزاد با خطر مرگ روبرو هستند.

هیچ بهانه‌ای، و از جمله ارتکاب جنایت ۷ اکتبر، جنایات و نسل‌کشی عظیم دولت راست و فاشیست اسرائیل را توجیه نمی‌کند. حماس و راست‌های فاشیست حاکم بر اسرائیل دو نیروی ضدبشری هستند که مثل دو لبه قیچی از مردم غزه قربانی می‌گیرند. زیر سایه شوم این نیروهای فوق‌ارتجاعی در دو طرف این جدال، نه مردم غزه و نه مردم اسرائیل به صلح و زندگی آرام دست نخواهند یافت.

فقط با تعیین تکلیف با نیروهای فاشیستی اسلامی و جریان‌ات راست مذهبی و فاشیست به سرکردگی نتانیاهو در اسرائیل می‌توان چشم‌اندازی برای پایان این فجایع و کشتار و دربه‌داری و پیامدهای هر روز وحشتناک‌تر آن تصور کرد. محاصره مردم غزه باید فوراً متوقف شود. جنگ باید هر چه زودتر خاتمه یابد

و راه حل دو کشوری در دستور قرار گیرد. با صدای
هر چه رساتر اعلام کنیم که محاصره اقتصادی -
دارویی مردم غزه توسط دولت اسرائیل جنایت علیه
بشریت است و به شدت محکوم است و باید فوراً
پایان یابد.

حوزه علمیه دنبال چپاول بیشتر با الگوی رئیسی

رضا درویش

محسن اراکی عضو مجلس "خبرگان" چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ در سالگرد کشته شدن رئیسی گفت: "حوزه علمیه می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی، بانکی و پولی به دولت کمک کند". او رئیسی را نماد مدیریت اسلامی دانست و گفت: "کسانی که ادعا دارند اسلام نمی‌تواند مدیریت موفق ارائه دهد به عملکرد رئیسی در سه سال ریاست جمهوری‌اش نگاه کنند". در این یادداشت نگاهی می‌اندازیم به نمونه‌هایی از عملکرد این "الگوی ممتاز":

نرخ تورم در فروردین ۱۴۰۲ با استناد به اعلام

بانک مرکزی ۶۳ درصد بوده (آفتاب نیوز اردیبهشت ۱۴۰۳). قیمت دلار در شروع بکار رئیسی ۲۷ هزار تومن بوده، به ۶۵ هزار تومن رسید (تجارت نیوز، فروردین ۱۴۰۳). در باب گرانی کالاها اقتصاد نیوز نوشت: "هر کالایی که بررسی کردیم بیش از ۱۰۰ درصد گران تر شده بود" (مرداد ۱۴۰۲). قیمت مسکن ۱۷۵ درصد رشد داشته است (انتخاب، تیر ۱۴۰۳).

محسن اراکی همچنین مدعی شد: "حوزه علمیه می تواند برای عدالت اقتصادی و عدالت سیاسی در ارائه نظریه و اجرای آن به دولت کمک کند". مردم به خوبی می دانند که اجرای "عدالت اسلامی" برای بخش هایی از جامعه معنایش مجازات مرگ است. نظیر آنچه رئیسی در کارنامه گذشته اش با صدور

احکام اعدام برای زندانیان سیاسی دهه شصت عملاً نشان داد. رئیسی از افزایش ۱۰۷ درصدی و در مواردی ۲۴۰ درصدی قیمت داروها و کمبود ۳۰۰ تا ۴۰۰ قلم دارویی اعتنا گذشت (فراز نیوز تیر ۱۴۰۱). اما در دوره ریاست جمهوری او برای نهادهای تبلیغاتی و "فرهنگی" اسلامی با گشاده دستی بودجه ۳۶ هزار میلیارد تومانی تصویب شد.

اراکي در ادامه مي گوید رئیسی "چند اصل مدیریت اسلامی را اثبات کرد. اولین اصل این بود که ما می توانیم". در جواب باید گفت آری شما مرتجعین در ویرانگری بسیار توانمندید. اراکی همچنین می گوید رئیسی نمونه مدیریت "دلسوز و حریص به منافع مردم را به نمایش گذاشت". در این باره فقط می توان گفت که کارنامه رئیسی گواهی می دهد که

او به‌واقع حریص بود برای ریختن خون مردم، چه در دهه شصت و چه در جریان جنبش زن زندگی آزادی. در جریان شیمیایی شدن مدارس هم نشان داد چقدر دلسوز است، حتی یک پرونده قضایی تشکیل نشد.

به محسن اراکی باید گفت: می‌خواهید مشکلات حل شود؟ گورتان را گم کنید.

صدای پای اخوان المسلمین در فرانسه

آذر پویا

شورای دفاعی فرانسه چهارشنبه بیست و یکم ماه
مه نشستی به ریاست رئیس‌جمهوری این کشور،
امانوئل ماکرون، تشکیل داد. در این نشست صریحاً
بر ضدیت اخوان‌المسلمین با جمهوری فرانسه و
تلاش آن برای ایجاد و اشاعه هسته‌های اسلام‌گرایی
و تبلیغ و اجرای شریعت در این کشور تأکید شد.
فعالیت و تلاش نهادهای اسلامی در کشورهای
اروپائی و سعی در به عقب بردن جامعه محل
فعالیتشان نه اتفاق تازه ایست و نه جای تعجب
دارد. در همین کشور فرانسه سال ۲۰۱۵ شاهد
حمله اسلاميون به مجله طنز شارلی ابدو بودیم،
در این حمله ۱۲ نفر از کارمندان کشته و ۱۰ نفر

زخمی شدند. دلیل حمله چاپ کاریکاتورهای از محمد پیامبر اسلام در نشریه شارلی ابدو بود. همچنین شاهد ترور معلم تاریخی بودیم که کاریکاتوری از مجله شارلی ابدو را به شاگردانش نشان داده بود. مهاجم با فریاد الله اکبر به این معلم حمله کرده و سرش را از تن جدا می کند.

انتظار می رفت بعد از اتفاقات فوق دولت فرانسه اقدامات جدی تری برای مقابله با اسلام سیاسی، حفظ سلامت جامعه و جان شهروندانش را در دستور کار خود قرار دهد؛ ولی چنین نشد. مراکز اسلامی که اغلب محل پرورش و اشاعه تروریسم هستند به قوت خود باقی ماندند، مدارس اسلامی برای کودکان تعطیل نشد، پناهجویانی را که پس از جنگ خانه و کاشانه شان را به امید داشتن زندگی

بهتر و دور از فشارهای دینی و مذهبی به کشوری
به خیال خود سکولار پناه برده بودند تحت لوای
فرهنگ خودی به دست جانوران اسلامی رها کردند.

فرانسه کشوری است سکولار با فرهنگ مبارزاتی
بالا و به مهد آزادی زبان زد. اگر می‌خواهد از خطر
نفوذ اخوان المسلمین و سایر گروه‌های اسلامی
محفوظ بماند باید دست به ریشه برده مراکز
اسلامی نه تنها اخوان المسلمین که فقط ۷ درصد
از این مراکز را در اختیار دارند؛ بلکه تمامی مراکز
مربوط به سایر گروه‌های اسلامی را تعطیل کند،
از نهادهای سکولار حمایت کرده آنها را گسترش
دهد و به قوانین لائیسیته که یکی از دستاوردهای
مهم انقلاب کبیر مردم فرانسه است پایبند بماند.
در غیر این صورت باج دادن به مراکز اسلامی،

مماشات با جمهوری اسلامی که خود یکی از
خطرناک‌ترین عاملین ترور و ایجاد ترس و وحشت
در جامعه است فقط آب به آسیاب نهادهای
اسلامی ریختن و پروراندن مار در آستین است.

خامنه‌ای در فاز لگدپرانی هسته‌ای

محسن ابراهیمی

در ماه‌های اخیر دفعات تغییر فاز خامنه‌ای بیشتر شده است. او که زمانی با اطمینان گفته بود "نه جنگ می‌شود نه مذاکره می‌کنیم"، با کمی فاصله وارد فاز "معامله" با امریکا شد. کمی بعد از موضع "مذاکره با آمریکا شرافتمندانه نیست"

سر درآورد و کمی بعدتر وارد فاز معامله از نوع "امام حسن" شد و بالاخره این هفته "مقام معظم رهبری" وارد فاز لگدپرانی شد. در دیدار با خانواده ابراهیم رئیسی و پامنبری‌های همیشگی‌اش خطاب به مقامات آمریکا گفت: این‌که اجازه غنی‌سازی نمی‌دهند "یاوه‌گویی" است، "غلط زیادی" است و مثل همیشه مقامات ریزودرشت

حکومت کارناوال مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل راه انداختند.

مخاطب واقعی خامنه‌ای در انتخاب این کلمات ترامپ نیست. مخاطبش ژست گرفتن در مقابل اندک جمعیتی است که به عنوان پایه سیاسی و امنیتی رویشان حساب می‌کند. جمعیتی که ۴۶ سال تمام مغز و روانشان را با آمریکاستیزی و ضدیت با غرب و ادعای نابودی اسرائیل تسخیر کرده‌اند. تنها امید خامنه‌ای برای مقابله با مردم در کمین نشسته همین جمعیت است که به چشم خود می‌بینند خیمه و خرگاه محور مقاومت درهم ریخته و رهبری که مدعی رهبری شیعیان جهان بود مجبور شده است با قاتل سلیمانی پای مذاکره برود.

علاوه بر این، در محاسبات راهبری خامنه‌ای و حکام اسلامی، رسیدن به بمب هسته‌ای برای حفظ نظام جایگاه حیاتی دارد. خامنه‌ای البته می‌داند که خطر اصلی برای بقای سیاسی نظام مردم هستند و مردم را هم نمی‌توان با بمب اتم سرکوب کرد؛ اما او تصور می‌کند با مسلح شدن به بمب اتم، نظام اسلامی قدرت بازدارندگی بالایی پیدا می‌کند و زمینه برای مماشات بیشتر دول غرب و منطقه با جمهوری اسلامی فراهم می‌شود و به این اعتبار ضربه‌پذیری از طرف دولت‌ها و جامعه بین‌المللی کمتر می‌شود. یک دلیل مهم اصرار بر خط قرمز نامیدن غنی‌سازی اورانیوم همین است.

در نتیجه سران حکومت هم دنبال راهی برای تعامل هر چند رقت‌بار هستند و هم می‌خواهند پتانسیل هسته‌ای

شدن را از دست ندهند. تناقضی که تنها زمانی حل خواهد شد که خود حکومت دیگر در قید حیات نباشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۴۷

۲۴ مه ۲۰۲۵ - ۳ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

سلفی در جهنم!

سینا پدرام

از اعتراضات کامیونداران تا اتحاد فراگیر

کیوان جاوید

ابعاد فاجعه بار قطع برق در ایران

منظر دریاکناری

سلفی در جهنم!

سینا پدرام

محسن جعفری، فرمانده سپاه پاسداران فومن، اعلام کرد که در پروژهای به نام "ساعت به وقت بهشت" برای شهروندان "وضعیت قبر"، "مواجهه با نکیر و منکر" و "عبور از پل صراط" را با آتش واقعی در مکانی شبیه جهنم می‌سازد.

به گفته جعفری، در این مکان شهروندان در غرفه‌های "جهنم" حاضر می‌شوند که در زیر آن به شکل واقعی روشن است و حس می‌شود. او گفت مراجع تقلید قم این پروژه را تأیید کرده‌اند.

در مملکتی که آسفالت خیابان‌ها از گلگیر ماشین پراید هم نازک‌تر است، بیمارستان‌ها بیشتر به صحنه فیلم‌های ترسناک شباهت دارند، مدارس با سنگ‌وکلوخ ساخته می‌شوند، داروها نه تنها شفابخش نیستند، بلکه در مواقع زیادی بی‌خاصیت و مضر و حتی کشنده هم هستند. “برادران قاچاقچی” دل در گرو ساختن “جهنم واقعی” با آتش واقعی برای مردم بسته‌اند. پروژه‌ای به نام “ساعت به وقت بهشت” که قرار است مردم را نه در قطار و اتوبوس، بلکه مستقیماً از غرفه آتش‌فشانی به دل پل صراط پرتاب کند.

فرمانده سپاه فومن، محسن جعفری، با افتخار اعلام کرده که در این نمایشگاه دوزخی، شهروندان با نکیر و منکر سلفی می‌گیرند و کمی آن‌طرف‌تر از

پل صراط رد می‌شوند، البته اگر آتش واقعی زیر پای‌شان امان بدهد. این وسط، کسی هم نپرسید که مثلاً برای عبور از پل صراط بیمه آتش‌سوزی دارند یا نه.

از همه خنده‌دارتر اینکه گفته‌اند این پروژه با تأیید مراجع تقلید قم اجرا شده، لابد جلسه‌ای بوده بین نکیر و منکر و چند مرجع وحشتناک‌تر از این دو کاراکتر نگون‌بخت خیالی که تمام عمرشان در قبرستان‌ها صرف می‌شود که تصمیم بگیرند آتش را روشن کنیم و بودجهٔ عمومی را دود کنیم.

یک ملت دنبال نان شب است، آن‌وقت عده‌ای با پول همین مردم دنبال بازسازی جهنم هستند.

لابد به امید اینکه اگر مردم جهنم را ببینند، کمتر در صف مرغ و جلو اداره برق اعتراض کنند.

واقعاً باید نام این پروژه را گذاشت "ساعت به وقت بودجه خواری". در کشوری که هر ریال باید خرج آموزش، درمان و آبادانی شود، هزینه کردن برای نمایش‌های خرافی و احمقانه، فقط نشان می‌دهد که جهنم واقعی همین جاست، زیر پای مردمی که باید برای دیدن جهنم، بلیت هم بخرند.

پایان دادن به جهنم رژیم اسلامی کار مردمی است که هر روز با این "تکیر و منکر"های زمینی در حال جنگ هستند. مردمی که می‌توانند با برقراری یک جامعه آزاد و مرفه، کرامت و رفاه انسانی را برای تمامی آحاد جامعه به ارمغان بیاورند.

از اعتراضات کامیونداران تا اتحاد فراگیر

کیوان جاوید

کامیونداران و رانندگان کامیون در ده‌ها شهر از جمله در تهران، کرمانشاه، اراک، بندرعباس، شیراز، قزوین، کازرون، فسا، کرمان، تبریز، میبد، سیرجان، عباس‌آباد دره شهر (ایلام) و دیگر نقاط، دست از کار کشیدند.

گرانی‌های سرسام‌آور، درآمد بسیار ناچیز، کاهش سهمیه سوخت و گرانی و کمبود آن، هزینه‌های کلان کامیون‌ها و عوارض و افزایش روزافزون آنها، چپاولگری‌های حاکم و اخاذی‌های پلیس‌راه و مافیای بار، جاده‌های ناامن، کامیون‌های فرسوده

و هزینه‌های کلان قطعات و یدکی‌های مورد نیاز و نایابی آنها، هزینه گزاف بیمه، پرداخت با تأخیر پول بارکشی و نبود هیچ نوع خدماتی برای بارگیری و استراحت در جاده‌ها، و دیگر دشواری‌ها از جمله مشکلات عدیده شغلی و معیشتی کامیون‌داران و رانندگان کامیون است.

از اعتصابات و اعتراضات کامیون‌داران و رانندگان کامیون باید حمایت کرد. مبارزه این قشر زحمتکش، بخش جدایی ناپذیر از مبارزه سراسری همه بخش‌های جامعه برای بدست آوردن منزلت و معیشت است. هیچ بخشی از جامعه به تنهایی و بدون حمایت دیگران نمی‌تواند به پیروزی برسد. مافیای خون‌خوار جمهوری اسلامی می‌تواند

کامیون‌داران و رانندگان کامیون را خسته و منزوی کرده و فقر و تنگدستی را بیش از گذشته حاکم بر زندگی این زحمت‌کشان کند.

یک راه مؤثر مقابله با حکومت اسلامی پیوستن تعداد هر چه بیشتری از کامیون‌داران و رانندگان کامیون به این حرکت اعتراضی است. راه دیگر حمایت، پیوستن دیگر معترضین و برپاکردن اعتصابات و اعتراضات هم زمان است. معلم و بازنشسته و پرستار و بخش میلیونی بیکاران و کارگران کارخانه در همبستگی با هم - و اینجا در همبستگی با کامیون‌داران و رانندگان کامیون اعتصابی - می‌توانند دست به اعتراض حمایتی و هماهنگ بزنند. دست‌یافتن به پیروزی منوط به

این امر است که همه با هم باشیم و هماهنگ و متحد دست به اعتراض بزنیم. سازماندهی اعتراضاتِ متحد و یکپارچه باید در دستور کار همه فعالین و سازمان‌دهندگان اعتراضات باشد. در این صورت پیروزی‌ها دومینووار به دست خواهند آمد.

روز شنبه سوم خرداد، کشاورزان کازرون در اعتراض به نبود خودرو برای حمل محصول مقابل ساختمان فرمانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. همچنین تجمع اعتراضی نانوایان شاهین‌شهر در همین روز در جریان است. اعتصابات را همه گیر کنیم.

ابعاد فاجعه بار قطع برق در ایران

منظر دریاکناری

رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران از قطعی‌های گسترده و بدون اطلاع برق در واحدهای صنعتی گفت: «خاموشی‌ها، آسیب جبران‌ناپذیری به تولید، ماشین‌آلات و قطعات وارد کرده است.»

هشدار پشت هشدار در رابطه با صدمات سنگین ناشی از قطعی برق به صنایع تولیدی و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها شنیده می‌شود. این فقط یک بخش از فاجعه است که جمهوری اسلامی به بار آورده است. فاجعه‌بارتر اینکه مردم در خانه‌های خود از بی‌برقی مصیبت می‌کشند. خمیر نانوایی‌ها

ترشیده شده و با نزدیک شدن به تابستان عملاً دروازه‌های جهنم اسلامی به روی مردم باز می‌شود.

چرا سرنوشت برق در ایران چنین رو به تاریکی می‌گراید؟ مافیای برق در این میان کجای کار است؟ بعضاً خود مسئولین حکومتی نقش مافیای برق را بسیار برجسته می‌دانند. برقی که صرف راه‌اندازی "مزارع" وسیع تولید بیت کوین می‌شود تا از این راه ارز نصیب جمهوری اسلامی کند.

این اما همه درد نیست. اقتصاد جمهوری اسلامی در یک بن‌بست لاعلاج گیر کرده است و راه درمانی هم برای نجات این اقتصاد روبه‌مرگ متصور نیست. در حال حاضر جمهوری اسلامی

به فکر یک معجزه است. شاید به ترتیبی با کوتاه آمدن تدریجی و گام به گام در مناقشه هسته‌ای بخواهد به نتیجه‌ای موقتی با غرب و آمریکا برسد تا موقتاً هم شده از این فاجعه فروپاشی اقتصادی جان سالم بدر ببرد.

همه این راه‌ها را یک بار این حکومت طی کرده است. یک بار برجام را امضا کرده‌اند، اما نه اقتصاد خودشان راه افتاد و نه لقمه‌ای نان به سفره مردم نیز اضافه شد.

جمهوری اسلامی در سراشیب سقوط است، اما به این دلیل تا امروز توانسته است لاشه‌اش را از امروز به فردا بکشانند، چون جامعه در ابعاد

سراسری متشکل نشده است. یک قدرت متحد
کننده سراسری، همراه با اعتصابات و اعتراضات
معیشتی و سرنگونی طلبانه لازم است که جنازه
این حکومت به خاک سپرده شود. مشکل اقتصاد
حکومت، سیاسی است و راه حل اجتماعی جامعه
هم لاجرم فقط باید سیاسی باشد. سیاسی بودن
نبرد مردم علیه جمهوری اسلامی سال‌های متمادی
به اثبات رسیده است. فقط اتحاد سراسری مردم
می‌تواند شیشه عمر این حکومت را بر زمین زده
و بشکند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۴۸

۲۵ مه ۲۰۲۵ - ۴ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

جایزه نخل طلایی برای جعفر پناهی

حسن صالحی

بحران برق و بیش‌رمی حکام اسلامی

محسن ابراهیمی

سپاه همیشه دست به ماشه بوده است!

اصغر کریمی

شورای عالی امنیت و غلاف کردن حجاب

کیوان جاوید

جایزه نخل طلایی برای جعفر پناهی

حسن صالحی

جعفر پناهی با فیلم "یک تصادف ساده" موفق به دریافت نخل طلای هفتاد و هشتمین جشنواره فیلم کن شد، اما این تنها جایزه‌ای برای یک فیلم نیست فیلمی که بدون هیچ مجوزی از سوی جمهوری اسلامی و در دل محدودیت‌ها ساخته شده و بازیگران زن آن بی‌حجاب نقش‌آفرینی کرده‌اند. این نخل طلا، صرف‌نظر از هر تصویری که از فیلم داشته باشیم، نماد تکریم از هنرمندانی است که در برابر دیوارهای سانسور، سرکوب و آپارتاید جنسیتی قد علم می‌کنند و در برابر استبداد و خشونت حکومتی سر تسلیم فرود نمی‌آورند.

این جایزه تنها سهم سینماگران نیست، بلکه ادای احترامی است به زنان ایران، زنانی که در برابر قوانین زن ستیز، تهدید دائمی و خطر زندان، مبارزه‌ای پرهزینه و شجاعانه را پیش برده‌اند. زنانی که با مقاومتشان در برابر تحمیل حجاب اجباری و برای کسب حقوق انسانی، یکی از بنیادی‌ترین ستون‌های سرکوب را به لرزه درآورده و حکومت آپارتاید جنسیتی اسلامی را به عقب‌نشینی واداشته‌اند.

اما این موفقیت در فستیوال کن، فراتر از زنان و سینماگران است. این جایزه، در حقیقت، تجلی ارج‌گذاری به مردمانی است که سال‌هاست با شجاعت و پایداری در برابر یکی از وحشی‌ترین

حکومت‌های سرمایه‌داری ایستاده‌اند. این نخل طلا،
سمبلی است از امید، ایستادگی، و صدایی که جهان
دیگر نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

حکومت اسلامی کوشید با تشدید سرکوب، افزایش
شمار اعدام‌ها و گسترش فضای رعب و وحشت،
صدای مردم ایران را در گلو خفه کند. با دولت
آمریکا وارد مذاکره شد، به این امید که از رهگذر
سازش با "دشمن خارجی"، بتواند در سایه بی‌توجهی
به حقوق بشر، فشار بر مردم را ادامه دهد.

اما جهان، اینبار در جشنواره فیلم کن، صدای مردم
ایران را شنید. با اهدای نخل طلا به جعفر پناهی —
هنرمندی که زخم‌های جمهوری اسلامی را بر تن

و جان خود دارد — جامعه جهانی همبستگی‌اش را با مردمانی زخم‌خورده و مبارز اعلام کرد. این جایزه، پژواک رنج، امید و ایستادگی مردمی است که همچنان در برابر تاریکی ایستاده‌اند و جهان را نیز به تماشای آن فراخوانده‌اند.

این مردم، تشنه آزادی، شایسته تجلیل‌اند. از زندانیانی که در “سه‌شنبه‌های نه به اعدام” فریاد زندگی سر می‌دهند، تا کارگران، معلمان، دانش‌جویان، دادخواهان و زنانی که برای کرامت انسانی می‌جنگند، سزاوار همبستگی جهانی‌اند. اینان نمایندگان واقعی جامعه ایران‌اند، نه رژیم‌هایی که دشمن مردم است و باید بایکوت شود.

بحران برق و بیش‌رمی حکام اسلامی

محسن ابراهیمی

همه می‌دانند که تنها مسبب معضلات متعدد معیشتی مردم نظام اسلامی است. اما همین نظام و حکام فاسدش با وقاحتی بی نظیر خود مردم را مسبب معرفی می‌کنند. مورد اخیر طرح جدید وزیر نیرو برای مدیریت مصرف برق است. او گفته است که "انتخاب این که از میان یخچال، روشنایی و سایر وسایل، کدام و تا چه میزان مورد استفاده قرار گیرد" بر عهده مردم است! به زبان ساده اگر مردم می‌خواهند خانه‌شان روشن باشد، باید قبول کنند غذایشان فاسد شود! اگر می‌خواهند غذایشان فاسد نشود، پس باید در

تاریکی زندگی کنند! مسعود پزشکیان حتی
فراتر رفته و از مردم طلبکار هم شده است که
گویا چون دولت "برق رایگان" در اختیار مردم
قرار داده است مردم هم "ارزش آن را نمی‌دانند"
و مسبب بحران برق خود مردم هستند!

در مقابل اراجیف پزشکیان و وزیر نیروی او باید
گفت که اولاً دولت برق رایگان در اختیار مردم
قرار نداده است. برعکس نظام اسلامی میلیاردها
دلار ثروتی که محصول کار و رنج همین مردم
زحمتکش است را هزینه غنی‌سازی اورانیوم برای
مجهز شدن به سلاح اتمی - البته با وعده تأمین
انرژی هسته‌ای - کرده است، بدون اینکه حتی
برق یک مدرسه را از پروژه هسته‌ای تأمین کند.

دولت برق رایگان در اختیار مردم قرار نداده است، بلکه به قیمت تحمیل بحران آب و برق و غذا و مسکن و دارو و درمان بر مردم، از جیب همین مردم همه جور امکانات “رایگان” برای حزب‌الله و حماس و حشدالشعبی و حوثی‌ها و بشار اسد فراهم کرده است.

برق صرفاً تأمین‌کننده روشنایی در محل کار و زندگی نیست. کار و معیشت ده‌ها میلیون انسان، نان سفره میلیون‌ها خانواده، جان و زندگی بیماران تحت درمان به تأمین منظم آن گره خورده است. قطع مکرر برق یک نمونه دیگر از این حقیقت است که حتی یک روز بیشتر ادامه حیات حکومت اسلامی به معنای صدمات

جبران ناپذیر بر زندگی میلیون‌ها انسان است.

اعتراض گسترده رانندگان کامیون، اعتراضات
نانوایان، اعتراضات کشاورزان، اعتراضات متعدد
به قطع برق که آغاز شده است امیدوارکننده
است، اما این اعتراضات در صورتی می‌تواند دست
حکام چپاولگر اسلامی را از تباه کردن زندگی
مردم کوتاه کند که بخش‌های دیگر جامعه به
آن بپیوندند، با اعتصابات گسترده کارگری همراه
شود و به یک اعتصاب و اعتراض سراسری و
همبسته ارتقا یابد.

سپاه همیشه دست به ماشه بوده است!

اصغر کریمی

سپاه پاسداران در بیانیهای در روز ۳ خرداد گفته است: "دست بر ماشه مہیای پاسخگویی قاطع، پشیمان کننده و فراتر از تصور به هرگونه اقدام خصمانه دشمن هستیم. پاسخی که نه تنها متجاوزان متوهم را به شدت پشیمان کند، بلکه معادلات راهبردی قدرت را به نفع جبهه حق و به زیان شیطان بزرگ و رژیم نیابتی و صهیونی او در غرب آسیا تغییر خواهد داد." در این بیانیه که به مناسبت سالروز فتح خرمشهر منتشر شده همچنین گفته شده که "فلسفه نام گذاری عملیات آزادسازی خرمشهر به "بیت المقدس"، جز این نبود

که طراحان شهید این فتح بزرگ، فتح خرمشهر را دروازه فتح بیت المقدس می دانستند و آرزوی مبارزه برای آزادسازی سرزمین فلسطین را داشتند.

اولاً، سپاه همیشه دست بر ماشه بوده است. از همان روزی که سپاه شکل گرفت روزی نبوده که ماشه را بطرف دشمن داخلی نکشیده باشد. در ایران، در عراق یا سوریه. فرقی نمی کند اینها این هنر مقدسشان را برای دفاع از نظام مقدسشان همواره به کار برده اند. یکی از این هنرهای به یادماندنی هم چکاندن ماشه بطرف هواپیمای مسافربری اوکراین بود. اما این چکاندن ماشه ها بطرف این دشمن اصلی، نه به شدت پشیمان کننده بوده و نه فراتر از تصور مردم. هر بار که ماشه را چکانده اید

مردم بیشتری علیه تان دست به اعتراض زده‌اند و شعار سپاهی بسیجی داعش ما شمایی سر داده‌اند.

دوما، اقدام پشیمان کننده تان علیه دشمن خارجی را بدنبال ضرباتی که در داخل کشور از اسرائیل خوردید نیز دیده‌ایم همینطور در پایگاه الاسد بدنبال قتل قاسم سلیمانی تان. و سوما، آرزوی فتح بیت المقدس دیگر به یک جوک نه تنها در میان مردم، بلکه در میان نیروهای تان و بالاترین مقامات تبدیل شده است. تغییرات راهبردی هم فی الحال اتفاق افتاده است در لبنان، سوریه، عراق و یمن.

اما این رجزخوانی‌ها درست در شرایطی که نیروهای نیابتی یکی پس از دیگری آب رفتند و در داخل

هم حریف بی‌حجابی نشدند و کابوس سرنگونی
بالاترین مشغله سران حکومت است، یک هدف
دارد: صورت خود را سرخ نگه‌داشتن به‌وقت
تسلیم‌شدن به شیطان بزرگ. فتح بیت‌المقدس
و تغییرات راهبردی در غرب آسیا هم پیشکش
خامنه‌ای و سران سپاه.

اما فقط یادتان نرود که اگر دست بر ماشه شما
پشیمان‌کننده و فراتر از تصور نبوده است، دست
بر ماشه بودن مردم علیه شما به حد کافی
پشیمان‌کننده، راهبردی! و فراتر از تصورتان خواهد
بود.

شورای عالی امنیت و غلاف کردن حجاب

کیوان جاوید

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس اسلامی در واکنش به تذکری درباره عدم ابلاغ قانون "عفاف و حجاب" گفت که تاکنون نمی‌خواست این موضوع را با صراحت اعلام کند اما "دبیرخانه شورای امنیت ملی به صورت مکتوب به ما اعلام کرده است که فعلاً این قانون ابلاغ نشود."

این جمله قالیباف به نحوی ما را یاد حرف شاه در آخرین ماه‌های منتهی به سرنگونی‌اش می‌اندازد که نیمه گریان و نیمه لرزان در "تلویزیون ملی ایران" گفت صدای انقلاب شما را شنیدم و فرصت

خواست تا جبران کند. حالا یکی از قاتلان اصلی حکومت اسلامی از قول یکی از خونخوارترین ارگان‌های سرکوب و کشتار، یعنی نهاد شورای امنیت ملی، می‌گوید قانون حجاب را باید غلاف کرد. چرا؟ چون به ضرب پتک مبارزات مردم که بر کلهٔ پوک سران اسلامی فرود آمده است، جمعاً فهمیده‌اند که تأکید و پافشاری بر قانون حجاب، انداختن کبریت مشتعل در انبار باروت است. شورای امنیت رژیم می‌داند که باد زدنِ این تعفن اسلامی مردم را بسیار خشمگین‌تر می‌کند و جبهه جنگ وسیع علیه بی‌حجابی را روشن‌تر در برابر جامعه و جهانیان به نمایش می‌گذارد. رژیم فکر می‌کند شاید بتواند با چراغ خاموش از این دره پُر پیچ‌وخم عبور کند.

رژیم در بد مخمصه‌ای گیر کرده است. در جبهه بحران اقتصادی کمرش شکسته است، در جبهه نبرد جامعه برای زندگی بهتر و علیه فلاکت ضربات بی‌وقفه‌ای متحمل می‌شود. اعتصاب و اعتراض و خشم عمومی رانندگان کامیون و ناوایان و کشاورزان را در برابر خود می‌بیند و می‌داند توان مقابله در همه این عرصه‌های نبرد با مردم را ندارد.

حالا یک نماینده کودن‌تر از بقیه نمایندگان اسلامی به این صرافت احمقانه افتاده است که قانون عفاف و حجاب باید ابلاغ شود. از آنجا که قالیباف نمی‌تواند جلوی این احمق‌تر از خودش را بگیرد هشدار می‌دهد که این دستور دبیرخانه

شورای امنیت ملی است که وضعیت امنیتی
مملکت را بهتر از همه رصد می کند. معنی حقیقی
حرف قالیباف این است: ”جامعه در حال انفجار
است آقا و بی جهت باروت بیشتر بر این شعله
آتش نریزید.“

ختم کلام. شما حتی مثل شاه نمی توانید از مردم
بخواهید اجازه بدهند تا جبران کنید. همه تفنگ ها
به سوی شما نشانه رفته است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ایکس: ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۴۹

۲۷ مه ۲۰۲۵ - ۶ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

ایران در آستانه اعتصابات سراسری!

حمید تقوایی

اعتصاب باشکوه، متحد و سراسری رانندگان کامیون

شهلا دانشفر

اعتراضات در اسرائیل علیه ادامه جنایت در غزه

کیوان جاوید

ایران در آستانه اعتصابات سراسری!

حمید تقوایی

اعتصاب کامیون‌داران و رانندگان کامیون در پنجمین روز خود، ۵ خرداد، ۱۳۵۷ شهر را دربر گرفته است. اعتصابی سازمان‌یافته، سراسری و هدفمند با بیانیه‌ها و فراخوان‌های رادیکال و متحد‌کننده.

این اولین بار نیست که رانندگان کامیون دست به اعتصاب می‌زنند؛ ولی اولین بار است که در متن فلج اقتصادی حکومت، در جامعه‌ای که از بی‌برقی و بی‌آبی و گرانی به خود می‌پیچد، هم‌زمان با تجمعات اعتراضی و اعتصاب ناوایان، و در برابر یک حکومت کاملاً درمانده و به بن‌بست رسیده این حرکت صورت می‌پذیرد.

اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران در بیانیه خود می‌نویسد “راهی که آغاز شده، فقط راه برای احقاق حق رانندگان و کامیون‌داران نیست؛ بلکه راهی برای مردم ایران است و اینکه چگونه حق خود را دنبال کنند.”

و به این ترتیب بیانیه در واقع از همه مردم می‌خواهد با دست از کار کشیدن حق خود را دنبال کنند: حق برخورداری از نان و آب و برق و هوای قابل تنفس و از ابتدائی‌ترین امکانات برای یک زندگی معمولی را! حق زنده ماندن را!

در شرایط امروز جنگ مردم با حکومت صرفاً بر سر مطالبات و خواست‌های صنفی و سیاسی نیست، بلکه

بر سر نفس زندگی و ادامه زندگی است. بر متن چنین شرایطی است که اهمیت و جایگاه اعتصاب رانندگان کامیون از یک حرکت صنفی - مطالباتی فراتر می‌رود و به همه مردم ایران راه نشان می‌دهد: دست از کار بکشید و حکومتی که زندگی روزمره مردم را به تعطیلی کشانده است، فلج کنید! جامعه برای ادامه زندگی می‌جنگد و حکومتی‌ها برای حفظ قدرت و ثروت خود! و اعتصاب یک اسلحه مؤثر و کارساز مردم کارگر و کارکن در این جنگ حیاتی است.

انقلاب زن زندگی آزادی با تظاهرات و درگیری‌های خیابانی شروع شد و با جنبش بی‌حجابی و تجمعات اعتراضی معلمان و دانش‌آموزان و بازنشستگان و کارگران نفت و پتروشیمی و دیگر اقشار معترض

جامعه ادامه یافت. اکنون نوبت اعتصابات سراسری فرارسیده است. امروز نانوایان و رانندگان کامیون این پرچم را برافراشته‌اند. وقت آن است که همه فعالین و نهادهای مبارزاتی در جنبش‌های اعتراضی و در جنبش انقلابی زن زندگی آزادی متحد و یکپارچه با بیانیه‌ها و فراخوان‌ها و طومارهای مشترک خود از اعتصاب رانندگان و نانوایان فعالانه حمایت کنند. وقت آن است که همه کارگران بخش‌های مختلف خدماتی و تولیدی برای خواست‌های مشترک خود و همه مردم به زیر خط فقر رانده شده، به میدان بیایند و دست به اعتصاب بزنند.

این اعتصابات می‌تواند و باید یک‌بار دیگر، همچون ابتدای انقلاب مهسا، جهانیان را به حمایت از مبارزات مردم ایران بسیج کند. به‌ویژه اکنون که مسئله

مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در محور توجه همه دولت‌ها و نهادها و رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است، این وظیفه همه نیروهای چپ و انقلابی است که توجه جهانیان را به اعتصابات در ایران جلب کنند. باید همه دنیا بداند که حتی راه مقابله واقعی با پروژه هسته‌ای رژیم و سیاست‌ها و نیروهای تروریستی‌اش حمایت فعال از مبارزات مردم ایران است. هر دولت و نهاد و نیروی سیاسی مدعی دفاع از حقوق بشر باید بداند تنها مبارزات و انقلاب مردم ایران می‌تواند جهان را از شر جمهوری اسلامی خلاص کند. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنها است. راه حل مسئله ایران مذاکره با جانیان حاکم بر ایران و توافق و جنگ و تحریم اقتصادی نیست، بلکه بایکوت جمهوری اسلامی و حمایت فعال و پیگیر از جنبش انقلابی است که

قریب سه سال است در ایران جریان دارد و امروز
با اعتصابات سراسری دور تازه‌ای از جنگ خود با
حکومت را آغاز کرده است.

دوره اعتصابات سراسری در ایران آغاز می‌شود، با
تمام قوا به این حرکت پیوندیم!

اعتصاب باشکوه، متحد و سراسری رانندگان کامیون

شهلا دانشفر

شش روز از اعتصاب رانندگان کامیون این ستون حمل و نقل و بخش خدماتی کشور که نقشی کلیدی در اقتصاد حکومت دارد، گذشت. اعتصابی قدرتمند و باشکوه که توجه جامعه را به خود جلب کرده است.

محورهای مهم اعتراض کامیون‌داران عبارت‌اند از: فقر و بی‌تامینی، درآمدهای ناچیز، کاهش سهمیه سوخت و گرانی‌ها، هزینه نجومی بیمه و محرومیت از بیمه درمانی باکیفیت، هزینه‌های سنگین وسایل یدکی کامیون، اخاذی‌های زنجیره‌ای پلیس‌راه و

شرکتهای مافیایی واسطه‌ای و پیمانی و تحویل بار، تأخیر و یا نپرداختن کرایه بار و جاده‌های ناامن که هر روز قربانی می‌گیرند. اینها همه دردهای مشترک همه کارگران و کل جامعه هستند که خود را در فریاد شعار ”اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد“ در کف خیابان بازتاب می‌دهد.

این اعتصابات در شرایطی که فقر و بی‌تامینی و سونامی گرانی و بیکاری بیداد می‌کند و اقتصاد فلج حکومت و ناتوانی‌اش در تأمین نیازهای اولیه زندگی مردم جامعه را به نقطه انفجار رسانده است، بر گفتمان اعتصابات سراسری و عمومی شدت بخشیده است. اعتصابات که حکومت را به وحشت انداخته است و در واکنش به آن همان آغاز کار سراسیمه مصوبه افزایش قیمت گازوئیل را معلق کرد و افزایش نرخ

بیمه را پس گرفت. از سوی دیگر تهدیدات امنیتی شدت گرفت و این خود بر خشم و اعتراض رانندگان کامیون و گسترش حمایت‌های مردمی شدت داد. اکنون درحالی که شب گذشته دامنۀ این اعتصابات به ۱۲۵ شهر رسید، شاهد پیکت‌های اعتراضی و تجمعات و رژه کامیون‌های اعتصابی در جاده‌ها، خالی بودن پایانه‌های بارگیری در شهرهای مختلف و بازتاب جهانی اعتصاب و حمایت‌هایی از سوی اتحادیه‌های کارگری از سوئد، ایتالیا و اسپانیا هستیم، رضا اکبری معاون وزیر راه و شهرسازی زبونانه از تعداد محدود رانندگان که سعی در ایجاد "التهاب" دارند و حاصل تحریک رسانه‌های "معاند خارجی" است و می‌خواهند جاده‌های کشور را ناامن کنند، سخن می‌گوید.

حکومت جامعه را به تعطیلی و زندگی مردم را به نابودی کشانده است. کارگران و مردم نیز باید کل چرخه اقتصاد حکومت را بخوابانند و بساط جهنمی جمهوری اسلامی را جمع کنند. اعتصابات سراسری پاسخ درست این شرایط و قدمی مهم برای گرم کردن دوباره اعتراضات در کف خیابان است. به تدارک آن برویم. وسیعاً از اعتصابات رانندگان کامیون حمایت و پشتیبانی کنیم.

اعتراضات در اسرائیل علیه ادامه جنایت در غزه

کیوان جاوید

در ادامه اعتراضات داخلی در اسرائیل، صدها نفر روز شنبه ۴ خرداد در تل آویو تجمع کردند و خواستار پایان جنگ در غزه و آزادی گروگان‌ها شدند. شماری از شرکت‌کنندگان خواستار توافق آتش‌بس برای بازگرداندن گروگان‌ها و برخی دیگر خواهان استعفای بنیامین نتانیاهو بودند.

دیدن تصاویری از کودکان گرسنه در غزه که در میان ویرانه‌های ناشی از بمباران ارتش فاشیست اسرائیل کاسه‌هایی به دست دارند تا شاید ته‌مانده غذایی نصیبشان شود به‌راستی غم‌انگیز است. کودکان و مردمی که تنها جرم و گناه آنها این

است که در یک میدان جنگی و در محاصره فاشیست‌های ضد بشر حاکم بر اسرائیل به دنیا آمده‌اند. نفرین‌شدگانی که در اسارت حماس و دیگر تروریست‌های اسلامی از زندگی ساقط شده‌اند.

جنایت وحشیانه حماس در اکتبر ۲۰۲۳ که منجر به قتل‌عام بیش از ۱۲۰۰ نفر و اسارت ۲۵۱ نفر از مردم اسرائیل شده است نمی‌تواند توجیهی برای جنایاتی باشد که دولت نژادپرست و فاشیست نتانیاوو در طول یک‌سال و نیم گذشته، در ابعاد گسترده علیه مردم غزه مرتکب شده و به کشتار ده‌ها هزار نفر و آوارگی میلیون‌ها نفر از این مردم بلا زده انجامیده است.

به این کشتار مردم بی‌دفاع غزه باید پایان داد.

مردم اسرائیل در رأس پایان دادن به این قتل عام قرار دارند. اعتراضات روز شنبه در اسرائیل علیه دولت نتانیاو تنها یک نور، یک نشانه و یک روزنه امید به پایان دادن به تراژدی هولناک است. باور داشته باشیم که مردم غزه سربازان حماس نیستند. این مردم از زندگی ساقط شده گوشه‌ای از مخالفت خود با حماس را در راهپیمایی اعتراضی ماه گذشته به اثبات رسانده‌اند.

اعتراضات در همه کشورها به منظور تحت فشار قراردادن دولت‌ها برای دخالت‌گری مؤثر برای پایان دادن به این نسل‌کشی در غزه باید گسترده‌تر شود. هفته گذشته شاهد نشان‌هایی امیدبخش از چنین اعتراضاتی در چندین شهر آلمان و دانمارک و انگلیس بودیم. از جمله در شهر لاهه هلند جمعیتی

بالغ بر صد هزار نفر علیه جنایات دولت نتانیاهاو
در غزه به خیابان‌ها آمدند. این اعتراضات می‌تواند
روزنه‌ی امیدی برای بشریت آزاده در پایان‌دادن به
این جنایت باشد. مردم بی‌دفاع غزه همچون
مردم ایران یک دشمن واحد دارند. تروریسم
اسلامی. نگذاریم این مردم بیش از این قربانی
تروریسم اسلامی و دولت فاشیست اسرائیل شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۰

۲۸ مه ۲۰۲۵ - ۷ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

رانندگان کامیون و "سربازان گمنام امام زمان"

کاظم نیکخواه

تورم و گرانی نشانه فروپاشی اقتصادی

سینا پدرام

پزشکیان و راه حل "به خوبی مشکلات مملکت"

کیوان جاوید

رانندگان کامیون و "سربازان گمنام امام زمان"

کاظم نیکخواه

اعتصاب باشکوه رانندگان کامیون و کامیون‌داران که در نزدیک به ۱۳۰ شهر یک هفته است جریان دارد، توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و مردم وسیعاً به آنها و همچنین به ناوایان که آنها هم در اعتصاب هستند همراهی و سمپاتی وسیعی نشان می‌دهند. این اعتصاب وحشت و ولوله‌ای در میان مقامات و دست‌اندرکاران حکومت انداخته است. وزرا و مسئولین و دست‌اندرکاران رنگارنگ حکومتی برای راضی کردن رانندگان پی‌درپی وعده می‌دهند. در این میان اما یک "کمبود" در جاده‌ها با وارد کردن یک نیروی جدید فوراً حل شده است: "سربازان گمنام امام زمان"! اینها گویا کارشان "نظم

و امنیت در حمل و نقل جاده‌ای“ است. به این گزارش از خبرگزاری حکومتی مهر توجه کنید:

”تعدادی از عناصر اخلاک‌گر که باهدف برهم‌زدن نظم و امنیت در حمل و نقل جاده‌ای و ایجاد اختلال در جابه‌جایی کالاهای اساسی فعالیت می‌کردند، توسط سربازان گمنام امام‌زمان (عج) شناسایی و دستگیر شدند. این افراد با ایجاد مانع در مسیر تردد کامیون‌ها و تهدید رانندگان، قصد داشتند روند انتقال کالاهای اساسی و ضروری به مناطق مختلف کشور را مختل کنند. اقدامات آنها موجب نگرانی در بین رانندگان و اختلال موقت در شبکه توزیع کالا شده بود.“

منظور از ”عناصر اخلاک‌گر“ رانندگان اعتصابی است که دیگر رانندگان را به اعتصاب تشویق می‌کنند و

کارشان بسیار موفق بوده و هر روز شمار بیشتری از رانندگان به اعتصاب می‌پیوندند. این نشریه حکومتی مطلقاً در این گزارش به اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون‌داران اشاره نمی‌کند. انگار یک مشت راهزن سر راه رانندگان را گرفته‌اند!

اعتصاب کامیون‌داران و رانندگان مثل بمب در جامعه صدا کرده و همه‌جا از آن سخن می‌گویند. گفتمان گسترش اعتصابات با توجه به فلج کامل اقتصادی در میان مردم وسیع است. حکومت قبلاً امثال سردار رادان را سراغ اعتصابیون می‌فرستاد، اکنون مزدوران “گمنام” و لباس شخصی‌ها را. خود این نشان می‌دهد که ما مردم تا چه حد این حکومت و ایادی‌اش را عقب زده‌ایم.

رانندگان کامیون هزار مشکل و مسئله معیشتی دارند. یکی از آنها اتفاقاً ناامنی جاده‌هاست. حکومت هیچ کدام را نمی‌تواند و نمی‌خواهد حل کند. اما فوراً یک مشت جاسوس و لباس شخصی گسیل کرده است که برای خود امنیت برقرار کند. اما گسترش هرروزه اعتصاب نشان می‌دهد که برای حکومت امنیتی در کار نیست.

تورم و گرانی نشانه فروپاشی اقتصادی

سینا پدرام

بازار میوه در ایران با افزایش شدید قیمت‌ها نگرانی مردم را برانگیخته است. طبق خبر متوسط قیمت میوه به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. اسدالله کارگر، رئیس اتحادیه میوه و سبزی تهران، افزایش هزینه‌های تولید مانند بذر، کود، حمل و نقل و بسته‌بندی را از دلایل اصلی گرانی می‌داند و به ضعف نظارت در بازار اشاره می‌کند. در برخی میوه‌فروشی‌ها قیمت‌ها شامل: سیب تا ۱۰۰ هزار تومان، موز ۱۲۰، توت‌فرنگی و زردآلو ۱۵۰، و آناناس تا ۴۰۰ هزار تومان است. برای مقابله با این وضعیت، افزایش نظارت، حمایت از تولیدکنندگان، کاهش واسطه‌گری و اطلاع‌رسانی به

مردم پیشنهاد شده و گفته شده که کاهش هزینه‌های تولید و سازماندهی توزیع می‌تواند به کنترل قیمت‌ها کمک کند.

گرانی گسترده کالاهای اساسی، از جمله میوه، بخشی از بحران بزرگ‌تری در ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی است. تورم افسارگسیخته، ناشی از دزدسالاری، فساد سیستماتیک، تحریم‌های بین‌المللی و ناکارآمدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، شرایط معیشتی مردم را به شدت وخیم کرده است. افزایش قیمت کشاورزی، نبود نظارت مؤثر، دلالی گسترده و دلایل بی‌شمار دیگری نشان‌دهنده فروپاشی در نظام تولید و توزیع کالاهاست.

تورم در جمهوری اسلامی نه تنها یک پدیده اقتصادی

بلکه یک بحران سیاسی است که پایه‌های حاکمیت را تهدید می‌کند. مردمی که توان خرید مواد غذایی اولیه را ندارند، رژیم اسلامی را به درست بانی و باعث تمامی این مصائب و فجایع می‌دانند. این بی‌اعتمادی، همراه با شناخت مردم از عدم وجود هرگونه قابلیت و توانایی حکومت برای تأمین و بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی‌شان جامعه را در آستانه اعتصابات و اعتراضات گسترده قرار داده است. گسترش اعتراضات از جمله اعتصابات اخیر کامیون‌داران و نانویان در شهرهای مختلف حاکی از عمق نارضایتی مردم از این فشارهای کمرشکن اقتصادی است.

اقتصاد از کنترل حاکمیت خارج شده و سیاست‌گذاری‌ها بیشتر حالت موقتی و شعاری دارند

تا راه‌حل‌های ساختاری. تا زمانی که سیاست خارجی
تنش‌زا و اقتصاد رانتی دزدسالارانه خاتمه نیابد، تورم
و گرانی تنها نشانه‌های ظاهری از بحران عمیق‌تری
به نام فروپاشی اقتصادی - سیاسی خواهند بود.

بی‌تردید سنت انقلاب در ایران ریشه‌های عمیق
سیاسی و اجتماعی در بین توده‌های مردم دارد و
نارضایتی‌های شدید و عمومی می‌رود که خود را
بار دیگر در یک برآمد اجتماعی قوی‌تر، متعین‌تر و
توده‌ای‌تر نشان دهد. اتحاد و تشکلیابی در احزاب
چپ و انقلابی پیش‌فرض پیروزی چنین انقلابی است.

پزشکیان و راه حل "به خوبی مشکلات مملکت"

کیوان جاوید

مسعود پزشکیان در جلسه یکشنبه ۴ خرداد هیئت دولتش با بیان اینکه "به خوبی توانایی حل مشکلات مملکت را داریم"، گفت: "خیلی از مسائل با توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه با همسایگان برطرف می‌شود."

بیان کلمه ابله نمی‌تواند توصیف حال پزشکیان باشد. شاید یا پاچه‌خار درگاه بیت رهبری هم عمق حماقت یک رئیس دولت وامانده را نمی‌رساند. در کشوری که در پس رفت به دوران آفتابه و بادبزن دستی سقوط می‌کند و مسئولین فاسد حاکم به مردم پیشنهاد می‌دهند که بین

روشن کردن یخچال یا برق خانه، یکی را انتخاب کنند، یکی تحت عنوان رئیس‌جمهوری مهمل می‌بافد که: بله ما از پس حل مشکلات بر می‌آییم.

اصولاً جواب حرف مفت و بی‌ربط را نمی‌شود با منطق و آمار و ارقام و ادله و برهان داد. گزافه‌گوئی و چرندگویی بزرگ‌ترین هنر سران جمهوری اسلامی است که از صدر اسلام، نسل به نسل و آخوند به آخوند به این رئیس‌جمهور منتخب خامنه‌ای رسیده است. این مبتکر ”حل مشکلات“ حتی به این واقعیت ساده اشاره نمی‌کند که به دلیل تحریم‌ها، گردش مالی بین کشورها و جمهوری اسلامی مسدود است و حتی پول نفت فروخته‌شده‌اش را نمی‌تواند دریافت کند.

در مملکتی که از بی برقی، خمیر نان ترشیده می‌شود و نانوائیان در اعتراض به سر می‌برند و رانندگان کامیون و کامیون‌داران در ۱۳۰ شهر در اعتصاب‌اند و پرستار و بازنشسته و معلم و دانشجو هم معترض این فلاکتی هستند که حاکم بر زندگی آنها شده است، یک احمقی بلند شده است و می‌گوید نخیر وضع را سروسامان می‌دهیم. چگونگی‌اش هم روشن است: ”توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه با همسایگان“.

امام زاده این راه‌حل حکومت درمانده اسلامی به مدت ۴۶ سال نه‌تنها شفاف‌بخش نبوده که منطقه را با نیروهای تروریست نیابتی‌اش به آتش کشیده است. حالا همین همسایگان منطقه‌ای شده‌اند راه‌حل پایان‌دادن به مشکلات داخلی. این

موجود مفلوکِ ”از اینجا رانده و از آنجا مانده“
در اسارت دریایی از خشم داخلی و بن‌بست‌های
منطقه‌ای و بین‌المللی دست‌وپا می‌زند.

راه‌حل حقیقیِ پایان‌دادن به این همه
”مشکلات مملکت“ به‌نتیجه‌رسیدن
جنگی است که بین مردم در ایران و این
حکومتِ نابودگر زندگی در جریان است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۱

۲۹ مه ۲۰۲۵ - ۸ خرداد ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

همبستگی بااعتصاب قدرتمند کامیون رانان و کامیون داران

محسن ابراهیمی

اژدهای هفت سر فساد زیر رهبری خامنه‌ای

رضا درویش

مداح امام زمان و نوادگان بنی‌امیه

کیوان جاوید

ما موفق شدیم! روزبه پارسی رفت!

حسن صالحی

همبستگی با

اعتصاب قدرتمند کامیون رانان و کامیون داران

محسن ابراهیمی

اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران بعد از یک هفته نه تنها ادامه دارد؛ بلکه گسترش هم پیدا می کند. تعداد بیشتری از همکاران به اعتصاب می پیوندند. اعتصابات و اعتراضات ناوایان، پاکبانان، کارگران پروژه های عمرانی و کشاورزان هم زمان در جریان است. نیشان داران در قوچان و گلپایگان نیز دست اتحاد به سوی اعتصابیون دراز کرده اند. قلب پرشور اعتراضی بازنشستگان هم همچنان می تپد.

همبستگی با اعتصاب ابعاد بیشتری پیدا کرده است. جعفر پناهی، توماج صالحی، مهدی ریاحی، دو خواننده

محبوب مردم و کتایون ریاحی بازیگر سینما همبستگی خود را اعلام کرده‌اند. یازده تشکل کارگری و مدنی از بازنشستگان گرفته تا پرستاران و معلمان و کارگران نفت و مدافعان حقوق کودک و تشکل‌های زنان و دادخواهان در یک بیانیه همبستگی اعلام کرده‌اند “ما درود می‌فرستیم به رانندگان اعتصابی و اعلام می‌کنیم: عزیزان! ما درد مشترک داریم. گرانی، بی‌تامینی، فقر، فساد، سرکوب، دزدی و چپاول و استثمار برده‌وار، صدای مشترک ما کارگران و مردم محروم این جامعه را می‌طلبد.”

از طرف مقابل، دستگاه قضایی و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی نظام با تهدید و بازداشت و اتهام‌نخ‌نمای “دست‌معاندین و بیگانگان” در کار است سعی می‌کنند اراده اعتصابیون را بشکنند؛ اما با خشم بیشتر

و عزم بیشتر برای ادامه اعتصاب پاسخ می گیرند.
اعتصابیون اعلام کرده‌اند که ”سرکوب، دستگیری
و تهدید نشانه‌ای از استیصال در برابر موج خروشان
عدالت خواهی ماست.“

بیش از نیم میلیون راننده ماشین های سنگین و شب و روز
پشت فرمان نزدیک نیم میلیون کامیون در جاده های
خطرناک جانشان را به خطر می اندازند تا مثل انسان
زندگی کنند؛ اما مافیای اقتصادی - سیاسی حاکم،
مثل اکثریت عظیم شهروندان زندگی این بخش
جامعه را هم به خاک سیاه نشانده است. از حرکت
باز ایستادن نیم میلیون کامیون، یعنی از حرکت باز
ایستادن قلب تپنده بخش مهمی از اقتصاد. حکومت
از این می ترسد. اعتصاب چنین نیروی عظیمی را
نمی توان با کامیون های بابک زنجانی و سپاه در هم

شکست.

اعتصابیون در بیانیه‌شان اعلام کرده‌اند "اتحاد ما تنها نیرویی است که چرخ‌ها را به سود ما می‌چرخاند." اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر با اعتصابیون، گسترش اعتصاب مخصوصاً در سطح سراسری به بخش‌های دیگر جامعه و نهایتاً آغاز یک اعتصاب عمومی می‌تواند مسیر را برای زدن ضربه آخر به پیکر فرتوت و فاسد نظام اسلامی هموار کند.

اژدهای هفت سر فساد زیر رهبری خامنه‌ای

رضا درویش

علی خامنه‌ای چهارشنبه هفتم خرداد ۱۴۰۴ در دیدار با استانداران گفت: "فساد همچون اژدهای هفت سر است که به آسانی از بین نمی‌رود و مبارزه با آن را باید ادامه داد." او اضافه کرد: "برخی سعی کردند ثابت کنند فساد در جمهوری اسلامی سیستمی است، چنین چیزی دروغ و دستگاه سالم است." سران رژیم علی‌رغم این که همه‌روزه می‌بینند مردم در مطالباتشان فریاد می‌زنند: "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، با این حال همچنان به عبث می‌کوشند سازمان‌یافته بودن فساد را که با حمایت‌های دولتی و مراکز قدرت و به تعبیر خامنه‌ای همچون اژدهای

هفت سر عمل می کند کتمان کنند.

گسترده گی و سازمان یافتگی فساد در جمهوری اسلامی به گونه ای است که از این نظام جرم و جنایت به درستی به عنوان حکومت دزد سالار نام برده می شود. در این نوع حکومت ثروت جامعه با حمایت های قانونی در اختیار صاحبان قدرت قرار می گیرد. بر همین اساس شاهد هستیم که در شرایط سخت اقتصادی و کمبودهای اساسی در همه زمینه ها و به ویژه مشکلات معیشتی و فقر گسترده ای که به اکثریت مطلق جامعه تحمیل شده، از محل بودجه عمومی کشور همه ساله مبالغ نجومی به مؤسسات و نهادهای وابسته به حکومت، اختصاص داده شده و می شود. معافیت های مالیاتی از دیگر اشکال دزدی و دست برد به منابع عمومی جامعه است که در جمهوری اسلامی با گشاده دستی

به نهادهای مورد حمایت رژیم تعلق می گیرد و ظاهر قانونی هم به آن داده می شود.

نوع دیگری از دزدسالاری که در جمهوری اسلامی کاملاً نهادینه شده استفاده از رانتهای دولتی است و سپاه پاسداران یک نمونه مثال زدنی از این شیوه سازمان یافته دستبرد صاحبان قدرت به منابع ثروت های جامعه است. سپاه پاسداران مانند ارژدهای هفت سر به تعبیر خامنه ای امتیازهای اقتصادی را که "حق" خودش دانسته یا به "زبان خوش" یا به زور به چنگ آورده است. دزدی و فساد در پرونده های بزرگ اختلاس در رژیم جمهوری اسلامی به لحاظ نوع فساد که صورت گرفته و مبالغ نجومی و نام افراد مرتبط با این پرونده ها همه از ارتباط صاحبان قدرت در این غارتگری ها حکایت دارند.

خلاصی از فساد و فلاکتی که با حاکمیت جمهوری
اسلامی به بار آمده جز با سرنگونی این رژیم ممکن
نیست.

مداح امام زمان و نوادگان بنی امیه

کیوان جاوید

روز پنجم خرداد آخوند غلامرضا قاسمیان، مداح سرسپرده خامنه‌ای با انتشار ویدئویی در جریان “مناسک حج” وعده داده بود که صاحب قبله، آقا امام زمان می‌آید و قبله را از دست این غاصب قبله خارج خواهد کرد. نتیجه این فرمان جنگ خیالی به‌منظور سرنگونی حکومت عربستان این شده است که حالا کل دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده است تا سرباز امام زمان را از چنگ “نوادگان بی امیه” آزاد کند. روز پنجشنبه او از عربستان اخراج شد.

با این گفتار به‌ظاهر تهاجمی اما توخالی و

تبلیغاتی، حالا کل بساط دیپلماسی جمهوری اسلامی وارد یک بحران و تلاطم سیاسی دیگر شده است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این رویداد نوشت: "ما مصمم هستیم که به هیچ کس اجازه ندهیم به روابط برادرانه ما با همسایگانمان، از جمله به مسیر روبه جلوی روابط با عربستان سعودی، آسیب بزند". این سیاست وزارت خارجه در میان بخش‌های درون حکومت به عنوان ضعف مورد نقد قرار گرفته است.

عمل مداح خامنه‌ای بی‌دلیل و از تشخیص‌ندادن موقعیت نیست. خط خامنه‌ای در همراهی با سپاه پاسداران برای روحیه دادن به تروریست‌های وابسته به خودشان نیاز دارند که در این شرایط مشخص رسماً علیه آمریکا و غیررسمی علیه

عربستان خط و نشان بکشند تا این‌طور وانمود شود که علی‌رغم شکست‌های پی‌درپی و عقب‌نشینی‌های مفتضحانه در منطقه، هنوز هم به آرمان‌های جمهوری اسلامی مبنی بر مبارزه با آمریکا و محو اسرائیل و بازپس‌گیری مدینه و مکه از دست خاندان بنی‌امیه پایبند هستند. بالابردن پرچم تسلیم در پشت میز مذاکره باید با حریف طلبیدن‌های تبلیغاتی همراه باشد تا مردم ایران و یاران منطقه‌ای جمهوری اسلامی این ضعف و زیونی جمهوری اسلامی را به‌وضوح مشاهده نکنند. همین امروز روزنامه کیهان شریعتمداری نوشت: ”حکومت سعودی، نسبت به ملت ایران کم جفا نکرده است.“

دورانی که جمهوری اسلامی بتواند در صلح و صفا با دولت‌های منطقه و جهان فالوده بخورد

هرگز اتفاق نخواهد افتاد. متعارف شدن با ذات حکومت اسلامی سازگار نیست. هر درجه تلاش برای عادی کردن اوضاع با کشورهای منطقه یا دولت‌های غربی آذیر مرگ جمهوری اسلامی را در ایران با صدای بلندتری به صدا در خواهد آورد. جمهوری اسلامی با سیاست جنگی و "مبارزه با شیطان بزرگ" جان گرفت، اما با انقلابی از نوع زن زندگی آزادی کارش تمام خواهد شد.

ما موفق شدیم! روزبه پاریسی رفت!

حسن صالحی

ما پای خود را در یک کفش کردیم و در همه جا فریاد زدیم: روزبه پاریسی، لابی جمهوری اسلامی ست و باید از سمت خود به عنوان رئیس بخش خاورمیانه انستیتوی سیاست خارجی سوئد (U) کنار گذاشته شود.

ابتدا صدایمان را نشنیدند؛ اما پس از آن افشا شد که او به طور پنهانی با شبکه‌ای وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در ارتباط بوده است. شبکه‌ای که هدف خود را "افزایش نفوذ حکومت اسلامی ایران در غرب" اعلام کرده بود. پس از این افشاگری، فشارها بر وزارت خارجه سوئد و شخص روزبه پاریسی شدت گرفت.

وزارت خارجه سوئد ناگزیر تیمی تحقیقاتی تشکیل داد. اگرچه این تیم در گزارش نهایی خود اعلام کرد که "هیچ شواهدی دال بر این که پاریسی مستقیماً توسط حکومت ایران هدایت یا تأمین مالی شده باشد، یافت نشد"، اما در نهایت تصمیم گرفته شد که با او خداحافظی کنند و روزه پاریسی عملاً کنار گذاشته شد. البته ما انتظار نداشتیم که وزارت خارجه سوئد آشکارا و صریح به "اشتباه" خود اعتراف کند یا از مخالفان جمهوری اسلامی که سال‌ها حقیقت را فریاد زدند، عذرخواهی کند. نخست‌وزیر پیشین سوسیال دموکرات سوئد زمانی دولت سوئد را "ساده لوح" خوانده بود. اما مسئله فقط ساده لوحی نیست؛ این، سیاستی است که دولت‌های غربی در پیش گرفته‌اند. متأسفانه، این سیاست بدون فشار و اعتراض ما جهت‌ش سازش و مماشات با جمهوری اسلامی است.

باین حال، هدف من در اینجا نقد آن سیاست نیست. می‌خواهم به همه تبریک بگویم؛ به‌خاطر این پیروزی بزرگ در برکناری روزبه پارسى از انستیتوی وابسته به وزارت خارجه سوئد. اگر شما نبودید، اگر پافشاری مخالفان جمهوری اسلامی نبود، این اتفاق هرگز نمی‌افتاد. دست‌مریزاد و صد آفرین! این همان سرنوشتی‌ست که باید دامن‌گیر تک‌لابی‌گران جمهوری اسلامی در خارج از کشور شود. آن‌قدر باید با اعتراض سیاسی ما روبه‌رو شوند که هیچ‌جا مجال عرض‌اندام نیابند و نتوانند برای بقای جمهوری اسلامی بازارگرمی کنند. این، بهترین الگو برای مقابله با لابی‌گران جمهوری اسلامی در خارج از کشور است. جنگ ما با جمهوری جنایت‌کار اسلامی، جنگی‌ست تمام‌عیار. در هر جا که

باشیم، باید با این رژیم مقابله کنیم و در برابرش بایستیم.
آنچه ما در سوئد انجام دادیم، هشدار است برای تمام
لابی گران جمهوری اسلامی: به سراغ شما هم خواهیم آمد!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۲

۳۱ مه ۲۰۲۵ - ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

ویژه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

در این شماره ژورنال:

لیست کامل تشکلهای سازمانها و احزاب سیاسی
حامی اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

حمایتهای از اعتصاب کامیون داران گسترده تر می شود

بیانیه اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان
سراسر ایران

صدای رانندگان کامیون بازداشت شده باشیم!

مسیر انقلاب با اتحاد سراسری هموار می شود
کیوان جاوید

لیست کامل تشکل‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی

حامی اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

تهیه و تنظیم از طرف سازمان جوانان کمونیست

لیست به ترتیب حروف الفبا چینش شده است.

۱. اتحاد آزاد کارگران ایران

۲. اتحاد بازنشستگان

۳. اعدام نکنید

۴. انجمن آزادی‌خواهان دانشگاه بهشتی

۵. انجمن ایرانیان جمهوری خواه تورنتو - تیرا

۶. انجمن برق و فلز کرمانشاه

۷. انجمن خانواده های دادخواه آبان

۸. انجمن دادخواهان ایران

۹. انجمن دانشجویان دانشگاه تورنتو برای ایران
آزاد

۱۰. انجمن دانشگاهیان ایرانی برای ایران آزاد

۱۱. انجمن زن زندگی آزادی فرانکفورت

۱۲. انجمن زن زندگی آزادی - گراتس اتریش

۱۳. انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان

شمالی

۱۴. انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب

۱۵. انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته

کرمانشاه

۱۶. انجمن صنفی معلمان فارس

۱۷. انجمن فرهنگیان هرسین

۱۸. آیکویا - کانون بین‌المللی دانشگاهیان ایرانی

۱۹. ایرانیان جمهوری خواه استرالیا - یار

۲۰. بازنشستگان مطالبه گر استان خوزستان
۲۱. بازنشستگان مطالبه گر شهرستان رامهرمز
۲۲. بازنشستگان مطالبه گر قزوین
۲۳. بازنشستگان مطالبه گر متحد تهرانی
۲۴. بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه
۲۵. بنیاد استراتژی
۲۶. تشکل انقلاب زنانه
۲۷. تشکل آزادی خواهان دانشگاه تهران شمال
۲۸. تشکل دانش آموزان انقلابی بوشهر
۲۹. تشکل دانش آموزان انقلابی تهران
۳۰. تشکل دانشجویان پیشرو
۳۱. تشکل رنگین کمانان ایرانی
۳۲. جمعی از دانشجویان دانشکده فنی دخترانه

۳۳. جمعی از دانشجویان دانشکده فنی یزدان
پناه

۳۴. جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان

۳۵. جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران

۳۶. جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی
ارومیه

۳۷. جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان

۳۸. حزب دموکرات کردستان ایران

۳۹. حزب چپ ایران

۴۰. حزب کمونیست ایران

۴۱. حزب کمونیست کارگری ایران

۴۲. حلقه اتحاد جوانان ایران - مونترال

۴۳. خبرنگار امیرکبیر

۴۴. دادخوازانی کوردستان

۴۵. دادخواهان

۴۶. سازمان جوانان کمونیست

۴۷. سازمان کوییرهای ایرانی سیمرغ

۴۸. سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و

حومه

۴۹. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۵۰. شش‌رنگ (شبکه لزبین‌ها و ترنسجندرهای

ایران)

۵۱. شورای بازنشستگان ایران

۵۲. شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران

۵۳. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر

رسمی نفت (ارکان ثالث)

۵۴. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران

پیمانی نفت

۵۶. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

۵۷. کارگران بازنشسته خوزستان

۵۸. کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

۵۹. کانون فرهنگی اجتماعی سیمرغ - کبک

کانادا

۶۰. کانون فرهنگیان اسلامشهر

۶۱. کمیته آزادی زندانیان سیاسی

۶۲. کمیته بین المللی علیه اعدام

۶۳. کمیته سراسری دانشجویان کردستان

۶۴. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل

های کارگری

۶۵. کنگره ملیتهای ایران فدرال

۶۶. گروه اتحاد بازنشستگان

۶۷. گروه خانه آزادی ترکمن

۶۸. گروه دانا آلمان

۶۹. گروه زنان و جوانان انقلابی تهرانسر

۷۰. گروه زن زندگی آزادی یونیتی - آلمان

۷۱. گروه همصدا با هم - آلمان

۷۲. گروه چالش صنفی معلمان ایران

۷۳. ما دانشجویان ایرانی هستیم

۷۴. مدافعان حق کودک

۷۵. مطالبه گران کف خیابان یکشنبه‌های اعتراضی

گیلان

۷۶. ندای زنان ایران

۷۷. نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان

۷۸. همبستگی جمهوری خواهان ایران

۷۹. همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری در

ایران

۸۰. همه برای ایران - ژنو سوئیس

۸۱. یه کیه تی ژنانی کوردستان

* این لیست محدود به تشکلهایی است که
بیانیه یا اطلاعیه صادر کرده‌اند.

* طبعاً لیست کامل نیست و به مرور تکمیل
خواهد شد.

حمایتها از اعتصاب کامیون داران گسترده تر می شود

رانندگان مینی بوس اصفهان به اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران پیوستند.

شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

ما، جمعی از سینماگران، از مطالبات برحق کامیون داران حمایت می کنیم و پشتیبان آنها هستیم

اسامی امضا کنندگان:

مصطفی آل احمد - تورج اصلانی - محسن امیر یوسفی
- سعید ابراهیمی فر - ستاره اسکندری - محسن
استادعلی - جعفر پناهی - امین جعفری - مصطفی
خرقه پوش - شادمهر راستین - محمد رسول اف -

کتایون ریاحی - علی زمانی عصمتی - نادر ساعی پور
- محمد علی سجادی - داوود عباسی - ابراهیم
عزیزی - پدرام عزیزاده - حمید کاویانی - کاوه
مظاهری - کاظم مولایی - کیهان ملکی - فرهاد
مهران فر - میثم موینی - محمدرضا موینی - مجتبا
میرتهماسب - تهمینه میلانی - اسماعیل میهن دوست
- اسماعیل منصف - مهدی نادری - اشکان نجفی
- وحید وکیلی فر

جمعه ۹ خرداد ۱۴۰۴

جمعی از زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین:
ما زندانیان سیاسی در این بزنگاه تاریخی در کنار
رانندگان کامیون و تمامی اعتصاب کنندگان هستیم
که در این مهم سربلند و سرافراز باشیم. دست تک

تک شما غیرتمندان را می فشاریم.

کوشان (خالد) پیرزاده - آرين غلامی - رضا اهتمامی
- آزاد پیکری فر - پرویز اکبری - شهریار بیات - امین
سخنور - مصطفی محمد حسن - وحید قدیرزاده -
بختیار ساسانی - علی بهرام - ناصر امیرلو - خسرو
مهرگانزاده

حمایت‌های گسترده از سوی مردم، فرهنگیان،
کارگران، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و
فعالین حقوق زن، دادخواهان و هنرمندان یک نقطه
مهم این اعتصاب است.

در جریان اعتراضات جاری رانندگان کامیون و کامیونداران، تا روز جمعه ۹ خرداد ماه بیش از ۱۷ نفر توسط حکومت در شهرهای، شیراز، بندر عباس، بهبهان، سنندج، استان گیلان، بندر لنگه، بندر خمینی، به اتهام حمایت از اعتصابات بازداشت شده اند.

اعتصاب کنندگان خواهان آزادی فوری همکاران بازداشت شده خود هستند و اعلام کرده اند که با تمام قوا تا تحقق مطالبات بر حق خود ایستاده اند.

ما بازنشستگان مطالبه گر کف خیابان بطور قاطع از اعتصاب کامیونداران و صاحبان وسایل نقلیه عمومی حمایت کرده و اعلام می داریم که فریاد دادخواهی

آنان فریاد اعتراض عموم مردم زحمتکش ایران
است.

امضا کنندگان بترتیب الفبا:

- بازنشستگان مطالبه گر متحد تهرانی
- بازنشستگان مطالبه گر استان خوزستان
- بازنشستگان مطالبه گر شهرستان رامهرمز
- بازنشستگان مطالبه گر قزوین
- بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه
- مطالبه گران کف خیابان یکشنبه های اعتراضی
گیلان

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران در حمایت و همراهی با اعتصاب رانندگان و کامیونداران با تاکید بر رسیدگی فوری به خواسته‌های آنان و آزادی رانندگان دستگیر شده، بدینوسیله با فراخوان به کارگران بارگیر در سراسر کشور برای پیوستن به این اعتصاب، از آنان می‌خواهد در همبستگی با رانندگان و کامیونداران اعتصابی، به صورت متحد و یکپارچه‌ای از بارگیری کامیونها و ماشینهای حمل و نقل جاده‌ای که با حمایت‌های حکومتی در صدد بارگیری و اعتصاب شکنی هستند خودداری و بدینوسیله اعتصاب حق طلبانه رانندگان و کامیونداران را مورد حمایت عملی خود قرار دهند.

بیانیه مشترک حزب کمونیست ایران و حزب
کمونیست کارگری ایران در مورد ضرورت
سازماندهی اعتصابات سراسری
۶ خرداد ۱۴۰۴، ۲۷ مه

ادامه اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران از
جمله در شهرهای : مهاباد، هرسیم - پلدختر، پایانه
بار بندرعباس بجنستان، خراسان رضوی، داراب و
جاده گل گهر به سیرجان.

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در حمایت
از اعتصابات کامیونداران
از اعتصاب شرافتمندانه‌ی کامیونداران حمایت کنیم.

بیانیه مشترک حمایتی از اعتصاب سراسری
کامیونداران و رانندگان کامیون حمایت می‌کنیم!
ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم:

از اعتصاب کامیونداران و خواسته‌های عادلانه‌ی
آنان قاطعانه حمایت می‌کنیم و هرگونه سرکوب و
تعرض به آنان را محکوم می‌نماییم.

اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

اعتصاب سراسری راه حل ماست

۱- اتحاد بازنشستگان

۲- انجمن برق و فلز کرمانشاه

۳- اعدام نکنید

۴- چالش صنفی معلمان ایران

۵- دادخواهان

۶- شورای بازنشستگان ایران

۷- شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران
۸- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی
نفت

۹- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر
رسمی نفت (ارکان ثالث)

۱۰- مدافعان حق کودکان

۱۱- ندای زنان ایران

هم اکنون رانندگان کامیون در ۱۵۲ شهر در
اعتصاب بسر می‌برند.

بیانیه اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران

هفتمین روز اعتصاب سراسری کامیونداران
صدای ما اکنون در سراسر ایران پیچیده است!
امروز، هفتمین روز از اعتصاب سراسری کامیونداران
با اتحاد در بیش از ۱۳۵ شهر سپری شد..

این اتحاد و همبستگی، دیگر تنها صدای یک
قشر نیست؛ بلکه پژواک خواسته‌های به حق
هزاران انسان زحمت‌کش است. (امروز شنبه
دهمین روز اعتصاب است).

روز شنبه، نیشان‌داران نیشابور نیز با پیوستن

به اعتصابِ کامیونداران به این خیزش جمعی
جان تازه‌ای بخشیدند. از پیوستن آنها با افتخار
استقبال می‌کنیم و از تمام نپسان‌داران دیگر
شهرها دعوت می‌کنیم که به ما بپیوندند؛ چرا که
درد ما یکی‌ست، و راه‌مان نیز یکی‌ست؛ احقاق
حق، کرامت، امنیت و عدالت.

اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان
سراسر ایران

با وجود تمام فشارها، ما همچنان ایستاده‌ایم
اما جای تأسف است که در استان‌های مختلف
از جمله:

اصفهان، هرمزگان، فارس، کرمانشاه، گیلانغرب،
اردبیل، و خوزستان چندین راننده زحمت‌کش را

تنها به جرم مطالبه حقوق قانونی‌شان، بازداشت کرده‌اند.

ما خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی رانندگان بازداشت‌شده هستیم. تا زمانی که همکاران ما در بند هستند، هیچ‌کدام از ما آزاد نیست.

رضا رستمی ریاست کانون حمل و نقل کالای کشور و رئیس اتقا بازرگانی امروز به بخشی از حقوق کامیونداران اذعان نموده و گفت تا ۲۰ خرداد به موضوع بیمه و سه‌نرخ‌ی کردن سوخت و موضوع پرداخت کرایه‌ها و همچنین مساله «تن بر کیلومتر» بررسی و از اول تیر

۱۴۰۴ آنها را اجرایی می‌کنیم؛ ما می‌گوییم: این موارد بخشی از خواسته‌های ماست و بایستی به تمامی خواسته‌ها پاسخ داده شده و تضمین اجرایی داشته باشد.

۷ خرداد ۱۴۰۴

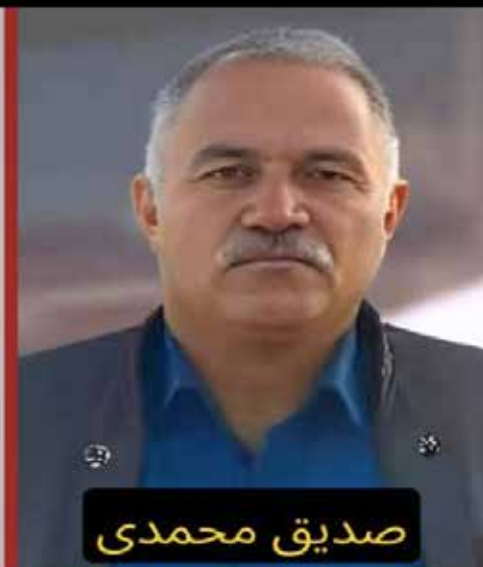
صدای رانندگان کامیون بازداشتی باشیم



زانکو رستمی



برهان احمدی



صدیق محمدی



رزگار مرادی



کاوه مرادیان



محمد فغفوری

www.cyoiran.com

تلگرام، واتساپ و سیگنال ۰۰۴۶۷۶۰۸۰۰۶۸۰



برهان احمدی:

تاریخ بازداشت جمعه ۴ خرداد، ۳۴ ساله، راننده

کامیون، ساکن روستای آرندان از توابع سنندج،
محل بازداشت پایانه باربری سنندج

زانکو رستمی:

تاریخ بازداشت ۴ خرداد، اهل شهرستان دهگلان،
بازداشت شده در جریان تجمع رانندگان

کاوه مرادیان و رزگار مرادی:

تاریخ بازداشت ۶ خرداد، بازداشت در جریان
تجمع رانندگان در محور سنندج به مریوان، قرار
بازداشت یکماهه صادر شده، محبوس در زندان
مرکزی سنندج

صدیق محمدی:

راننده ترانزیت اهل سنندج، علت بازداشت حمایت
از اعتصاب و همبستگی با همکاران، قرار بازداشت
یکماهه صادر شده، محبوس در زندان مرکزی
سنندج

علیرضا فغفوری:
کامیون دار ساکن شهرستان بهبهان، علت بازداشت
حمایت از اعتصاب، در منزل شخصی بازداشت
شده

پ ن ۱: شهاب دارابی در لیست نیست به این
دلیل که به تازگی آزاد شده
پ ن ۲: لیست واقعی بازداشت شده ها بیشتر از
۲۰ نفر برآورد شده.

مسیر انقلاب با اتحاد سراسری هموار می‌شود

کیوان جاوید

کامیون‌ها از حرکت باز ایستادند و حمایت‌ها با سرعت در جاده انقلاب و رهایی مردم از زیر بار ستم جمهوری اسلامی در حال اوج گرفتن است.

کلید رهایی ما مردم اتحادمان است. انقلاب زن زندگی آزادی به این دلیل یکی از بزرگ‌ترین اتفاق مهم سیاسی در نیم قرن اخیر در ایران بود، چون همدلی عمومی را به همراه داشت. خواست رهایی از چنگال خونین جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی، رفاه، برابری و خوشبختی، آن قلب

پر توان و تپنده‌ای بود که به زن زندگی آزادی
قوت قلب می‌داد. رژیم با جنایت و کشتار، موقتاً
توانسته است حضور کوبنده مردم را در خیزش
خیابانی مهار کند، اما جنبش انقلابی با قدرت در
حال پیشروی است. زنان در پیشاپیش این جنبش
کاری‌ترین ضربات را به این حکومت مفلوک وارد
کرده و می‌کنند. اعتصابات و اعتراضات معیشتی
بی‌وقفه ادامه داشته و دارد.

حال نیز اعتصابات سراسری رانندگان کامیون
می‌رود که رژیم اسلامی را فلج و زمین‌گیر کند.
این اعتصاب هنوز در ابتدای قدرتمایی خود است.
حمایت‌ها هر چند مداوماً رو به ازدیاد است، اما
باید با سرعت هر چه تمامتر گسترده‌تر شود.

نباید اجازه دهیم جمهوری اسلامی با دستگیری‌ها و تهدیدها و ایجاد موانعی امنیتی اعتصاب کامیون‌داران و رانندگان کامیون را مهار کند. قدرت ما همانطور که تا حالا نیز در بیانیه‌های حمایتی مشهود است در اتحاد ما است.

رانندگان در حال پیمودن مسیر انقلاب به‌سوی رهایی‌اند. هر چند در جاده‌ای ناهموار با موانع بسیار به سر می‌برند، اما همین مسیری که در پیش گرفته‌اند، راهی است که باعث تقویت بیش‌ازپیش جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. با حمایت‌های وسیع‌تر خود موانع موجود را از سر راه این انسان‌های شریف و زحمت‌کش برداریم. همزمان دست به اعتصابات حمایتی بزنیم و کل

کشور را به میدان مبارزه تبدیل کنیم.

به حکومت اسلامی بیش از همیشه نشان بدهیم
که با این ماشین اعدام‌هایی که به راه انداخته
نمی‌تواند مسیر خروشان جنبشی انقلابی زن
زندگی آزادی سد کند. این سیل در راه، می‌رود
که با نابودی جمهوری اسلامی رفاه و آزادی و
برابری را حاکم بر زندگی مردم کند. همه با هم
در این راه قدم برداریم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ایکس: ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۳

۱ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۱ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

رانندگان کامیون راه نشان می‌دهند

اصغر کریمی

غم نان اگر بگذارد

کیوان جاوید

در دفاع از انسان، علیه سیاست‌های ضد پناهندگی

حسن صالحی

رانندگان کامیون راه نشان می‌دهند

اصغر کریمی

اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون‌داران در یازدهم روز به ۱۶۳ شهر رسید. رانندگان نیشان و اتوبوس و مینی‌بوس نیز در برخی شهرها به اعتصاب پیوسته‌اند. ارگان‌های مختلف حکومت تهدید می‌کنند، تعدادی از رانندگان را دستگیر کرده‌اند و همزمان بازار وعده‌هایشان نیز داغ است. معاون وزیر راه و شهرسازی گفته است: "اقدام‌های گوناگون در حوزه سوخت، بیمه و به روز رسانی نرخ‌ها از هفته آینده در دستور کار دولت و مجلس قرار می‌گیرد و ظرف یک ماه آینده به نتیجه می‌رسد."

رانندگان می‌گویند وعده‌های شفاهی و بدون تضمین قبول نیست. تا وعده‌ها عملی نشود به اعتصاب ادامه می‌دهیم. هر روز شهرهای بیشتری به اعتصاب می‌پیوندند و همبستگی‌ها بیشتر می‌شود. و این نقطه قوت مهم این اعتصاب است. بیانیه‌ها و انتشار کلیپ‌های هر روزه توسط اتحادیه رانندگان و کامیون‌داران نقش مهمی در انعکاس داخلی و بین‌المللی این اعتصاب دارد.

تاثیر این اعتصاب با اعتصابات تاکنونی بسیار متفاوت بوده است. اعتصابی طولانی در یک بخش خدمات، با انعکاس وسیع در جامعه، توسط هزاران راننده که نقش مهمی در حمل و نقل و اقتصاد کشور دارند، روحیه اعتراضی جدیدی در جامعه

ایجاد کرده است. ابعاد همبستگی توسط احزاب سیاسی و نهادهای مبارزاتی کارگری، دانشجویی، دانش‌آموزی، بازنشستگان، معلمان، دادخواهان، زنان، زندانیان سیاسی، سینماگران و خوانندگان و غیره نشانه‌ای از درک جامعه از اهمیت این اعتصاب، روحیه اتحاد و همبستگی عمومی در جامعه و نشانه‌ای از عزم و اراده برای تداوم مبارزه با دشمن مشترک است.

خیزش‌های انقلابی تاکنونی با اعتصابات سراسری قدرتمند همراه نبوده است. این اعتصاب بدلیل قدرت و جایگاهش، بدلیل خشم عمومی از بی‌برقی، بی‌آبی، فقر و گرانی که زندگی اکثر مردم را فلج کرده است، و از طرف دیگر مشاهده مردم از ناتوانی حکومت در مقابله با این شکل مبارزه، می‌تواند

سرآغاز اعتصابات سراسری بویژه در بخش‌های خدمات بشود، حکومت را تماما فلج کند و جامعه را وارد فاز مهمی از اعتراض و انقلاب کند.

اعتصابات را می‌توان سازمان داد و این وظیفه روی دوش فعالین بخش‌های مختلف جامعه است که شبکه‌ها و نهادهای سراسری هر عرصه را شکل بدهند یا شبکه‌های موجود را تقویت کنند و اعتصابات سراسری را سازمان بدهند. باشکل‌گیری اعتصابات سراسری صدها هزار ایرانی در خارج نیز به میدان خواهند آمد.

اعتصابات سراسری را سازمان دهیم و همبستگی با رانندگان اعتصابی را با تمام قوا در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

غم نان اگر بگذارد

کیوان جاوید

داود گرشاسبی، فرماندار تبریز با بیان اینکه "افزایش
قیمت نان اجتناب‌ناپذیر است"، گفت: "در آینده
نزدیک دولت، افزایش قیمت نان یارانه‌ای را اعلام
خواهد کرد."

شاملو می گوید: "از دست‌های گرم تو ...
سخن‌ها می‌توانم گفت
غم نان اگر بگذارد."

وقتی نان نیست یعنی زندگی نیست. یعنی شادی
نیست. یعنی خنده‌های حقیقی نیست. وقتی نان نیست

یعنی دهانها کم دندان یا بی دندان می شوند. یعنی دارو نیست، درمان نیست، بهداشت نیست. وقتی نان نباشد یعنی تحصیل طبقاتی می شود، میلیونها کودک و نوجوان ترک تحصیل می کنند یا به کودکان کار و خیابان بدل می شوند، یا تبدیل به بی سرنوشتانی می شوند که طناب دار بی صبرانه به دنبال گردن هایشان لحظه شماره می کند.

غم نان که باشد، زیبایی نیست، جهان به ساز بشر نمی رقصد، انسانها از هم دور می شوند و دروغ و خشم و کینه نابودگر دوستی و محبت و نوع دوستی می شود. غم نان در ایران بزرگترین غمی است که می تواند امید به زندگی را ویران کند. باعث سونامی اعتیاد شود و حتی کودکان و نوجوانان را به

وسعتی شگفت آور به دام تن فروشی بکشاند. غم نان، انسان اجتماعی و نوع دوست و مهربان را می تواند به یک شکار گری بی رحم تبدیل کند که فقط می تواند بکشد و بخورد تا زنده بماند.

در خبرها با هم اخبار ترسناکتری می خوانیم: ”در ادامه روند افزایش قیمت مواد غذایی در ایران، رسانه ها از رشد ۳۰ درصدی قیمت لبنیات در روزهای اخیر گزارش دادند.“ این یعنی حداقل ۳۰ درصد بیشتر از گذشته زندگی زیر بمباران فقر، نابرابری، ناامیدی و غم و اندوه قرار می گیرد. این یعنی ته مانده لبخنده های ما باز هم کم رنگتر می شوند، باز هم افسردگی ها افزایش می یابد. باز هم شاهد خودکشی های بیشتر خواهیم بود.

اما آیا این سرنوشت محتوم ما مردمی است که در ایران بدنیآ آمده ایم؟ آیا این نفرین خدایگان است که دامنگیر ما شده است، آیا این نتیجه گناهی است که باعث شده انسان از "بهشت عدن" رانده و تبعید زمین شود تا بار گناه حوا را که سیب به دست آدم داد را بر دوش بکشد؟ نه این چنین نیست. این ورق را می شود برگرداند. باید یکی شویم. یک تن واحد، یک انسانیت مشترک. یک گلوله آتشفشان. یک اتحاد سراسری. یک نبرد همگانی. یک پیروزی سرنوشت ساز تا دیگر برای هیچ زمان غم نان نباشد. تا خنده و رقص و موسیقی و خوشبختی حاکم بر زندگی ما شود. تا برابری و آزادی، سرود زندگی همه ما باشد.

در دفاع از انسان، علیه سیاست‌های ضد پناهندگی

حسن صالحی

الکساندر دوبریندت، وزیر داخله آلمان، به تازگی در گفت‌وگویی با روزنامه ولت ام زونتاک گفته است: "ما به کشورهای سومی نیاز داریم که آمادگی پذیرش مهاجرانی را که بازگشت آنان به کشورهایشان عملاً ممکن نیست، داشته باشند." این وزیر کابینه‌ی دست‌راستی آلمان تأکید کرده است که این اقدام، زمانی عملی می‌شود که اتحادیه اروپا به اجماع برسد.

شکار پناهندگانی که به دلیل شرایط جنگ، ناامنی و سرکوب سیاسی و فقر از کشورهای خود

گریخته‌اند، با حدت و شدت از جانب دولت‌های اروپایی ادامه دارد و هر روز طرح ضدانسانی تازه‌ای برای بیرون کردن پناهندگانی که “غیرقانونی” خوانده می‌شوند، پیشنهاد می‌شود. در همان حال، دیوارها به دور اروپا برای ممانعت از ورود پناهنده، بلندتر می‌شود.

دولت‌هایی که به‌خاطر حمایت از دیکتاتوری‌ها و دولت‌های مرتجع و ضد انسانی در مناطق مختلف دنیا با دامن‌زدن به جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه و شمال آفریقا، خود در ایجاد موج آوارگی و پناهندگی سهیم هستند، هرچه بیشتر از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند و مرزها را بر روی قربانیان دنیای به‌هم‌ریخته‌ای

که خودشان موجد آن هستند، می‌بندند.

آن‌ها تبلیغات نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزانه راه می‌اندازند و با اشاعهٔ خارجی‌ستیزی و برخوردهای نژادپرستانه، خارجیان را مسبب همهٔ مسائل و مشکلات موجود در جوامع غربی معرفی می‌کنند. با همین تبلیغات نفرت‌انگیز علیه پناهنده و خارجی، بر مسند قدرت می‌نشینند و طرح‌هایی به‌غایت ضدانسانی علیه آنان تصویب می‌کنند؛ طرح‌هایی که البته شماری از آن‌ها تاکنون در ایتالیا و انگلستان با اعتراض نیروهای مترقی ناکام مانده‌اند.

علی‌رغم قدرت‌گیری نیروهای نژادپرست و

دست راستی در اروپا و گسترش سیاست‌های
ضد پناهندگی، بیگانه‌ستیزانه و نژادپرستانه، تنها
امید برای تغییر این شرایط، مردم و شهروندان
شریفی هستند که بارها، از جمله در سال ۲۰۱۵،
آغوش گرم خود را بر روی آوارگان و پناهجویان
گشودند. پشت‌کردن به مردمانی که برای یافتن
پناهی امن، پس از تحمل خطرات جانی راهی
اروپا شده‌اند، پشت‌کردن به حق پناهندگی و
انسانیت است؛ حقی که طبق کنوانسیون ژنو،
از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان یک حق
انسانی به رسمیت شناخته شده است.

ما اعلام می‌کنیم که هیچ انسانی غیرقانونی
نیست.

ما می‌گوییم: این حق همهٔ کسانی است که از شرایطِ تحمل‌ناپذیرِ جنگ، فقر و حکومت‌های اسلامزده گریخته‌اند که به آن‌ها پناه داده شود. حق پناهندگی، یک حق انسانی است و باید با قاطعیت از آن دفاع کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

۰۰۴۱

ژورنال

ایکس: ۲۰

زورنال

شماره ۱۰۵۴

۳ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان جهانی کار

گفتگو با شهلا دانشفر

عادت ماهانه، تابوی حکومتی

سیما بهاری

حل مسئله فلسطین و تحرک ارتجاعی در مقابل آن

محسن ابراهیمی

نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان جهانی کار

گفتگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: اخیراً از طرف کمپین برای آزادی کارگران زندانی **Free Them Now** ، نامه سرگشاده‌ای برای دبیر کل سازمان بین‌المللی کار (آی ال او) در باره نقض حقوق کارگران در ایران منتشر شده. در باره محتوا و نکات برجسته این نامه برای خوانندگان ما توضیح بدهید

شهلا دانشفر: اجلاس سالانه آی ال او شروع شده و نامه سرگشاده ما خطاب به گیلبرت هانگبو دبیر کل آی ال او، اعتراضی به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس و مداخلات آی ال او با این حکومت آپارتاید جنسی و ویرانگر انسانیت است. من سخنگوی این نهاد

و کاظم نیکخواه مسئول روابط بین‌المللی نویسندگان
این نامه هستیم.

نامه به لیستی از جنایات حکومت که هر موردش
به‌تنهایی برای بایکوت جهانی حکومتی کافی است،
اشاره می‌کند. از جمله به موج گسترده اعدام‌ها،
تروریسم جهانی جمهوری اسلامی، انفجار مرگبار در
بندر رجایی با ۱۲۰ کشته و هزاران قربانی و ناامنی
محیط‌های کار که هر روزه قربانی می‌گیرد و قتل ۵۳
معدنچی طبس اشاره می‌کند. به شلیک موشکی به
هواپیمای اوکراینی و جان‌باختن ۱۷۷ سرنشینش و
کشتار ۱۵۰۰ نفر در خیزش آبان‌ماه و صدها نفر در
انقلاب مهسا اشاره می‌کند. به گزارش تکان‌دهنده
سپتامبر ۲۰۲۰ عفو بین‌الملل از جنایات حکومت در
سرکوب مردم با عنوان «زیر پا گذاشتن انسانیت در

ایران ادامه دارد» اشاره دارد.

نامه به تشدید جنایات حکومت پس از سرکوب اعتراضات ۱۴۰۱، اعدام دستکم ۹۷۵ نفر در سال گذشته، به لیست بزرگ احکام اعدام و خطر اعدام افرادی چون عباس دریس، شریفه محمدی دو فعال کارگری و معترضینی چون پخشان عزیزی و وریشه مرادی اشاره می‌کند و همچنین به قتل خاموش زندانیان به‌خاطر محرومیت از درمان.

نامه به بیانیه ژوئن ۲۰۲۴ عفو بین‌الملل و تأکیدش بر به رسمیت شناخته‌شدن آپارتاید جنسیتی به‌عنوان جنایت در حقوق بین‌الملل، بر نقض کنوانسیون‌های آی‌ال‌او توسط جمهوری اسلامی درباره حقوق پایه‌ای کارگران و زندانی بودن بسیاری از فعالین کارگری

و معلمان در کنار دیگر زندانیان سیاسی و احکام
بیشتر زندان و خطر دستگیری‌های گسترده اشاره
می‌کند.

نامه تأکید می‌کند با چنین کارنامه‌ای از جنایت،
جمهوری اسلامی نمی‌تواند و نباید عضو سازمان
بین‌المللی کار باشد و باید در سطح جهانی بایکوت
و از ILO اخراج شود.

سوسن صابری: آیا در اوضاع سیاسی کنونی در سطح
بین‌المللی می‌شود از چنین نهادهایی انتظار دفاع از
حقوق مردم را داشت؟

شهلا دانشفر: سازمان جهانی کار زیر مجموعه سازمان
ملل قرار است به امور مربوط به کار و کارگران

بپردازد. هر ساله از سوی دولت‌های عضو دو نماینده دولت، یک نماینده کارفرما و یک نماینده کارگران در اجلاسش شرکت می‌کنند. یک "نماینده کارگر" در برابر دو جبهه سرمایه‌داری. در کشوری مثل ایران "نماینده کارگری" هم از تشکلهای حکومتی هستند؛ بنابراین روشن است که از چنین سازمان‌هایی نمی‌شود انتظار دفاع از حقوق مردم را داشت.

اعتراض ما به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس‌ها و عضویتش در این سازمان است و تلاش می‌کنیم اتحادیه‌های کارگری را در این اعتراض با خود همراه کنیم. زیر فشار قدرت مبارزات مردم و جنبش کارگری خیلی از معادلات عوض می‌شود. همانطور که حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی زیر فشار اعتراضات مردم در جهان بایکوت و از آی

ال او اخراج شد، در سال ۱۹۳۳ با فشار نمایندگان کارگری، هیئت آلمان هیتلری از آی ال او اخراج شدند و نیز زیر فشار انقلاب زن زندگی آزادی، جمهوری اسلامی از مقام کمیسیون زن سازمان ملل بیرون انداخته شد، می‌توان جمهوری اسلامی را در سطح جهان بایکوت و از چنین سازمانی اخراج کرد. این گام مهمی در سرنوشت حکومت است و اتکای ما به نیروی مردم و مبارزاتمان است.

ما با حضور اعتراضی خود در ششم و هفتم ژوئن مقابل اجلاس آی ال او تلاش می‌کنیم صدای رسای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم.

عادت ماهانه، تابوی حکومتی

سیما بهاری

روزنامه هم میهن: "مراسم روز جهانی بهداشت قاعدگی زنان که قرار بود در تاریخ هفتم خردادماه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شود، پس از بیانیه بسیج این دانشگاه لغو شد. بخشی از این برنامه نصب ماشین فروش نوار بهداشتی در سرویس بهداشتی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، حضور پزشک متخصص زنان، روان شناس، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه زنان بود."

در جوامع مدرن امروزی صحبت در مورد عادت ماهانه، روابط جنسی، شناساندن اندامهای جنسی و آناتومی

آنها بسیار رایج و عادی است. از کودکان شروع می‌شود و با رشد کودک ادامه می‌یابد. تفاوت‌های فیزیکی بدن، تغییرات آنها در سنین رشد، و نیازهای جنسی مسائل عادی و در ضمن مهمی هستند که باید در موردشان صحبت کرد و آموخت. اینها جزئی از آموزش در دوره‌های مختلف است.

حکومت اسلامی ایران این مسائل را پشت درهای بسته "آبرو و شرم" نگه می‌دارد. اینها مربوط به اتاق‌های خصوصی‌اند. بحث در این موارد به‌هیچ‌عنوان نباید باز باشد. اما جامعه نمی‌پذیرد. امروز عصر اینترنت است. دیگر نوجوانان و جوانان منتظر "محسن قرائتی" نمی‌مانند که در کلاس‌های مشمئزکننده "آموزشی" با کلمات چندش‌آور و سکسیستی از روابط زن و مرد و بلوغ و ارضای نیازهای جنسی حرافی کند.

اینترنت حتی در ایران که برایش سرعت گیر می‌گذارند، ابزار مهم و کارآمدی در اختیار نسل باهوش و تمامیت‌خواه جوان گذاشته که دانشش را بالا ببرد و منتظر فرهنگ کپک‌زده و اسلامی حکومت و بیانیۀ بسیج و ممنوعیت‌ها نباشد. بگذار نگهبانان عقب‌ماندگی بیانیۀ بدهند و مانع مراسم‌هایی از قبیل روز جهانی قاعدگی شوند. نسل جوان با جسارت دارد تابوهای اسلامی - حکومتی را یکی پس از دیگری عقب می‌زند و راه باز می‌کند برای فرهنگی مدرن و متکی به علم و دانش. دستاوردهای جهانی را ارج می‌گذارد و به کم رضایت نمی‌دهد.

اگر دایناسورهای در حال انقراض خودشان به برگزاری روز جهانی بهداشت قاعدگی تن می‌دادند عجیب بود. ایجاد ممانعت برای هر چیز خوب و

پسندیده و امروزی کار هر روز حکومت، و در افتادن و پافشاری به خواستن زندگی مدرن و انسانی کار هر روزه مردم در جامعه ایران است.

صحبت در مورد عادت ماهانه، استفاده از نوار بهداشتی، داشتن رابطه جنسی، و صحبت و آموختن و آموزش در این زمینه‌ها حق همه و برای همه باید باشد. نسل امروز دارد چنین جامعه‌ای را می‌سازد. سیل است. نمی‌توان جلواش را گرفت.

حل مسئله فلسطین و تحرک ارتجاعی در مقابل آن

محسن ابراهیمی

مایک هاکیبی از سیاستمداران کهنه کار دست راستی فاشیست نزدیک به دونالد ترامپ و نتانیاهو است. این کشیش مرتجع دست راستی هم فکر نتانیاهو در واکنش به کنفرانسی که قرار است سازمان ملل با حضور دولت فرانسه تحت عنوان "حل صلح آمیز مسئله فلسطین و اعمال راه حل دو کشوری" برگزار کند، می گوید: "اگر فرانسه تا این حد مصمم است، بگذارید بخشی از ریوییرای (سواحل جنوب) فرانسه را جدا کند و در آنجا یک کشور فلسطینی تشکیل دهد."

اشاره مایک هاکیبی به همان طرحی است که

دونالد ترامپ در شروع ریاست جمهوری اش اعلام کرده بود که بر طبق آن قرار است نزدیک به دو میلیون فلسطینی ساکن غزه خانه و زندگی شان را ترک کنند تا این بسازوبفروش مولتی میلیاردر مالکیت غزه را بر عهده بگیرد و در آنجا یک منطقه ساحلی تفریحی برای همتایان میلیاردرش بسازد و آنجا را به ریویرای خاورمیانه تبدیل کند!

دو میلیون شهروند بی پناه غزه کجا بروند؟ هر جای دیگری در "یک تکه سرزمین خوب، زیبا و تازه" ساکن شوند! چه کسی در نوار غزه زندگی خواهد کرد؟ "مردم جهان"! یعنی میلیاردهای همتای ترامپ و مایک هاکابی با زمین گلف و ساحل زیبا و قمارخانه ها و کشتی های تفریحی. وقتی بنیامین نتانیاهو در یک کنفرانس مطبوعاتی طرح ترامپ را

شنید آب از لب ولوچه اش راه افتاد: ”این آن نوع تفکری است که شکل تازه‌ای به خاورمیانه خواهد داد.“

از همین طرح ترامپ و دارودسته مرتجعش همچون مایک هاکی می‌توان به‌روشنی متوجه شد که در مخیله فاشیستی این جانیان، در ”شکل تازه خاورمیانه“ آنها، این دو میلیون انسان جایگاهی ندارند جز تداوم درد و رنج و گرسنگی و بیخانمانی. جایگاهی که مسئول مستقیمش جنایت‌کارانی مثل نتانیاهو با حمایت ترامپ از یکطرف و حماس و حزب‌الله به سرکردگی جنایت‌کاری به نام خامنه‌ای از طرف دیگر هستند که نگران هر گونه تلاش برای تحقق راه‌حل دو دولتی مسئله فلسطین هستند. به این دلیل روشن که حل مسئله فلسطین منبع تغذیه آنها

از درد و رنج مردم فلسطین را خشک می‌کند!

تنها امید برای تحقق راه‌حل دو دولت مستقل،
قدرت گرفتن جنبش حامی این راه‌حل در میان مردم
اسرائیل و فلسطین، در منطقه و جهان و کوتاه کردن
دست جنبش‌های ارتجاعی حاکم در اسرائیل، ایران
و منطقه و حامیان جهانی‌شان است که می‌تواند توازن
سیاسی را به نفع حل مسئله فلسطین تغییر دهد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۵

۴ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

جمهوری اسلامی و غنی سازی اورانیوم

حسن صالحی

خدمات درمانی به وقت دلار!

سینا پدram

تجاوز گروهی به یک زن: زن ستیزی نهادینه اسلامی

سیاوش آذری

بیل گیتس: بخشش میلیاردها دلاری به نفع فقرا؟

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی و غنی سازی اورانیوم

حسن صالحی

مذاکرات دولت آمریکا و جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد بر سر مسئله غنی سازی اورانیوم به گل‌نشسته است. خامنه‌ای امروز در سخنرانی خود گفت: ”غنی سازی اورانیوم یک مسئله اصلی و کلیدی در صنعت هسته‌ای است و دشمن روی آن انگشت گذاشته است. اگر صد تا نیروگاه هسته‌ای داشته باشیم؛ اما غنی سازی نداشته باشیم، به درد ما نمی‌خورد.“

اما چرا برای جمهوری اسلامی، غنی سازی اورانیوم این همه مهم و کلیدی است؟ به این دلیل ساده که اورانیوم غنی شده با درصد بالا، جمهوری اسلامی را به

تولید سلاح هسته‌ای بسیار نزدیک می‌کند. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد این امکان را از دست بدهد. در شرایطی که نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی درهم کوبیده شده‌اند و عملکرد موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی کم‌ثمر بودن خود را به نمایش گذاشته‌اند، تهدید هسته‌ای تنها سلاحی است که برای جمهوری اسلامی باقی‌مانده تا با اتکا به آن از دولت‌های غربی امتیازاتی بگیرد و موقعیت متزلزل خود در ایران و منطقه را بهبود بخشد.

بدون شک، جمهوری اسلامی اتمی یک خطر جدی برای مردم ایران و جهان است. برای جمهوری اسلامی، پروژه اتمی و امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای، راهی برای ارباب‌جامعه، بقا و حفظ خود در مقابل جنبش انقلابی مردم در عرصه سیاست داخلی، و تحمیل

خود به دولت‌های غربی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است. با توجه به کارنامه جمهوری اسلامی و جریان‌ات مرتجع اسلامی در جنایت و کشتار، تجهیز رژیم اسلامی به سلاح‌های اتمی، تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی را به نیرویی اتمی تبدیل خواهد کرد که می‌تواند خاورمیانه را به ورطه نابودی بکشانند.

در همان حال، جمهوری اسلامی به دلیل حوادثی چون انفجار اسکله رجایی در بندرعباس، فروریختن ساختمان پلاسکو و فاجعه معدن یورت در طبس که همگی نشان از بی‌توجهی رژیم به جان و سلامت مردم دارد فاقد صلاحیت برای در اختیار داشتن و بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای، حتی در قالب تولید انرژی، می‌باشد.

بیش از دو دهه است که برنامه‌های هسته‌ای جمهوری

اسلامی منشأ تنش، تهدید و بحران بوده‌اند. این برنامه‌ها نه تنها امنیت مردم ایران را تهدید می‌کند، بلکه خطری برای مردم منطقه و جهان بوده است. بهترین پاسخ به این تقلای جمهوری اسلامی، سرنگونی این رژیم توسط خود مردم ایران است و بنانهادن جامعه‌ای که بر دروازه آن، «جهانی بدون سلاح هسته‌ای» حک شده باشد!

خدمات درمانی به وقت دلار!

سینا پدram

کامران باقری لنکرانی، وزیر پیشین بهداشت، با اشاره به عدم پایداری به تعرفه خدمات پزشکی گفت "برخی پزشکان هزینه‌های درمان را با دلار یا سکه از بیماران دریافت می‌کنند."

وضعیت نظام پزشکی و درمانی در ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر به مرحله‌ای بحرانی رسیده است. این بحران از ابعاد مختلفی قابل بررسی است؛ از کمبود منابع و نیروی انسانی گرفته تا فساد ساختاری و نابرابری در دسترسی به خدمات درمانی.

یکی از نگرانی‌های جدی، افزایش بی‌رویه تعرفه‌ها و دریافت مبالغ غیرقانونی توسط برخی پزشکان و مراکز درمانی است. گزارش‌ها حاکی از آن است که در برخی موارد، پزشکان برای ارائه خدمات، از بیماران نه تنها مبالغی بالاتر از نرخ مصوب می‌گیرند، بلکه هزینه‌ها را به دلار یا سکه طلا مطالبه می‌کنند. این رفتارها ضمن آن که اعتماد عمومی را نسبت به کادر درمان خدشه‌دار می‌کند، نوعی تبعیض و بی‌عدالتی نیز در میان بیماران و حتی کارکنان نظام سلامت ایجاد می‌نماید.

در یک دهه اخیر نارضایتی پرسنل زحمت‌کش حوزه سلامت، به‌ویژه پرستاران، به دلیل نابرابری در دریافت‌ها و فشار کاری سنگین باعث شده است که ما شاهد اعتصاب و اعتراضات متعدد پرستاران و کادر

در مانی باشیم. این فشارها به ویژه در بیمارستان‌های دولتی که با حجم بالای مراجعه و کمبود امکانات مواجه‌اند، بسیار بیشتر احساس می‌شود.

از سوی دیگر، نبود نظارت مؤثر و برخورد قانونی با تخلفات، زمینه را برای گسترش فساد فراهم کرده است. در حالی که بخش قابل توجهی از مردم توانایی پرداخت هزینه‌های درمان را به سختی دارند، وجود پزشکانی که خدمات خود را تنها به ثروتمندان ارائه می‌دهند، یکی از نشانه‌های فروپاشی عدالت درمانی در کشور است. کاهش ارزش ریال و مشکلات اقتصادی نیز مزید بر علت شده‌اند و موجب شده‌اند که عده‌ای از "تاجران سلامت" نرخ‌های دلخواه خود را تعیین کنند.

در کشوری که یک درصد مفت‌خور و سرمایه‌دار
آیت‌الله در رأس مافیای اقتصادی سیاسی آن قرار
دارند، انتظار یک سیستم پزشکی درمانی عادلانه
شاید معقول نیست. تنها با اعتراضات عمومی و نهایتاً
با سرنگونی رژیم می‌توان به مطالبه عادلانه‌ای مانند
درمان رایگان، عدالت درمانی و ارتقا سطح خدمات
درمانی و بهداشتی را برای عموم مردم تثبیت کرد.

تجاوز گروهی به یک زن: زن‌ستیزی نهادینه اسلامی

سیاوش آذری

دو ورزشکار و یک مربی تیم دوومیدانی مردان جمهوری اسلامی که در بازی‌های دوومیدانی آسیایی ۲۰۲۵ شرکت داشتند به اتهام تجاوز گروهی به یک زن بیست‌ساله در هتل محل اقامت خود، در کره جنوبی دستگیر شدند. فدراسیون دوومیدانی جمهوری اسلامی بدون اشاره مستقیم به اتهام "تجاوز" اعلام کرد که با افراد متخلف "برخورد انضباطی" صورت خواهد گرفت. در مقابل، عده‌ای از مردم در اعتراض به متجاوزین و مسئولین و با مطالبه برکناری احسان حدادی، رئیس فدراسیون دوومیدانی، در مقابل ساختمان وزارت ورزش تجمع کردند.

این عمل شنیع تجاوز گروهی اعضای تیم دوومیدانی مردان جمهوری اسلامی به یک زن جوان نه امری استثنایی و منفرد بلکه عملی برخاسته از ذات ضدانسانی و زن‌ستیز رژیم اسلامی است. همین رئیس فعلی فدراسیون رژیم، حدادی، سال‌ها پیش به جرم تجاوز به یک زن محکوم شده بود که البته این حکم هرگز اجرا نگشت. حدادی با اشاره شخص خامنه‌ای و بعد از حکم محکومیت به ریاست فدراسیون برگزیده شد. به یک معنی ریاست فدراسیون دوومیدانی پاداش زن‌ستیزی و تجاوزگری جناب حدادی بود.

تجاوز گروهی ورزشکاران جمهوری اسلامی به این زن جوان روی دیگر سکه ممنوعیت ورزش بدون

حجاب اجباری اسلامی زنان، ممنوعیت ورود زنان به استادیوم و تماشای مسابقات فوتبال مردان و در بُعد اجتماعی، اعمال قوانین تبعیض آمیز و آپارتاید جنسیتی علیه زنان است. این تجاوز نتیجه منطقی نگرش اسلامی به زنان به مثابه وسیله لذت جنسی و دستگاه تولیدمثل است که هرگونه استثمار زنان را توجیه می نماید.

صدالبته اما اعتراض زنان و مردان آزادی خواه به این عمل شنیع و مطالبه برکناری و محاکمه و مجازات عاملین این امر امتداد مبارزهای است که محدودیت ورود زنان به ورزشگاه ها را به چالش کشید، علی رغم تمامی قوانین آپارتاید جنسیتی به حضور گسترده زنان در جامعه دامن زد و مهم تر از همه با انقلاب زن زندگی آزادی خاکریز حجاب

اسلامی رژیم را فتح کرد و شالوده حکومت الله را
به لرزه درآورد.

در مقابل این عمل شنیع به صورت گسترده به
میدان بیاییم و با اعتراضات خود محکومیت این
متجاوزین را عملی نماییم. هرگونه عقب نشینی
رژیم زن ستیز اسلامی در مقابل اعتراضات ما مردم
سرنگونی حکومت اسلامی را تسریع خواهد کرد.

بیل گیتس: بخشش میلیاردها دلاری به نفع فقرا؟

کاظم نیکخواه

یک خبر داغ این روزها این است که بیل گیتس که در ردیف چهارم ثروتمندترین‌های دنیا قرار دارد، می‌خواهد تمام ثروتش را صرف مردم فقیر آفریقا کند. او گفت من بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار اهدا کرده‌ام؛ اما هنوز بیش از این دارم که اهدا کنم. او می‌گوید ۹۹ درصد بقیه دارایی‌اش را که حدود ۲۰۰ میلیارد دلار می‌شود را نیز صرف مردم در آفریقا خواهد کرد. با اعلام این خبر کاربران زیادی در مورد آن ابراز نظر کردند که نظر بسیاری با بدبینی نسبت به نیت او همراه بود.

مردم حق دارند نسبت به انگیزه صاحبان ثروت

مخصوصاً اولیگارش‌های بزرگ مالی بدبین باشند.
اما انگیزه شخصی بیل گیتس هرچه باشد چنین
بخششی که از بودجه بسیاری از کشورها فراتر
است، می‌تواند میلیون‌ها نفر را در آفریقا از فقر
نجات دهد. به شرطی که به روال معمول سر
از چاه ویل فساد و جیب مقامات حکومت‌های
فاسد در نیاورد. جالب است که ثروت بیل گیتس
بعد از این که اول بار اعلام کرد که ثروت خود را
خواهد بخشید، بنا به گزارش نشریه فوربس دوبرابر
شده است. چه بسا در پس این حاتم‌بخشی نیز
چشم‌اندازی برای ثروت‌اندوزی بیشتر و باز کردن
کانال‌های تازه سرمایه‌گذاری‌های عظیم در آفریقا
قرار داشته باشد. اما نیت او هرچه باشد آن را باید
به فال نیک گرفت.

نکته اصلی این است که در سیستمی که در اوج پیشرفت باورنکردنی تکنولوژی، فقر به حد فاجعه آمیزی رسیده است، و بنا به آمار سال ۲۰۲۴ بیش از ۷۰۰ میلیون نفر در آستانه نقطه بقا قرار دارند، در دنیایی که مدام ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند و فقرا فقیرتر، و نه فقط در آفریقا بلکه در آسیا و حتی در اروپا و آمریکا فقر در حال گسترش است، بشریت ناچار است به تحولی پایه‌ای در نظم موجود یعنی سرمایه‌داری دست بزند. چند نفر معدود از اولیگارش‌های مالی بخش اعظم ثروت‌های دنیا را میان خود تقسیم کرده‌اند و مدام از جیب اکثریت مردم ثروتمندتر می‌شوند. بدون یک تغییر و تحول اساسی و عادلانه کردن و انسانی کردن نظام و مناسبات حاکم، فقر در دنیا مدام فاجعه آمیزتر خواهد شد و حاتم بخشی

ثروتمندانی امثال بیل گیتس مطلقاً کمکی به حل
مسئله نخواهد بود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۵۶

۵ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

مذاکرات سری هسته‌ای!

دیپلماسی سری جایی در یک نظام آزاد و برابر ندارد

محسن ابراهیمی

دست جانوران اسلامی از زندگی سگ‌ها کوتاه

رضا درویش

مذاکرات سری هسته‌ای!

دیپلماسی سری جایی در یک نظام آزاد و برابر ندارد

محسن ابراهیمی

در باره "مذاکرات" هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا، در باره اینکه این مذاکرات به کجا ختم خواهد شد، توافقی حاصل خواهد شد یا نه توافق بر سر چه و چگونه پیش می‌رود، اگر توافق نشود جنگی در راه است یا نه بازار حدس و گمان داغ است.

چرا حدس و گمان؟ چون طرفین دارند پشت درهای بسته مذاکره می‌کنند و بعد می‌آیند در رسانه‌ها سخنان کلی، مبهم، ضد و نقیض تحویل می‌دهند: مذاکره خوب پیش می‌رود، خوب پیش نمی‌رود. امیدوار کننده است.

امیدوار کننده نیست. طرفین خوش بین هستند. بدبین هستند. آمریکا پیشنهاد مهمی به جمهوری اسلامی داده است و چیزهایی از این قبیل. مقداری دروغ همراه صحنه‌سازهای شیادانه توسط یک مشت دغل‌کار از هر دو طرف تحویل داده می‌شود بعد هم نوبت رسانه‌هایی مثل نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال، آکسیوس، رویترز و ده‌ها رسانه رسمی و غیررسمی می‌رسد که مردم نامطلع را از قول "منابع موثق" اما بی‌نام‌ونشان سورپرایز بکنند!

برای ما مردم ایران روشن است که جمهوری اسلامی پشت ظاهر پروژه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای از همان اول هدف اتمی شدن را دنبال می‌کرده است. ما کل این نظام با برنامه اتمی‌اش را نمی‌خواهیم. از نظر ما باید به بازی‌ها و شیادی‌های دیپلماتیک و مخفی و

سری حکومت اسلامی با هر دولتی خاتمه داد و به جایش این حکومت را از همه نهادهای بین‌المللی و دیپلماتیک بیرون انداخت. دیپلماسی سری حکومت اسلامی همراه با کل عمارت اسلامی را باید به گور سپرد.

جمهوری اسلامی نیاز دارد هر مذاکره و هر معامله با هر دولتی به شکل سری پیش برود؛ چون مثل حکومت‌داری‌اش، در مذاکرات و معاملات هم علیه مردم کار می‌کند و هر چقدر مردم از مضمون واقعی چنین مذاکراتی مطلع شوند، دستشان برای تعرض به رژیم بازتر می‌شود. برای مثال، مطلع شدن از جزئیات تسلیم خامنه‌ای در مقابل قاتل قاسم سلیمانی، موقعیت نظام در مقابل مردم را بیشتر تضعیف می‌کند.

در نظامی که روی ویرانه‌های نظام اسلامی برقرار خواهد شد نباید جایی برای دیپلماسی سری باشد. در ”یک دنیای بهتر“، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران صریحاً اعلام شده است دیپلماسی سری باید لغو شود و سیاست خارجی و اقدامات دیپلماتیک باید تابع قوانین و تصمیمات مصوب ارگان‌های مقننه منتخب مردم باشد.

دست جانوران اسلامی از زندگی سگ‌ها کوتاه

رضا درویش

به گزارش "خبر آنلاین" در ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ با اعلام دادستانی برخی استان‌ها "سگ گردانی" در معابر، پارک‌ها، اماکن عمومی و وسایل نقلیه ممنوع است. گفته می‌شود با استناد به مواد ۶۱۸ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هر اقدامی که تهدید علیه آسایش و بهداشت عمومی تلقی شود جرم محسوب می‌شود. با جزئیات این خبر در شبکه‌های خبری داخلی تصویری ارائه می‌شود که گویا یک مشکل جدی‌تر از بی برقی، بی‌آبی، گرانی و بیکاری هست که گشت‌های پلیس شهری، پلیس راه و عوامل انتظامی "مأمور برخورد قانونی با افراد متخلف شدند" (منظور

صاحبان سگ).

دادستان تبریز گفته این اقدام "در راستای احیای حقوق عامه و توجه به دغدغه مردم" است. باید به این "مدعی‌العموم" گفت: شما کی و کجا حقی برای مردم قائل شده‌اید که حالا دم از احیای آن می‌زنید؟ دغدغه مردم مواجهه با سگ‌های خانگی و بی‌آزار است یا نیروهای وحشی سرکوبگر رژیم؟ همچنین به دادستان استان گلستان که از "آسایش و بهداشت عمومی" دم می‌زند باید گفت: شما و دستگاه قضایی‌تان محل آسایش و بهداشت روانی مردم هستید. دادستان کرمان هم گفته "یکی از شقوق مهم امنیت مردم است". درحالی که همین رژیم مردم معترض را با اتهامات واهی به زندان انداخته و زیر سایه احکام اعدام حق زندگی برایشان قائل

نیست.

رژیم با اینکه سعی می‌کند به دخالت پلیس وجهه مذهبی (نجس بودن سگ) بدهد، وجود مرکز تربیت سگ‌های پلیس ”سپکا“ به‌وضوح ریاکاری رژیم را در این رابطه به‌خوبی نشان می‌دهد. ادعای ”نجس بودن سگ“ تنها بهانه‌ای است برای مقابله با فرهنگ امروزی مردم. وانگهی، اگر رژیم ریگی در کفش ندارد و خیلی به فکر بهداشت مردم است، با توجه به اینکه گفته می‌شود ایران در ارتباط با هاری در رتبه سوم قرار دارد، بجای بسیج نیروی پلیس علیه سگ‌های خانگی که توسط صاحبانشان مراقبت می‌شوند چرا روی حل معضل سگ‌های ولگرد متمرکز نمی‌شود؟

زیر سایه اسلام سیاسی، سگ‌های خانگی مردم آماج

حمله رژیم قرار گرفته‌اند. در این میان آنچه مسلم است این است که جمهوری اسلامی ناتوان و درمانده از حل مشکلات فقط قادر است صف ناراضیان از خودش را فشرده‌تر سازد. به‌راستی که این رژیم گورکن خویش است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۷

۷ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۷ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

قتل الهه حسین نژاد توسط جمهوری اسلامی

عطیه نیک نفس

تغییرات اقلیمی و امنیت غذایی در ایران

سینا پدرام

رقصندگان در سالمرگ خمینی

کیوان جاوید

قتل الهه حسین نژاد توسط جمهوری اسلامی

عطیه نیک نفس

”الهه حسین نژاد، دختر ۲۴ ساله‌ای بود که از محل کارش در اسلام‌شهر خارج شد و دیگر هرگز به خانه نرسید. جسدش ده روز بعد در بیابان‌های اطراف تهران پیدا شد. قاتل، مردی با سابقه کیفری، او را به قصد سرقت تلفن همراهش با ضربات چاقو کشت.“

اما مسئله فقط یک ”قتل“ نیست. این زن‌کشی، بازتاب یک ساختار فاسد، زن‌ستیز و ضدانسانی است که نامش جمهوری اسلامی است. این جنایت در جامعه‌ای اتفاق افتاد که سال‌هاست جمهوری

اسلامی نه تنها از جان زنان محافظت نمی کند، بلکه با وضع قوانین شرعی و سرکوبگرانه، به شکل مستقیم علیه آنان خشونت اعمال می کند. تازه ترین نمونه اش نصب دوربین های شهری و استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی زنانی است که حجاب ندارند؛ در حالی که جان همان زنان در خیابان ها، مترو و محل کار، هیچ ارزشی برای حاکمیت ندارد.

جمهوری اسلامی، نه تنها زنان را از امنیت و آزادی محروم کرده، بلکه معیشت، رفاه و آرامش کل جامعه را به گروگان گرفته است. فقر، ناامیدی، فساد سیستماتیک، خشونت روزمره و نبود ساختارهای حمایتی، نتیجه حاکمیتی است که

به جای اداره کشور، فقط به بقای خود فکر می کند.
در چنین فضایی، قتل و خشونت نه استثنا، بلکه
بخشی از واقعیت روزمره‌اند.

الهه تنها نبود. او یکی از صدها زنی ست که در این
سیستم قربانی شده‌اند. قتل او بازتاب گسترده‌ای
در میان فعالان حقوق زنان و کنشگران سیاسی
و کل جامعه داشته است. بسیاری این جنایت را
نتیجه مستقیم زن‌ستیزی نهادینه شده در قوانین
و فرهنگ حکومتی و بی‌مسئولیتی نهادهای امنیتی
دانستند.

ما نباید این فجایع را "اتفاقی" ببینیم یا به عنوان
یک دزدی یا قتل ساده روایت کنیم. این‌ها بخشی

از یک سیاست حکومتی برای سرکوب و حذف
زنانیست که قرار است یا مطیع باشند یا حذف
شوند. مبارزه با زن‌ستیزی حکومتی باید متشکل،
هدفمند و بی‌امان ادامه یابد. ما موظفیم از هر
تربیتی که داریم، علیه این زن‌کشی سیستماتیک
فریاد بزنیم.

تغییرات اقلیمی و امنیت غذایی در ایران

سینا پدرام

ایرنا: "بحران تغییر اقلیم امروز نه تنها بخش کشاورزی و منابع طبیعی بلکه امنیت غذایی کشور را نشانه گرفته و تداوم عدم مدیریت تغییر اقلیم و منابع آبی می‌تواند کاهش تولیدات کشاورزی را در آینده نه‌چندان دور منجر شود."

در ۵۰ سال اخیر، تغییر اقلیم و تغییرات شدید آب‌وهوایی، پیامدهایی چون افزایش دما، کاهش بارش، خشکسالی، سیلاب، فرسایش خاک، تبخیر منابع آبی، افزایش آفات، و بیابانی شدن را در پی داشته است.

ایران به‌ویژه به دلیل قرارگیری در منطقه خشک و نیمه‌خشک، آسیب‌پذیری بالایی در برابر این تغییرات دارد. کاهش منابع آبی زیرزمینی، افت تولید کشاورزی، فرورانش زمین، گردوغبار، و افزایش چاه‌های غیرمجاز از جمله بحران‌های جدی است. طبق آمار سال ۱۴۰۳، سطح اراضی کشاورزی به ۱۵.۴۳ میلیون هکتار کاهش یافته، درحالی‌که در گذشته ۱۸ میلیون هکتار بوده است.

حدود ۴.۵ میلیون بهره‌بردار در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند که ۸۹ درصد در مناطق روستایی هستند. با کاهش ۴۵ درصدی بارندگی و افزایش ۱.۵ درجه‌ای دما در سال گذشته، ایران به یکی از

آسیب‌پذیرترین کشورها در برابر تغییرات اقلیمی
بدل شده است.

افزایش ریزگردها، تداوم خشکسالی، تبخیر و
فرسایش سه‌برابری منابع آب و خاک نسبت به
میانگین جهانی، و وجود ۱۴ میلیون هکتار اراضی
بحرانی در ۲۲ استان کشور، وضعیت منابع طبیعی را
بحرانی کرده است. پیش‌بینی کاهش ۵۰ درصدی
منابع آبی تا سال ۱۴۱۰، لزوم مدیریت منابع،
استفاده از آبیاری نوین و پایش رطوبت خاک را
بیش از پیش ضروری ساخته است.

رژیم جمهوری اسلامی با اقتصاد دزدسالارانه و
رانتی گسترده، فقدان برنامه‌ریزی علمی، تخصیص

ناعادلانه منابع، و تخریب ساختاری منابع طبیعی، نقش مخربی در تشدید بحران‌های اقلیمی ایران داشته است. اینکه تغییرات اقلیم جهانی است تردیدی نیست، اما تبدیل ایران به یک منطقه بحرانی از لحاظ اقلیمی مستقیماً به سیاست‌های ضدانسانی و سرمایه‌دارانه این رژیم مربوط می‌شود.

سیاست‌های ناکارآمد کشاورزی، حفر بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز، نابودی پوشش گیاهی، و توسعه ناپایدار بدون توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی، تخریب منابع آب و خاک را تسریع کرده است. بی‌توجهی به هشدارهای اقلیمی و عدم سرمایه‌گذاری مؤثر در پروژه‌های پایدار، ایران را به یکی از کشورهای در معرض فروپاشی زیست‌محیطی تبدیل کرده که

عواقب آن امنیت غذایی، اقتصادی و اجتماعی را
تهدید می‌کند. معنای واقعی ادامه حیات این رژیم
چیزی جز فروپاشی زیست محیطی نیست. هر تلاش
انقلابی برای پایان دادن عمر این رژیم، گامی است
که بشریت نوین نیازمند آن است.

رقصندگان در سالمرگ خمینی

کیوان جاوید

همزمان با سالمرگ خمینی، گروهی از مردم در اصفهان با شادی و دست‌افشانی، ترانه "ای دل بلایی دلبر" را همخوانی کرده‌اند.

خمینی که آمد ایران یک‌پارچه عزا و تاریکی و تباهی شد. انگار یک طاعون سیاه سایه شومش را به هر سو کشیده باشد. خمینی که آمد دنیای زنان به جهنم تمام‌عیاری تبدیل شد؛ انگار خود خدا پا روی زمین گذاشته باشد و شخصاً زنان را به جرم و گناه زن بودن مجازات کند.

خمینی که آمد همه آن مقدار شادی کمی هم
که بود زیر تازیانه اسلام رخت بر بست و لباس
عزا و ماتم اسلامی پیکر جامعه را پوشاند.

خمینی که آمد دریاها در پشت حجاب اسلامی
محصور شدند و جوانان در جنگ به خون نشستند
و گفتار فقر منقار خونینش را بر تن مردم بیشتر
از گذشته فروبرد.

خمینی که آمد زندان‌ها بیشتر از گذشته از ده‌ها
هزار زندانی سیاسی انباشته شد؛ اعدام‌ها در ابعاد
خیره‌کننده‌ای گسترده‌تر شد و خنده بر لب‌ها
خشکید و غم و اندوه داستان زندگی مردم شد.

خمینی که آمد ساواما جای ساواک نشست و همه جای جامعه تبدیل به یک دادگاه صحرایی شد. بی‌خدایی با مرگ پاسخ گرفت و باور نداشتن به دین رسمی با عقوبتی جا نفرسا همراه شد.

هر چند هنوز بازماندگان و وارثان خمینی بر کشتی شکسته حکومت اسلامی آویزانند، اما صحنه در ابعاد باورنکردنی ای به نفع مردم و به ضرر جانیان اسلامی تغییر کرده است. زنان در اوج مخالفت با حکومت اسلامی در میدان مبارزه حضور پُر رنگی دارند؛ اسلام سکه یک پول شده است و آنکه از سایه خود وحشت دارد حامیان و پاسداران سینه‌چاک حکومت‌اند.

آنها که حضور خمینی در رأس قدرت را به چشم دیده‌اند، دنیایی را به چشم دیده‌اند که هیچ کابوسی با آن برابری نمی‌کند. حالا اما آن سال‌های یکه‌تازی حکومت دود شده و به هوا رفته است. چه کسی باور می‌کرد در سالمرگ خمینی مردم در ایران بزنند و برقصدند و شادی کنند. این شادی و جشن علنی، نتیجه پیشروی مردم و زیبونی روزافزون حکومت است. این فضای شادی آفرین را عمومی‌تر کنیم. باشد که بر گور حکومت اسلامی اینچنین زیبا و شادمانه برقصدیم و آزادی و برابری را جشن بگیریم. به امید آن روز.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ایکس: ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۸

۸ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

مراسم چندش‌آور عید قربان

پتی دبونیتاس

گچ دارو و درمان درد مزمن اجتماعی

بابک یزدی

از "برکت" اسلام تا کمبود شکر و روغن و...

سینا پدram

شهروندان و راه‌حل پایان‌دادن به قطع برق

کیوان جاوید

مراسم چنڊش آور عيد قربان

پتي دبونيتاس

روز جمعه ۱۶ خرداد ۶ ژوئن در تقويم اسلامي بعنوان عيد قربان مشخص شده است. روز "آمادگي ابراهيم براي قرباني کردن پسرش". قرباني کردن حيوانات براي جلب رضاي خدا در همه اديان از ديرباز وجود داشته است، اما به ويژه اين اسلام است که چنين مراسم چنڊش آوري را تا امروز با حدت و شدت تمام ادامه مي دهد.

روز شنبه در ديدار بادوست آمريکايي خود که براي پيگيري امور دانشگاه دخترش به لندن سفر کرده بود به يک رستوران نيمه ايراني □ نيمه افغانستاني

رفتیم. جیمز از همسر م که ایرانی است پرسید دیروز عید بود؟ و همسر م با تعجب پرسید کدام عیدی؟ گفت ”اونی که گوسفندها را می کشند و قربانی می کنند تا خدا خوشش بیاید“. همسر م گفت این عید نیست این یک عمل سازمان یافته ضد انسانی علیه حیوانات است و بجا مانده از دورترین دوره توحش مذهبی. ”عیدی“ که باید حمام خون راه بیفتد تا به ظاهر خدا از گناهان بندگانش بگذرد و ادامه داد ما در ایران فقط یک عید داریم که عمومی است و همه مردم (غیر از سران اسلامی) آن را دوست دارند و آن هم عید سال نو است که با آمدن بهار شروع می شود.

در غرب کشتن حیوانات از راه سربردن جرم است

و حیوانات نباید زجر کش شوند. هر چند بشر هنوز از گوشت‌خواری عبور نکرده است، اما قوانینی در کشورهای غربی وجود دارد که ذبح اسلامی حیوانات را ممنوع می‌کند. کسی نمی‌تواند در کوچه و خیابان سر از تن حیوانی جدا کند. هیچ‌کس از کودکی در این جوامع خون به راه‌انداختن از راه ذبح حیوانات را ندیده است.

اسلام دین خون و خونریزی و جنایت است. حتی در عربستان که در مراسم حج صدها هزار گوسفند سر بریده می‌شود، بخش زیادی از آن مستقیماً از بین می‌روند چون قدرت نگهداری این‌همه گوشت را ندارند. حتی به “کشورهای فقیر” هم صادر نمی‌شود به این دلیل که قیمت گوشت در

بازار افت پیدا نکند.

دنیا باید یک قدم دیگر به سوی انسانیت پا پیش بگذارد و ذبح اسلامی را ممنوع کند و باید با دولت‌ها حامی ذبح اسلامی برخورد بازدارنده شود. عید قربان، عید دورویی مذهبی برای "صواب" کردن است. در حالی که به طور مثال در کشور ثروتمندی چون ایران مردم غرق در فقر و فلاکت اقتصادی و ارتجاع اسلامی هستند، حاکمان با تبلیغ عید قربان می‌خواهند ثابت کنند این جامعه اسلامی است. اسلام و همه مذاهب دون شان انسان‌اند و باید از ریشه خشکانده شوند. این مراسم چندش‌آور اسلامی عید قربان باید توسط مردم در کشورهای اسلام زده شدیداً بایکوت شود.

گچ دارو و درمان درد مزمن اجتماعی

بابک یزدی

نرگس آسم دارد و باید همیشه از دستگاه اکسیژن ساز و اسپری تنفسی استفاده کند. او هر ماه به یک اسپری تنفسی نیاز دارد که بتواند روزی دو بار، ماهی ۶۰ بار از آن استفاده کند. آخرین بار، برای همین اسپری “دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان” پرداخت. در گزارشی که بی بی سی تحت عنوان “بیماران و نیاز مبرم به دارو” منتشر کرده است از طرف شهروندان این مشکلات به جزئیات بیان شده است. یک درد مشترک در همه این اظهارنظرها این است که دارو یا پیدا نمی شود، یا گران است، یا تقلبی. روایت یکی از شهروندان از هزینه های

سرسام آور تهیه دارو حکایت می کند. نرگس می گوید: ”یک سوم حقوقم“ هزینه دارو می شود.“

درمان درد مزمن جامعه با جراحی کردن حاکمیت از پیکره جامعه به نتیجه می رسد. چنین وضعیتی که در ایران حاکم است نه نتیجه تحریم است نه نتیجه عدم رشد تکنولوژی در کشور است. آنچه در ایران درد اصلی مردم است همانا وجود حکومتی است که سرانش تا جایی که ممکن است در حال مکیدن شیره جان مردم اند.

این شرایط نشان داده است که رژیم از هر راه ممکن عهد کرده است زندگی مردم را به نابودی بکشاند تا کیسه اش را پُر پول تر کند. درست مثل آن

چیزهایی که در مورد کارتل‌های فروش مواد مخدر در جهان می‌شنویم. آنها مواد مخدر را به‌وفور وارد بازار جهانی می‌کنند و می‌دانند با اشاعه مرگ‌ومیر هر چه بیشتر و اعتیاد هر چه گسترده‌تر به ثروت بیشتری دست پیدا می‌کنند. همین منطق و قانون در مورد رژیم اسلامی عمل می‌کند. از هر راه ممکن بر ثروت خودشان می‌افزایند.

درد جامعه فقط با ریشه‌کن کردن این غده سرطانی درمان می‌شود. نیاز به یک شیمی‌درمانی وسیع و گسترده است تا آخرین سلول سرطانی که بدن شهروندان ایرانی را آلوده کرده است پاک‌سازی شود. علم مبارزه طبقاتی و راه‌ریشه‌کردن جمهوری اسلامی برخلاف علم پزشکی پیشرفت‌های بیشتری

کرده است. اگر در علم پزشکی تماماً برای غلبه یافتن به همه بیمارها راه درمان قطعی وجود ندارد، در علم کسب قدرت سیاسی و برقراری جامعه انسانی بشر به آخرین دستاوردهای علمی و سیاسی دست یافته است. از حزبیت یافتن تا متشکل شدن در شبکه‌های اجتماعی و متحدانه به جنگ جمهوری اسلامی رفتن درمان درد اجتماعی است.

از "برکت" اسلام تا کمبود شکر و روغن و...

سینا پدram

چند خبر و چند نظر

غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، در واکنش به کمبود شکر و روغن در بازار اعلام کرد برای واردات این کالاها به ارز ترجیحی و درآمدهای حاصل از فروش نفت نیاز است.

این بزرگوار انگار تازه از کما بیدار شده و رابطه واردات از خارج و سرمایه‌های موجود را به او بازگو کرده باشند. انگار قبلاً با سلام‌وصلوات روغن و شکر می‌خریدند و امروز این گزینه از

بازار جهانی حذف شده است.

نخیر جناب وزیر، کمبود درآمد جزئی از مسئله است. بخش عمده آن، اقتصاد دزدسالارانه شماست که همان درآمدهای نفتی را خرج تروریست‌ها می‌کنید و البته حساب‌های شخصی خودتان و قوم و خویش‌ها نیز فراموش نمی‌شود.

غلغلۀ خبر جنجالی در حوزه جهلیه
محمدرضا مدرسی یزدی، عضو فقهای شورای
نگهبان، گفت: "یکی از برکات حوزه علمیه، همین
جمهوری اسلامی است." او اضافه کرد: "امام که
رهبری انقلاب را بر عهده داشت، یکی از شاگردان
برجسته حائری یزدی و از ثمرات همین حوزه

قم بود.“ حیف اکسیژنی که این فسیل به هدر می‌دهد. آیا لازم به اظهارنظر هست؟ قضاوت با شماست.

محمد حسین طاهری، دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، با انتقاد از کسانی که معتقدند در ایران آزادی وجود ندارد، گفت: “هم اینک زیر پُست بنده هر حرف و توهینی را می‌نویسند بعد می‌گویند آزادی نباشد کشور که کشور نیست.“ حقیقتاً در حق این مفت‌خور ظلم شده است. این فلک‌زده کشور را با حوزه علمیه عوضی گرفته است. خوب بنده خدا با این حرف‌های بی‌ربط همه به ریش شما می‌خندند.

در میان این همه ناهنجاری‌های حکومتی باز مردم هستند که حرف‌هایشان به دل می‌نشیند.

گروه رپ اعتراضی “حاشا” در آهنگ اعتراضی جدید خود و با اشاره به درد و مشقات اجتماعی اقتصادی مردم اعلام می‌کنند که انقلاب زن زندگی آزادی و رسالت آن برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری عدالت همچنان زنده است.

در پس تمامی جنجال‌های خبری و تحلیلی در مورد افت‌وخیز مذاکرات با آمریکا، حمله اسرائیل و شامورتی‌بازی‌های سران رژیم اسلامی، آنچه موتور محرک جامعه است انقلابی است که گروه “حاشا” در قالب هنری – اعتراضی زنده بودن آن را اعلام می‌کند.

شهروندان و راه حل پایان دادن به قطع برق

کیوان جاوید

یک شهروند خوزستانی می گوید قطع برق در این استان، باتوجه به گرمای شدید هوا، فشار مضاعفی بر مردم وارد می کند. شهروندی دیگر نیز از مردم خواست تا در برابر این وضعیت سکوت نکنند و هنگام قطع برق شعار بدهند.

”سکوت نکنیم“. این پیام اساسی و اصلی ای هست که باید با همه وجود به آن توجه کرد. وضعیت می توان در ایران بسیار وخیم تر و بحرانی تر بشود. ممکن است خیلی بیشتر از اینها، بخش بیشتری از مردم در زیاله دانی ها دنبال غذا بگردند. ممکن

است میلیون‌ها کودک بیشتری در خیابان‌های
خشن و بی‌رحم تبدیل به کودکان کار شوند.
ممکن است زنان و دختران جوان یا حتی نوجوان و
کودکان بیشتری به تن‌فروشی رو بیاورند. ممکن
است داس مرگ مردم بیشتری را از نبود دارو درو
کند. بی‌برقی و بی‌آبی و بی‌گازی می‌تواند و
انتظار می‌رود بیش از این گسترش پیدا کند.
اینها اصلاً دور از انتظار نیست.

برای مقابله با این کابوس، این ویرانی و این هیولای
مرگ که سایه خوفناکش را در همه جای ایران
گسترانیده است باید به این حرف آن شهروند
گوش فراداد. "مردم سکوت نکنند."

طی این چند هفته گذشته نیز ما شاهد اعتراضات و اعتصابات متناوبی در ایران بودیم. اینجا و آنجا مردم به وضع موجود اعتراض دارند و برای اینکه صدایشان شنیده شود در خیابان‌ها حضور به هم می‌رسانند. اما چرا تا امروز آن تأثیر چشمگیری که انتظارش را داریم مشاهده نشده است. باز هم جواب در سکوت نکنیم نهفته است. اعتراضات باید یک پارچه و به هم پیوسته و عمومی‌تر باشند. اگر همه کامیون‌داران در ایران اعتصاب کنند و هم‌زمان معلمان و بازنشسته‌ها و پرستاران عملاً به این اعتراضات نپیوندند، آن نتیجه نهایی که شکست دادن جمهوری اسلامی است حاصل نمی‌شود.

اگر کارگران در اعتصاب هستند، کل مردم باید از آنها حمایت کنند. اعتصاب هر بخش از کارگران باید به یک حرکت سراسری و عمومی تبدیل شود. همبستگی‌های متنوعی در حمایت از اعتصاب‌کنندگان صورت می‌گیرد. این حمایت‌ها باید به خیابان کشیده شوند تا منجر به دستاوردهای رفاهی شوند. با این حمایت‌های عملی و میدانی، می‌توان پایان عمر جمهوری اسلامی را فوراً رقم زد. اتحاد همهٔ جامعه علیه حکومت اسلامی حیاتی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ایکس: ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۵۹

۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ - ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

نمایش نخ‌نمای مبارزه با فساد

سیامک بهاری

زن‌کشی، محصول توحش ساختاری جمهوری اسلامی؛

هانی بهبودی

عطیه نیک‌نفس

جان ابوالفضل قدیانی در خطر است

سهیلا دالوند

نمایش نخ‌نمای مبارزه با فساد

سیامک بهاری

صابرین نیوز: فرزند و عروس کاظم صدیقی توسط سازمان اطلاعات سپاه و با همکاری قوه قضائیه بازداشت شده‌اند.

بازداشت پر سروصدای پسر و عروس شیخ گریان، پیش از آنکه نظرها را به مبارزه حکومت علیه فساد جلب کند، متوجه بازی جدید و دست‌به‌یکی کردن دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه برای سر کار گذاشتن مردم با نمایش اجرایی‌شدن فرمان خامنه‌ای برای مبارزه با فساد می‌کند!

منسوبان شیخ کذاب کاظم صدیقی، بخوان «پسر کو

ندارد نشان از پدر ..» که در فساد شهره آفاق‌اند،
باتکیه‌بر سابقه مشعشع باباجانشان از ریاست ستاد
امر به معروف، ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات،
مشاور ارشد قوه قضائیه و امام جمعه منصوب خامنه‌ای
در تهران، فعلاً سوژه‌اند تا افکار عمومی را نسبت به
مبارزه با فساد سرگرم کنند.

مردم، انبوه ”آرسن لوپن‌های“ حکومتی، آیت‌الله‌های
گردن‌کلفت و آقازاده‌های دزد و اختلاسگر،
سلطان‌های فولاد، شکر، بانک و سیمان و... از هیرارشی
مالی چند هزار میلیاردی خامنه‌ای، تا اقتصاد خصوصی
و قرارگاه‌های سپاه و انواع بابک زنجانی‌ها و حسین
شمخانی‌ها، سلطان‌های معاملات نفتی را انگشت‌نشان
کرده‌اند، این نمایش بیش از پیش نخ‌نماست.

مردم می‌پرسند چه شده که خبرگزاری‌های سپاه و وزارت اطلاعات نوشته‌اند: «پرونده متهمان بادقت و حساسیت ویژه‌ای در حال پیگیری است و دستگاه قضایی مصمم است تا بدون تأثیرپذیری از جنجال‌های رسانه‌ای، به صورت کاملاً تخصصی و مستقل به این پرونده رسیدگی کند»؟!!

هنوز پرونده چای دیش و بانک سرمایه و کرسنت و ارز و سکه و شیرخشک فاسد و صندوق تأمین اجتماعی، گم شدن میلیاردها میلیارد در شهرداری‌ها، در مناطق آزاد تجاری و الا ماشاءالله روی دست جامعه بی‌جواب مانده است!

تکلیف انواع فساد، کلاهبرداری، رانت و رشوه برای دورزدن تحریم‌ها و تأمین بودجه ماجراجویی نظامی و هسته‌ای حکومت و منابع اقتصادی بی نظارت که

بخش اعظم آن در دست قرارگاه‌های سپاه و آستان
قدس و در نهایت گره‌خورده به بیت رهبری است،
روشن است! یک حکومت هار وحشی تروریستی
اسلامی، بر ثروت جامعه چنگ انداخته و به انحصار
خود درآورده است!

در آستانه فروپاشی نظام، حکومت دریافته است؛ این
بحران آخر است! این را اعتصاب قدرتمند رانندگان
کامیون، حمایت وسیع مردم، دارد نشان می‌دهد!
جامعه خشمگین در موقعیت تعرضی جدیدی قرار
گرفته است. سیل بنیان‌کن در راه است!

زن کشی، محصول

توحش ساختاری جمهوری اسلامی؛ هانیه بهبودی

عطیه نیک نفس

”هانیه بهبودی پورامغان، ورزشکار ۲۴ ساله و قهرمان مچاندازی از شهرستان فریمان در خراسان رضوی، روز ۱۶ خرداد ۱۴۰۴ توسط همسرش، جلال اصلاحی، به طرز فجیعی به قتل رسید. قاتل ابتدا او را خفه کرد و سپس با چاقوی قصابی، مچ دست‌هایش را برید تا صحنه قتل را خودکشی جلوه دهد.“

این جنایت با ادعای ”غیرت“ و ”ناموس“، به‌خاطر حضور عکس‌هایی از هانیه با ”حجاب نامتعارف“ در فضای مجازی، توجیه شده است. اما حقیقت این

است که چنین قتل‌هایی نه نتیجه تعصب فردی، بلکه بازتاب مستقیم خشونت قانونی، فرهنگی و مذهبی نهادینه‌شده در نظام جمهوری اسلامی‌اند. قتل‌های موسوم به "ناموسی" جنایت‌های فردی نیستند؛ آن‌ها محصول ساختار قدرتی‌اند که طبق مذهب رسمی‌اش زن‌ستیزی را در قانون، آموزش و رسانه تثبیت کرده است.

جمهوری اسلامی با قوانین تبعیض‌آمیز، نظیر کاهش مجازات برای قتل همسر یا خواهر و دختر به دلیل "ناموسی"، عملاً به قاتلان زنان مصونیت داده است. نه تنها مجازات بازدارنده‌ای در کار نیست، بلکه واژه‌هایی چون "غیرت" و "ناموس" به ابزارهایی برای سرکوب زنان و کنترل بدن و زندگی آن‌ها تبدیل شده‌اند. این واژه‌ها، برخلاف تصور عام، مفاهیم سنتی یا فرهنگی خنثی نیستند. آن‌ها توسط نظامی ساخته

و تقویت شده‌اند که زنان را نه به‌عنوان انسان، بلکه به‌عنوان ملک مردان می‌بیند.

جمهوری اسلامی، با اتکا به مذهب، بدن زنان را قلمرو کنترل و سلطه می‌داند و با تحقیر و سرکوب، آنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم می‌کند. تا زمانی که چنین نظامی بر سر کار است، زن‌کشی نه متوقف می‌شود، نه استثنا باقی می‌ماند. این یک چرخه خشونت سیستماتیک است که با هر فریاد، با هر جسد، و با هر سوگواری عمومی، تکرار می‌شود.

بنابراین، مبارزه با زن‌کشی، تنها از طریق قوانین بهتر یا آموزش فرهنگی ممکن نیست. این مبارزه، در ذات خود، مبارزه با نظامی زن‌ستیز، ضدانسانی و سراپا متوحش به نام جمهوری اسلامی است. ما

باید علیه این ساختار جنایت کار که زن را دشمن می‌داند، بایستیم و مبارزه کنیم. سکوت، بی‌طرفی یا توجیه، هم‌دستی با قاتلان است. زندگی، آزادی و کرامت زنان تنها زمانی تضمین‌شدنی است که این نظام مذهبی و سرکوبگر برای همیشه به پایان برسد.

جان ابوالفضل قدیانی در خطر است

سهیلا دالوند

ابوالفضل قدیانی، زندانی سیاسی ۸۰ساله، این روزها در وضعیت بحرانی جسمی در زندان اوین نگهداری می‌شود. او که به‌شدت به عفونت ریوی دچار شده، سرانجام پس از هفته‌ها مقاومت مسئولان، و پذیرفتن اعزام بدون دستبند و پابند، در تاریخ ۱۲ خرداد در بیمارستان بستری شد. اما تنها پنج‌روز بعد، در ۱۷ خرداد، درحالی‌که همچنان با عفونت شدید ریه دست‌وپنجه نرم می‌کرد و برخلاف توصیه و گواهی پزشکان، بار دیگر به زندان اوین بازگردانده شد.

این اقدام، نه‌تنها سلامت بلکه جان این زندانی

سالمند را در معرض خطر جدی قرار داده است. در واکنش به این بی‌اعتنایی آشکار به وضعیت درمانی او، بیش از ۸۰۰ فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با صدور نامه‌ای اعلام کردند: "ما بر این باوریم که ادامه بازداشت ایشان نه تنها با موازین قانونی و انسانی سازگار نیست، بلکه با حفظ کرامت انسان نیز در تضاد است." و خواهان آزادی فوری یا دست کم توقف اجرای حکم حبس و دادن مرخصی درمانی به قدیانی شده‌اند.

محروم کردن زندانیان بیمار از درمان و دارو، نه تنها نقض فاحش حقوق انسانی آنان است، بلکه مطابق تعاریف بین‌المللی، مصداق آشکار شکنجه محسوب می‌شود. این سیاست به صورت سیستماتیک و باهدف فرسایش جسمی و روانی

زندانیان سیاسی، و حذف تدریجی آنان که در واقع محکوم به قتل خاموش می‌شوند، توسط رژیم اعمال می‌شود. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان ابوالفضل قدیانی و صدها زندانی سیاسی محروم از دسترسی به دارو و درمان و خدمات پزشکی است. سیاست‌های ضدانسانی رژیم و اقدامات وزارت اطلاعات و مسئولین زندان مصداق «جنایت علیه بشریت» است.

جمهوری اسلامی سال‌هاست با این روش ضدانسانی بی‌هیچ هزینه‌ای، جان زندانیان را در خطر مرگ قرار داده و از خود سلب مسئولیت می‌کند. با افشاگری، اطلاع‌رسانی، فشار رسانه‌ای، اعتراض عمومی و جلب حمایت بین‌المللی، باید نقض حقوق اولیه زندانیان سیاسی را برای جمهوری

اسلامی پرهزینه کرد و نگذاشت قلبشان از تپش
بازایستد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال

زورنال

شماره ۱۰۶۰

۱۱ ژوئن ۲۰۲۵ - ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

مجاهد کورکور را هم اعدام کردند!

کاظم نیکخواه

دست جمهوری اسلامی باید از زندگی مردم قطع شود

آذر پویا

کابوس هر روزه زنان، تعرض جنسی همه جا

سیما بهاری

مجاهد کورکور را هم اعدام کردند!

کاظم نیکخواه

امروز را هم با خبر بدی شروع کردیم: مجاهد کورکور اعدام شد. خبری که بی‌تردید قلب میلیون‌ها نفر را به درد آورد. خبری که نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی را صدچندان خواهد کرد. خبری که همچون خبر اعدام فرزاد کمانگر، همچون قتل کیان پیرفلک، نیکا شاکرمی و صدها نام‌شناخته شده دیگر، هیچگاه فراموش نخواهد شد.

عباس کورکوری معروف به مجاهد کورکور را از سال ۱۴۰۱ به اتهام قتل کیان پیرفلک دستگیر و محکوم به اعدام کردند. ماه منیر مولایی راد و میثم پیرفلک پدر و مادر کیان، بارها اعلام کردند که

تیراندازی به‌سوی اتومبیل آنها که منجر به قتل
کودک عزیزشان کیان و آسیب جدی به پدرش شد،
کار نیروهای انتظامی بوده است و مجاهد کورکور
هیچ نقشی در این اقدام نداشته است. اما دستگاه
اعدام جمهوری اسلامی کاری به حقیقت نداشت و
ندارد. می‌خواست قلداری و آدمکشی خود را به مردم
نشان دهد و به خیال خود جامعه را مرعوب کند. اما
کور خوانده‌اند. هر روز به چشم خویش می‌بینند که
علی‌رغم این‌همه جنایت مردم از پیر و جوان و زن و
مرد، همه‌جا با جسارت مقابلشان می‌ایستند و انگشت
در چشمانشان می‌کنند و علیه رهبر و بالا تا پائینشان
شعار می‌دهند و قوانین و سنت‌های کثیفشان را زیر
پا له می‌کنند. می‌بینند که این جامعه دیگر از مرز
مرعوب شدن گذشته است. این مردم می‌خواهند و
مصمم‌اند که خود را از شر حکومتی که حتی آب و

گاز و برق را هم نمی‌تواند تأمین کند، خلاص کنند و خلاص خواهند کرد. تردیدی در این ندارم.

مجاهد کور کور را متأسفانه نتوانستیم از چنگ دیوان منفور حاکم نجات دهیم. به خانواده، دوستان و همه کسانی که برای نجات جان مجاهد عزیزمان تلاش کردند صمیمانه تسلیت می‌گوییم. اما تردیدی ندارم که دور نخواهد بود روزی که ما مردم خشمگین و بجان آمده، بر ویرانه‌های حکومت اعدام و چپاول، نام او و دیگر عزیزانمان را صدا خواهیم زد. دور نخواهد بود روزی که به نظام نکبت و ارتجاع مذهبی و چپاول و مافیای سرمایه‌داری پایان خواهیم داد و جامعه‌ای آزاد و بدون اعدام و استثمار و سرکوب را با دست‌های میلیونی خود برپا خواهیم کرد. یاد مجاهد کور کور و همه قربانیان حکومت اسلامی گرامی باد!

دست جمهوری اسلامی

باید از زندگی مردم قطع شود

آذر پویا

طبق خبر منتشره اسدالله جعفری رئیس کل دادگستری اصفهان از اجرای حکم قطع دست دو نفر در زندان مرکزی اصفهان خبر داد. جعفری بدون اشاره به هویت این دو نفر آنها را "سارق حرفه‌ای" خواند.

اینکه سرقت و جرایمی از این دست باید شامل مجازات‌هایی متناسب با عمل جرم باشد بر کسی پوشیده نیست. ولی آیا قطع دست و پا و اجرای مجازات‌های بغایت وحشیانه صدر اسلامی می‌تواند باعث سلامت جامعه و امنیت شهروندان شود؟ آیا

مجریان قانون که خود به جرم قتل هزاران انسان باید در پشت میز محاکمه باشند می‌توانند امنیت جامعه را تأمین کنند.

با قطع دست، فرد را عملاً برای همیشه از انجام هر کاری برای کسب درآمد و گذران زندگی محروم می‌کنند. احساس حقارت در مقابل خانواده، همسایگان و اطرافیان آتش خشمی را در فرد دامن می‌زند که نه تنها احساس ندامت نکند؛ بلکه حس انتقام و کینه‌جویی را در او تقویت کند.

اگر قطع دست سارق، یک مجازات اسلامی قابل اجرا و به قول غلامحسین اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی “حکمی جاری شده از سوی خداوند است” می‌بایستی تا کنون اغلب سران جمهوری اسلامی از

خاوری گرفته تا افراد دخیل در پرونده چای دیش و ده‌ها اختلاسگر دیگر بدون دست‌وپا در مراکز درمانی تحت نظر باشند. بابک زنجانی یکی از دانه‌درشت‌ها که به جرم بزرگ‌ترین اختلاس‌ها مدتی هم در زندان بود را به‌خاطر داریم، بعد از مدت کوتاهی از زندان آزاد شد، به خارج از ایران رفت، در جهت حفظ منافع نظام کثیف اسلامی فعالیت‌های اقتصادی‌اش را گسترش داد و اکنون با مدال قهرمانی در سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیاردی مورد لطف و مرحمت خامنه‌ای، این سرکرده و حامی دزدها و سارقین اصلی قرار گرفته است.

در جامعه‌ای که برای هر کس به‌اندازه توانش کار موجود باشد، بیمه بیکاری به‌مثابه حق مسلم بیکاران به تمام آحاد جامعه تعلق گیرد، رفاهیات جامعه به

طور مساوی شامل حال تمام شهروندان شود، هیچ
کودکی گرسنه سر به بالین نگذارد و هیچ پدری
شرمنده خانواده‌اش نشود. تحصیل رایگان حق مسلم
تمام واجدین شرایط باشد و تمام آحاد جامعه از حقوق
مکفی برای داشتن یک زندگی معمولی برخوردار
باشند، قطعاً اجرای قوانین احکام الهی همراه با
مجریان این احکام به زباله‌دان سرازیر خواهند شد.
این امر فقط با قطع دست جمهوری اسلامی از زندگی
مردم امکان‌پذیر است.

کابوس هر روزه زنان، تعرض جنسی همه جا

سیما بهاری

با کشته شدن تراژیک الهه حسین نژاد که با خشونت و تجاوز همراه بود باز هم مسئله خشونت و تجاوز و کشتار زنان بیشتر به رسانه‌ها و بحث‌ها کشیده شد.

نگاهی به اخبار روز در رسانه‌های ایران ابعاد وحشتناک تجاوز و زن‌کشی در ایران را نه در بُعد واقعی، اما به درجاتی می‌شود دید. گویی افراد مذکر چه در خانواده و چه در جامعه مأموریت دارند این جنایت علیه بشریت را تازه نگه دارند. آمار تجاوز و کشتار زنان بسیار بالاست. چه آنجا که قانونی، با کودک‌همسری و ازدواج‌های اجباری

صورت می گیرد و چه آنجا که در خیابان و مدرسه و هر جای دیگری توسط کسی که لازم نیست کنترلی روی خودش و غریزه جنسی اش داشته باشد اتفاق بیفتد. قربانیان همیشه زنانی هستند که از بد حادثه در جغرافیایی بنام ایران با حاکمیت بیمار و ضد زن جمهوری اسلامی به دنیا آمده اند. هر کدام از ما تجربیات تلخ، مشمئزکننده، و آزاردهنده ای از این معضل اجتماعی داریم. در ایران با حکومتی که ضد زن است، با قوانین اسلامی اختیاردار زنان، این پدیده ناهنجار ابعاد بسیار بزرگ تری دارد.

حاکمان جمهوری اسلامی همه شان متجاوزند . ورزشکارانی، گروهی در کره به دختری تجاوز می کنند. مأموران حکومتی به زنان زندانی تجاوز می کنند. ۲۳ فروردین همین سال مردی دستگیر

می‌شود که گفته می‌شود به ۲۲ زن تجاوز کرده است و هر روز شاهد اخبار تکان‌دهنده از ربوده شدن و ناپدید شدن و مورد خشونت و تجاوز قرار گرفتن زنی هستیم که جسد مثله شده‌اش در بیابانی یا کانال آبی و یا در گودالی انداخته شده. حکومت کار زیادی نمی‌کند. چرا که معمولاً متجاوز خودی است. یا به طریقی دمش به یک جای حکومت وصل است. هر جا هم که مجبور شوند چیزی را علنی کنند، آن قدر کلی و ضدونقیض می‌گویند که چیز زیادی دستگیر کسی نمی‌شود. یک‌مشت دزد متجاوز شاید دارند حکومت می‌کنند و برای امثال خودشان بستر می‌سازند.

زنان جسور و قهرمان امیدوارانه قواعد بازی حکومت را بر هم خواهند زد. عقل حاکم بر جامعه ایران عقل

جنون آمیز و زن ستیز مذهب و سنت عقب مانده
و بیمار اسلامی است. این عقل حاکم را مبارزات
زنان و مردان برابری طلب عوض خواهند کرد. فردا
بی شک خورشید ما طلوع می کند. شک نکنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

ژورنال